

ژوندون

وزارت اطلاعات و کلتور

A-P

77-938031



15521/0271yco

شنبه ۱۳ دلو ۱۳۵۸
۶ فروردین ۱۹۸۰

شماره ۲۹ - ۱۶

سال سی و یکم

Ketabton.com

شیت
استیدر و بیدار میخیز

قیمت یک شماره ۱۳ افغانی



متن بیانیه ملی و تاریخ بیک کما رمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدرا عظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره منشی سیاسی دولت که بتاریخ شش جدی ۱۳۵۸ انتشار یافت.

بسم الله الرحمن الرحيم

وطنداران رنجکشیده و مسلمان افغانستان اسلام علیکم !

مردان و زنان قهرمان کشور !

از همه اولتر اجازه دهید، تا قبل از ارائه منشی سیاسی دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف خود اینجانب بیک کارمل عمیقترین تأثرات و همدردیها، عظیم ترین احترامات و درودهای آتشین را بمناسبت رنجهای بیکران و اشکهای خونین شما، بمناسبت حبس و زندان، تبعید و مهاجرت های جبری، زجر و شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی، شهادت و کشتار جمعی ده ها هزار مردان و پسران ما، برادران و خواهران ما، دختران، پسران و کودکان ما که از طرف حقیقت الله امین میر غضب و بدستور مستقیم این جلال آیدیکش بعمل آمده به پیشگاه شما تقدیم بدارم. از سوی دیگر اعلام میگردد که حقیقت الله امین، این دشمن غدار الله و امین که بنام خدا و اسلام، بنام انسانیت و ملیت، بنام خلق و خلقی علیه خدا و اسلام، علیه انسانیت و ملیت، علیه خلق و خلقی و وحشیانه جنگید، این دشمن وطن و ضد ملی که اردوی آزادیبخش افغانستان را، بنفع دشمنان داخلی و خارجی پارچه پارچه کرد و پاره پاره کرد و سر باز آن، خورد شاهان، افسران قهرمان و جوانان ما را، هموطنان شرافتمند و زحمتکش ما را، به فجیعترین وضع به زندانبانها و کشتارگاهها فرستاد. حقیقت الله امین این نماینده (سی آی ائی) و جاسوس توطئه گر امپریالیزم امریکا، این خاین به وحدت حزب و دولت به قوای مسلح و انقلاب آزادیبخش شور، این قاتل و شیاد تاریخ که حتی در برابر شادروان نورمحمد ترهکی رهبر عزیز و بنیاد گذار شرافتمند حزب ما، نخستین منشی عمومی ح ۱۰ خ ۱۰ و نخستین رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان که نام بزرگش جاویدان باد! به میرمن بیمار، نجیب و دلیرش و به خانواده شریفش رحم نکرد، استقلال افغانستان را مورد معامله ارتجاع خارجی قرار داد و معادل هزاران میلیون ثروت ملی ما را غارت و حیف و میل کرد، غیرت و شرف و ناموس مردم غیور و بانگ افغان را مورد تحقیر و توهین قرارداد برای ابد از صحنه زندگی وطن محبوب مسان افغانستان محو گردید و بنابر طوفان خشم و نفرت خلق، قهر و غضب ملت در دادگاه عادلانه انقلابی خلق و مستضعفین افغانستان یکجا با چند

چاگرس بسزای اعمال طاغوتی و شیطانی خود رسیده و میرسد. هموطنان ستمدیده ! اکنون در این لحظاتی که بر اساس اراده اکثریت مردم افغانستان وارد مرحله نوبتی از انقلاب ملی و دموکراتیک کبیر شور، میشویم دوران تاخت و تاز و حاکمیت دودمان امینی ها، این مستکبرین و خائنان به خلق و وطن پایان رسیده و جبهه ملی پدر وطن برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با انگیزه به اراده اکثریت عظیم توده های مردم کشور و به کمک اردوی آزادیبخش افغانستان، بغاطر دفاع از دست آورد های بزرگ انقلاب کبیر و بر جلال شور، قدرت حاکمه را بدست گرفت. اکنون ما ایمان راسخ داریم، که انقلاب ما از عهده دشواریهای عظیم فعلی بر خواهد آمد. تاریخ مردم مادر این لحظات یکی از بزرگترین و شکست انگیز ترین چرخشی را انجام میدهد، که برای احراز آزادی و زندگی مستقل مردم ما، اهمیت عظیم و بی پایان دارد. این چرخشی است، از ظلم و وحشت بسوی خوشبختی، کار و زندگی صلح آمیز، این چرخشی است از مصائب و آلام بی پایان، از استبداد استعمارگران درنده خوی و استثمار گران خونخوار از جامعه مصیبت زدهی طراز استبداد آسیایی، بسوی آینده تابناک دموکراسی واقعی، آزادی و برابری ترقی و عدالت و ایجاد جامعه و افعا دموکراتیک چرخشی است از جنگ و نفاق داخلی بسوی صلح، بسوی اعتدالی وحدت ملی و برابری ملیتها، اقوام و صاحبان مذاهب مختلف خلقهای ما، اعم از پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن بلوچ، زرتستانی و غیره، و مذاهب ما، اعم از اهل تسنن و تشیع و دیگر مذاهب و قبایل دلیر ما، از اینجاست که بر اساس اراده آهنین مردم افغانستان اعلام میگردد که: تمام هموطنان مسلمانیکه در انسر ظلم و ستم حقیقت الله امین خون آشام، چه در خارج کشور پناه گزینند و یا در داخل، ناآگاهانه و یا انتقام جویانه، در انسر تحریکات استعمارگران و دشمنان داخلی و خارجی به برادر کشی مشغول اند، برادرانه و صادقانه دعوت میگردد که به سر زمین مستقل و صلحجوی پدری و مادری خود، افغانستان محبوب با تمام آزادی و اطمینان عودت کنند سلاحهای دشمن را بدون انقلابی و ملی خود تحویل دهند، به برادر کشی خاتمه دهند و داوطلبانه آرامش و مصونیت رادر کشور باز گردانند، دولت جدید انقلابی و ملی افغانستان، در حدود امکانات در تامین شرایط جبران خسارات مادی و معنوی تمام هموطنانیکه از ظلم و ستم امینی ها چون سنگ های زنجیری اش اسد الله

امین، عبدالله امین، خساره مند شده اند جدو- جبهه خواهد ورزید. همچنان به رهبران و کادر- های حزبی، به تمام ضابطان، ماموران نظامی و ملکی از بالا تا پایین و نو جوانان خلقی و وطنپرست که اشتغال بوظایف حزبی و دولتی دارند اطمینان داده میشود که در صورت وفاداری و همکاری با مرحله نوبتی انقلاب پر افتخار شور، به استثنای عده انگشت شمار چنانیکار امینی ها، دیگر تمام حقوق حزبی، دولتی، نظامی و معنوی آنان جدا رعایت خواهد گردید. اردوی آزاد بیخش و قهرمان افغانستان! به تبلیغات دروغین دشمنان باور نکند! دلیر و با انضباط از شرف و ناموس مردم وطن تان آگاهانه و فدا کارانه دفاع کنید! هموطنان رنجکشیده و غلاب دیده کشور! معلوم و آشکار است که بتاریخ ۷ ثور ۱۳۵۷ انقلاب ملی و دموکراتیک مردم افغانستان آغاز نهاد. پیروزی انقلاب شکوهمند شور، شریبه شدید و تکانه دهنده بر بیکر ارتجاع فیودالی، ارتجاع منطقه و امپریالیزم جهانی وارد آورد و دور نمای در خسانی را برای رهایی خلق زحمتکش وطن گشود و در اثر آن یک سلسله اصلاحات دموکراتیک و تحول انقلابی، اعم در- ساحه سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بنفع خلق افغانستان صورت گرفت. ولی با کمال تأسف بنابر اشتباهاتی، بخصوص بنابر رهبری توطئه آمیز و چنانیکارانه ضد حزبی ضد دولتی و ضد انقلابی و ضد انسانی حقیقت الله امین، در بسیاری جهات، حزب و دولت، در انحراف و گمراهی ها، در کوره راههای مهلك و عدلی، مطابق به خواست ارتجاع و امپریالیزم، سوق داده شد، که هر گاه اکنون نیروهای اصیل انقلابی و وطنپرست، ابتکار خلاق انقلابی را بتاسی از اندیشه های مترقی انقلاب پر شکوه شور در دست نگیرند امکان آن برده میشد که حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی وطن پر افتخار مان، افغانستان محبوب و صلح منطقه در خطر جدی قرار میگرفت و افغانستان بیک کشتار گاه ملیونها فرزند خود تبدیل میگردد. بدین جهت شورای جدید انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، خود را ادامه دهنده و تکامل دهنده آرمانهای والای انقلاب کبیر شور اعلام میدارد و وظیفه اولی خود میداند که انقلاب رهایی بخش شور را در صراط المستقیم سمت دهد، اشتباهات و خطاهای مهلك و غم انگیز را تصحیح و اصلاح نماید، فجایع را جبران کند و بحران رافع نماید.

دموکراتیک افغانستان بر بنیای تشکیل جبهه متحد ملی پدر وطن ما، به رهبری حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان (ح ۱۰ خ ۱۰) مؤلف بتامین و دفاع آنیاست عبارتند از: حاکمیت ملی، استقلال ملی، تمامیت ارضی دموکراسی واقعی، ایجاد سیستم دموکراتیک دولت و اداره، تحکیم بنیان قانونیت انقلابی دموکراتیک در حیات جامعه و دولت بسط و توسعه سازمانهای توده ای. در حالیکه وظیفه مستقیم ما، در شرایط کنونی «معمول داشتن» سوسیالیزم نیست، دولت جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان و طبقه تاریخی ملی خود میداند که: پایه های مترقی اجتماعی و سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان این دستاورد بزرگ انقلاب شور را بسط و توسعه و استحکام بخشد، انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی و ضد کفیر ادوری را به پیروزی نهایی برساند و در اولین فرصت ممکن وظایف مبرم زیرین را اجرا کند: ۱- اعلام آزادی تمام زندانیان سیاسی، که از دم ساپور حقیقت الله امین تپیکار، سر سلامت برده باشند و در شرایط لازم نفوقانون اعدام. ۲- لغو تمام مقررات ضد دموکراتیک و ضد انسانی، و منع گرفتار بیا، توقیف ها و تعقیبات خودسرانه و تفتیش منازل و عیال. ۳- احترام به اصول مقدس اسلام، آزادی وجدان، عقیده و مراسم مذهبی، حمایت از نظام کانون خانواده، رعایت اصل مالکیت قانونی، مشروع و عادلانه شخصی که عاری از استثمار استعمارانه اختلاس رشوه خوری، سود خوری، احتکار و تاجا قبری باشند. ۴- احیای امنیت و مصونیت فردی و اجتماعی آرامش و صلح و نظم انقلابی در کشور. ۵- تعیین شرایط سالم آزادی های دموکراتیک اعم از آزادی تشکیل احزاب مترقی و وطنپرست و سازمانهای توده ای یا اجتماعی، مطبوعات، تظاهرات، اجتماعات و نمایشهای خیابانی، تامین حق کار و تحصیل، تامین آزادی و معریت مکاتبات، مخابرات، مسافرت و مصونیت منزل. ۶- توجه و کمک جدی و بنیادی به نسل نوجوان و شاگردان مکاتب، محصلان و روشنفکران کشور بدون تبعیض. هموطنان گرامی! در حالیکه از بین بردن فقر مرض و عقب ماندگی اقتصادی جبل و بیسوادی، بیکاری و نابرابری، ستم ملی و اجتماعی در افغانستان، ایجاد یک اقتصاد مستقل ملی و تسریع آهنگ رشد اقتصادی، بر طبق پلان های علمی رشد اجتماعی، اقتصادی و از جمله تاسیس صنایع

«سیاست اصولی صلحجویانه، بر مبنای اصول بیطرفی مثبت و فعال و همزیستی مسالمت‌آمیز، از سیاست دفاع از صلح و دینتانت (تسنج زدایی)، از تعدیدسلاحهای ستراتژیکی هسته‌ای و خلق سلاح عام و تام از حقوق بشر و جنبش‌های آزادیبخش خلقهای تحت ستم، بمثابة يك عضو وفادار سازمان ملل متحد و کشور های غیر متعهد، پشتیبانی و پیروی میکند و تمام قرار داد های منعقد، میان افغانستان و کشور های جهان را رعایت و احترام مینماید و بانبروهای صلح دوست، دريك جنبه وسیع جهانی، علیه جنگ و جنگ طلبان، اسعمار کهن و اسعمارنو، امپریالیزم و صیونیزم، فاشیزم و راسیزم، اپارتاید و نژاد پرستی میرزند، و همبستگی بین المللی خود را با سیستم جهانی اصالت اجتماعی، جنبشهای جهانی کارگری و نهضت‌های آزادیبخش ملی و اجتماعی کشور های آسیا، افریقا و امریکای لاتین بسط و توسعه میدهد.»

مردم و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با رعایت کامل معاهده دوستی و همکاری مورخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸ مطابق به شانزدهم قوس ۱۳۵۷ که ماهیتا ضمان صلح و امنیت دائمی بقیه در صفحه ۶۸



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان

استقلال ملی و صنعتی ساختن کشور و اعتلای سطح زندگی توده های مردم اهداف عمومی انقلاب کبیر شور است - دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، در کوتاه ترین زمان ممکن وظایف اساسی زیرین را انجام میدهد.

در رشته سیاست داخلی :

اجرای مراحل بعدی اصلاحات ارضی دموکراتیک انهای بقایای مناسبات فئودالی، پایان دادن به تسلط تاجران خارجی و نمایندگی های انحصارات امپریالیستی بسط و توسعه بخش عامه در عرصه های اقتصادی، رهنمایی تشویق و حمایت اهل کسبه، زمینداران و تاجران کوچک و متوسط و سرمایه داران ملی دموکراتیک کردن بنیادی حیات سیاسی، اجتماعی و دستگاه دولتی رشد و تکامل زبانها و فرهنگهای ملی تمام ملیت ها و اقوام برادر افغانستان اجرای انقلاب فرهنگی برد نفوذ بقایای استعمار کهن، استعمار نو امپریالیزم در تمام عرصه .

در رشته سیاست خارجی :

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، از



دوکور صالح محمد زبیری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی



نور احمد نور عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی و عضو هیات رئیسه شورای انقلابی



سلطانعلی کتتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی معاون شورای انقلابی معاون صدراعظم و وزیر امور پلاننگاری



اسدالله سروری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم



دگرمن گل آقا عضو هیات رئیسه شورای انقلابی



دگرمن محمد اسلم وطنجار عضو هیات رئیسه شورای انقلابی و وزیر مخابرات



جنرال عبدالقادر عضو هیات رئیسه شورای انقلابی



دوکور اناهیتا رآب زاد عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی و وزیر تعلیم و تربیه



دستگیر پنچشیری عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی

اساس مصوبه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، مورخ ۸ جدی ۱۳۵۸، بعمل آورد :

اصفا ورق بزید
صفحه ۳

بیرک کارمل، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل جلسه داد و تصاویر را بر

پلینوم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. تصاویر مهمی اتخاذ نمود

مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در تالار عمارت چهلستون تحت ریاست

ساعت پنج بعد از ظهر روز بیست جدی ۱۳۵۸ پلینوم (مجمع عمومی) کمیته

کمیته مرکزی ح.د.خ افغانستان

اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی

ح.د.خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا :

- ۱- ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
- ۲- اسد الله سروری .
- ۳- انا هیتا راتب زاد .
- ۴- سلطانعلی کشتمند .
- ۵- صالح محمد زیری .
- ۶- غلام دستگیر پنجشیری .
- ۷- نور احمد نور .

اعضای دارالانشای کمیته مرکزی

ح.د.خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا :

- ۱- ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
- ۲- صالح محمد زیری .
- ۳- نور احمد نور .

اعضای اصلی کمیته مرکزی

ح.د.خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا :

- ۱- ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
- ۲- اسدالله سروری .
- ۳- امتیاز حسن .
- ۴- انا هیتا راتب زاد دو کتور .
- ۵- حبیب الله منگل، دو کتور .
- ۶- خلیل الله ، جگرن .
- ۷- راز محمد پکتی، دو کتور .
- ۸- سلطان علی کشتمند .
- ۹- سید محمد گلاب زوی .
- ۱۰- شاه محمد دوست .
- ۱۱- شیر جان مز دوریار، دو کتور .
- ۱۲- صالح محمد زیری، دو کتور .
- ۱۳- عبدا لرشید آرین .
- ۱۴- عبدا لظهور رز مجو ، انجنیر .
- ۱۵- عبدا لقادر ، جنرال .
- ۱۶- عبدا لقیوم نورزی .
- ۱۷- عبدا لمجید سر بلند .
- ۱۸- عبدا الوکیل .
- ۱۹- غلام دستگیر پنجشیری .
- ۲۰- فدا محمد دهنشین .

وهم در شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان، عضویت حاصل
نمایند و در زمان لازم، بر تعداد
اعضای غیر حزبی شورای
انقلابی افزایش بعمل آید .
درا دارة امور دولت ،
تمام اشخاص با تجربه و
پاک، متخصصان و دانشمندان
ورو شنفکران غیر حزبی،
بدون تبعیض ، و سبباً
جلب شوند .

مقامات رهبری حزب دمو-
کراتیک خلق افغانستان
ودولت جمهوری دموکراتیک
افغانستان، باتمام اشخاص،
محافل وسازمان های ملی
ودموکراتیک، ترقیخواهان
اسلامی وروحانیون وطنپرست
مطابق به خط مشی حزب
ودولت، مذاکرات دوستانه
را آغاز نمایند . حزب و
حکومت، بمنظور تأمین
آزادی وامنیت مردم، احیای
صلح و آرامش در کشور ،
وایجاد شرایط کار صلح
آمیز برای مردم و همچنان
بمنظور امحای تجاوزات
تروریست ها، قطاع الطریقان
،راهزنان و آدم کشان ومتجانب
وزان ارتجاع امبر یا لیستی
ونوکران دشمنان استقلال
ملی، حا کیمیت ملی وتما میت
ارضی کشور و دشمنان
ضد مرحله نوین انقلاب کبیر
نور، تمام تدابیر لازم را
اتخاذ نمایند .

برای هموطنانیکه بنا بر
ظلم وستمگری باند امین وامینی
ها از وطن بخارج رفته اند،
شرایط بازگشت مصنون
به وطن تدارک دیده شود .

۱- اسمای اعضای اصلی وعلی-
البدل کمیته مرکزی اعلام
شود .

۲- اسمای اعضای دفتر سیاسی
کمیته مرکزی اعلام گردد .

۳- اسمای اعضای دارالانشاء
کمیته مرکزی اعلام گردد .

۴- اسمای اعضای جدید حکومت
جمهوری دموکراتیک
افغانستان، که از طرف
کمیته مرکزی نامزد شده اند
پس از تصویب شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان اعلام گردد .

۵- اسمای اعضای شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان اعلام شود .

۶- اسمای اعضای هیات رئیسه
شورای انقلابی بار دیگر
اعلام گردد .

در جلسه پلینوم کمیته
مرکزی فیصله بعمل آمد که
مطابق به اصول ومواظین
اساسنامه وبرحسب شایسته
یستکی در شرایط لازم ،
کمیته مرکزی، دفتر سیاسی
کمیته مرکزی ودارالانشاء
کمیته مرکزی حزب دموکرات-
یک خلق افغانستان
وهمچنان شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک
افغانستان، با انتخاب و
انتصاب اعضای جدید توسعه
یابند .

در شورای انقلابی و
حکومت جمهوری دموکراتیک
تیک افغانستان ودر دستگاه
اداره دولت، تناسب لازم از
لحاظ جبهه ملی پدروطن جدا
رعایت گردد .

در قدم اول، بحیث مقدمه
کار جبهه، سه عضو غیر-
حزبی- وزرای زراعت، تجارت
وصحت عامه- هم در حکومت



عبدالکامیل وزیر مالیہ



نگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی



سید محمد الالبزوی وزیر امور داخلہ



شاہ محمد دوست وزیر امور خارجہ



نگرمن شیرچان وزیر ترانسپورت



نگرمن فیض محمد وزیر سرحدات و قبائل



عبدالمجید سربلند وزیر اطلاعات و کلتور



عبدالرشید آرین وزیر عدلیہ



انجیبیر نافر محمد وزیر فواید عامہ



گلداد وزیر تعلیمات عالی



انجیبیر محمد اسماعیل دانش وزیر معادن و صنایع



داکتر راز محمد یکتین وزیر آب و برق



یوہاند محمد ابراہیم وزیر صحت عامہ



محمد خان جلال وزیر تجارت



فصل الرحیم مومند وزیر زراعت و اصلاحات ارضی



بيرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيک خلق افغانستان، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دموكراتيک افغانستان، هنگام ایراد بيانيه در مراسم پانزدهمين سالگرد تاسيس حزب دموكراتيک خلق افغانستان .

متن بيانيه بيرك كارمل بمناسبت پانزدهمين سالگرد حزب دموكراتيک خلق افغانستان

متن بيانيه انقلابي بيرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب واحد دموكراتيک خلق افغانستان، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دموكراتيک افغانستان، بمناسبت پانزدهمين سالگرد تاسيس حزب واحد دموكراتيک خلق افغانستان.

بسم الله الرحمن الرحيم

رفقاي عزيز!

درست پانزده سال قبل در اين روز حادثه مهمني در کشور ما بو وقوع پيوست، حزب واحد دمو كرا تيك خلق افغانستان با تشكيل نخستين كنگره آن در راسش شادروان (نور محمد تره كي) بخاطر امر بزرگ نجات طبقه كارگر و تمام توده هاي مورد ستم و سعادتمند ساختن انسان زحمتکش وطن درين روز بنياد گذاشته شد.

حزب دمو كرا تيك خلق افغانستان بمنابه مدافع راستين منافع زحمتكشان کشور در عرصه پيكار طبقاتي راه خود را به پيش گشود و امکان تطبيق خلق ايديالوژي رهائي بخش طبقه كارگر را در شرايط مشخص جامعه ما

بوجود آورد .

كار و پيكار خستگي نا پذير حزب واحد دمو كرا تيك خلق افغانستان اين سلاح بران زحمتكشان دورا ن ساز کشور در عرصه مبارزه عليه ارتجاع و امپرياليزم و بخاطر پايان بخشيدن به تسلط جهنمي طبقات و اقشار حاكم استثمارگر در جامعه ما، در عرصه جلب متحدين طبقاتي طبقه كارگر کشور، در عرصه مبارزه بخاطر دمو كراسي، ترقی و عدالت اجتماعي، در عرصه تطبيق و تحقق آزاد يهاي اجتماعي و ملي كه باهم پيوندناگسستن دارند حايز اهميت عظيم و پر بها است .

حزب دمو كرا تيك خلق افغانستان طی تاريخ پانزده

ساله خو يش از مرا حل گونا گوني گذشته و تجارب فرا واني در عرصه هاي مختلف مباحثات اجتماعي و سياسي، سازماني وايديو-لوژيك كسب کرده است . طی اين سالهاي جو شان مبارزه عليه ارتجاع و امپرياليزم بخاطر استقلال و دمو كراسي و در راه بيدار-

کردن و متشكل ساختن مردم و حزب دمو كرا تيك خلق افغانستان به پيروز يهاي بزرگي دست يافته و به مشكلات عديده اي بر خورده است، مساعي براي تامين وحدت رهبري و سازماني حزب كه در سال ۱۳۵۶ بموفقيت انجاميد، حادثه مهمني در تاريخ پر از نشيب و فراز حزب ماست كه زمينه هاي بسيار مساعدي براي فعاليت انقلابي در کشور بوجود آورد، وحدت حزب دمو كرا تيك خلق افغانستان به بزرگترين و عمده ترين منبع پيروزي هاي بعدي آن مبدل گرديد .

طی يك دهه و نيم حزب دمو كرا تيك خلق افغانستان به محور اساسي پيكار انقلابي بخاطر تغيير انقلابي جامعه ما تكامل يافت، حزب رسالت

عظيم خود را در امر تدارك و رهبري انقلاب ظفر مندملي و دمو كرا تيك در شوروي، انقلاب كبير تور مو ففانه بسر رساند و بد ينقصرار تيوري انقلابي را با عمل انقلابي بطور خلاق بيوند داد.

انقلاب شكو همند تور و تحول بر جسته و مهم انقلابي اخير كه انقلاب مارا بمر حله تكامل يافته نوين وارد كرد بانام و كار خلاق حزب دمو كرا تيك خلق افغانستان پيوند ناگسستني دارد .

اين يك حقيقت در خشان است كه انقلاب ظفر آفريسن تور نمیتوانست بدون شركت وسيع همه جانبه حزب و ديگر نيرو هاي ملي و دمو كرا تيك در امر تدارك و اجرائي آن به پيروزي برسد،

نو آوری خلاق اخیریکه بخاطر وارد کردن انقلاب ملی و دموکراتیک ما، پیر حله نوین کیفی و تکامل یافته انقلابی آن به ظهور پیوست، اهمیت و نقش حـزب دموکراتیک خلق افغانستان را، برجسته تر و درخشانتر ساخت. تحولات اخیر در کشور شواهد انکار ناپذیر و نوینی است که حقانیت و اصولیت و حقیقت حزبی ما را به اثبات میرساند. اهمیت حیاتی حزب ما در آنست که منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور و تمام طبقات و اقشار دموکراتیک ملی را بنحو دقیق و عمیق منعکس میسازد و دریک جنبه وسیع ملی پدر وطن راه ترقی اجتماعی را هموار میکند و امکانات آنرا بوجود می آورد که به تمامی مسایل حاد و بفرنج اجتماعی مرحله کنونی تکامل جامعه ما پاسخ مثبت داده شود و پرا بله های زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور یکی پی دیگر حل و فصل گردد، پروگرام مرحله نوین تکامل انقلاب ثور در معرض اجرا قرار گیرد و هرچه زودتر شرایط کار صلح آمیز امنیت و آزادی واقعی و دموکراسی آماده گردد.

جامعه ما بسر کردگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راهی پیش خواهد رفت که تبحر به درخشان کشور های پیشرو عصر ما نشانداده است.

تحول جامعه ما بسوی پیشرفت و ترقی در جهت صنعتی کردن کشور، جمعیت کردن زراعت و انجام انقلاب فرهنگی و وظیفه اساسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که آنرا دریک جنبه وسیع به شایستگی انجام خواهد داد و باید هم رفقای پیکار جو!

اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرار

گرفته دفاع از انقلاب در برابر ضدا انقلاب داخلی و مدافعان خله گران امپریالیستی است و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پیشاپیش این مبارزه قهر مانانه و شجاع و دلیر قرار دارد.

نیرو های ارتجاع و امپریالیزم، این دشمنان واقعی و اصلی استقلال ملی و منافع حیاتی کشور ها و خلقها، اکنون از هیچ تلاش و تقلانی خود داری نمیکنند تا واقعیات را در کشور ما دگرگون جلوه نگردانند، و بهانه جدیدی برای تشدید مداخلات خود در امور داخلی کشور های منطقه واز جمله کشور ما بدست آورند.

نیرو های امپریالیستی در رأس امپریالیزم امریکا و هوا داران سیاست ارتجاعی آن در منطقه ماکه از آغاز پیروزی انقلاب کبیر ثور مدبو خانه تلاش ور زیده اند تا بطرق گوناگونسی جنبش آزادیبخش خلق ما را مختنق سازند و راه پیشرفت و ترقی کشور ما را سد کنند.

امپریالیزم به موازات ایجاد تحریکات ارتجاعی مداخله گرانه و سیاست تهاجمی و تجاوز کارانه خود در کشور مادر پی آن بود تا دست آورد های انقلابی خلق ما را توسط عمال و جواسیس خود که در درون نفوذ داده بود تخریب نماید ولی سپاسگزار از برخورد هشیارانه حزب، خلق و کمک های بیشائبه مادی و معنوی دوست و اقعی راه پیشرفت و ترقی، آزادی و استقلال ملی کشور ما، اتحاد شوروی و کمک به هنگام برادرانه آن که این توطنه های دشمنان خارجی افغانستان خنثی گردید، اکنون امپریالیزم و وابستگان آن با گرفتن چهره حق بجانب در واقع به خاطر بر افتادن رژیم فاشیستی حفیظ الله امین خاین و خونخوار و مرگ این جاسوس سا بقمه دار

امپریالیزم امریکو امینی های جنا یتکارش گریه و نوحه سرایی میکنند، رهبران کشور های امپریالیستی و سگهای زنجیری آنها به سر دمداری آقای کارتر با اظهارات مداخله گرانه و تلاشهای تب آلود خویش صریحا در امور داخلی ما مداخله مینمایند، مگر میتوانند پنهان کنند که هم اکنون به چه مقیاسی مصروف تدارک برای تجاوز به حقوق آزادی و استقلال خلق ها و کشورهای مختلف جهان هستند؟ و نیرو های ارتجاعی ضد پیشرفت و ضد ترقی را در نقاط مختلف جهان واز جمله در کشور ما مسلح میسازند، آقای کارتر ماشین خون آشام امین این توطنه گر رسوا و جاسوس سیا را (حکومت رسمی) و قانونی و شخص او را بنام رئیس جمهور افغانستان یاد کرده است واز حفیظ الله امین چون فرزند وفادار امپریالیزم امریکا دفاع میکند، وضع کار ملارو شن است.

نیرو های امپریالیستی و ارتجاع منطقه، از امین و بناند تروریستی وی بصراحت دفاع مینمایند و باینوسیله خود را شریک جرم یک قاتل حرفه ایی که دهها هزار تن از وطن پرستان و هموطنان مسلمان ما را به شهادت رسانده است نشان میدهند.

بنابه سیاست خارجی صلح آمیز ماست که در باره همسایگان خویش ایران، پاکستان و چین و همچنان برخی کشورهای عربی و مسلمان علی الرغم هر گونه تحریکات محافل ارتجاعی حرفی نمی گویم ولی تعجب آور است که چگونه صدا های این کشور ها با صدای امپریالیزم امریکا و دیگر کشور های امپریالیستی دریک جنبه هماهنگ گردیده است؟

به قاطعیت و با اطمینان کامل میتوان گفت که مساعی حلقه های امپریالیستی و ارتجاعی ضد انقلاب ما برای

واژگون جلوه دادن تغییرات مثبتی که در زندگی خلق ما و در کشور ما اخیراً بوقوع پیوسته است به شکست کامل مواجه میشود، اکنون خلق کشور ما هدف تبلیغات زهر آلود امپریالیستی و وابستگان آنرا بدرستی تشخیص میدهند و وطن پرستان و هوا داران راه ترقی و پیشرفت، دموکراسی و استقلال ملی در باره تحول انقلابی اخیر در کشور و در باره مناسبات دوستانه و برادرانه حسن همجواری که بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و همسایه بزرگ شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی و همچنان بادیکر کشور های برادر صلحدوست موجود است مطابق به منافع و مصالح توده های مردم ما ارزیابی مثبت دارند.

مناسبات عمیق دوستانه و برادرانه که بین کشور ها و خلقهای جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی موجود است و همکاری بهاو کمک های بزرگ و بی شائبه اقتصادی و تخنیک، سیاسی و نظامی اتحاد شوروی که از سالهای طولانی باینسو بمنظور پیشرفت و ترقی، دفاع از دموکراسی استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور ما مبذول میگردد پیوسته با قدردانی از پشتیبانی وسیع مردم ما بر خوردار بوده و می باشد.

باین جهت ارائه پاسخ مثبت از جانب اتحاد شوروی به مطالبه دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان مثبتی بر اعطای کمک های سیاسی و معنوی به شمول کمک های عاجل نظامی مطابق به معاهده دوستی و حسن همجواری مورخ ۱۴ قوس ۱۳۵۷ مطابق ۵ دسمبر سال ۱۹۷۸ بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی به عکس العمل مثبت و فوق العاده مساعد خلق شریف و آزاده ما مواجه گردیده است.

پیروزی انقلاب ملی ودموگرا تیک نور درسزمین باستانی ما مورد پشتیبانی و استقبال بیدریغ توده های وسیع خلق مسلمان تمام ملیتها واقوام ساکن کشور پرافتخار ما قرار گرفت . انقلاب نور بنا بر ما هیئت عمیقاً ملی ودموگراتیک خود مظهر نیرو مند اراده توده های مسلمان خلق کشور در راه ایجاد عدالت واقعی اجتماعی و گام عظیم در راه بر آورده شدن آرزو های دیرینه مسلمانان پاکسرشت کشور ما بود . این انقلاب رسالت نجیبانه دفاع از مردم مظلوم و توده های زحمتکش ومؤمن مسلمان را به عهده داشت . از آنجائیکه منافع توده های وسیع مردم با خواسته ها و نقشه های استثمارگران جهانی در تضاد

نظر داشت تا از نزدیکی بین خلقهای افغانستان ، ایران وپاکستان جلو گیری نماید ومیان خلقهای مسلمان و شرافتمند این کشور ها که دارای پیوندهای عمیق تاریخی ، فرهنگی و مذهبی اند ، نفاق ایجاد نماید ، امین جلاد با دامن زدن آتش اختلافات نژادی ، قومی ، زبانی ومذهبی میخواست انقلاب نور را در انظار جهان لکه دار وبد نام سازد . در تحت رژیم امین موجی از خون واشک کشور ما را فرا گرفته بود ، طبق مشوره امیر یا لستهای امریکایی امین ابلیس صفت وهمکاران جنایت پیشه اش به ترور خونین علیه مسلمانان صادق پرداختند ، روحانیون شریف و دانشمندی را که از اندیشه ها واهداف انقلاب پشتیبانی

کنند ، جنایتکاران امینوسی باروی دست مرفتن پلان های تبعیضی ایکه از نهاد ابلیسی شان حکایت میکرد در پی امحای دستجمعی گروه ها و خلقهای مسلمان کشور بودند ، از جمله روشی را که آنان در برابر مردم شرافتمند مسلمان شیعه و برادران زحمتکش وطنپرست و دلیر هزاره ما در پیش گرفتند و روحانیون و علمای اهل تسنن را تار ومار کردند ، برای همیشه در دل تاریخ کشور ما به سان لکه ننگی به دامان امین جاسوس وخاین باقی خواهد ماند . بعد از حوادث انقلابی ماه جدی که به سلطه مطلقه وخونین امین ویا ران جهنمی اش پایان بخشیده شد و انقلاب نور تحت رهبری حزب دموگراتیک خلق افغانستان

منافع و مواضع غارتگرانانه و تجاوزکارانه خود علیه استقلال ملی ، حاکمیت ملی وتما میت ارضی کشور ما و علیه آزادی خلقهای مستضعف مسلمان کشور ما توطئه و دسیسه میکنند ، این دشمنان سوزگند خورده مردم ما در برابر مقدسات اسلام به بی حرمتی میپردازند و در کوشش هستند دین مقدس اسلام را بوسیله ای جهت دستیابی به اهداف شوم جهنمی خود به نفع امپریالیزم ودشمنان اسلام قرار دهند ولی خلق های شریف کشور داغرد بر جبین این ابلیس های نقاب پوش خواهد کوبید . در تحت چنین شرایطی که امپریالیزم ، شوونیسم چینو تمام نیروهای سیاه ابلیسی مرتجع منطقه در برابر منافع ملی وتوده های وسیع خلق

پیام هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به خلقهای مسلمان افغانستان و جهان

بنیادی است ، امپریالیزم جهان نغوار امریکادرسازش با رهبری چینی وارتجاع داخلی ومنطقه بخاطر دشمنی با مردم کشور ، با مردم مسلمان کشور ما دست به تحریکات وتوطئه ها زدند وبوسیله جاسوس مشهور سی، آی، ای، امریکا ، حفیظ الله امین خون آشام و دد صفت به عملی نمودن نقشه خود در جهت سرکوبی انقلاب ، مجودست آوردن های انقلابی ووطن پرستانه آن و جلو گیری از پیروزی نهایی انقلاب برداختند . امپریالیزم امریکابه کمک جاسوس ابلیس صفت وجبار خود حفیظ الله امین و دیگر متحدین و چاکران خود در

میکردند تحت تعقیب ، شکنجه وآزار قراردادند آنها را جسماً و روحاً در هم شکستند وبالاخره به کشتار وسیع بیسابقه و ظالمانه بر علیه آنها دست زدند ، مسجد ها ، مدرسه ها وتکیه خانه ها از وجود علمای شریف روحانی تهی گردیدند ، جامعه روحانیت در عزای سهمگین نشسته بود . در کنار این جنایات هولناک و حیوانی امین خابین ودار و دسته خونخوار او برای پیشبرد اهداف ضدملی ضد دموگراتیک وضد ترقی خود از ایجاد تفرقه در میان ملیتها ، اقوام و گروه های مذهبی کشور ما کار می گرفتند آنها میخواستند هموطنان را بر علیه همدیگر استعمال

با تکیه مردم مسلمان افغانستان و به کمک اردوی قهرمان کشور در مسیر تکامل اصولی خود قرار گرفت ، ده ها هزار مسلمان شریف ومومن وطن آزاد شدند وایدالها واهداف انقلاب احیا گردید . با پیروزی مرحله نوین در تکامل انقلاب نور ارتجاع بین المللی ، امپریالیستهاو در راس امپریالیزم امریکا بکمک شوونیسم چین ودیگر نیرو های ارتجاعی منطقه که نقشه های شوم خود را بر باد شده دیدند از وجود عده از مسلمانان افغانستان که از طرف دشمنان مردم ما فریب خورده اند سوء استفاده مینمایند وحدت مسلمانان را بر هم میزنند وبر اساس

مسلمان کشور ما صف بندی نموده اند حکومت افغانستان مجبور بود از اتحاد شوروی دوست صمیمی و صدیق خلق مسلمان افغانستان تقاضای کمک نماید واتحاد شوروی با کمک صادقانه به موقع ، بیش از نهب و برادرانه خویش تابست ساخت که دوست صمیمی خلق مسلمان افغانستان وهمه مسلمانان جهان برای دفاع از استقلال ، آزادی وحاکمیت خلقها و ملل مظلوم میباشد ، مسلمانان افغانستان ورود قوای محدود نظامی اتحاد شوروی را که برای دفع تجاوزات خارجی حاکمان امین وامینی ها دعوت شده اند وفوراً پس از مخو خطر خارجی از کشور خارج خواهند شد

بقیه در صفحه ۴۳

اقتصاد افغانستان

دارودسته فاشیستی حفیظ الله امین این خائن به خلق و وطن عزیز ما افغانستان سقوط کرد و حاکمیت امینی های جنایت کار به پایسان رسید .

بیرک کارمل از طرف کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان به حیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان انتخاب شدند .

•••

پالزد همین سالگرد تأسیس حزب واحد پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان بعد از ظهر ۱۱ جدی طی جلسه مشترک کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان و هیات رئیسه شورای انقلابی ، اعضای حکومت و بعضی از فعالین حزبی در تالار عمارت چهلستون تجلیل گردید .

•••

گروه های بزرگی از زندانیان سیاسی در کابل که اژدم تیغ امین جلاد جان سلامت برده بودند از ششم جدی تا شانزدهم جدی از مجلس پلچرخ و ولایات در حدود شش هزار تن رها گردیدند .

•••

امین جلادوسفکده ها هزارتن از روشنفکران روحانیون کارگران ، کسبه کاران و زحمتکشان دیگر ، انجیران دانشمندان ، اطباء ، نویسندگان و شخصیت های سیاسی و اجتماعی کشور بشمول عده از وزراء و صد اعظم سابق واز جمله بیش از هزار تن از اعضای قهرمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که باز داشت و زندانی کرده بود سر به نیست کرده و به شهادت رسانده است .

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی خواهد کرد تا چایکه اسناد در دست است قهرستی از کشته شدگان و شهدا را به نثر بیاورد .

•••

ومن قتل مومنا متعدد فجاء چمنم .
د افغانستان د دموکراتیک جمهوری دولت د مخکینی فیصلی اعلامی او خبرتیا له مخی .
زموږ رنځید لو ، کړیدلو خلکو نارینه وو که ښځی د جدی په ۲۳ نیټه په جامع جومال تونو او ښاری سالونو کی په ټول هیواد کی دملی ماتم او خواخوږی او فاتحی اخیستلو مراسم په ځای کړل .

•••

د افغانستان د خلکو د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته عمومی منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم بیرک کارمل د جدی په ۲۵ نیټه د انقلابی شورا د مرکز په تالار کی د بهرنیو بین المللی خبری آژانسونو ، رادیو تلویزیون او جریډو یوشمیر زورنا لیستان او استازی د مطبوعاتی مرکزی له پاره و منل .

•••

جلسه مشترک بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالیکه وزرای دفاع و داخله نیز شرکت داشتند روز ۲۷ جلی ۱۳۵۸ در مقر ریاست شورای انقلابی (ارگ) در آنجست



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شوای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگامیکه به سوالات زور نساستان کشورهای دوست پاسخ میدهند .

ریاست بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان انعقاد یافت .

•••

د بهرنیو چارو وزارت د اطلاعاتو مدیریت خبر راگوری د افغانستان دخلکو د دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته عمومی منشی د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم بیرک کارمل د جدی په ۳۰ نیټه له غرمی وروسته په پنځو بجو په کابل کی دمنگولیا د خلکو د جمهوریت لوی سفیر جلالتماب مینگل جاونډاش د انقلابی شورا ریاست په مقر کی دپیرزد گلوی کتنی لپاره ومانه .

•••

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر میدهد امثالله سروری معاون ریاست شورای انقلابی و معاون صدراعظم ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۳۰ جلی باجلا تماب دیزوکیش سفیر کبیر جمهوری خلق هنگری مقیم کابل وساعت دوی بعداز ظهر باجلا تماب زئیک کارملینا سفیر کبیر جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا مقیم کابل در مقر صدارت ملاقات های تعارفی بعمل آورد .

طبق خبر دیگر مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه سلطان علی کشتمند معاون ریاست شورای انقلابی ، معاون صدراعظم و وزیر امور پلانگداری ساعت له ولیم قبل از ظهر ۳۰ جلی باجلا تماب دیزوکیش سفیر کبیر جمهوری خلق هنگری در کابل وساعت دوتیم قبل از ظهر باجلا تماب مینگل جاونډاش سفیر کبیر جمهوری خلق افغانستان مقیم کابل در مقر صدارت ملاقات های تعارفی بعمل آورد .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت پنج عصر دوم دلو جلا تماب ادوارد پراجی سفیر کبیر جمهوری مردم پولند در کابل را جهت ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی پذیرفتند .

•••

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر چهار دلو هیات سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا را در تالار مقر شورای انقلابی ملاقات کردند .

بیرک کارمل ضمن اظهار تشکر از اعلام پشتیبانی سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا با انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین آن گفتند از مطالعه ، ارزیابی و نتیجه گیری عینی و علمی که شما از انقلاب ثور ، حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان طی چند روز اقامت در کابل بعمل آوردید صمیمانه تشکر می کنیم .

•••

بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جلسه تاریخی ۴ دلو ۱۳۵۸ خویش که تحت ریاست بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان دایر گردید منجمله مصوبات دیگر فیصله نامه زیرین را بعمل آورد که به غرض آگاهی و اجراء آن اعلام میگردد .
تمام لوحه ها ، تابلوها ، شعارها و نوشته

هایکه در جاده ها ، چار راهیها در داخل و خارج عمارت و ادارات دولتی و خصوصی در سر تاسر کشور نصب ، حک ، نقاشی و تحریر گردیده است و اغلب آنها خصوصیت جبروا له داشته و با مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک ما مطابقت ندارد جمع و زایل گردد .

در صورتیکه در آینده ضرورت به نصب و تحریر شعار ها احساس گردد در تحت نظر کمیسیون ثوری و تبلیغات کمیته مرکزی حزب مطابق به ضرورت و مرحله کنونی تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک ثور تصامیم لازم اتخاذ خواهد شد . همچنان تمام فوتو های رهبران حزبی و دولتی کشور اعم از گذشته و موجود هر گاه در ادارات دولتی و خصوصی در سر تاسر کشور نصب و تعلیق شده باشد بائین گردیده و جمع آوری شود .

بر اساس این فیصله نامه بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب تمام ادارات و مقامات مربوطه حزبی و دولتی اقدام ورزند .

•••

سه شنبه نهم دلو ۱۳۵۸ هـ ش مطابق به دوازدهم ربیع الاول ۱۴۰۰ هـ قی مصادف با روز مولود مسعود حضرت سرور کائنات محمد مصطفی (ص) پیامبر بزرگ عالم اسلام بوده و از این روز خجسته و میمون مردم متدین و مسلمان مادر سر اسر کشور تجلیل بعمل آوردند .

به مناسبت تولد مسعود حضرت محمد رسول الله (ص) بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم ، میعاد باقی مانده حیس ۴۸ نفر از مجوسین و محبوسان جنایی مرکز و ولایات کشور را مورد غنو قرار دادند .



«سوزد نری تولو مسلمانانو ته دوستی او وری لاس و ر غزوو او هغوی ته دسولی او آزادی ، خپلواکی او ترقی او ټولنیز عدالت ، وروزی او برابری لپاره د گډی مبارزی بلنه وړ کوو.»
«ببرك كارمل»

شنبه ۱۳ دلو ۱۳۵۸ - ۲۴ فبروری ۱۹۸۰

« آزادی، ای طلوع مقدس! »

آنچه که گرامی تر و عزیز تر از همه از زشپهای جهان در نزد بشر و حتی سایر زنده جانها مقام و منزلت شامخی دارد و هر چه را در پای آن میریزند همانا نام مقدس آزادیست. آری! انسان این آرزو و آرمان مقدسش را با خونش ، با جانش ، و با رگ و پوو ستش میخواهد و در راه حصول آن هیچ مانع و مشکلی را نشناخته و بی باکانه به پیش میرود و هر گونه سندی را ولو سد سکندر هم باشد خورد و خمیر می سازد . چنانچه در دراز نای تا ریش - بشریت ، شیفتگان این راه انسا - نیت برای بر آورده شدن این آرزوی انسانی از هیچ چیز نهرا سیده و با استواری و پایمردی هر چه تما متر و تز لزل نا پذی ر به پیش رفته اند و هر گونه موانع را سیل آسا از سر راه شان رو فته و به سر منزل مقصود رسیده اند ، که ما منجمله مثالهای زنده این مدعای ما سرا در کشور قهرمان پرور و زنجیر شکن خود مان افغانستان میتوان یاد آور شد و آن اینکه خلق آزاده و قهرمان مانه تنها هیچگاه و در هیچ زمانی در برابر دشمنان آزادی و کرامت انسانی سر تسلیم خم نکرده و به کرنش و تضرع نیر داخته اند بلکه شجاعانه در برابر آنها رزمیده و برج و پاره آنانرا ب خاک یکسان نموده اند که قیام دلیرانه و آزادی بخش ۱۹۱۹ خلق رزمنده افغانستان را در برابر استعمار انگلیس و انقلاب شکوهمند نور را در برابر چاکران و ریزه خواران استعمار بحیث مثالی از ده ها مثال میتوان یاد آور شد .

ولسی متا سفا نه گامی ایسن خواسته بر حق و انسانی خلق مارا - استعمار گران انگلیس و امپریا - لستان جهانخوار امریکا دستخوش تلاشهای مذبو خانه و غیر انسانی خویش نموده و برای بر آور دن مقاصد شوم استعماری و امپریالستی

با ایجاد تفتین و تو طئه و با بکار بستن نیرنگهای محیلانه ، اجنت - هایشانرا در لباس خادم به خلق که در واقع خاین بخلق بوده اند - فرستاده و کوشیده اند تا بدانوسیده سر نوشت خلق ما را در چنگالهای پلید خود داشته باشند . هنوز تلخی خا طرات زهر آلود سقوط دوره امانی و رویکار آوردن حبیب الله و به تعقیب آن بس - قدرت رساندن خاندان نا دری توسط استعمار انگلیس ، خلق مارا اذیت میکرد که امپریا لیزم جهانخوار امریکا نماینده راستین و چاکر گوش بفرمانش و «امین» سی، آی، ای آن حفیظ الا مپریا لیزم را در کشورتازه از بند رسته ما بخدمت گماشت تا اهداف والای انقلاب شکو همند نور رابه پیراهه بگشاند و خلق آزاده افغانستان سر بلند را به انواع مصایب رو برو سازد، زجر و شکنجه بدهد، در باستیل مرگبار پلچرخی بیاندازد و بالا خره سر به نیست نماید .

اکنون که خلق رنج کشیده ما با رهبری صادقانه و یورش بسی امانش دژ های استبدادی امین خون آشام را از بیخ و بن برکنند و چشم امید ارتجاع و امپریا لیزم جنایتکار امریکار ا کور ساختند ، تصا دفی نیست که نو حه گران امپریا لیزم امریکا و متحد ینش ضجه و نا آه سر داده و اشک تمساح میریزند و آفتاب را به دو انگشت می پو - شانند (!) زیرا آنها نه تنها «امین» خود را از دست داده اند بلکه آرزو و امید شان بگور رفته و به امید های بر باد رفته شان حق دارند بگیرند .

پس بجاست که نمی بینند که با مر حله نو ین انقلاب نور در های زندانهای مر گبار امین خونریز و باند جنایتکارش بر روی همه زندانیان سیاسی آنها بدون در نظر

داشت مو قفهای طبقاتی، نژادی، مذهبی، اید یا لوزیکی و غیره درهم شکست و هزاران ، هزار زندانی بیگناه آزاد شدند و به فامیلهای منتظر و چشم براه شان پیوستند . بجاست که آنها نمی بینند که با از میان رفتن امین، احساس مصونیت در کشور احیای مجدد یافت .

بجاست که آنها نمیدانند که دیگر در کشور ما ترور، اختناق ، تعقیب و آدم کشی بادر گور شدن امین در گور شد .

باید اظهار داشت آنچه که این دشمنان آزادی و کرامت انسانی را از راه انسانیت کشیده است همانا آز بی پایان و ولع تسکین نا پذیر این چپا و لگران و تا را جگران هستی خلقهاست که هیچ چیز رانمی بینند بجز منافع غارتگرانه و غیر انسانی خود شانرا، حتی انسا نیت را (!) پس میتوان گفت که خلق آزاد منش افغانستان از مدتهاست که این جو فروشان گندم نما را می شناسند و دیگر به یاوه سرایی های این دشمنان بشریت گوشس نمیدهند و فریب آنرا نمی خورند و نمیگذارند باز هم در دامهای تزویر استعمار گران و امپریالستان یغماگر بیفتند و تقلا نمایند ، آنها دیگر آزادی شانرا به قیمت سرو جان حراست می نمایند و به سروده این شاعر آزادی پرست ایمان دارند که گفته است :

« در دنیا ،
اگر صدای
بماند
اگر سرودی
بماند
اگر کلمه یی
بماند
صدای انسان ،
سرود انسان ،
درین کلام است :

عشق من ، ای رهایی پر واک از قفس !
آزادی، ای طلوع مقدس !»

بیانیه تاریخی ۶ جدی ببرك كارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان درباره مشی
سیاسی دولت

اتخاذ تصامیم پلینوم کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغان
نستان

متن بیانیه ببرك كارمل بمناسبت
پانزد همین سالگرد حزب دموکرا -
تیک خلق افغان نستان

راپور جالب از جریان آزاد شان
زاندانیان سیاسی از زندان مرگبار
پلچرخی

چگونه مسلمانان در اتحاد شوروی..

برآردان کیو - شعبه سازمان
نامی ...

پیشگویی آینده توسط مودل اکا -
نومتری

وضع سالخوردگان در ایالات -
متحده امریکا

کمتر از دو سال کوچکترین نشانه‌ی بی‌خیزان خود نداشتند.

امین جلاد و دارودسته اش چنان وضعی را بوجود آورده بود و باعمال وحشی صفت خود چنان زندگی را بر مردم بی‌چاره و پلاکسیده ماتنگ ساخته بود که روزگار بیاد ندارد. در این روز تاریخی، هزاران جفت چشم بدر زندان شوخته شده است گویی این چشمان می‌خواهند از لایه‌ی دیوارهای قطور عبور نموده و عزیزان شانرا که اگر در پشت آن قرار داشته باشند ببینند بالاخره این انتظار به پایان رسید و در بزرگ زندان باز گردید و زندانیان سیاسی آزاد گشتند.

هوا آفتابی و نسبتاً گرم است. باینکه فصل زمستان و سرما است ولی مردم رنج‌دیده مابا هر وسیله‌ی که در اختیار داشتند به سوی زندان پلچرخ می‌آوردند.

باباز شدن درب زندان هزاران زندانی از این فرستیم و ظلم بیرون گشتند و فریاد مستقبلین یا دیدن زندانیان سیاسی دیوارهای این زندان را به لرزه درآورد. قبل از اینکه دروازه زندان باز گردد، نظام‌الدین تهذیب و محمود بریالی بیابیه برشوری ایراد نمودند که باکف زندان‌های مستقبلین بدرقه شد.

بالاخره لحظه حساس، لحظه‌ی که شاید هرگز فراموش انسان نگردد فرا رسید.



دورنمای از زندان مخوف پلچرخ که هزاران هموطن مادران محبوس گشته بودند

باباز شدن درهای زندان پلچرخ هزاران زندانیان سیاسی از بند آزاد گشتند



زندانیان آزاد گشته از باستیل پلچرخ با دوستان و عزیزان شان مصافحه می‌نمایند

صدا های گریه و آواز مستقبلین و زندانیان آزاد گشته از ظلم و ستم فضای وسیع پلچرخ را فرا گرفت. این هاجرا گریه میکنند؟ این این گریه خوشی و این گریه شادی از مردم رنج کشیده ما است که امین و امینی هازندگی را بر آنها تنگ ساخته بود.

بیر مردی رامی بینم که از خوشحالی زیاد میگرید او در میان زندانیان پسر خود را که شانزده ماه قبل باز داشت شده بود دیده‌ام لحظه‌ای بعد پدر و پسر دست در گردن هم انداخته و تنگ یکدیگر خویش را در آغوش گرفته اند زیر لب چیزهایی میگویند که برایم نامفهوم است. آنطرف دیگر زنی جوانی دست بگردن همسر خویش انداخته و با آواز بلند میگرید. او پس از ماه‌ها بالاخره لطفاً ورق برزید

هموطنان ما اطلاع دارند که روز یکشنبه ۱۶ جدی عده‌ی زیادی از هموطنان شریف ما که در زندان پلچرخ محکوم بودند از بند آزاد گشتند و با این آزادی هزاران خانواده از سرگردانی و پلاکسینی نجات یافتند. شاید شما که این سطور را مطالعه میکنید جزء آنان بوده باشید که از صبح وقت به انتظار عزیزان خود در پشت دیوارهای زندان پلچرخ دقیقه شماری نموده باشید. درین صورت شما شاهد عینی هستید از آن روز و تاریخی که شاید بزرگترین اجتماع مردم در طول چند سال اخیر بوده است. منبم جز شما ها بوم و به انتظار عزیزان خسود دقیقه شماری میکردم. عده‌ی زیادی در ناراحتی بسر میبردند زیرا آنها در طول



تنی چند از زندانیان که از محبس پلچرخ آزاد شدند.



این هم گوشه‌ی از سلول زندان پلچر خرسولیکه منجایش سی تا چهل زندانی داشت ولی در آن صد تا یکصد پنجاه زندانی را نگهداشتند

مادری با چشمان اشکبار در انتظار فرزند زندانی اش پدرب بزرگ زندان پلچرخسی چشم دوخته ، نزدیکش می روم ازش میبرسم: پسرت چه مدت است که در زندان است ؟ میگوید : بیش از پنج ماه ، نامش اسمالله نورزی است دریم سائمن است او را از مزار گرفتند بعد شنیدم که به کابل آ و در شش ولی در این مدت کوچکترین نشانه یی دال بر زنده بودنش نداریم . پدرش مریض قلبی دارد میترسم که اگر پسرم نابود شده باشد ، پدرش از غصه بمیرد ... هنوز حرفهای مادر تمام نشده بود که صدای غریو مردم ، صدای هلپله ، شادی و صدای فریاد هابلندشد . این صداها ، این غریو و هلپله و این شادی بخاطر آزادی زندانیان سیاسی بود که . بالاخره پس از ماه ها دروازه زندان بر روی آنان باز شد .

ساعت در حدود یازده قبل از ظهر است ، آفتاب هنوز گرمی خود را از دست نداده سبیل زندانیان میا سی در حال خروج از دروازه زندان هستند . به چهره های شکسته و خسته ،

به قیافه های آشنا بر می خورم ، هریک از این زندانیان ماه ها زیر شکنجه دژخمیان امین و امینی ها قرار داشتند . بسیاری از زندانیان که از محبس پلچرخسی آزاد گشتند صحت و سلامتی خود را از دست داده اند . برای اینکه خوانندگان ارجمند ژوندون تا اندازه از احوال این زندانیان آزاد شده آگاهی حاصل نمایند با چند تن گفتگویی بعمل آوردیم که اینک از نظر شما میگذرد : عبدالجبار معلم مکتب سردار جانخان اولین زندانی آزاد شده بود که باوی صحبت کردم . میبرسم چه مدت را در این زندان سپری کرده ، میگوید : ۱۹ ماه را در این زندان گذشتادم از ظلم و زحری که بر ما

عبدالشکور سر معلم متقاعد ولسوالی نجراب در مورد برادر زاده اش که هشت ماه قبل زندانی شده است میگوید :

- برادر زاده ام معلم صنف ۱۲ لیسه حریری بوده از وقتیکه او را به زندان افکندند تا امروز کوچکترین اطلاعی از او ندارم . حالا در انتظار او هستم که آیا از زندان می بر آید یا خیر ، زیرا امین خون آشام و دارو دسته اش هزاران جوان مارا به خاک و خون کشیده است ، این جلاد خون آشام عطش فروکش نا پذیری داشت که خون بر گناهان را بریزد ...

- پسرت چه کار میکرد ؟
- پیاده وزارت زراعت بود ، اسمش محرم علی بوده و شش ماه قبل از سرکارش او را بردند ، آیا علت زندانی شدن پسرت را نمیدانی ؟

- نه نمیدانم ، اما فکر میکنم که خصومت شخصی باشد ، شما میدانید که در وقت امین جلاد و دارو دسته اش چقدر ظلم بود . هر کس که زور داشت هر کاری را میتوانست بر بی چارگان و مظلومان تحمیل نماید . از همین سبب میترسم که پسرم ، یگانه فرزندم از زیر تیغ امین جلاد جان به سلامت نبرده باشد .

گمشده خویش را باز یافته بود این گریه نینو گریه خوشی است .

خلاصه در هر طرف شور و هیجان است ، بی تابی است و انتظار و ترس و امید . هزاران فامیل بالاخره پس از ماه ها گمشده های خویش را باز یافته اند . امین جلاد و دارو دسته اش هزاران انسان شریف را ، هزاران هموطن ما را بدون در نظر داشت کرامت انسانی و بدون در نظر گرفتن حقوق بشر در زندان پلچرخسی نگهداشتند . و هزاران انسان را سر به نیست کردند و به شهادت رساندند .

این همه هموطن ما چه گناهی را مرتکب شده بودند ، که ماه هادر زندان نگهداشته شدند ؟ این سوالی بود که مستقبلین از خود می نمودند . بهر حال برای اینکه خواننده خود را در جریان این روز تاریخی بهتر بگذاریم با چند تن از مستقبلین و بسای و ازمان و باتنی چند از زندانیان سیاسی که تازه آزاد گشته اند گفتگویی به عمل آوردیم که اینک از نظر شما میگذرد : از خانمی که در انتظار یکی از نزدیکانش چشم بند زندان دوخته بود پرسیدم ، شما انتظار چه کسی را میکنید؟ میگوید : یکی از نزدیکانم را که اسمش سیدامان الله است او عضو خارتوایی ولایت کابل بوده و پنج ماه قبل از خانه اش او را برده بودند ، در حالیکه صرف ۲۵ روز از عروسی اش میگذشت .

به انعام اینکه در خانه اش اسلحه وجود دارد بازداشت کردند باید بگویم که تمام این حرف ها جز دروغ و ریا چیز دیگری نبود و از بی گناه این مدت رادر زندان سپری کرد ، و حالا ما اینجا منتظر او هستیم و
بیر زنی سمید موی میگرید ، عطش را جویا میشوم ، میگوید پسرم را جستجو میکنم ، میترسم که در میان آزاد شدگان نباشد .



چند لحظه قبل از باز شدن درب زندان پلچرخسی مستقبلین به انتظار عزیزان نزدیک دروازه زندان جمع شده اند.



زندانیان بعد از رهایی منتظر دیدار هریک از فامیل های خویش می باشند

تحویل شد نرسید . اصلا باور انسان نمی شود که این همه زجر و ظلم و ستم را بر انسان تحمیل نمایند .

شمارا به چه اتهامی زندانی کردند ؟ لیخند تلخی لبان کرمه بسته اش را از هم باز میکند و میگوید : کوچکترین گناهی را مرتکب نشده بودم نمیدانم چرا مرا محکوم به این مدت در زندان نموده بودند . اصلا تمام زندانی هارا که بیرسید شاید به شما بگویند که از جرم خویش خبر ندارند .

محمد اسحق محصل پوهنخی انجنیری که به تاریخ ۹ تور ۱۳۵۷ زندانی شده بود میگوید : برای امین و دارودسته اش محکوم نمودن انسان های شریف يك امر ساده بود . اصلا در نزد این خونخواران کرامت انسانی مطرح نبود . هزاران جوان و انسان های شریف بدون کوچکترین جرمی به زندان افکنده شدند ، هزاران خانواده ، وده ها هزار فامیل ، بدبخت و بی چاره گشتند .

سید فیروز ولد سید گوهر که وظیفه معلمی دارد زنده ماه قبل بدون هیچ علتی به زندان افکنده شد و در طول این مدت چه رنج ها و شکنجه ها که ندید ، لت و کوب ، برق دادن ها و شلاق زدن از جمله کار های عادی و روزمره این جلادان خون آشام بود .

امین و امینی ها کثیف ترین انسان هایی بودند که جفا است بر آن نام انسان را گذاشتند . . . محمد سلیم معلم از ولایت بدخشان در علت زندانی شدنش گفت : هفده ماه و سیزده روز قبل ما را بخاطر اینکه والی می آید یک عده معلمین را به استقبال بردند ولی ایسن حرف ها صرف یک دروغ شرم آور بود .

و از همان تاریخ ما را به زندان افکنده اند علت اینکه چرا ما زندانی شدیم تا امروز برای ما نا معلوم است باینکه آن دزدخیمان بارها میکوشیدند که از محارف های دروغ بکشند ولی ما چیزی نداشتیم که برای آنها بگوییم با حرف و دلیل هم قناعت نمی کردند .

عده جوانان وطن پرست را شکنجه داده اند . . . سید ناصر پیلوت میدان هوای بگرام در مورد مظالم بی شمار امین و امینی ها میگوید : بیست ماه قبل مرا به زندان افکنده و تا روزیکه از زندان آزاد شدم ، گناه خود را ننهیدم و مانند من هزاران هموطن دیگر ما نیز به چنین سر نوشتی دچار بودیم . گفتنی ها زیاد است و نمیشود بایکی دو دقیقه این همه مظالم را بیان کرد . . .

شاه وزیر معاون جنایی مرکزی وزارت داخله میگوید : هشت ماه قبل مرا با فامیلم به زندان افکنده در این مدت نمیدانستم که من و فامیلم چه گناهی را مرتکب شده ایم ولی بعد ها دانستیم که صرف خصوصیت شخصی و عناد شخصی يك عده من و فامیلم را در مدت هشت ماه در زندان نگهداشتند .

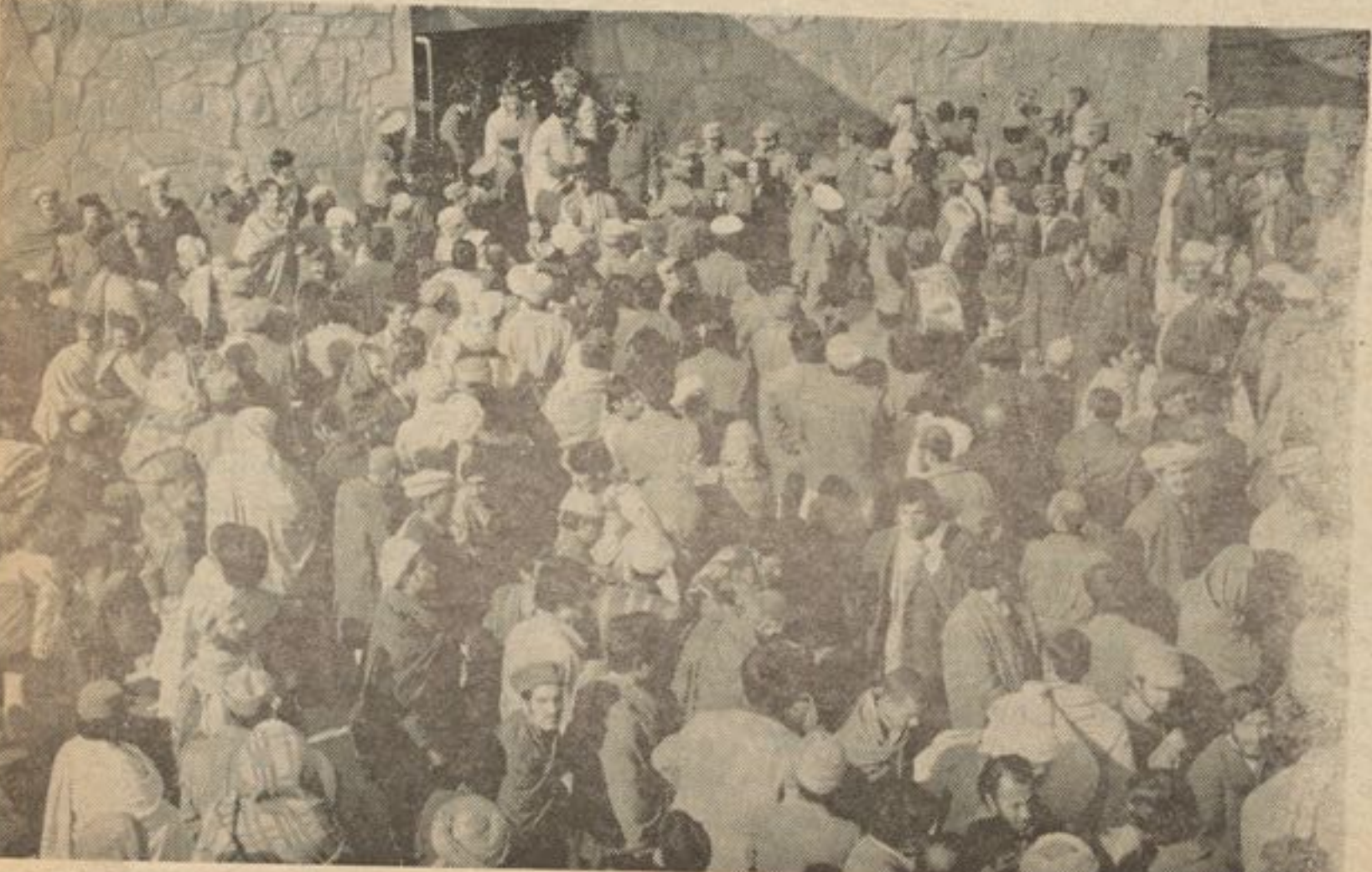
وزیر محمد جوانی دیگری است که تازه از مجلس بلجریخی آزاد گشته او می خواهد هرچه زود تر به خانه اش به زندگی اش به پدر و مادرش که در انتظار او اند برسد . او که در صنف چهارم پوهنخی و تفری تحصیل میکرد شانزده ماه قبل او باز داشت گردید . قبل از اینکه او را باز داشت کنند ، خانه آنها از طرف پانده امین چور و چپاول گردید . او در ضمن میگوید : در مدت شانزده ماه ندانستم که چرا مرا به زندان افکنده اند . مدت ها بود که از خانه و زندگی ام خبیر نداشتم پس از سه ماه بالاخره این اجازه را یافتیم که پای واز بدیدن ما بیاید .

احمد جان معلم از ولایت بامیان میگوید : پنج ماه قبل من و یک عده از معلمین دیگر را که تعداد شان به هزده نفر میرسد بدون کوچکترین جرمی به زندان افکنده اند . . . منفور را امین و امینی ها زحمتکشترین قشار از اقشار جامعه ما یعنی معلمین بد و ن هیچ دلیل و برهانی به زندان افکنده میشدند . تا جهان وجود دارد مردم این خاک لعنت و نفرین به این دزدخیمان و جلادان خواهند فرستاد .

گلجان ولد اختر محمد معلم در لیسه حبیبیه یازده ماه قبل نظر به خصوصیت شخصی به زندان افکنده شد موصوف میگوید : در این مدت کوچکترین اطلاعی از فامیل و خانواده ام ندارم .

او در مورد آزادی میگوید : آزادی بزرگترین و زیباترین کلمه است که در عمرم شنیده ام . . . آه ! آزادی چقدر زیبایی جوانی دیگر که اسمش محمد حسن و محصل پوهنخی طب کابل است میگوید : چهارده ماه قبل من زندانی شدم ، صرف نظر از شکنجه و غذایی درد ناکی که در زندان دیدم و آن را تحمل کردم تا حال علت زندانی شدن خود را ندانستم و . . .

خوب خوانندگان ارجمند زولنون بایک تعداد زیادی از زندانیان سیاسی بلجریخی که روز یکشنبه از زندان آزاد گشتند صحبت کردیم و هر يك از این از خاطرات زندان برای ما قصه ها کردند در تمام حرف ها و گفته های این ها يك چیز مشترک وجود دارد و آن زندانی نبودن بدون موجب آنان .



یکعده زندانیان را بعد از رهایی از باستل پلیجر خی مشاهده می نمایند .

لعنت و نفرین بر ائمه این امانت دارم تا منافع دشمنان انسان و اسلام و بر روح شیطانی او این روح سفک و انسان دشمن، لعنت و نفرین بر باد فاسد چنانیکار و او باش امین این دلفک های بلی گوی و این فرخیمان انسان دشمن و آزادی دشمن. جنات فوق شهی از بدیه ها و ناله های خلق محنت کش و بیچاره ماست که از ازل ظلم و سفاکی و خونخواری و استبداد دارودسته ی پسر دمداری امپریالیزم و در قدم اول امپریالیزم آزمند و مسلمان دشمن امریکا در هر خانه و هر کوی و برزن طنین انداز است .

مردم بلا کشیده ورنجیده ی ما حالا دیگر کاملا فهمیده اند که آن همه بیداد گرایی را که در تحت استبداد ظاهرا امین و امینی ها متحمل شده اند ، کار شخص امین و باند او باش او نه بلکه درین بازی دست دشمن دیرین و آشتی ناپذیر خلق های جهان یعنی امپریالیزم قویا شامل بوده و می باشد چه بعد از آنکه طوفان قبر مسردم افغانستان این باند اس ساس صفت و فاشیست را دفن تاریخ ساخت و وطن را از شرفاکی ها و خیانت های آنان قهرمانانه رهانید علیه این

جهت تطمیع را هزنان پرداخته می شد (بفرار گفته بی وزیر امور داخلی افغانستان که حفیظ الله امین بیست و پنج میلیون افغانی به ملبدیسن حکمتیار پرداخت) و حتی برای دوام حکومت جهنمی خود امین جاسوس و وطن واحد و مقدس ما را به معامله گذاشت و با زهم حتی نیم نفوس وطن را برای ادامه کامروائی خود تلف می نمود . به نظر امیر یالیزم مطابق دفا عسی بی پایا نی که امیر یالیزم امریکا و انگلیس در عمل و نظر براه انداختند و می اندازند قانونی قلمداد کردن حکومت امینی صحه گذاشتن و قانید آن همه جنایات می باشد آری ز ما نیکه امپریالیزم و متحدین آن ، حکومت امین را حکوم متفانو نی می خوانند و بر نفس کشیف او اشک تساح می ریزند نتیجه گیری دیگری جزا اینکه قانون نزد آنها به معنی جبر ، و ستم و کشتن و جاسوسی و وطن فروشی می باشد ، چیز دیگری نمی تواند با شلوهیم چنان این دفاع بیشرمانه نمودار ما هست و خاصیت امیر یالیزم نیز می باشد . این درامه اقتضاح آمیز امیر یالیزم امریکا و انگلیس و ما نسو نسیم یکتی در همین یک پرده خلاصه نمی شود

امپریالیزم رهزن

در لباس پاسبان

خون ناحق دست از دامان قاتل برداشت دیده پاشی داغ های دامن قصاب را

بیکار عادلانه ی آنها از آنسوی اوقیانوس هاز قصر سفید یعنی مرکز (سیا) و سیا هکاری ها نعره های اعتراض بلند شد و این عمل برحق خلق را عمل ظالمانه !! و معوکننده ی حکومت قانونی !! قلمداد کردند و به گفته ی معروف : نیش عقرب نه از پی کین است اقتضائی طبیعتش اینست :

آری خلق افغانستان به نیکی دانستند که نزد امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکا قانون و قانونیت چیست ؟ یعنی آوانیکه امین و باند نو گرش با وسعت بی پایان بر خلق ما ظلم روا می داشت ، طفل و شیخ و برنارا بزنجیر می کشید زنده بگور می کرد ، ناخن های بی گنا هان را با جبر و شقاوت می کشید میهن ، خانه و ناموس هموطنان ما مصون نبود هرا و باشی صلاحیت قتل ، حبس و شکنجه ی انسان این سرزمین را داشت . زو بندهای عدیده ای با - چپاولگران جریان داشت و از دارایی عامه یعنی دسترنج زحمتکشان هموطن ماملیون ها افغانی

پرده ی دوم آن ظاهر شدن شان در لباس مدافع اسلام و مسلمانان است و باز هم درین پرده کوشش می کنند که برای بدست آوردن منافع آژ مندان و سیاه خود لباس سپید بپوشند و خوشنما تر اینکه اراده ی خلق مسلمانان افغانستان مبنی به در خواست کمک انسانی از یک کشور دوست شان اهانت کنند و نام آترا تجاوز ؟ و اشغال بگذارند .

بیا نید که با وجدان و راستکاری با امیر یالیزم و در راس امیر یالیزم امریکا محاسبه نما نیم .

آیا معاهده ی با نفور را که در نتیجه ی آن خلق عرب فلسطین تا امروز دور از خانه و کاشانه ی خود و بشکل آواره و بیچاره زندگی می کند نتیجه فعالیت ها ، نقشه ها و دسائیس چیست ؟

ویرانی و قتل و غارت را که صیولیزم و سایر مرتجعین در لبنان درین شش سال بر ما انداخته اند از کمک و پشتیبانی حاتم طایی ما با نه ی کی پر خور دار است و مدافع و مشوق آن کیست ؟

تو سعه طلبی و تجاوز اسرائیل و زانندارم منطقه بودن آن که در اثر آن سر زمین های زیاده را از بیکر های ممالک مختلفه ی عرب (مصر ، سوریه ، اردن) جدا ساخته و در اشغال ظالمانه ی خود در آورده از کجا آب می خورد و قلا ده دار ایمن سنگ زنجیری کی می باشد ؟

مسجد اقصاء یا اولین قبله گاه مسلمانان را کی به آتش کشید ، آیا این بزرگترین اهانت به دین مقدس اسلام و معتقدات پاک مذهبی آن نبود ؟

آیا این امیر یالیزم و در پیشا پشی آن امیر یالیزم امریکا نبود که سالهای دراز بزرگترین شیاد ها و قاچاقچران منطقه یعنی پهلوی ها را بر خلق رنجیده و مسلمان ایران تحمیل کرد دند و همین حالا نیز و قیحانه و در زیر پرده از محافظت می کند ؟

آیا این امیر یالیزم و در صفا ول امیر- یالیزم امریکا نیست که سادات ایمن حفیظ الله امین مصری را برای درز اندازی و تفاق در بین ممالک برادر عرب در آغوش گرفته و ماهر ترین سیمه سازان سی ، آبی ، ای را برای مشوره دادن و پیاده ساختن نقشه های خود در پهلوی سادات در قصر «قبه» مسکون ساخته است ؟

آیا این امیر یالیزم و در خط مقدم امیر- یالیزم از مند امریکا نیست که نفت یا این طلای سیاه ممالک مختلفه ی اسلامی را غارت و مفت ستانی می کند ؟ ...

آیا همین حالا از اثر چپاولگری ها و مظالم امپریالیزم امریکا نیست که خلق ایران بخشم آمده اند و این خشم خود را با اشغال سفارت یانکی ها و گروگان گرفتن کارکنان آن بروز داده اند؟

بهر صورت اینک تازه ترین پرده ی این درامه نیز در اسلام آباد بروی سن پیاده ساخته شد و آن نیز از اثر فعالیت های «میان مصری» یعنی سادات ایمن اتحاد شکن تا مدار و این شیاد و وطن فروش و به دایرکت «کارگردانی» امیر- یالیزم امریکا نما یش داده شد .

ما برای اینکه به ما هیت این درامه خوبتر بی بریم شمه از نود و هفتصد میلیون اعلامیه ی دا تشجویان پیرو خط امام مستقر در لانه ی جاسوسی امریکا را که روز هفتم دلو ۱۳۵۸ صادر شده است در اینجا نقل می کنیم : «خبازی از تشکیل یک کنفرانس از سران کشور های اسلامی در پاکستان می رسد . هدف از این کنفرانس به ظاهر محکوم کردن کمک اتحاد شوروی به کشور برادر افغانستان است . بدیهی است که هدف از چنین کنفرانس با زی کردن با سر نوشت ملت های مستضعف و حیثیت انقلابی ملت ایران ایران و لکه دار کردن انقلاب اسلامی و منحرف و تسلیم ناندان آن در افکار و اذهان عمومی جهان می باشد . بزرگترین اثر مطلوب این طرح برای امریکا اینست

که بخیا ل باطل خود اذهان مسلمین منطقه و ملت ها را نسبت بخود منحرف کرده و متوجه شوروی کند و خط انقلابی امام را در پر خورده دشمن سر سخت اسلام و مسلمین که همان امریکاست منحرف

سا زند ... در جای دیگری همین اطلاعیه گفته می شود : «تر دیدی نیست که چنین کنفرانسی با نقشه ی امریکا طرح ریزی شده است جهان اسلام می داند که تا امریکا رازین غارتگری ها و ظلم و ستم ها و آدمکش ها سا قط نکند مسا له ی حل نخواهد شد و ملت های مسلمان و جهان اسلام میدانند که تا امریکایی خونخوار را از پیسن بیعدالتی های بزرگ نزنند و سران چنانیکار امریکارابه محاکمه نکشند عدالت پا نخواهد گرفت ما هرگز فراموش نمی کنیم که دشمن شماره یک ملت های مستضعف، امریکای جهان خوار است ...»

آری این امیر یالیزم امریکا است که در طول تاریخ خود با ملت ها و خلق های مسلمان جهان دشمنی و کینه تو زی کرده است نه کدام قدرت دیگر .

اگر سادات درصدد آنست که اسلام را به خلق مسلمان افغانستان بیا مو زد در حالیکه خود ش همین حالا و در همین روز ها با بزرگترین و مخوف تر یسن دشمن تاریخی اسلام یعنی صیو نیزم در زدو بند و خیانت با اسلام است (کشور خوانده است زیرا این خلق شجاع و وفاکش افغانستان بود و است که صادقانه و بشکل سالم آن پیرو و وفادار به اسلام بوده و است . واگر مرام از این نوحه سرانی ها دولت انقلابی افغانستان است باید اذعان داشت که این دولت نه بلکه دولت مورد تا نیدو حمایت امپریالیزم امریکا (دولت امین و باندش) بود که با اسلام

و مسلمان و با وطن مسلمانان افغانستان خیانت و ظلم کرد و خون آن بردمان امیر یالیزم امریکا نقش بسته است . بعد از مرحله ی نوین انقلاب شکوهمند نور هما نظور یکه همه امور در مسیر عملی و طبیعی خود مطابق خواست مردم مانداخته شد برخورد با اسلام نیز فرزانه و صادقانه می باشد چنانچه بیرك کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شام جمعه ۵ دلو طی بیانیه رادیو نریشان منجمله چنین فرمودند : «... اعلام میدارم که دین مقدس اسلام ، رسوم و معتقدات ملی ما از اجداد و نیاکان ما بحیث میراث گرانبها به برای مردم ما بجا ماند و هیچ کس حق ندارد علیه آنها قرار گیرد و از آنها رو برو گر داند . دین مقدس اسلام و رسوم و معتقدات بسندیده اقوام و ملت ها و خلق های کشور ما اصول جدا نا پذیر نظام ملی و کلتور ملی و گنجینه های گرانبهای معنوی وطن عزیز ما هستند... با قاطعیت اظهار می گردد کما نیکه بخوا هند نسبت به معتقدات دینی و مذاهب نسبت به سنن و معتقدات مردم مابی احترامی کنند مردم مسلمان ما را بنا بر معتقدات شان مورد تحقیر و تو هین و تحت فشار قرار دهند و علیه دین مقدس اسلام قرار گیرند قانونا جلب و بر طبق قوانین دولتی مجازات نخواهند شد ...»

در روشنی همین بیانیه جامع و صادقانه می توان به صراحت اظهار داشت که بقیه در صفحه ۶۵

امين و کام امين به کام

مرگ فر و رفتند

هر که ناموخت از گذشت روزگار

هیچ نا موزد ز هیچ آموزگار

تاریخ به پیش می‌رود و هر که راکه سدره پیشرفت آن شود اگر چه خیلی محیل باشد اگر چه با ظواهر پو قلمون قد علم کنند اگر چه زد و بند ها گوناگونی با بزرگترین قدرت های ارتجاعی و عجالتا بزرگ داشته باشد اگر چه ... با بیرحمی خوردو خمیر می‌کند . آری تاریخ حرکت می‌کند و این حرکت جهت سمت مشخصی دارد ... و این حرکت در مجموع بطرف ارتقاء و تکامل و پیشرفت بشریت است . نمی توان تردید داشت که درین حرکت بعضا سیر بجانب قهپهرا و تاریکی نیز دیده می شود ولی در عمل تجربه ثابت شده است که این مراحل سخت کوتاه مدت وزود گذر است و اگر در مجموع وکل تکامل تاریخ بدقت بنگریم سیر ارتقائی تاریخ بکلی مشهود است . از این حقیقت روشن جز گمانیکه خیره سر وبدون ایمان مترقی و علمی اند هیچکس نمی تواند انکار نماید یعنی هر آنکسیکه به استدلال علمی و تجربی موضوع را بررسی نماید به صدق کلام بالا صحه خواهند گذاشت .

با نگرش ژرفی به تاریخ تکامل بشری می توان مراحلی را در حیات هر جا معه دید که خیره سرانی چند مذبحخانه تلاش ورزیده اند برخلاف حرکت و سمت پیشروندهی تاریخ خود را قرار دهند و برای لیل به اهداف ارتجاعی و اهریمنی خود بوسایل ارتجاعی و اهریمنی متوصل می شوند . اگر این نگرش را متوجه تاریخ کشور و بویژه تاریخ معاصر آن بنماییم مثال های روشن و گویای نمودار خواهند شد که خیلی آموزنده و پنددهنده هستند :

آوانیکه مردم سلحشور و شجاع افغانستان در دومین جنگ افغان و انگلیس بر علیه بزرگترین قدرت استعماری وقت شوریدند و بزور بازو و بقیعت جان های شیرین شان این قدرت تجاوزگر یعنی انگریز را وادار به عقب نشینی و مواجه با شکست ساختند دارو دستای استثمار گر و درباری وقت به سردمداری امیر عبدالرحمن نه تنها نگذاشتند مردم وطن ما از دست آورد های این فداکاری به نفع مادی و معنوی خویش مستفید شو ند بلکه این امیر دست نشانده، اردوی کارومار شده و آبرو ریخته ی دشمن را با عزت و حرمت زیاد از خشم و ظنیرستان رهانید و سلامت به هند رهسپار ساخت . آوانیکه خلق دلاور و با شرف افغانستان با ریختن خونهای گرم شان و نثار جان های

شیرین شان در طی سومین نبرد قهرمانانهی خویش با انگلیس ، استقلال سیاسی کشور را تحصیل و درصعود رفح عقب ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی خویش برآمدند باز هم در فضای روشن و آزاد کشور ما جغد کور دیگری پدیدار گشت که همه نیرو های اریستوکرات و استثمارگر را بلور خود جمع کرد و به شکل بسیار ناجوانمردانه و محیلا نه مطابق دساتیر امپریالیزم خلق مارا نه تنها از دست آورد های حاصله از جانثاری شان محروم ساخت بلکه هرچه آزاده و آزادیخواه هرچه وطنپرست و مترقی یافت به سیه چال های مخوف گسیل داشت و پنجاه سال تمام او و خلقتی این کشور قهرمان و خلق آزادهی آنرا از پیشروی باز داشت .

چون مضمون تکامل جامعه عبارت از پیشرفت و سیر دایمی بشر و جوامع بشری در جهت آرمان اساسی شان، یعنی تا مین سعادت مساعی و معنوی فردی و جمعی کلیه ی انسانهای باشد ، بازمه مطابق همین حکم عام، خلق آزاده و مبارز افغانستان بخود جنبید و اینبار و درین جنبش گردان و رهبر پیش آهنگ و علما آماده شده ای (حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، پیش آهنگ طبقه ی کارگر و سایر زحمتکشان افغانستان) بپناه قطب نمای جنبش وجود داشت .

خلق های مستمیده ی افغانستان به پایمردی حزب قهرمان خود ، آهنگ تحصیل استقلال اقتصادی و تحکیم همه جانبه ی استقلال سیاسی را نمودند . آری مردم مسای اینبار انقلاب رهایی بخش ، ملی و مترقی کشور را بارشادت و مردانگی بر ماندندی به بیروزی رسانیدند و با سرعت ممکنه به تحکیم دست آورد های انقلاب شکوه آفرین ثور همت گماشتند و تحت رهبری حزب زنجیر شکن دموکراتیک خلق افغانستان برای بیروزی و بهزیستی خود و معور نمودن کشور خود میان همت بستند . مردم کشور ما با امید و آرزوی فراوان سر شار از روح و ظنیرستانه باخلوص نیت با دولت مترقی خود همنوا و همگام بسوی روشنایی ها رهسپار شد ند . ولی این بار دشمن کینه توز تراز دیگران سفاک خون آشام ، هنلردههی هشتم قرن بیست، اجنت نامداروناب شدهی امپریالیزم خون خوار و جهان خوار امریکا سادیست فرومایه وی بهره از علم و فرهنگ که قلم باعار و ننگ نام سیاه اش را رقم می کند یعنی امیر حفیظ خان امین منافع املائی و

همکاران تبهکار خویش (امیر عبدالرحمن خان، امیرمحمد نادرشاه خان ووالاحضرت محمد هاشم خان وغیره)، در عرصه ی کشور بیلا کشیدهی ما قدعلم کرد و پس از آنکه اولین منشی عمومی کمیتهی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، نخستین رئیس شورای انقلابی و صد راعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شادروان ثور محمد تره کی را بابی شرمی و قساوت زیاد از بس بر د و شهید ساخت با دارو دستهی او باش و رهسزن خود براریکه ی قدرت چهیمی تکیه زد و مطابق پلان انتقام جویانهی دشمن دیرین مردم ما و بدستور دشخیمان امپریالیست امریکایی فضایی را بر خلق بلا دیدی ما مستولی ساخت که روی آدمکشان و دشخیمان معروف تاریخ چون آتیا، لیرون، هلاکو، چنگیز ، هتلر و... را سفید ساخت و با تاسف با ید گفت که اگر مردم ما قصه های ظلم و بیداد و آدم کشی و آدم سوزی وزنده زنده بگور کردن هتلر را در فلم ها و قصه ها و کتاب دیده و خوانده و شنیده بودند آنرا بر گوشت و پوست خود و عزیزان و هيوطنان خود احساس کردند و دیدند امین واداره مارهای متحلس با آنچنان ترنده خوبی و سفاکی با خلق ما برخورد کردند که روح نا آرام همه آدم - کشان تاریخ را آرام ساخت چه آنها دیدند که این موجوددمنش و خونخوار چندین برابر ظالمانه تر و رذیلا نه تر، انسان یعنی انسان شریفترین موجود طبیعت را آزار و شکنجه و معدوم کرد .

اگر با پیروزی انقلاب ثور همه مردم ما، همه فامیل های زحمتکشان و آزادیخواهان ما و بالاخره همه تمام مردم شریف افغانستان خورسند و امیدوار به آینده بودند ، در اثر توطئه، دسیسه زور و اختناق، جبر واکراه و شکنجه و قتل امین این روسیاه ترین عنصر تاریخ کشور و دارو دسته ی سفاک و او باش او، همه مردم ما، همه فامیل های شریف و وطن پرست همه خلقت آزادهی افغانستان سوگوار شدند و نقش خنده های شان درخون و عزای عزیزان شان غرقه گشت و به جای دست خوشی و سرور زاوی غم در بغل گرفتند امین این جاسوس وفادار و باستانی (سی، آی، ای) این بی خرد و بی فرهنگ و متظاهر به مترقی بودن؟! این جبار دونصفت نه تنها با اعمال غیر انسانی خود روز تاروز ولحظه به لحظه ماهیت اصلی یعنی سیاه و «سیاه» خود را برلامی ساخت بلکه بناء بدستور و نقشه ی با داران امپریالیستی خویش با جا زدن خود بچیث يك انقلابی و مترقی؟! می خواست انقلاب و ترقی را نیز چون خود سیاه و «سیاه» جلوه دهد، امین فاشیست واجنت در طول روز و در ملای حزب و دولت و خلق با مهارتی که داشت و تمرینات ابتدایی آنرا نزد متخصصین (سی، آی، ای) بیست سال قبل کا ملا فرا گرفته بود ، يك انقلابی تمام عیار؟! می نمود ولی در طول شب و در واقعیت امر دروس و هدایات همکاران اصلی و جاسوس خویش را تکرار می نمود و توسط شبکه ی وسیعی که بقیعت عرق ریزی های خلق ، و خلق های زحمتکش دولت های امپریالیستی درراس امپریالیزم امریکا تمویل

می شد . تازه ترین و محیلا نه ترین هدایات آنها را برای به بند کشیدن خلق ما و بدنام ساختن انقلاب و ترقی بدست می آورد و عمل می نمود . امین و بانده فساد پیشه واسی ، اس صفت او بجای اینکه (مطابق ظاهر شان) در جهت بهبود حیات خلق تکاپو نمایند . برای کشف و اختراق و آموزش طرق شکنجه و آزار خلق و بسط خدمتگذاری به امپریالیزم و سی، آی، ای در تکاپو بودند .

در اینجا لازم است که جهت رنگین شدن و موثق شدن کلام خویش نکاتی چند از گفتنی های برك کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان را نقل نماییم . ایشان در مصاحبه ی مطبوعاتی ای که شام سیزدهم جدی ۱۳۵۸ با زورنستان داخلی و خارجی انجام دادند در جواب سوالی خیرنگار آژانس باختر منجمله چنین فرمودند: «... بنا بر شناختی که ما از وی (حفیظ الله امین) داشتیم ، بنا بر شواهد و دلایلی که در دست بود ، بنا بر تمام ظلم و قنقین و توطئه و دسایس نقشه های محیلا نه ای که در بسن خلق افغانستان، در داخل حزب، در داخل اردوی آزادیبخش افغانستان، در داخل جمهوری دموکراتیک افغانستان ا و یاده می کرد ، گام به گام ، قدم به قدم ما همه آنرا مطالعه می کردیم . تجزیه و تحلیل می نمودیم .

آخرین اطلاعات و کشف چیزی بود که به صورت مشخص با سخنگوی سوال شمامت ، امین با شبکه های دقیقش باسیا (سی، آی، ای) یعنی سازمان جاسوسی امریکا) مشترکا در تبابی و طرح توطئه بود . او ظاهرا خود را زیر ماسک اصطلاحات و ترمینولوژی انقلابی چون مارکسیزم ، لیننیزم سو سیا لیز م و کمونیزم می پوشاند او بصورت يك اكلكتیست مفاهیم و اصطلاحات را نادرست و توطئه سرراه گلچین می کرد، و تبلیغ می کرد تا به این ترتیب به موازات استبداد و حشنتاك خود اندیشه های مترقی ، آزادی ، ترقی ، پیشرفت ، دموکراسی وغیره را بد نام سازد ...»

آری امین با روح شیطانی و خودپرستانه ی خود با اکت های عوامفریبانه و ماکیاولیستی خود نه تنها بر دل همه مردم آزادهی ماداغ های عمیق گذاشت و همه را به ماتم نشاند باستیل ساخته شده از طرف ارتجاع سلطنتی را از آزادیخواهان و وطن پرستان مملوساخت و دسته دست آنها را به شکنجه گاه ها و قتل گاهها فرستاد ، بلکه همه کشور را به يك زندان عمومی مبدل ساخته بود .

وجودیت ، کسب اقتدار و اعمال امین و دارودسته ی او باش او در پهلوی آنکه زجر و شکنجه ی روحی و جسمی نصیب مردم آزادهی افغانستان نمود و همه را متالم و سوگوار ساخت تجربه ی بزرگی بر گنجینه ی تجارب تاریخی خلق افغانستان افزود و آن اینکه اولا خلق ما دانستند گمانیکه دانش و سوابق انقلابی و وطنپرستانه ی روشن نداشته باشند نه تنها نمی توانند به آنها مصدر خدمتی شوند بلکه برای ارضای خواست های شیطانی و دون خود از هیجنوع ظلم ، ستم، توطئه، دسیسه ،

بقیه در صفحه ۵۸

در زمان میلاد پیغمبر اسلام در تاجکستان بود نظرات خود را در مورد چنین ابراز نموده است: مردمی که در مسجد اجتماع نمودند بودند بعد از ختم اجتماع به اتاق دیگر رفته شربتی های را که به غرض سرگرمی ترتیب شده بود با هم یکجا صرف نمودند درین زمان صحبت های شیرین و دوستانه میان مردم صورت میگرفت. بعد از یک نفر مفتی به اتاق دیگری رفته نغمه سرور آمیز را نواخت که مردم همه به پا خاسته رقص های شادی و شغف انگیز را اجرا نمودند بعد از ختم مراسم مفتی خاطرات سفر خود را در کشور عربستان که در جلسه شورای مساجد جهانی به حیث یک فسرده مسلمان اشتراک نموده بود به حاضرین بازگو نمود.

اسلام یکی از دومین مذهب بزرگ در اتحاد جماهیر شوروی حساب میشود که در آن جا چهار نوع مذهب عمومیت دارد مساجد بزرگ در تاجکستان ازبکستان، قزاقستان، قرغز، ترکمنستان، آذربایجان، داغستان و نا تار وجود دارد. چار شورای مذهبی اسلامی در اتحاد شوروی تأسیس گردیده که آنها مسوول نشر آثار کلاسیک اسلامی خصوصاً قرآن هستند همچنان این شورا وظیفه دارد که مساجد و تدریس اصول دینی و فتوا های مذهبی را انجام دهد شورای مذکور هم چنان مسوولیت ارسال محصلین اتحاد شوروی را به دانشگاه های بزرگ اسلامی در کشورهای عربی داشته و هم امور ارسالی حاجیان را نیز تنظیم و اداره می نمایند.

ملاامام و رهبران مذهبی از میان مردم بصورت آزاد و رای گیری مستقل انتخاب می شوند ملاامام از مردم اعانه جمع نموده و آنرا صرف امورات مذهبی می نمایند که هر قدر در آمد سالیانه مردم زیاد باشد به همان اندازه امداد مردم نیز زیاد تر صورت می گیرد. محمد سقا امینی سرکتر جنرال شورای اسلامی در اتحاد شوروی گفته است که مردمان مناطق اسلام نشین در اتحاد شوروی از مالیات و بر عایدات معاف هستند.

دو زمان تسلط تزار، اسلام موفق خوبی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قداشت و مسلمان عبادت شکنجه، فقر و بد بختی زندگی میکردند اما بعد از انقلاب کبیر اکثر که نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی برقرار گردید در پرتو اندیشه های رهبر بزرگ انقلاب کارگری خلق مسلمان مناطق مختلف



نسخه های قدیمی قرآن شریف که بدستور خلیفه مسلمین، حضرت عثمان ترتیب گردیده (۱۲۰۰)، دونسخه آن مفقود شده و سو مین آن در تاشکند وجود دارد.

ترجمه حبیب الله آهنگر

چگونه مسلمانان در اتحاد شوروی

سوسیالیستی در راه زندگی و مناسبات نوین

پیکار می کنند

این روز در پرتو ترندهای نوین زندگی خطابه های پرشوری ایراد نمود. جاکیز فورلیر رهبر فرقه کاتولیک ها که

ماهیت وجود اسلام خواهان صلح و همزیستی است صلح و همزیستی را تسویق و از آن سرسختانه دفاع می نماید و در سایه صلح و امنیت است که خلق ها میتوانند فرهنگ و کلتور شان را همای پیشرفت های مادی زندگی بهبود و تکامل بخشند.

خلق های مسلمان در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از هر گونه آزادی مذهبی برخوردار بوده و به آزادی میتوانند مراسم مذهبی شان را در هر یک از نقاط کشور اجرا نمایند.

شیخ یحیی به خبرنگار مذکور گفته است که خلق های مسلمان اتحاد شوروی امسال در حالیکه در ماسکو- اوف- کزان سرمای شدید جریان داشت توانستند به مراسم عید قربان پرداخته و مانند خلق های مسلمان سایر کشور ها قربانی هایی انجام دهند.

شیخ یحیی عباس بایف طی مصاحبه ای با نماینده بی بی سی در تاجکستان گفته است که نظام سوسیالیستی نه تنها آزادی های مذهبی را به خلق مسلمان اتحاد شوروی به ارمغان آورده بلکه عملاً در پهلوی این آزادی و فراتر نعمات مادی را نیز به ودیعه گذاشته که خلق مسلمان از قید هر نوع بی بندوباری های اقتصادی، فقر و بدبختی نجات یافته اند و توانسته که خلق این منطقه راه فرهنگ و تمدن جدید آشنا سازد.

در حالیکه در تاجکستان، فرغانه به تاریخ دهم نوامبر آنقدر پرودت و سردی و جسود نداشت مردم به مساجد رفته نماز عید را به جا آوردند درست ساعت هشت و نیم صبح بود که مرد ها داخل مسجد شده و زنان در بیرون محوطه مسجد اجتماع بزرگ و تشکیل دادند بعد از ادا نماز ملاامام مسجد دعایی به روح پاک پیغمبر اسلام نموده و راجع به سجایای

موصوف علاوه نموده است که سوسیالیزم به هر نوع رقابت های بی بندوبار فیسودالی که برگرد خلیق سنگینی می نمود پایان بخشید و به حیث یک فرد مسلمان عقیده دارد که نظام سوسیالیزم همان طوریکه



مسلمانان در اتحاد شوروی سوسیالیستی، مصروف ادا فرایض مذهبی دیده می شوند

تخنیک معاصر در خدمت زراعت



تراکتور تی-۳۰۰ مجهز با قلبه

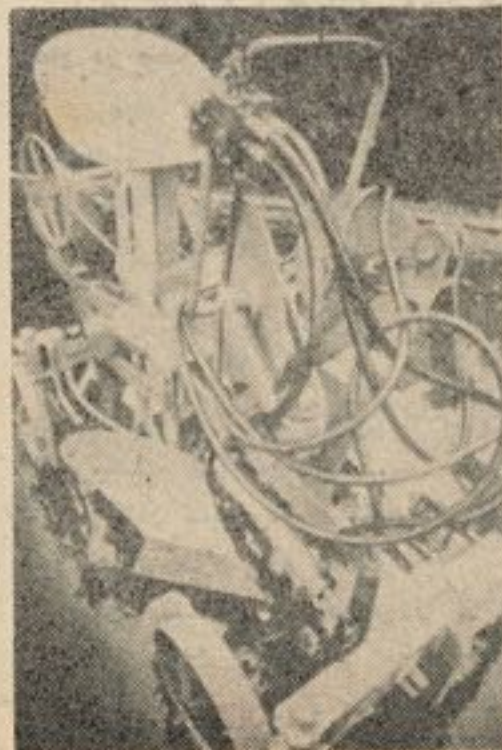
در امور زراعتی نه تنها از تراکتور ها، ماشین های قلبه، ماله و غیره استفاده می شود بلکه در کمپاین ها و ماشین های جمع کننده ی محصولات زراعتی نیز استفاده به عمل می آید. در بهلولی این ماشین ها، مجمع های دیگر برای خشک ساختن حفر کانال ها، نهال شانی، آبیاری مصنوعی دادن کود مایع بز مین و غیره بکار می رود.

مقیاس وسیع اقلیمی در کشور پهناور اتحاد شوروی باعث شده تا ماشین های عصری تر برای کار در شرایط سر مای شد ید شمال در سا یبیریا و بخش های غربی کشور ساخته شود. این تخنیک برای اعمار سیستم های آبیاری، خشک سازی، مرطوب سازی مقدماتی زمین که ساحه میلیون ها هکتار را احتوا می کند نیز در نظر گرفته می شود. باید تذکر داد که بسیاری عملیات

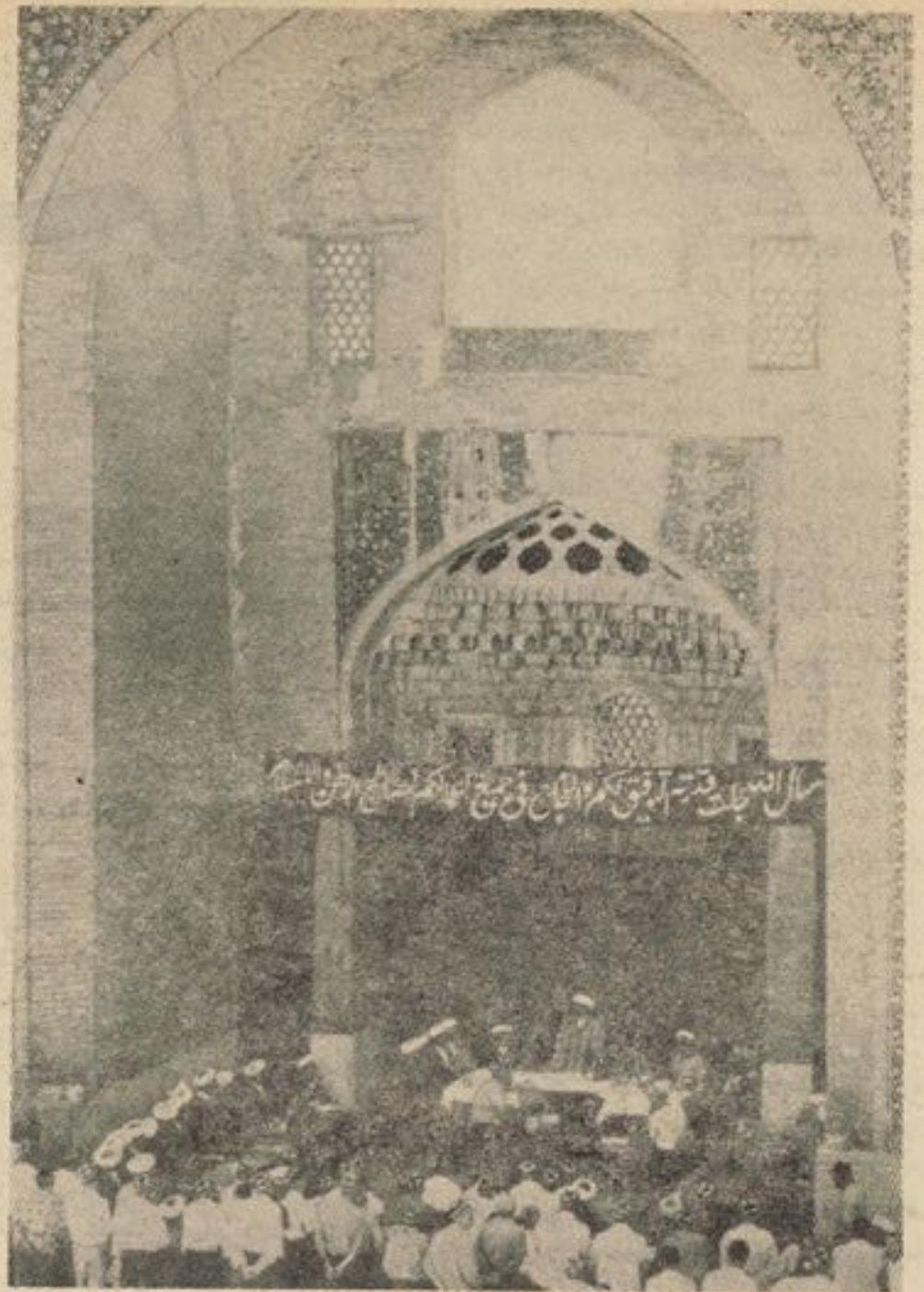
در زراعت حتی در گذشته ای نه چندان دور به قسم دستی پیش برده می شد که دهقان زمان و نیروی زیاد کار را به مصرف رسانیده و محصول کم بدست می آوردند. اما امروز مجمع های بزرگ زراعتی ساخته شده که عملیات دشوار را انجام میدهد. کمپاین های مخصوصی ساخته شده که نباتات را پاش داده آبیاری نموده، جمع کرده و حتی حاصل آنرا سورت می کند.

در کنار رشته های مختلف دیگر تخنیک یکی هم صنایع ماشین سازی برای افزایش تولیدات زراعتی و ساده ساختن کار انسان دردشت ها و مزارع است. مو سسات بزرگ در اتحاد شوروی متشکل از هجده فابریکه تراکتور سازی و تور سازی باجهل ودو فابریکه تولید ماشین آلات دیگر زراعتی و جهل و ششس کارخانه ای سازنده برزه جات، و بخش های مختلف ماشین ها می باشد. فعلا در اتحاد شوروی به همان اندازه تراکتور ها و ماشین های زراعتی ساخته می شود که در ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و آلمان غرب تو لید می گردد که به بیش از شصت کشور جهان صادر می گردد.

در سال گذشته تنها در کشورهای پیشرفته سر ما به داری یازده اعشاریه پنج هزار تراکتور، پنجمصد بلدوزر و بیش از یکهزار نیمه تریلر زراعتی به فروش رسانیده شد. تراکتور ساخت فابریکه مشهور مینسک بر تری خویش را در جزیره مدغا سکو (در اینجا یکهزار ماشین فر ستاده شد) جاپان و بیرو ثابت ساخت. بلدوزر ها و ماشین های صادر شده به بسیاری کشور ها مانند افغانستان، ایران، ایتوپی، موزمبیک نتایج مثبت در کار بجا گذاشته است.



ماشین برای ریختن کود مایع در زمین



بهترین و پر شور ترین دوره است که مردم مسلمان جهان به تجلیل هزارو چار صدومین سالگرد هجرت نزدیک میگردند. وی هم چنان گفته است که نظریات متعددی در مورد مردم مسلمان در اتحاد شوروی خلق گردیده بود که تعداد زیاد این نظرات قابل قبول نبود روی آن لحاظ بود که عدها هزار برادران مسلمان از کشور های مختلف با ما ارتباط برقرار نمودارین دیدوباز دید آنها واقعا درك کردند که خلق مسلمان در اتحاد شوروی از نعمت ها و آزادی های سر شماری بر خوردارند چون صلح و تفاهم متقابل اساس ایدئولوژی اسلامی را تشکیل میدهد به حیت يك شخص مسلمان همیشه امید و ااریم که چنین فرصت های دید و باز دید و تبادل فرهنگی میان خلق های مسلمان سراسر جهان صورت گیرد.

ابوجهزه رئیس دانشگاه اسلامی پاریس گفته بود که وی با گنجینه دانش اندک در اتحاد شوروی سفر نمود اما در ختم مسافرت وی گنجینه بزرگتری را که حاوی معلومات، درك و دانش وسیعتری در مورد اسلام و مسلمین در اتحاد شوروی بود با خود همرا آورده است. در ختم مسافرت ابوجهزه که نقاط مختلف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بازدید نموده بود گفت که وی خریطه کوچک دانش خود را همین جا گذاشته و با خریطه بزرگ و عالی که مملو از صداقت درك و دانش وسیع از خلق مسلمان و شیوه زندگی مردم اتحاد شوروی است کشور اتحاد شوروی را به قصد پاریس ترك میگوید.

اتحاد شوروی آزادی های سیاسی، مذهبی دریافتند هر نوع بی عدالتی، امتیازات مسان خلق ها مردود دانسته شد و تساوی کامل ملیت ها بصورت درست عملی گردید.

درست بعد از برانداختن قدرت نزاری بود که دولت سوسیالیستی به رهبری، رهبر بزرگ کارگران جهان در قدم اول کوشید که حیات و زندگی مردم مسلمان مناطق آسیای مرکزی سا یبیریا را تضمین نموده آنها را از جنگال مرگ و میر که ناشی از فقر و گرسنگی بود نجات دهد و در قدم دوم کوشید تا بسوی سوادتی را از میان خلق ها بر دارد.

شمس الدین بایا خانوف که مسوول امور مذهبی در اتحاد شوروی است از مکتب در اتحاد شوروی فارغ و بعد به دانشگاه مذهبی تاشکند مصروف تحصیل گسردید. بعدا موصوف به قاهره رفته و از دانشگاه جامع الازهر درجه دکواری خود را گرفته است او میگوید که پدرش از سال ۱۹۴۳ الی ۱۹۷۵ مسوول رهبری خلق مسلمان در اتحاد شوروی بوده است. داکتر بایا خانوف سه مرتبه به زیارت خانه خدا نایل گردیده است.

در سال ۱۹۷۸ به اساس گفته داکتر شمس الدین بایا خانوف تعداد زیاد خلق مسلمان ملیت های مختلف اتحاد شوروی به زیارت خانه خدا رفتند که مسن قرین حاجیان به سن ۷۰ سالگی و جوانترین آنها به سن ۴۰ سالگی قرار داشتند که مفتی عبدالباری یکی از رهبران مسلمان دیگر اتحاد شوروی گفته است که وی چند بار حج نموده و حج آخری که او در نظر دارد گفته است که

صدای ما در کوهستان

قسمت دوم

مردم ما را گور کردند. و تکیه میخواستند دعا کنند مارزک صدا کرد: برادر ها! هیچ وقت آنقدر هیچانی دیده نشده بود رنگش بریده بود و گلویش را بغض میفرد. مارزک گفت: جنگ را چه کسی به ده تان آورد؟ دشمنان تان. آنالیکه همه دشت های خدا را قبایله کرده بودند و سالها شما مزدوری شما نرا می کردید. و تکیه باداری شما را گرفتند، ز من هایشانرا به شما دادند که حق تان بود به کشتن تان و به سرخس ده کمر بستند. در میان شما هستند کسانی که هنوز نمی فهمند و آثارا دوست خوشش می پندارند. اجنه و سایه ها به شما کاری ندارند. خونخوار ترین دشمنان شما همان آدمها هستند.

آدمهاییکه نیاز محمد را کشتند، صوفی یاسین را کشتند و اگر شما متفق نبودید تمام ده را به خون سرخ خواهند کرد نیاز محمد را خدا بیامرزد. با مرگ او ده پدرش را از دست داده است ... سکوت تلخ و سپهگین حکمفرما بود صدای گریه پسر نیاز محمد بالا شد با گلوی گرفته نالید: پدرم! صدای گریه چند پسر مرد هم بالا شد و مردم به مراسم دعای عمومی معطل شدند از شدت غم دستی به رو کشیدند و به راه افتادند.

راه پیمایی با سکوت همراه بود. در وسط های گورستان و ده دانه خدایه گوش مارزک گفت:

شمان با تو همی دارد خصو صی میگوید. متعاقب آن شمان نزدیک آمد. در حالیکه زیاد مواظب اطرافش بود گفت: سلام علیکم. من به شما چیزی میخواهم عرض کنم نیمه شب یک آدم ناشناس با پشای زخمی به خانه من آمد. خواست او را پناه بدهم. فردا

گفت به دنبالش می آیند و میرانش. مارزک گفت: کسی بد نباشش می آید عثمان گفت: خوب معلوم است که نفر های عبدالروف خان.

مارزک گفت: تو تمام شب در خانه بودی؟ عثمان گفت: بلی بودم.

مارزک گفت: صدای تفنگ ها را که حتمی شنیده ای چرا تیرا مدی به کمک

نفر های عبدالروف خان؟ شمان گفت: ده خودم را آتش میزدیم؟ مردم خودم را می کشتیم؟ خدا نگاه کند، عجب آدمی استید. ما رزک گفت: پس بطور دشمن مردم خودت را جای داده ای؟

شمان گفت: همین است که گفتم. پنهان نکردم که. دستش را بسته به دست تان میدم. زنت طلاق هر که دروغ بگوید. مرد ناشناس را که گلوله ما رزک

شب بالای پل را تیر را را سوراخ کرده بود پهلوان مردان، جمعه و برهان الدین به ولسوالی بردند. مردم ده تخت مطمن نبودند که جمعه و برهان الدین با دو تفنگ جره بی از عهده این مأموریت برآمده بتوانند. امکان حمله گمانندگان عبدالروف خان وجود داشت. پهلوان مردان خودش داوطلب شد. مارزک مردم ده را مخاطب ساخته گفت:

چه میگوید، پهلوان هم برود؟ مردم گفتند: اگر او برود خاطر

ما جمع خواهد بود. پهلوان مردان یک شهر را پس است. ما رزک ماشیندار خود را بوسید و به دشت پهلوان داد و گفت: این اسلحت را هم به پهلوان دلاور ده می سپارم. خدا همراهت. شیر محمد آهسته گفت: ما رزک زود اعتماد میکنی.

مارزک گفت: من به خلق همیشه اعتماد دارم شیر محمد گفت: پهلوان تا دیروز در پهلوی دشمنان خلق قرار داشت.

مارزک گفت: هیچ دلیلی وجود ندارد که او در صف دشمنان خلق بایستد.

شیر محمد گفت: مگر واقعیت چیز دیگری میگوید.

ما رزک گفت: بلی واقعیت همین را می گوید که اشتباه و قصد را باید از هم جدا کرد.

شیر محمد گفت: خوشبینی تو زیاد است.

ما رزک گفت: شاید واقع بینی کلاه بهتر باشد. هر دو خندیدند.

سر از آن شب مردم ده پنچ پنچ نفر تعیین می کردند تا بهره بدهند.

خیمه مارزک و رفقایش را از پشت گردنه جمع کردند و خودشان را در میان ده در یکی از خرگاه های کنار دریا جای دادند. آنان شب با غرش

یک آهنگ دریا به خواب میرفتند و صبح با صدای عنده لب ها بیدار می شدند.

حلیم و شیر محمد میرفتند بدو بالا که باگروپ و فقا نیسه در آنجا مصروف توزیع زمین بودند کمک کنند. مارزک دست های تب آلودش را در آب سرد دریا فرو می برد و به اطفال ده که در کنار دریا برای تنگه سازی جمع می شدند ترانه یاد میدادند:

ای انقلاب سرخ
ای لاله گون شفق
مارا ز آمد آمد خورشید مژده ده
ما با تو زنده ایم
دل با تو بسته ایم
از بر تو سعادت جاوید مژده ده
آسودگی خلق
امید گرم ماست

از خنده کردن گل امید مژده ده ... در آن سه چهار روز ما رزک بسیار لاشر شد. تبش یکسان بود. نه کم می شدی نه زیاد.

زنان ده هر روز نهار یک کاسه آب قلیج برگ بید را میدادند که بنوشد. اما تأثیری نمی کرد. هر چه رفقا اصرار می کردند که برود به خانه، به تداوی و استراحت پردازد نمی پذیرفت. سخت مخالفت می کرد. میگفت: به زودی جور خواهیم شد و آوقت بدون درنگ در همان نقطه بلند اولی مکتب را دو باره خواهیم ساخت و مردم را خواندن و نوشتن یاد خواهیم داد. از این حرف ها برق خوشی در چشمانش ر و نما می شد.

یک روز شام پوسته رسان از شهر آمد. در ده جنب و جوش افتاد.

نان شب را که خورد از طیرافتن دو سه نامه کشید که یکی آن به ما رزک نوشته شده بود.

ما رزک نامه را در روشنی چراغ لیلی جویده جویده خواند.

مکتبی کرد و سطرهایی از آنرا باز خواند. باز خواند و به فکر رفت.

چند نفر که متوجه شدند پرسیدند: خیریت است؟

مارزک گفت: خیریت، پدرم مریض شده است.

حلیم گفت: پدرت؟ افسوس ... چه مریضی؟

مارزک گفت: اما من به مادرم گفته

بودم که تا چیز مهمی نباشد به من نگویند.
شیر محمد گفت: خوب بماله مر یضی پدر مهم است آخر.

یکی به دیگری پس پس کردند و مردمی که در آن خرگاه مانند دیگر شب ها برای ساز و ساعت تیری جمع شده بودند از شوخی و خنده باز ماندند. الله یار دنبوره اش را در پوشش داخل نمود و آندوه گین به چوب خرگاه تکیه کرد.

مارزک گفت: الله یار امشب دو بیستی های سیاه سوی و جلالی را بخوان؟

الله یار گفت: مارزک لالا باز کدام شب دیگر که دل ها شاد باشد.

مارزک گفت: بیاد بیار سیاه سوی را که در برج آشکارا زندانی بودند، جلالی میخواند: صدف از موج دریا میزند سر چو لعل از سنگ خارا میزند سر طلوع صبحم روی سیاه سوی ز برج آشکارا میزند سر

باز الله یار گفت: مارزک لالا امشب دل نمیخواند. خدا غم را دور داشته باشسد بارها برایت خواهم خواند.

در میان خرگاه به تدریج دامن دیگر سخن ها چیده شد.

یکی از دیگری می پرسیدند که کدام اسم بهتر است که فردا ما رزک را به ولسوالی ببرد. شمان با پسر نیاز محمد در یک گوشه خصوصی گپ زدند و بعد گفتند که اسم نیاز محمد فردا تیار خواهد بود. یک کسی دیگر هم باید همراه مارزک برود. ما رزک باز هم قبول نمی کرد، نمی گفت و دلیل می آورد. هر یضی پدرش را جزئی تسان می داد. مگر تصمیم گرفته شد.

آتش دهاتیان زودتر از دیگر شب ها گرفته و غمگین خرگاه مهمانان شهری را ترک گفتند. فردا تمام ده از نامه بیکه به ما رزک آمده بود با خبر بودند پسر نیاز محمد اسم سمند پدرش را قنوه و صافی کرد. با ل و دمش را شست و آنجا تکه بر ای پدر خود آماده می ساخت حتی سمپاشی را با تکه تر باک کرد. اسم را که زین کردند هوس تاخت و تاز در رنگ هایش شویید. به جلو و عقب خودش را می کشید. گوش ها پیش را وچ کرده بود. گاه نقطه های دوری را با کنجکای میدید و گاهی هوایی را که در سینه فید کرده بود با سر و صدا از بینی خارج می کرد. چشمانش هر آن برق می شد.

مردم ده که برای وداع جمع شده بودند از نما شای بهترین اسم ده لذت می بردند.

از دهن دره تا ولسوالی پیا بان فراخی خفته بود.

مارزک ربابا دعای خیر بر اسم سوار کردند. از هر خانه گوسفست پخته، کلبچه روشنی و تخم جوش داده آوردند در خور جینی گذاشتند و آنرا هم پریشست زین بسته کرد. به پدر مارزک شفا خواست. به کسی که قرار بود همراه ما رزک برود هم بقیه در صفحه ۸۸



لابراتوار یکی در آن تحقیقات طبی را محصلین انجام میدهند.

کننده و با فلتر خشک کننده مورد استفاده قرار گیرد، که به تدریج این ماسک ها در اردوی اتحاد شوروی و بعد ها به کشورهای دیگر نیز سرایت نمود. از آن زمان محققین دریافته اند که چگونه کاربن را در نجات انسان ها نیز میتوانند مورد استفاده قرار دهند.

انکشافات سریع مواد فلزی و دستگاه های کیمیاوی که حاوی مواد سلنوریک و سایر مواد خام بود بکار اتحاد به تدریج در کشورهای دیگر نیز صنعت دی سلفاید مورد استفاده قرار گرفت.

بنا برین دانشمندان در صد آن شد ند که چگونه زیادتر بتوانند از سیوع و بخش چنین گازات جلوگیری نمایند.

دانشمندان عقیده دارند که ماده که عود مضره میتواند توسط موجودیت کاربن به حیث مواد جذب کننده این امر را بصورت دقیق انجام دهد.

متخصصین عقیده دارند که ماده جذب کننده نهایت موثر تمام شده میتواند چنانچه ماده مذکور را در پایب های که از آن دود دستگاه

ها خارج میشود قرار داده و ماده مذکور در تصفیه و پاک سازی دود داخل با سپ ها خیلی ها موثر بوده و این تجربه در موسسه صنعتی ماسکو مورد آزمایش قرار گرفت و نتایج خوبی از آن بدست آمده است.

امروز در صنعت گاز کاربن بهیث تصفیه کننده در مورد آب های نوشیدنی هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد این امر در مورد طبابت و ادویه جات نیز مورد استعمال قرار دارد.

مادری زمانی که بیرون می رفت در خنجر پنج ساله اش را در خانه تنها گذاشت دخترک مذکور چند تابلیت خواب آور را خورد زیرا او فکر میکرد که فقط شیرینی است دختر را به شفاخانه انتقال دادند و توسط تزریق گاز کاربن توانستند حیات او را نجات دهند.

چندین سال قبل موسسه بزرگتری طبیی مسکو توسط دانشمند بزرگ اتحاد شوروی پوری لویوچن افتتاح گردید این موسسه فقط به منظور تصفیه گاز کاربو نیک که در خون تأثیر داشته شروع به فعالیت نموده است.

در صورتی که خون در شرابین لخته شود گاز کاربن میتواند در تصفیه و عادی گرداندن جریان خون نقش مهم ایفا نماید که در گذشته ها کمتر درین مورد فکرمی شد.



ستازان طب، حین بررسی تصفیه مواد کاربونیك دیده میشود.

ترجمه : حبیب الله عمادی

چگونه کاربن در تداوی و نجات بعضی از امراض بکار می رود؟

زمانیکه برای اولین بار گازات کشنده در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت در حدود اضافه تر از ۶۰۰۰ نفر جان شان را از دست دادند. از آن زمان به بعد دانشمندان و متخصصین در صدد آن بر آمدند تا وسایل ضد گازات زهرا کننده را کشف و کتننده را کشف و بوجود آورند. بعد از تب و تلاش های زیاد کیمیا دان معروف اتحاد جماهیر شوروی انگرلای زی- نیسکی موفق شد که ماسک را پری ضد مواد کیمیاوی کشنده را بوجود آورد که در بین روپوش و یا ماسک، کاربن به حیث خشک -



تکنشین های ورزیده، حین انجام تحقیقات و بررسی تأثیر مواد کاربن

متخصصین طب در جهان امروزی عقیده دارند که بشر در آینده نزدیک قادر خواهد بود تا چنان کارهای بزرگ را انجام دهد که در گذشته های دور وحی در شرایط فعلی انجام چنین عملیات و کار ها، بعید به نظر می رسد آن زمان است، که حیات و معشویت حیاتی آدمیزاد در مقابل هر گونه مصائب جسمی تضمین خواهد شد.

یکی از متخصصین ورزیده چنین می اندیشد که اگر طب و طبابت فقط در خدمت کسالتی باشند که آن را فقط وسیله درآمد و منافع شخصی میدانند، طبابت به سطح نازل تنزل خواهد نمود و این امر در جوامع سرمایه داری زیادتر مروج بوده زیرا قانونمندی جوامع سرمایه داری که بر سلووده منافع شخصی استوار است همه چیز را فقط با معیار پولی ارزیابی میکنند اما در جوامعی که مالکیت شخصی به مالکیت دسته جمعی مبدل گردیده این امر کاملاً جنبه اجتماعی پیدا نموده و حیات انسان و الاثر و بالاتر از همه چیز فرامیگیرد و تلاش های متخصصین

در جهت بهبود وسایل طبی و حفظ حیات انسانها مینول میگردد نه از دید درآمد شخصی.

پیروزی نهایی از آن خلق فلسطین

جوانب منفی معاهده کمپ دیوید و اثرات زیان بخشی آن در امر غلبه جهان عرب بر صیونیزم که به قسم دو جانبه در پشت پرده به اضماء رسیده با گذشت زمان بر ملا تر شده و موقف های دو همبازی کمپ دیوید با اشاره امپریالیزم بین المللی روز تا روز آفتابی می شود .

چندی قبل تشرات رسمی ایالات متحده امریکا در مورد تیزس اعطاف پذیری و تمایل و امتسکن به معضله فلسطین سخن پراگسی نموده و از رسیدن به تدویر دیالوگسی با سازمان آزادی بخش فلسطین در آینده نزدیک چیزهایی نوشتند که حوادث بعدی ثابت ساخت که این مشورت ها و گفتگو ها نتوانست از سطح یک مانور دیپلماتیک خارج شود . بروز به اصطلاح تمایل مذاکره با سازمان آزادی بخش خلق فلسطین وسیله ارضاب دیگری است که امپریالیزم در مقابل کشور های عربی و در قدم اول در برابر نول مولد نفت حوزه خلیج فارس بکار برده و بدین ترتیب در صدد استحکام نفوذ خویش برآمده است .

واقعیات نشان داد که در نتیجه نارضایتی اسرائیل و حامیان آن در ایالات متحده، قصر سفید با عجله و شتاب زدگی اعلام داشت که در سیاست امریکا نسبت به فلسطین و سازمان آزادی بخش آن هیچگونه تغییری رونماننده است .

رویداد های سیاسی گواه بر آنست که حلقه های ضد فلسطینی در واشنگتن به حقوق حقه خلق فلسطین برای تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل فلسطین احترام نداشته و سازمان آزادی بخش فلسطین و ابعیت یگانه نماینده قانونی خلق عرب فلسطین برسمیت نمی شناسند . بطور مثال در مصاحبه که اخیرا در روزنامه «نیویارک تایمز» به چاپ رسیده ، سعی شده تا پرابلم فلسطین به سطح خود مختاری داخلی پایین آورده شده و در برابر تشکیل دولت مستقل فلسطینی چپه گیری شود .

درین حال و احوال سیاست طرد سازشکاری سازمان آزادی بخش فلسطین ضربه مهلکی بر خیال خام و باطل دیپلماتهای جهسان امپریالیستی وارد نموده و به آنها ثابت شده که این سازمان در برابر حقوق غیر قابل انکار خلق خویش به سازشکاری و تسلیم طلبی متوسل نخواهد شد .

استغناء نماینده دایمی ایالات متحده در سازمان ملل متحد بخوبی واضح ساخت که چگونه حلقه های صهیونیستی و هواداران اسرائیل، زعماداران اسرائیل را در راهی که پیش گرفته اند تشویق و ترغیب می کنند .

حمایت بی چون و چرای سیاسی، نظا می اقتصادی تل ایب از جانب کشور های امپریالیستی، به تهاجم نیرو های صهیونیستی بر کشور های همسایه توانایی بیش داده و باعث می شود تا حق انکار ناپذیر خلق فلسطین زیر پا و زمینه تجاوز بر دیگران بیشتر از پیش فراهم گردد . تشدید پروسه ترور و فشار که سمت عمده سیاست اسرائیل را در مناطق اشغالی تشکیل میدهد انعکاس

فلسطین است .

یابان



قهرمانه غشی ویشتو نکلی دخیلی لو بی دتمیزین په حال کی لیدل کیری .

ژ غورندوی

دشوروی اتحاد د تکره غشی ویشتو نکلی

دشوروی اتحاد دخلکوسترگی به لاره دی چی دمسکو داوالمپیک به مسابقو کی به ددوی د هیواد تکره غشی ویشتو نکلی پیغله طلا بی مدال تر لاسه کری . دا تکره پیغله

زیب النساء نومیری او دشوروی اتحاد دتا جکستان د جمهوریت په مرکز یعنی ددو شنبی په بنار کی استو گنه لری .

دا تکره غشی ویشتو نکلی دعالی دار المعلمین د وروسستی تو لکی محصله ده او ددی د دیپلوم د دفاع مو ضوع د لوبو او ورزشس سایکا لوزی ده چی ددی مو ضوع د دفاع نه به وروسسته دیپلوم او شها دتنا مه تر گو تو کری . دمسکو دغشو ویشتونکو دتیم مشر عقیمده خرگندوی چی دا پیغله به دمسکو

داوالمپیک په لوبو کی طلا بی مدال تر لاسه کری . دغشی ویشتلو به لوبه کی یواخی دتنبی ویشتل کفایت نه کوی بلکی لازمه ده چی داهتر به

دشوروی اتحاد دخلکوسترگی به لاره دی چی دمسکو داوالمپیک به مسابقو کی به ددوی د هیواد تکره غشی ویشتو نکلی پیغله طلا بی مدال تر لاسه کری . دا تکره پیغله زیب النساء نومیری او دشوروی اتحاد دتا جکستان د جمهوریت په مرکز یعنی ددو شنبی په بنار کی استو گنه لری .

دا تکره غشی ویشتو نکلی دعالی دار المعلمین د وروسستی تو لکی محصله ده او ددی د دیپلوم د دفاع مو ضوع د لوبو او ورزشس سایکا لوزی ده چی ددی مو ضوع د دفاع نه به وروسسته دیپلوم او شها دتنا مه تر گو تو کری . دمسکو دغشو ویشتونکو دتیم مشر عقیمده خرگندوی چی دا پیغله به دمسکو داوالمپیک په لوبو کی طلا بی مدال تر لاسه کری . دغشی ویشتلو به لوبه کی یواخی دتنبی ویشتل کفایت نه کوی بلکی لازمه ده چی داهتر به

از نیونایمز
ترجمه: احسان آذری

جمهوری خلق انگولا در مسیر سوسیالیزم

بتاریخ یازدهم نومبر سال جاری خلق های انگولا چهارمین سال تاسیس جمهوری خلق انگولا را جشن گرفتند. این کشور انقلابی افریقایی در طول چهارده سال تحت شرایط فوق العاده دشوار بر ضد امپریالیزم، قوای تبعیض طلب افریقایی جنوبی و استعمار پرتگال مبارزه نموده است. و بعد از این تاریخ مجدداً در راه اعمار جامعه فاقد بهره کشی تمام نهاده است. در اولین کانگرس جنبش خلق برای آزادی انگولا در سال (۱۹۷۷) تاکید بر عمل آمد که این جنبش پیش آهنگ طبقه کارگر این کشور می باشد. و با ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر مجهز می باشد. خلقهای انگولا سالجمله جمهوری خلقی را در حالی استقبال می نمایند که اگوستینو تینو رهبر فقید آنکشور در میان خلق آنجا نیست، اگوستینو تینو رهبر انقلابی خلق های انگولا بتاریخ دهم سپتمبر سال جاری در گذشت. او خفته های این کشور را در سال های جنگ عادلانه خلقهای این کشور بر ضد استعمار پیروز نموده رهبری نمود. چنانچه در سوگواری این رهبر انقلابی ده ها هزار انسان زحمتکش این سرزمین اشتراک نمودند.

بعد از انقلاب خلقی درین کشور سیمای جامعه بصورت دینامیک تغییر نموده است. ترفیات مزید کنونی اقتصادی اجتماعی این کنسور دینامیزم تغییرات انقلابی رابه وضاحت نشان می دهد. در ماه های می و جون سال جاری پیش از یکصد هفتاد و هفت دستگاه های بزرگ ترانسپورتی تجارتنی و غیره در لوئدا (مرکز انگولا) و دیگر شهر های این کشور تحت کنترل مستقیم دولت گرفته شد. مثال چهارم انقلاب بنام سال تریبه کادرها و پرسونل فنی اعلام شده است.

ذخایر نفتی این کشور کاملاً تحت کنترل دولت می باشد. و در عواید محصولات و تولیدات نفتی این کشور تولید قابل ملاحظه ایجاد شده است. تولیدات نفت این کشور در هر سال هشت ملیون تن می باشد. در تعداد فابریکات صنعتی و دستگاه های بزرگ انرژی برقی نیز افزایش بعمل آمده است. منازل مسکونی و راهیابی برای فامیل های زحمتکشان دوسر تاسر انگولا تحت اعمار می باشد. و دولت

انقلابی انگولا برای بهبود سطح تولیدات نعم مادی در کشور اقدامات موثر را روی کار گرفته است. در دهات نیز پیوسته رزم های رادیکال انقلابی تحقق می یابد. برای بلند بردن سطح تولیدات زراعتی بهبود شرایط زندگی دهقانان تامین و هم بستگی دهقانان با کارگران و اقشار زحمتکش دیگر دولت انگولا پیش از دو هزار فارم بزرگ در گوشه و کنار کشور تاسیس نموده است. اکثر امور مربوط به فارم ها و غیره با کار های رفیقانه و داوطلبانه جوانان و زحمتکشان تحقق می یابد. بطور مثال در ماه اکتبر پیش از شصت تیم جوانان و زحمتکشان این کشور به روحیه رفیقانه در یک فارم بزرگ زراعتی در حصه شمال شهر لوئدا کار نمودند. در دهات این کشور مناسبات قسرو نسطاری و پاتریکال و همچنان رشد طبیعی و کند اقتصاد خاتمه یافته است، و رهبر این کشور علاقمندی خاصی به بلند بردن سطح کلتوری و معنوی مردم انگولا دارند. بمنظور تطبیق اصل مدر نیزه کردن امور

زراعتی دولت انقلابی انگولا سیستم کورپراتیوی را در سرتاسر آنکشور تعمیم نموده است. تا بحال درین کشور چارصد و پنجاه کورپراتیف بزرگ زراعتی وساحه بیش از چهار ملیون هکتار زمین را احتوا میکنند کمیته مرکزی حزب کارگر انگولا در ماه دسامبر سال ۱۹۷۸ فیصله بعمل آورد که دولت باید صنایع کوچک خصوصی و بورژوازی ملی متوسط و کوچک را تشویق و ترغیب نماید در سراسر کشور معافه های بزرگ خلقی تاسیس شده است که نیاز مندی روزمره زحمتکشان را با تنزیل در قسمت ها رفع می نماید طبقه کارگر این کشور در اثر مساعدی دولت و حزب کارگر جمهوری خلق انگولا از لحاظ شعور سیاسی به سطح عالی ترین قرار گرفته است. دولت انقلابی انگولا برای امحای یسوادتی که میراث شوم رژیم های استعماری گذشته می باشد اقدامات ارزشمندی را در مساحه عمل پیاده نموده است. تا بحال در طی دوره کوتاه بعد از انقلاب به تعداد یکصد و نود هزار نفر از نعمت سواد بهره مند گردیده اند. حزب کارگر انگولا و دولت خلقی آنکشور ریشه های عمیق توده ای و مردمی دارد. و در اثر مجاهدت آنها و حدت هوجه بیشتر شما طبقات زحمتکش و اقشار مترقی تحقق یافته است.

چنانچه کمیته های با صلاحیت حزبی در بیش از هفده ایالت این کشور تاسیس شده است. و درین کمیته ها هزاران زحمتکش و روشنفکران مترقی شرکت دارند و در حال حاضر تعداد اعضای این حزب بیش از هشتاد هزار نفر می باشد.

در جلسه های سر تاسری حزب کارگر جمهوری انگولا در ماه مارچ خاطر نشان گردید که دولت باید سطح تولیدات مادی را بلند ببرد. و در تمام ارگان ها و موسسات دولتی و اجتماعی باید تسلیحی کارگری حکمفرما باشد.

دولت انقلابی انگولا برای تدریس ایدئولوژی و اندیشه های طبقه کارگر بیش از هفت مؤسسه تعلیمی را تاسیس نموده است. اتحادیه های کارگری این کشور نیز نیرومند شده است و بیش از نیم ملیون کارگران در این اتحادیه ها عضویت دارند سازمان های جوانان و زنان این کشور نیز منسجم تر گردیده است.

ولی این پالیسی خلقی و ضد امپریالیستی انگولا باعث نگرانی قوای ارتجاع و امپریالیزم گردیده است. و ازینرو در راه تحقق اهداف انقلابی جمهوری خلق انگولا دسیسه ها و توطئه های خرابکار را می چینند. درین مورد حکومت ارتجاعی و تبعیض پسند افریقایی جنوبی از همه قوای امپریالیستی پیش قدمی می کند. و چندین باره قلمرو های جمهوری خلق انگولا تجاوز نموده است. چندی قبل در قسمت های جنوبی جمهوری خلق انگولا قوای تجاوزکار

رژیم ارتجاعی و دست نشانده امپریالیزم افریقایی جنوبی دوبار تجاوز نمود. که در نتیجه آن چندین پل ویران شد و بیش از بیست نفر اشخاص بیگناه ملکی بقتل رسیدند. امپریالیزم بین المللی به چنین تجاوز های غیر قانونی و ضد اعلامیه حقوق بشر اکتفا نکرده. و بطور مداوم باند هاو دسته های تروریستی را در این کشور مسمی فرستد. امپریالیزم بین المللی بعد از مرگ اگوستینو تینو رهبر انقلابی آنکشور آرزو داشت تا این کشور از مسیر سوسیالیزم طفره خواهد رفت. و راه رشد پر از رنج و عذاب کاپیتالیستی را اتخاذ نمود.

ولی این خواست امپریالیزم بین المللی نیز نقش بر آب شد. در اجلاسیه تا ریخی ماه سپتمبر کمیته مرکزی حزب کارگر جمهوری خلق انگولا جوگی ادوارد ودوش را بحیث رئیس جدید حزب انتخاب نمود. که به اساس قانون اساسی انگولا وی رئیس جمهور آنکشور نیز می باشد. درین اجلاسیه جوس، ادوارد ودوش خاطر نشان نمود، که دولت انقلابی خلق انگولا به اساس پرنسیپ های اصولی و علمی ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر، در مسیر نظرمند سوسیالیسم به پیش خواهد رفت. و درین راه تمام موانع را که ارتجاع محلی آنکشور و امپریالیزم آبرو باخته بین المللی ایجاد می کند یکی بر دیگری تعقیب خواهد ساخت.

همچنان او اعلام نمود که «حزب کارگر جمهوری خلق انگولا و دولت انقلابی با درک رسالت مندی تاریخی خود، راه را که اگوستینو تینو در برابر خلق انگولا گشود، بود با متانت و بی گیری تعقیب خواهد کرد». روابط دوستانه بین اتحاد شوروی و جمهوری خلق انگولا از همان زمانی آغاز یافته است که خلق های انگولا تحت شرایط دشوار بر ضد ارتجاع داخلی و امپریالیزم در جنگ بودند. همکاری های این کشور با کشورهای دیگر جامعه سوسیالیستی و تمام کشورهای

صلح دوست و مترقی جهان گسترش می یابد. اتحاد شوروی در قسمت صنایع ترانسپورتی، مخابرات، جیولوژی و غیره کمک های فراوانی بآن کشور نموده است و عده زیادی از محصولات آنکشور در پوهنتون های اتحاد - شوروی به کسب تحصیل می پردازند، و کادر های فنی زیادی این کشور در اتحاد - شوروی تربیت فنی و تکنیکی یافته اند.

جمهوری خلق انگولا دوست وفا دار تمام جنبش های ملی و ضد امپریالیستی قساره پهناور افریقا و سراسر جهان می باشد و مبارزات ضد امپریالیستی این کشور بخش از پیروسی انقلابی جهان را تشکیل میدهد. به جرئت می توان گفت که انگولا در آینده نزدیکی در شاهراه سوسیالیسم موفقیت های مزیدی را نصیب خواهد شد. و توطئه ها و دسیسه های امپریالیزم بین المللی جز نقش بر آب شدن چیزی دیگری را در قبال نخواهد داشت.



از سپو تینک

ترجمه (نیزک)

برادران کیو - شعبده - بازان نامی شوروی



امیل کیو (برادر بزرگ) همراه با موتر در یک چشم به هم زدن بدون باقی ماندن اثری از خود و موتر از مقابل چشمان تماشاگران غایب می شود.

مدتها است که دیگر کسی به کارهای خارق العاده و غیر طبیعی باور ندارد. معینا نیم قرن نمایش شعبده باز نامی شوروی امیل کیو خلاف این ادعا را بیان می کند. او در نمایش های خود آدم ها را در برابر چشمان حیرت زده تماشاگران نا پدید میساخت، پیا پی بزرگ را بدون آنکه بان دست بزند به حرکت در می آورد و علی الرغم قانون جاذبه آن را در میان هوا معلق نگه میداشت. او دختر زیبایی را در درون قفسی بزرگ از سقف سیرک میا و یخت و بعد در یک چشم بهم زدن دختر زیبا را به شیری درنده بدل میساخت. دختری دیگر را

باره پی بزرگ (از نیمه قطع) میکرد و دیگری را بدون اینکه کوچک ترین آسیبی به وی برسد به درون شعله های آتش پرتاب میکرد. او داوطلبانی از بین جمعیت می خواست، آنها را درون صندوقی بزرگ قفل میکردند ولی در مدت کمتر از یک دقیقه امیل کیو از ردیف های بالایی تیاتر ظاهر می گردید.

روزنامه های بسیاری کشورها کیو را یکی از برجسته ترین شعبده بازان عصر ماویکی می دانند. معینا قرن بیستم تو صیغ کرده اند. او با نمایش های مهیج و شکفت انگیز خود سر تا سر اروپا، آسیا و آفریقا را فتح کرده بود. مردمان عامی از شگرد ها و چال های او در شکفت میشدند و استادان فن مهارت و توانایی بی نظیر او را می ستودند. نام کیو مترادف کارهای ناممکن و حتی به ضرب المثل مبدل شده بود. مثلا وقتی کسی می گوید (من که کیو نیستم) مرادش اینست که نمی تواند کاری ناممکن را انجام دهد.

امیل کیو دوزو بیچ در سال ۱۹۶۵ جهان را وداع گفت. جسد او بروی صحنه سیرک جایی که او دهها سال بر آن حکومت میکرد قرار داده شد، هنرمندان هنر پیشگان و دیگر علاقمندان در مقابل جسدش به صف ایستادند تا آخرین درود و احترام خود را نثار این نمایشگر بزرگ کنند. شام همان روز کلمه ای آشنای کیو یکبار دیگر بر سر درود رودی سیرک ظاهر گشت. مرد با-

یک اندامی در حالیکه نیمه تنه و نکتایی سفید بتن داشت بر روی صحنه سیرک پا گذاشت. چشمانش غمزده و اندک و همگین می نمودند با بار غمی که بروی شانه ها یشس سنگینی می کرد او می دانست که پسر کیوی بزرگ حق ندارد احساس شخصی و غم مرگ پدر را ظاهر سازد او تصمیم گرفته بود علی الرغم مرگ پدر و اندوه ناشی از آن نمایش را اجرا کند. این، پسر بزرگ شعبده باز فقید بود که نام امیل یعنی نام پدر را بر خود نهاده بود. روز بعد برادرش ایگور نیز به نمایش های سیرک پیوست.

امیل نخستین بار وقتی فقط دو سال داشت بروی صحنه سیرک ظاهر گشته بود واقعه چنان بود که وقتی پدر و مادرش خود را برای اجرای نمایش آماده می کردند در پشت ستیز کسی او را اذیت کرد و او هم از لچ خود را درون صندوق جادویی پدر پنهان کرد و وقتی نمایش آغاز شد صندوق به صحنه سیرک انتقال داده شد و در آن باز شد تا نشان داده شود که درون آن خالیست که ناگهان امیل از درون صندوق بیرون پرید البته تماشاگران به حساب اینکه این هم یک شوخی و جزیی از نمایش است شروع به کف زدن کردند!

دومین ظهور او بروی صحنه هم بسیار جالب بود خودش در سن مورد می گوید: (من در آن زمان سه سال داشتم و همراه پدر و مادر برای اجرای نمایش به سیرک رفته بودم. پدرم و مادرم بروی صحنه مشغول اجرای نمایش بودند و من ایشان را نظاره میکردم. مادر درون جعبه بزرگ چوبی خوابید، پدر اراه ای بزرگی را در دست گرفت و شروع کرد به اراه کردن و دو نیم کردن صندوقی که مادر در آن خوابیده بود من بروی صحنه پریدم و با مشت های کوچکم شروع کردم به زدن پدر در حالیکه فریاد میزد (اورا آزاد کن! آزادش کن) همه عجبی برپا شد. بالاخره مادر بدون اینکه آسیبی دیده باشد از درون صندوق برخاست مرا بو سید دو باره بر جایم نشانید! امروزه خودم هم سرم را بر روی صحنه درون جعبه می گذارم و او را



ایگور کیو اسپستانت خود را بدون اتکالی درین زمین وهوا معلق نگه داشته است .

کاری از پیش نبردند. آن ها شخصیت ها و کار اکثر های نا متجانس بودند طبیعت ها و ذوق های مختلف داشتند . و بالاخره از هم جدا شدند و بین شان شکاف ایجاد شد . ایگور جوان نقش و کار پدر را به ارث برد . امیل پذیرفت که تقبل یک چنین نقشی بسیار دشوار خواهد بود . بالاخره او نمایش های خاص خود را بوجود آورد اسپستانت های راپکار گرفت ، شگرد ها و چال ها بی راکه از پدر آموخته بود و چیز های راکه خودش اختراع کرده بود بنمایش گذاشت .

قبل از اینکه نمایش های جدید شکل گیرند و عملی شوند شبها روز های بسیاری ، طراحان متخصصین نورو مکا نیک ، کارکنان قدیمی سیرک و بسیاری دیگر تلاش های خود را برای تحقق بخشیدن ایده های ایگور در عمل بکار انداختند . تاکنون امیل کیو (برادر بزرگتر) بیش از پنج هزار نمایش در تقریبا تمام سیرک های عمده جهان انجام داده است . در هر جایی مردم در برابر غرفه های فروش تکت ازدحام میکردند و مطبوعات نمایش های او را ستایش میکردند .

در جریان نمایش ها گا می وقایع جالبی برای او رخ داده است مثلا یک روزی مردی به پشت صحنه آمد و ویالتماس از خواست دریافتن زنش که ناپدید گردیده است او را یاری کند .

ایگور عالیترین جایزه هنری سیرک و جایزه اسکار را کما می کرده است . در جاپان گروهی از برجسته ترین دانشمندان بحث عمومی را در باره شگردهای باور نکردنی این نمایشگر شوروی دایر کردند . حتی از او پرسیده شد جای دخترانی راکه در نمایش آن هارامی سوزاند . چگونه پرمی کند . او با سخن کنایه آمیزی جواب داد من باری از دختران به همراه دارم . این ذخیره تا ختم سفرم کفایت می کند در سیرک شو روی دو کیو وجود دارد . شگرد ها و چال های آن ها بعضا با هم شباهت دارند .

ایگور شخصیتی مسلط و پر تحرک است . در حالیکه برادرش مردی آرام و محبوب و دورونگرا است . این دو چهره ها بی نام آور سر کس شوروی اند و مرتبا چیز های تازه بی بر میراث هنری پدر شان می افزایند .

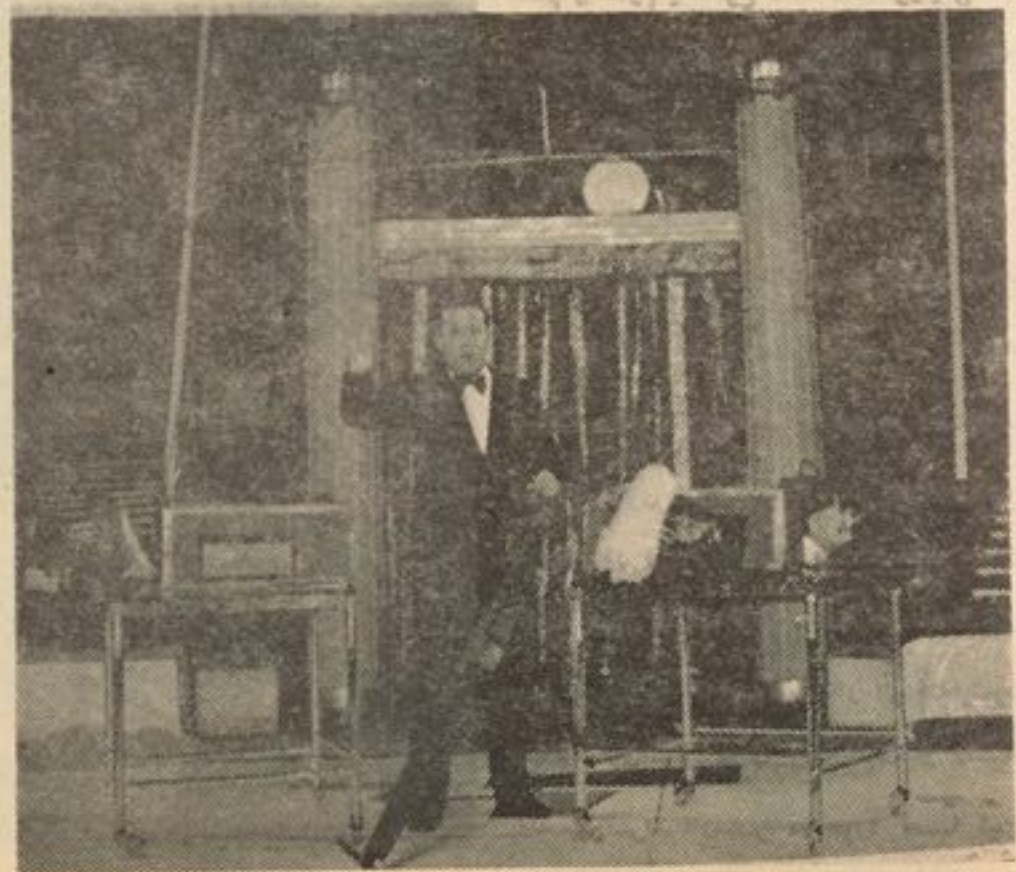
سیرک بمثابه خانه او بود ، خاطرات او از هاعوبیرو بارو فضای شاد سیرک انباشته بود . امیل تیود دورویچ (پدر) تشخیص داد . بود که ایگور وارث حقیقی او می باشد و بنابراین تمام رازهای حرفه خود را با وی در میان گذاشت . از یورو ایگور بخوبی آمادگی یافته بود . او در پانزده سالگی نمایش حرفوی خود را اجرا کرد . روزی پیش آمد کرد که امیل تیودورو پچ مریض شد و به شفاخانه انتقال داده شد . همه حیران بود که چه باید کرد ؟ چگونه جای پر نشدنی امیل تیودورو ویچ را پر کرد ؟ ایگور بعد از آن تقریبا نیم نمایش را به تنهایی انجام داد . حتی امروز نیز وقتی ایگور آن زمان را بخاطر میاورد به هیجان میاید . او میگوید :

من بروی صحنه ایستا دم بدون اینکه تماشاگران را ببینم ، احساس گیجی میکردم . وقتی نمایش را تمام کردم کارگردان نزدیک آمده مرا بو سید . و بالای شان هایش سوار کرد من معتقد شدم که موفق خواهم شد . من دو ماه تمام به تنهایی نمایش را اجرا میکردم تا آنکه حال پدر خوب شد و من دو باره به حیث اسپستانت او به کار پرداختم . بعد از مرگ پدر ، هر دو برادر یکجا به کار پرداختند و لی چندانی

اره) می کنم در حالیکه صدای کف زدن ها و تحسین تماشاگران را می شنوم) .

امیل از کودکی چندان به کار سیرک شیفتگی نشان نمیداد و کار پدرش غلاقه او راز یاد جلب نمیکرد در حالیکه برادر کو چگترش ایگور همراه با گروه سیرک با طرف کشور سفر می کرد امیل در مسکو می ماند و در درس ها یش غرق می بود . و نمرات خوب می گرفت . او مخصوص در فزیک ، ریاضی و کیمیا شاگرد لایقی بود . در سال ۱۹۶۰ او از از انستیتوت انجینیری ساختمانی مسکو فارغ التحصیل شد و به حیث انجینیر شروع به کار کرد . ولی باید درون او جرقه ای بوده باشد که یکبار مسر کشید . روزی فرارسید که امیل حس کرد نمی تواند بدون سیرک زندگی کند او بشوخی میگوید : ندای اجداد من مرا بسوی سیرک فرا خواند . شورای خانوادگی دایر شد همه کوشش میکردند او را متقاعد سازند که از تصمیمش باز گردد ولی او با آرامش و قاطعانه بر تصمیم خود اصرار می کرد او حس میکرد در غم ها و شادی های پدرش به حیث یک نمایشگر سهیم است .

وقی امیل نخستین نمایش حرفوی خود را انجام داد برادر جوانتر او ایگور قبلا یک نمایشگر سابقه دار سیرک بود . از آوان کودکی صحنه



ایگور کیو اسپستانت زیبای خود را از نیم تنه ااره کرده است .

انستیتوی ملی ژوئی و باغبانی

کهن سال ترین موجودات تاریخی



کهن سال ترین آثار تاریخی که قدمت ۳۱۰۰ سال دارد در جهان تاکنون کشف نگردیده بود اما دانشمندان مربوط باستان شناسی به اثر زحمات و تلاش های شباروزی شان توانسته اند کهن سال ترین موجودات تاریخی را در یابند این آثار تاریخی عبارت از مجسمه ده حیوان است که روی عاج کنده شده و در پوهنتون توپکن در معرض نمایش عامه قرار گرفته است. این مجسمه های کوچک که در حدود چند سانتی متر طول داشته و در آن شاخ اسب های وحشی بصورت برجسته نشان داده شده است. کشف گردیده است. به اثر تحقیقات که به عمل آمده و دانشمندان

در مورد آن ابراز نظر نموده گفته اند که این ابدات در حدود ۳۱۰۰ سال قبل وجود داشته است آثار مذکور در قسمت شهر هیدن هم کشف گردیده است.

استفاده همه جانبه از باغهای وحش

باغ و حشی که در سوا حل بحیره سیاه در حصص شمالی شهر وار نا مسوقیت دارد اخیرا بحیث یک مرکز بزرگ تحقیقات ژوئی و باغبانی در چو کات سمپو زیوم ها و سیمینار ها به بحث و مذاکره میبرد. دانشمندان امور ژوئیکی از کشورهای مختلف حوزه با لغان هر سال در این مرکز سرانجام شده در چو کات سمپو زیوم ها و سیمینار ها به بحث و مذاکره میبرد. دانشمندان امور ژوئیکی از کشورهای مختلف حوزه با لغان هر سال در این مرکز سرانجام شده در چو کات سمپو زیوم ها و سیمینار ها به بحث و مذاکره میبرد.

باغ وحش بحیره سیاه نه تنها اکنون یک انستیتو تحقیقات امور ژوئی و باغبانی در حوزه با لغان بشمار میرود بلکه در عین حال در جلب و تشویق توریزم نیز نقش مهمی را بازی می کند.

در این باغ انواع واقسام پرندگان حیوانات و خزندگان که نظیر آن در سایر دو ل کمتر دیده میشود جمع آوری و به نمایش گذاشته میشود. در او اسط تا بستان سال جاری در یک فامیل حیوانات از یک شیر ماده چهارسیر تر تولد گردید که اکنون تعداد حیوانات این نفس به شش میرسد. بمنظور جلوگیری از معلوم شدن نسل حیوانات بخصوص حیوانات درنده در نظر است الی او آخر سال آینده سه پروگرام نسل گیری در باغ های وحش بلغاریا تحت نظر ژوئی.

جستارن تطبیق و عملی گردد. کشور خلق بلغاریا یگانه کشوری است که در حوزه با لغان در مورد احیای نسل حیوانات درنده مساعی زیادی را بخرچ میدهند.



گوشه از زندگی یک جفت شیران با نوزادان آنها

دستگاه جدید برای اندازه گیری فلزات

اخیرا عده از دانشمندان امور فلزکاری شهر بور گاز موفق به بکار انداختن یک دستگاه جدیدی شده اند که با استفاده از آن میتوان عمق و ضخامت انواع و اقسام فلزات را اندازه گیری نمود.

دو سال قبل در یکی از لابراتوار های شهر بلا گوگراد چنین احساس گردید تا بمطلسور اندازه گیری مقاومت انواع و اقسام فلزات خیلی

محکم و مقاوم یک نوع دستگاه الکترونیکی تحت ساختمان گرفته شود. دوتن از دانشمندان شهر بور گاز حاضر شدند تا نقشه و دایگرام این دستگاه را پی ریزی نمایند. در اواخر سال (۱۹۷۸) امور ساختمانی آن پایان رسید و پس از آنکه راپوردی در زمینه نشر گردید دستگاه متذکره برای اولین مرتبه در انستیتو تحقیقات فلزی شهر بور گاز بکار انداخته شد. طوری که در راپورد مذکور گفته دستگاه جدید اندازه گیری فلزات از سه حصه علیحدہ متشکل بوده توسط یک تریپتور بکار انداخته میشود دستگاه فوق الذکر به یک ولتا ثابت نیاز داشته به نصب ترانسفارمر در مورد فلزات احتیاجی بنظر نمیخورد.



والری هنگام ترتیب کلکسیون چوب های هاکمی دیده میشود

یک کلکسیون عجیب

زیرا والری اسمای تمام اشترک کنندگان مسابقات قهرمانی هاکمی را بیاد می آورد. یکی از این جوگان ها بنام مستک سویدبرگی شناخته شده است که بنام مستک مرگه تراژیک یک پلیر سویدلی (لینارد سویدبرگ) بنام مذکور مسمی گردیده است. اگر چه والری هرگز به بازی هاکمی نپرداخته است او با علاقه عطش ناپذیر به تخریک و تشویق این بازی وقت خود را وقف نموده است موصوف هیچک از مسابقات مهم افزای را مس نکرده و توجه زیاد به دایر شدن چنین جلسات تریبوی داشته است او نزد جوگان سازان - پلیران - دوکتوران خیلی مشهور و شناخته شده است و از طرف این اشخاص تشویق میگردد تا والری کلکسیون خود را توسعه دهد.

انجیر والری زلوبین یک مشغولیت عجیب دارد او چوبهای هاکمی جمع کرده و جوگان های نامبرده را به سلسله نامگذاری شان ترتیب داده است که بدون استثناء اکثر این ستیک های کلکسیون مذکور به بازیکنان مشهور هاکمی جهان در دو دهه اخیر مربوط بوده و تماماً مزین به امضای خود مصنف می باشد همچنان والری مخصو صا افتخار جمع آوری آن ستیک های را دارد که توسط پلیران سوروی : وینامین الکساندر و ف - الکساندر - راگولین - ویکتور کوزین اتاتولی فیروسیف و پلیران کانادائی : پروفیسور گوردی هاوی - بابی هوم - فیل اسپیتو - بابی بوت - و دیگران طور ماهرانه و استادانه مورد استفاده قرار گرفته است. این کلکسیون تاریخ قهرمانی تمام جهان و اروپا را از سال ۱۹۵۶ تا کنون نشان میدهد.

تلفون بداخل موتر

مشترکین این سرویس تلفون تعهد کرده اند که برای بکار انداختن این تلفون های بیسیم مبلغ هشتاد هزار ین (واحد پول جاپان) و برای خرید تلفون کردن شش نلتیه بی ده ین بر علاوه محصول ماهانه (سی هزار ین) بردارند.

برای اینکه سرویس تلفون مذکور بتواند کار کند ۱۳ استیشن فرعی بی سیم در شهر توکیو اعمار خواهد شد. و در یوران در سطح قابل تماس شان می توانند دستگاه های تلفون را بداخل موتر های شان نصب نمایند. این شبکه از دریوران خواهد خواست که آنها هنگامی که حرکت سریع دارند و یا زمانی که از دحام ترافیک بوجود می آید نباید تلفون نمایند.

گروه های مخالف به نسبت اینکه سرویس جدید باعث بوجود آمدن واقعات های ترافیکی خواهد شد انتقاد نموده اند.

دریوران در آینده نزدیک قادر خواهند بود که دستگاه تلفون را بداخل موتر های شان جای داده و حین رفتار در حالیکه از ضیاع وقت و انرژی جلو گیری خواهند کرد به غرض های عمومی تلفون ارتباط بر قرار نمایند.

شبکه بزرگ تلفون و تلگراف (نیبون) یک کمپنی جدید را به منظور فعال ساختن سرویس تلفون (موبل) به اشتراک شرکت موتر سازی و بعضی موسسات مالیاتی جاپان تاسیس خواهد کرد شبکه مذکور قبلا اشتراک غیر یکپوزاموتر را بخاطر سرویس تلفون های اتومات پذیرفته است و توقع میرود که ماه آینده تعداد این اشتراک کنندگان دو چند خواهد شد همچنان پیشبینی گردیده است که سال آینده ساحة سرویس مذکور از شعاع پنجاه کیلومتر تجاوز نموده و در بیشتر از ۲۳ سمت تاشیر اوساکا توسعه پیدا کرده و در آینده تعداد مشترکین این سرویس به بیشتر از یک میلیون یونت خواهد رسید.

انسان و دستگاه های خود کار

بروی مهتاب

ساینس وانکتشاف انجینیری می بایست بک تعداد آزمایش های ضروری بکمک دستگاه های خود کار انجام داده شود.

پرواز ماهنورد جدید شوروی بنام (لونا - ۱۶) در سپتمبر ۱۹۷۰ ثابت کرد که یک دستگاه خود کار بدون انسان قادر است کار هایی را طور منظم انجام دهد که یک انسان بروی کره ماه انجام میدهد. سفینه مذکور نمونه سنگ های مهتاب را برمیسن انتقال داد.

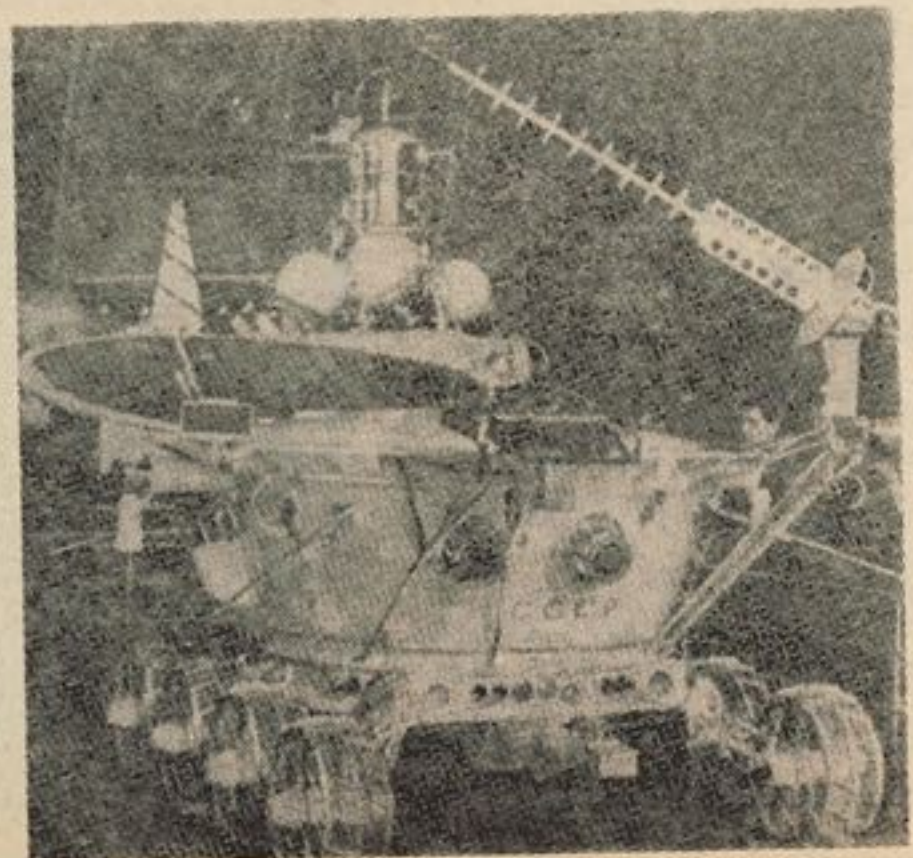
اگرچه مسافرت به مهتاب مستلزم پیاده کردن انسان بروی کره ماه بود مگر مسافرت بدون انسان یک مزیت داشت و آن عبارت از این بود نشست دورادور آن ساحة رانیز تحقیق و کشف نمایند بعدتر این موضوع بس ازینکسه (لونا - ۱۷) شوروی اولین دستگاه خود کار را به سطح مهتاب پیاده کرد آشکار گردید که عمل پیاده شدن مذکور توسط یک دستگاه مسافرتی خود کار بصورت موفقانه انجام داده شد. در آینده بشر قادر خواهد بود که در جوار دستگاه های خود کار، خودش به تحقیقات فضایی بپردازد به این صورت اهمیت مترگ پرواز های فضایی را که تحت پروگرام های ایولو صورت گرفته است نمی توان تخمین کرد زیرا پرواز های مذکور یک حادثه بزرگ در تحقیقات فضایی بشر شمرده که فضا نوردان توانستند علاوه ز ساحة می شود.

در سال ۱۹۶۹ کنسی فضائی بنام ایولو - ۱۱ یک مسافرت و ماموریت فضائی را بالای سطح کره ماه انجام داد طوری که دو نفر سر نشینان آن بنام های نیل آرمسترانگ و ادوین الیرین بروی سطح ماه فرود آمدند میخائیل کالوین در مدار معین مهتاب بخاطر کنترل سفینه شان باقیماند

اولین ماهنورد خود کار شوروی در جنوری ۱۹۵۷ بنضا پرتاب گردید. در همین سال یک ماهنورد تحقیقاتی دومی از نزدیک سطح مهتاب را اندازه گیری کرد و ماهواره سوئی که در ماه اکتوبر همان سال پرتاب گردید مدار مهتاب را دور زده و از سطوح مختلف آن عکاسی نمود.

خیلی مشکل است که ما اهمیت اولین نشستن کوتاه مدت استیشن خود کار شوروی (لونا - ۹) را بروی کره ماه تخمین نماییم حادثه مذکور در اقیانوس طوفانها بتاريخ ۳ فیروزی ۱۹۶۶ اتفاق افتاد و سفینه مذکور برای اولین بار عکس های از سطح مهتاب گرفت که معلومات بیشتری را نسبت به مشاهدات تلسکوپیک چندین فرقه دانشمندان راجع به مهتاب، در اختیار منحبرین گذاشت به همین قسم برای اولین بار الکسی لیوتوف در حالیکه به سفینه اتصال داشت خارج از آن در فضای خارجی قدم گذاشت.

بعداً دانشمندان شوروی در پروگرام های تحقیقاتی شان پیرامون مهتاب اسامی قصبه یی را گذاشتند که نظر به آن با استفاده از



دستگاه خودکار لونا خودکار

سینما

در

چکوسلواکیا

نمودند .
 کرد تا بیش از پیش در بوجود
 آوردن فلمهای عالی و بی نقص
 بگو شدند و در این راه از هرگونه
 فدا کاری و خود گذری مالی و
 جسمی خود داری ننما یند .
 در زمانی که فلم «زمین رامی
 خوردند» در چکو سلواکیا تهیه گردید
 و موفقیت های درخشانی را کسب
 نمود هنوز سینمای آن کشور جوان
 بود و عمر زیاد نداشت .
 بعد از آن روز کار صنعت فلم

زیرا این فلم نمایشگر زندگانی
 واقعی سلواکیا است و کارها و
 کار نامه های دلیرانه و خلاق آنها
 را تمثیل میکند .
 با تولید فلم مو صوف در چکو-
 سلواکیا این امید و آرزومندی
 رونما گردید که تهیه فلم و پیشرفت
 سینما در آن کشور امید بخش
 است .
 فلم «زمین را میخورند» گذ شته
 از شهر های چکو سلواکیا در اکثر

سلواکیا ، اکنون بکلی با ادبیات
 و هنر های زیبای اروپا آشنایی پیدا
 نموده و موسیقی و شعر و ادبیات
 آنها در میان کشور های اروپایی
 بلند آوازه و مجسم کننده زندگانی
 نوین آنان شده است .
 گذشته از موسیقی و ادبیات
 تولید و تهیه فلمهای سلواکی نیز
 امروز اهمیت خوبی را در جهان
 سینما کسب نموده و نما یا نگر
 کلچر درخشان در ساحات گوناگون
 زندگانی مردمان مختلف چکوسلواکیا
 میباشد .
 پیشرفتها و ترقیاتی که درین
 اواخر نصیب سینمای چکو سلواکیا
 گردیده است در جهان سینما کم
 نظیر و چشمگیر میباشد .
 در چکو سلواکیا سینما در سال
 ۱۹۴۵ ملی گردید و از آن بعد در
 شده توصیف ها و تمجید ها



صحنه ای از موفقیت هنر متنان چکو سلواکیا

کشور های اروپایی نیز بمعترض
 نمایش قرار داده شد و مورد
 استقبال گرم مردم واقع گردید و در
 جهان سینما سرو صدایی را براه
 انداخت .
 نقا دان هنر سینمای لندن نیز
 این فلم را فلم خوب خواندند و هم
 در بعضی قسمت ها از آن انتقاد
 نمودند .

گیری روز بروز در چکو سلواکیا
 به پیشروی و کسب شهرت و
 افتخار آغاز نمود و برور زمان به
 ترقیات و پیشرفت های شایانی
 رو برو شد و معرف کلتور ملی
 سر زمین خود گردید این فلم
 ترسیم کننده ادبیات غنی ،
 موسیقی جذاب، وکت هاورقص
 های دل انگیز سلواکیا میباشد .

اکنون در چکسلواکیا علاقمندان
 و دو ستدا رن هنر سینما خیلی
 زیاد بوده و سالانه یک عده جوانان
 برای تحصیل در رشته هنر تمثیل
 در چکو سلواکیا سخت تحسیریک
 همین توصیف ها و انتقادات
 کارکنان سینما های ممالک اروپایی
 هنر مندان و تهیه کنندگان فلم را



ستاره ای از ستارگان جهان فلم چکو سلواکیا

محسوب میشود کافی است که از موجودیت سینما تو گرافی خوبی در چکو سلواکیا و پیشرفت‌های آن اطمینان داشته و قبول کنیم که کشور مذکور باملی ساختن سینما-تو گرافی، سلواکیا پیشرفت‌های قابل وصفی را نصیب گردیده و در آینده نیز ترقیات شانندازی را بدست خواهند آورد.

از فلمها بیکه درین اواخر در چکو سلواکیا تهیه شده یکی هم (جستجو کنند کان روسی) می باشد که توسط (میرو آرنگ) دایرکت گردیده و سمبول عمده صنعت فلم گیری در چکو سلواکیا شناخته شده و نمایا نگر موفقیت های محسوب میشود که در ساحه فلم و هنر سینما نصیب سلواکیا گردیده است.

موضوعات کمیدی هنوز جایی برای خود در فلمهای سلواکیا اشغال نکرده اما انتظار می رود در آینده نزدیک سلواکیا بتوانند و بخواهند که فلمهای کمیدی و خنده دار را نیز در اختیار دو ستدازان سینما بگذارند.

سلواکیا هم اکنون دیده میشود ایجا بگر این است که انکشافات گسترده تری در ساحات مختلف حیاتی مردم بو جود آید و انکشاف هنر سینما نیز شامل انکشافات مذکور باشد. لذا خواستهای جدید و تقاضا های نو مردم، هنر-پیشگان جهان سینمای آن دیار را وا داشته تا با کاروان تمدن و ترقی کشور شان یکجا پیش بروند و در جهان سینمای خویش تازه‌هایمیرا بوجود آورند.

اگرچه چکو سلواکیا یک کشور زراعتی و آب هوای آن برای زراعت خیلی مساعد است مگر با آنها هم کشور مذکور خود را در ردیف عصری ترین ممالک صنعتی قرار داده و همه ای نیرو و قدرت بشری خویش را وقف ساحه صنعت نموده و این خود میرساند که صنعت فلم گیری نیز در آن کشور ترقی خوبی نموده و به پیشرفت های درخشانی نایل خواهد گردید همینکه چکو سلواکیا در قطار صنعتی ترین کشورهای جهان

واقعیت های گذشته و پدیده های زندگانی امروزی مردم کشور شان و مردمان جهان باشد.

علاوه برین امروز اکتور های سینما، دایر کتر های فلم، داستان نو یسان و کسانی که کمره فلمبر داری را در چکو سلواکیا بدست گرفته اند خویش را در مرحله انکشاف و ترقی دیده ترقیات درخشانی را در ساحه های مختلف زندگی خویش روی پرده تلویزیون کشور خود مینگرند.

در نظر است که در چکوسلواکیا مرکز فلم (برا ستیلا وا) عنقریب افتتاح شود. این مرکز بزرگ فلم که خیلی مطلوب و شایسته اعمار گردیده و با آلات عصری و مدرن مجهز می باشد سالانه از ۱۵ تا ۲۰ فلم هنری، از پانزده تا بیست فلم تمام قد و از بیست تا بیست و پنج فلم تلویزیونی و یک تعداد فلمهای کوتاه و آموزنده تهیه کند.

سرعت انکشاف اقتصاد و اجتماعی که در سر زمین چکو-

اکادمی فلم، مکتب های موسیقی و دانشگاه اکت و تمثیل تیاتر سالانه شاگردان زیادی را می پذیرد و بعد از یک دوره تربیه بجامعه تقدیم میدارد.

امروز کار کنان سینما های چکو سلواکیا پلان بزرگی را رو بدست گرفته و در نظر دارند تا ۲۵ سال آینده صد ها فلم مستند و هنری و هزاران فلم کوتاه علمی و تربیتی را تهیه و بنمایش قرار دهند.

اکنون همه نی کار گران و هنر-پیشگان چکو سلواکیا مصروف مطالعات دامنه دار و تجارپ ارزنده در زمینه های مختلف سینما بوده و میکوشند تا خود را با ترقیات و انکشافاتی که در سایر رشته های زندگی با آن مقابل هستند موافق سازند و در باره تاریخ کهن و زندگی نوین مردم خود و سایر کشور ها اندوخته هایی داشته باشند، تا فلمهایی را تولید و تقدیم مردم کشور خویش و سایر کشور ها بکنند که نما یشگر

چگونه تیاتر، راهش را در میان تو ده ها باز میکند

رادر ذهن آنها تزیق کند و آنها را میتواند در جهت خاص ترغیب و رهنمون گردد. متخصصین مربوط تیاتر هم چنین اظهار عقیده میکنند که تیاتر باید عینانش مکاتب و مدارس بقیه در صفحه ۶۴

که تیاتر در مکتوره دهی و سازمان بخشیدن عقاید و نظریات مردم نقش ارزنده و مهم بازی میکند او میگوید تیاتر و کار کنان تیاتر طوری باید کار کنند که بینندگان را از حالت جمودیت بیرون کشیده افکار جد یستی

دولت و سایر موسسات شخصی و سایر تصدی هادر امور مالی و اقتصادی تیاتر مذکور را کمک و مساعدت می نمایند. یکی از مسوولین مربوط تیاتر عقیده دارد

هنر تیاتر یکی از بهترین هنرهایی است که تاثیر زیادی بر تماشاچیان وارد می نماید این هنر از زمانه های باستان تا کنون در جهان رواج داشته و روز به روز رونق می یابد.

بزرگترین تیاتر که تاکنون در جهان وجود داشته تیاتری است در آلمان فدرال که درین تیاتر ۳۵۲۷ اکتور (۲۳۱۱ مرد ۱۲۱۶ زن) ۹۲۷ آواز خوان مرد و ۶۰۹ زن هم چنان ۲۷۲۴ نفر مرد و ۷۷۱ نفر زن در امور رقص و ۴۰۱۰ نفر دیگر در امور ارکستر آن مصروف کارند. این تیاتر در سال ۱۹۶۵ در حدود ۱۷۴۲ نمایش را انجام داد که در حدود ۱۲۱ نمایش آن در جمله نمایش های مسابقات تیاتر بین المللی صورت گرفته بود.

مصارفیکه برای پیشبرد تیاتر مذکور صورت گرفته از سال ۶۶-۱۹۶۵ یعنی در مدت یکسال بالغ بر ۵۱۵ میلیون مارك رسیده بود اما عایدات تیاتر مذکور به شکل خالص آن بالغ بر ۱۵۳ میلیون مارك در سال میگردد.



یکی از صحنه های تیاتر

دوران ما، دوران رستاخیز ملت هاست ، دوران نفی ارزش های از پیش ساخته ی استعماری ، دوران شگفتن لاله های آزادی و بهاران اندیشه های پیشرو و زمستان اندیشه های زمان زده و طاعونی، طاغوت های جهانخواره از اینکه های قدرت های اهریمنی و کذاب خویشتن با نیروی ملت ها و اراده ی مردم به خاک می نشینند . روزگار ننگین فرائض به پایان رسیده است، عصر ما، عصر پیروزی حقاقت بر باطل، اهورا است بر اهریمن ، خرد است بر بی خردی ، روشنائی است بر تاریکی ، ملت ها اینک بر پا خاسته اند و مشعل راه شان اندیشه های پیشرو زمان است، ملت ها بیدار شده اند ، قطره ها دیگر قطره نیستند، قطره ها به دریا ها پیوسته و دریا شده اند .

ما هم از قطره گی برآمده ایم به دریا پیوستیم و خود دریا شده ایم . ما همگام کاروان بشریت مرفقی به سوی سپیده دمان راستین می رانیم ، به سوی شگفتن ها و شگفتی ها . ما را پیام آوران دروغ گو دلقک های بی اراده ، بسیا ر روز ها به سپیده های دروغین فریفتند، ما دیگر دروغ و فریب را می شناسیم، ما با هر چه بیداد است و ستم به ستیز برخاسته ایم . شب راوشب پرستان * را، آن دلبستانان ظلمت را نابود می کنیم * ما را دیگر از بردگی و تیرگی هراسی نیست ، ما مرغان آتشی و شب را به زیر سرخ پر خویشتن می کشیم ؛ ما را دیگر صبح های کاذب و روشنائی های دروغین نمی تواند بفریبد * ما دیگر، یکی، دوتا ، سه تا نیستیم ، دست همی برادران با ما است ، «من» های مابه «ما» ها تبدیل شده است، «ما» دهر جا پراکنده ایم * ، در کار خانه ها ، در کوهپایه ها ، در کشتزارها، ما بسیاریم ، دست همی یاران با ما است ، آن مشعل های پراکنده ، آن فروغ های ندرک، آن لاله های سرخ جدا مانده اکنون یکانه شده اند و هم بسته .

درمیان آزاد ما ناقوس های دروغین بسیار نواخته اند ، اکنون گوش های ما آواز های آشنارا و آواز های مزبوران را و بیگانگان را به خوبی درمی یابند . در سرزمین ما دشمنان با شمایل مختلف باقیافه های متفاوت و جامه های گوناگون بسیار ظهور کرده اند . و به اغفال مردم پرداخته اند و چه دردناک است این که ما از کاروان تمدن گام ها به دوریم . ما را به دور نگاه داشتند ، « ما از روز ازل این بوده ایم . » * ما از اول در بند نبودیم، آزادگان بودیم ، اما در اسارت مان گذاشتند به تاریکی ها مان خو پذیر ساختند . بیدادگران نادری و امیران و سلاطین پیش از او همه غارتگران بودند، تفسیر گران اندیشه

های منحن ارتجاعی، سردمداران شکنجه و عذاب زمامداران خود سرو پادشاهان خودنگر و خود ستاهمه در فکر آن بودند که جیب هارا غارت نمایند و مال های مردم را و ناموس های شان را برباد دهند . دولت های ستمگر همیشه از ملت دور بودند . رفح فرزند یتیم را، اندوه . بیوه زنان را غم کشاورزان را، فقر کشاورگران را کسی نمیدانست ، زمام داران بر مرکب مراد خوش سوار بودند و دو اسبه به سوی سعادت های احتماله شخصی می راندند . باغ و سرای و عقار تدارک می دیدند آن امیران ، آن پادشاهان و آن ارباب های محلی همه بیداد گران بودند .

م . عاقل بیرنگ کوه دمانی

عصر شگفتن ها و شگفتی ها

بودند ، ما اکنون چه داریم از آن پامداران استعمار و سر سپردگان امپریالیسم به ما چه به میراث رسیده است؟
حفیظ الله امین که امپریالیسم او را در لباس انقلابی (!) به این سامان فرستاد به خاک چه کرد، جنایت او دو چند است که در لباس انقلابی گری دست بست به کشتار زد ، برومندترین فرزندان انقلابی این آب و خاک را روانه زندان ها کرد و گورستان ها، و تروت های ملی را برباد داد. بیداد او را تاریخ نمی بخشد، خود سری هایش را و جنایات او را، شعار های او همه قلابی بود مصوونیت، قانونیت و عدالتی را که او از آن دم می زد ، خیانت بود، رذالت و جنایت، تحریک، تشبث و ابتکار او، در حقیقت تجسس، توحش

و وحشت و ترور . سنگر گیری امپریالیسم امریکا و سنگهای زنجیری او و متحدان خاین او بازگو کننده ی این واقعیت است که امین نماینده ی «سپاه» بود و جاسوس امپریالیسم جهانی و با تغییر این قیافه می خواست وطن آزادگان را، افغانستان ارجمند را در کام آن غول جهانخوار اندازد . و گرنه چنین است و منافع امریکا به خطر نیافتاده این تفلان این شایعه سازی ها و یو یو - سرایی ها چیست ؟ این زوزه کشیدن های کارتر و متحدین او را ببین چه معنی دارد ؟ با این بازتابی که مرحله نوین انقلاب شکوهمند نور در کشور های امپریالیستی و استعماری یافته است دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که حفیظ الله امین ، امینی ها و دارو دسته ی او خدمت گاران امپریالیسم و استعمار بودند و راه نابودی این سرزمین را در پیش گرفته بودند و نقشه های شومی را در سر می پروراندند . واقعیت اندیشان هرگز و هیچگاه به تبلیغات خصمانه مطبوعات و رسانه های گروهی غرب گوش فرا نمی دهند و فریب این غول خون آشام را نمی خورند . کمک های معنوی و نظامی همسایه ی کبیر ما اتحاد شوروی برای دفاع از ارزش های انقلاب شکوهمند نور و رهایی هزارتن از هم میپندان در بند کشیده ی ما به معنی مداخله در مین مانیت - این عمل هرگز با منشور ملل متحد ضدیت ندارد . اتحاد شوروی وظیفه ی انسانی و انترناسیونالیستی خویش را انجام داده است . دست همی کشور های آزادی خواه و طرفداران صلح و ترقی با ما است ، ما تنها نیستیم، ما بسیاریم و تلاش های مذبوحانه امپریالیسم امریکا و وابستگان غارتگر او هم به جایی نمی رسد . حق با ما است .

یادداشت ها

- * - من مرغ آتشم ، شب را به زیر سرخ پر خویشتن می کشم درمن هراس نیست ز سرفی و تیرگی من از سپیده های دروغین مشوشم «سپاوش گرایی»
- * - تصویرها در آینه هائره می کشند ما را ز چار چوب طلایی رها کنبد
- نادر، نادرپور
- * - مادر هر جا پراکنده ایم در صیدا، در صدر، در رمله - شعر مقاومت در فلسطین
- * - «من» اگر «ما» نشوم «تو» اگر «ما» نشوی دو منظومه ، حمید مصدق
- * نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم چونام آتنام، همه ز آفتاب گویم . مولانا جلال الدین بلخی رومی

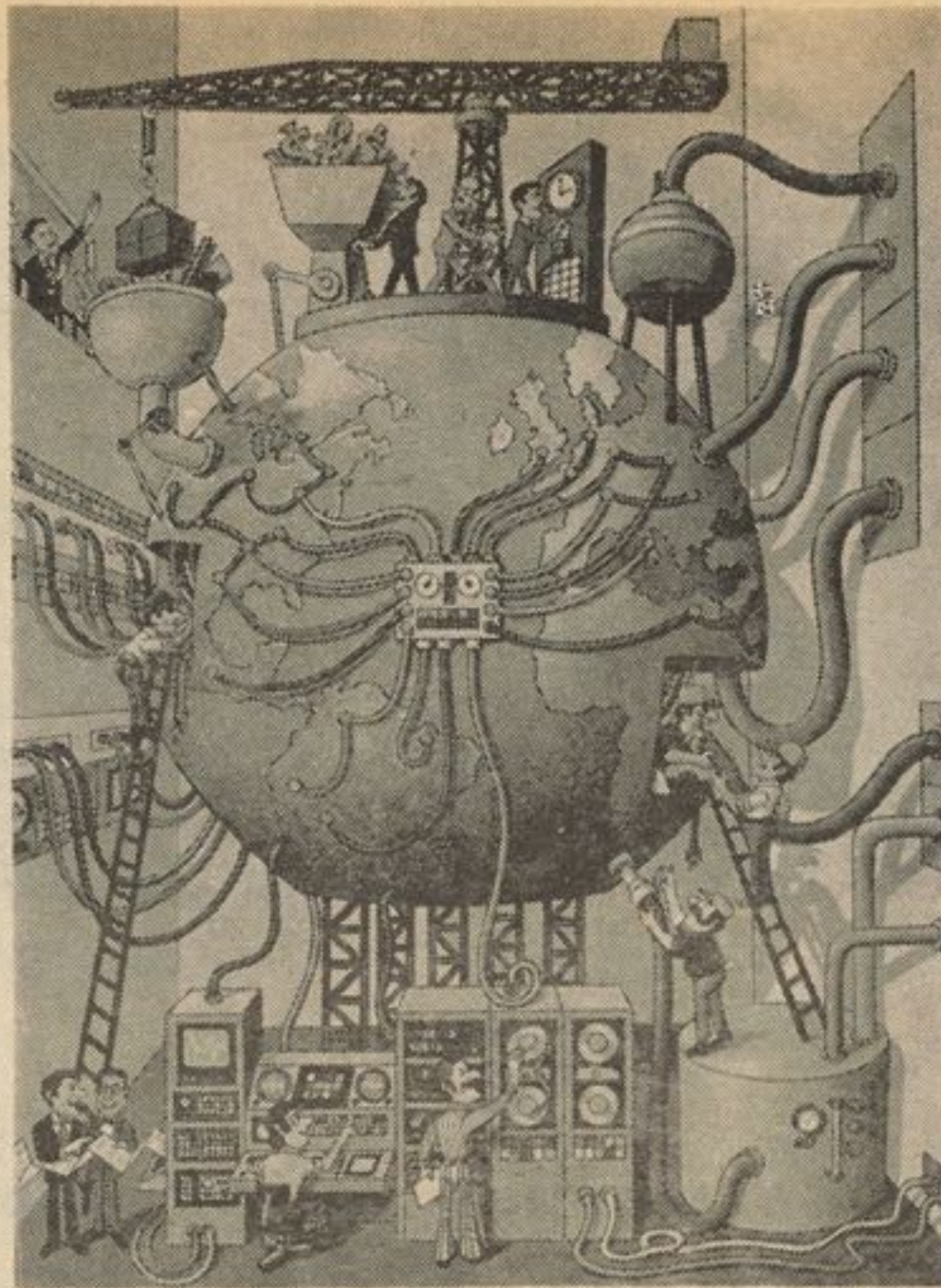
و اختناق بود. در زمان سیطری او. هیچکس احساس امنیت و آزادی نمی کرد، زن، مرد، کودک ، پیر و جوان همه .

با اعمالی که انجام داد نام او در کنار هیتلر و موسولینی و چنگیز و سحاك قرار می گیرد . آن ستم باری بی غرض دزدان همه ی افسراد ملت ما کوبیده شده است . اکنون که سایه ی شوم او از سرمایه پاییزی فرزندان راستین این آب و خاک پس شده است و همه احساس امنیت، آزادی و شادمانی می نمایم . امپریالیسم امریکا و وابستگان او به دفاع از آن جنایت کار معلوم الحال برخاسته اند . دفاع از حفیظ الله امین، دفاع از استبداد، دفاع از تراج و آدم کشی و دفاع از اختناق

استعمار و امپریالیسم در درازنای تاریخ در سرزمین ما، در آشیانه ی عقاب ها و کتاف شیران ، نمایندگان سر سپرده و سنگهای زنجیری خویش را فرستاده ، گاهی دزدی را به امیری رسانیده و زمانی بی غرضی را به پادشاهی و خانیسی را به حکم روایی * دست نشاندگان استعمار بودند آنان برای مردم چه کردند . نادر چه کرد و ظاهر چه و داود چه ، آیا سرکی ساختن ، شفاخانه ای بنیاد نهادن و مکتبی افتتاح کردن پیشرفت است ؟! که بلندگویان اجیر آنان صفحه ها سیاه می کردند و به مدح و تناء مشغول

میباشد تا مدل مذکور به تفصیل اثرات عوامل مختلف سیاسی را نشان داده بتواند مثلا تاثیر (۱۰) فیصد تقلیل مالیه را بر حجم مصرف استهلاکی معلوم نمودن. علمای اکانومتری از عمده روابط بین عوامل اقتصادی بر آمد میتوانند تقریبا در هر مدل بطور مثال معادله وجود دارد که نشان دهند روابط بین مصارف و عواید مستهلكین است. عین همین مدل دارای معادله ایست که روابط بین عایدات و تولیدات عمومی ملی را نفی مینماید که از آنجمله جزء مهم آنرا مصرف استهلاکی تشکیل داده است بنا بر این باید اندازه مصرف را بدانیم تا بتوانیم بلند رفتن عایدات را پیشبینی کنیم و عایدات در معادله که حجم استهلاک را نشان میدهد باید واضح باشد تقریبا هر متحول اقتصادی بصورت مساوی بواسطه باقیه متحولین ارتباط دارد بزرگترین مشکل تخنیک را یافتن قیمت واحد داخلی برای هر متحول مختلف تشکیل میدهد. که برای این کار از متد تجربی و بسوی به کمک کامپیوتر استفاده میشود. در مدل یونیورسیتی و اتون تو سب متد فوق در حدود (۱۷۰) متحول را قیمت گذاری میکند. از مصرف برای لباس گرفته تا پولی که جهت تعمیر دستکاهای صنعتی و تجهیزات آن بکار میرود در بر دارد.

بعضی از متحولها بصورت استثنائی بر مشکلات است و مدل یونیورسیتی



مدل اکانومتری

باوجود شهرت خرابی که آتیه شناسان (۱) اقتصادی در سالهای اخیر کما فیس کردند هنوز هم احتیاج زیاد به پیشگویی های اقتصادی محسوس است. مدل اکانومتری رسالتی را که به اساس متد سیمولیشن میکانیزم اقتصادی انجام داده موفقیت آمیز بوده است البته بیجا نخواهد بود اگر در اینجا از زود ده شود که جهت حصول منظور فوق از کامپیوتر استفاده شده است.

در صورتیکه کامپیوتر تحت پلان معین و دقیق پروگرام شود که در آن سیستم معادلات نشان دهنده تصویری از اقتصاد مملکت باشد میتوان توسط آن قیاسی و پیشرفت واقعی اقتصادی، انفلاسیون، سهم فیصدی در عایدات ملی، تعداد کارگر مصرف کار، تعداد بیکار، عاید کار، افزایش مفاد و پرداخت و غیره را پیشگویی و همین ساخت. مبتکر این نوع مدلها لارنس کلاین پروفسور پنجا و پنج ساله دیپارتمنت مالیه و تجارت یونیورسیتی تورنتو و رتوان شهر پنسلوانیا است. او از سی سال به این طرف مصرف و تنظیم مدل اکانومتری اقتصاد ایالات متحده امریکا بوده است. مدل ورتون که توسط پروفسور کلاین نظارت میشود غالباً پیشگویی مطلوب اقتصادی را بدست میدهد. تاثیر کلاین را بر مودلهای دیگری که بنا آنها بصورت غیر مستقیم ارتباط داشته نیز میتوان دریافت.

مترجم: دکتر جیلانی فرهمند

پیشگویی آینده توسط مدل اکانومتری

تون مثل دیگر مدلها باید همیشه عیار شود. در سنت است که پیشگویی که توسط کامپیوتر صورت میگیرد دقیق تر و کاملتر است. پیشگویی اقتصادی یونیورسیتی که از کامپیوتر استفاده نمیکند اما از طرف دیگر نتایجی که با اساس مدل اکانومتری حاصل میشود باید همیشه با حقایق که بصورت غیر الکترونیکی بدست آمده عیار گردد.

ضرورت های متنوع:

پیشگویی های که به اساس مدل یونیورسیتی ورتون تهیه میشود خاص بر ای استفاده علمی میباشد و یا در مقابل پرداخت معین به دسترس تجار هم گذاشته میشود. از مودلهای اقتصادی به صورت کامل فعلا دو مودل در ایالات

متحده استفاده میکنند. یکی دفتر تحلیل دیپارتمنت تجارت امریکا است که از یکی از مودلهای او لی اصلاح شده یونیورسیتی

بقیه در صفحه ۶۷

صفحه ۲۹

تحت مالیه و عرضه مودلهای جدید را تذکر میدهد. تنها شعبه اخیر الکترونیک هفت ماهه یا هفت متحول را در بر میگیرد که از آنجمله عاید بالقوه امسال قیمت مودلهای به مقایسه قیمت دیگر اشیای استهلاکی و اندازه بیکاران را میتوان ذکر کرد. تعدادی از مودلها نیز بواسطه به هدف مودل است.

عالم اکانومتری پیشگویی اقتصادی را صرف به اساس اجزاء مهم تولیدات عمومی ملی چون مصرف استهلاکی، مصرف تجارتی و صنعتی و غیر تنظیم نموده به دست یازده معادله اکتفا میکند. اگر مشتری های پیشگویی مودلها و تجار باشند در آن صورت پیشگویی شامل معلومات مفصل درباره ارزش مفاد در شعبه از صنایع خواهد بود.

اگر عالم اکانومتری مودل را در امور سیاسی حکومت بکار میبرد در آن صورت پیشگویی شامل معلومات مفصل تر بوده و از اجزاء بیشتر در آن استفاده شده

پیشگویی فرضیه:

مدل اقتصادی طوریکه تذکر دادیم فرضیه ایست که تعامل اقتصادی را در بردارد میتوان آنرا توسط عبارات ساده بیان داشت واکثر نویسندگان مودل به نسبت پیشگویی و مطلق بودن موضوع ترجیح میدهند که از معادلات کارگیری نکنند. مودلهای اقتصادی که در آن از متد های متمتیک یا ریاضی استفاده شده باشد بنا بر مودلهای اکانومتری زیاد میشود که این اصطلاح در سالهای ۱۹۳۰ استعمال و سبب داشت. اگر ایجاد کننده مودل، میکانیزم فعالیت های اقتصادی را بصورت نسبتاً ساده مانند شرح لکسهای آنتاب که نتیجه حرکت دو رانسی آنتاب است بیان کند به تحریر چند معادله ریاضی میشود. اکثر دانشمندان علم اکانومتری یک تعداد زیاد معادلات را بکار میبرند مثلا در مودل یونیورسیتی و اتون تعداد این معادلات به (۴۰۰) میرسد به این معنی که صد ها فرست مختلف مانند فیصدی اسناد بها دار منتشره دیپار-

پروفسور کلاین در چندین مملکت شهرت کسب کرده است. او زیاد سفر میکند تا معلومات جدید علمی در ساحه اکانومتری حاصل کند و آنرا بین رفتاری هم مسلکش انتشار دهد بطور مثال در جریان رخصتی علمی شش ماهه اش در سال ۱۹۷۴ در استیتوت مطالعات پیشرفته در ویانا یک سلسله لکچرها در مورد پرابلم های ساختن مودل ایراد کرد که بعد از آن در چندین کنفرانس اختصاصی که در شهرهای مختلف اروپا دایر شده بود اشتراک کرد.

(۱)

آتیه شناسی: علمی که مورد بحث آن متد های پیشگویی آینده ذریعه تست های علمی شکل آینده جامعه، مودل کلتور آن، عوامل سیستم ارزشها و انتخابها ایجاد فرضیه ها در مورد طرق استهلاک، کلتور عمومی، انکشاف اقتصادی و پلان های توسعه ای و غیره است. (مترجم)



بیکره «زن آب ده»

واستعداد بسیاری از معماران و نقاشان زا به نبرد می‌طلبید در این شهر که درجه حرارت تا ۴۵ مثبت می‌رسد دیگر نمیتوان ساختمان‌ها و بنا های آن را به شکل قراردادی بر پاداشت. در این صورت میدان بزرگ شهر به «تابه سوزان» بدل خواهد شد. در اینجا معماران با عمدستی هنر مندان تصمیم گرفتند تا یک مجموعی از ۲۷ برکه را که بتواند هوای میدان را مرطوب نگه‌دارد بسازند.

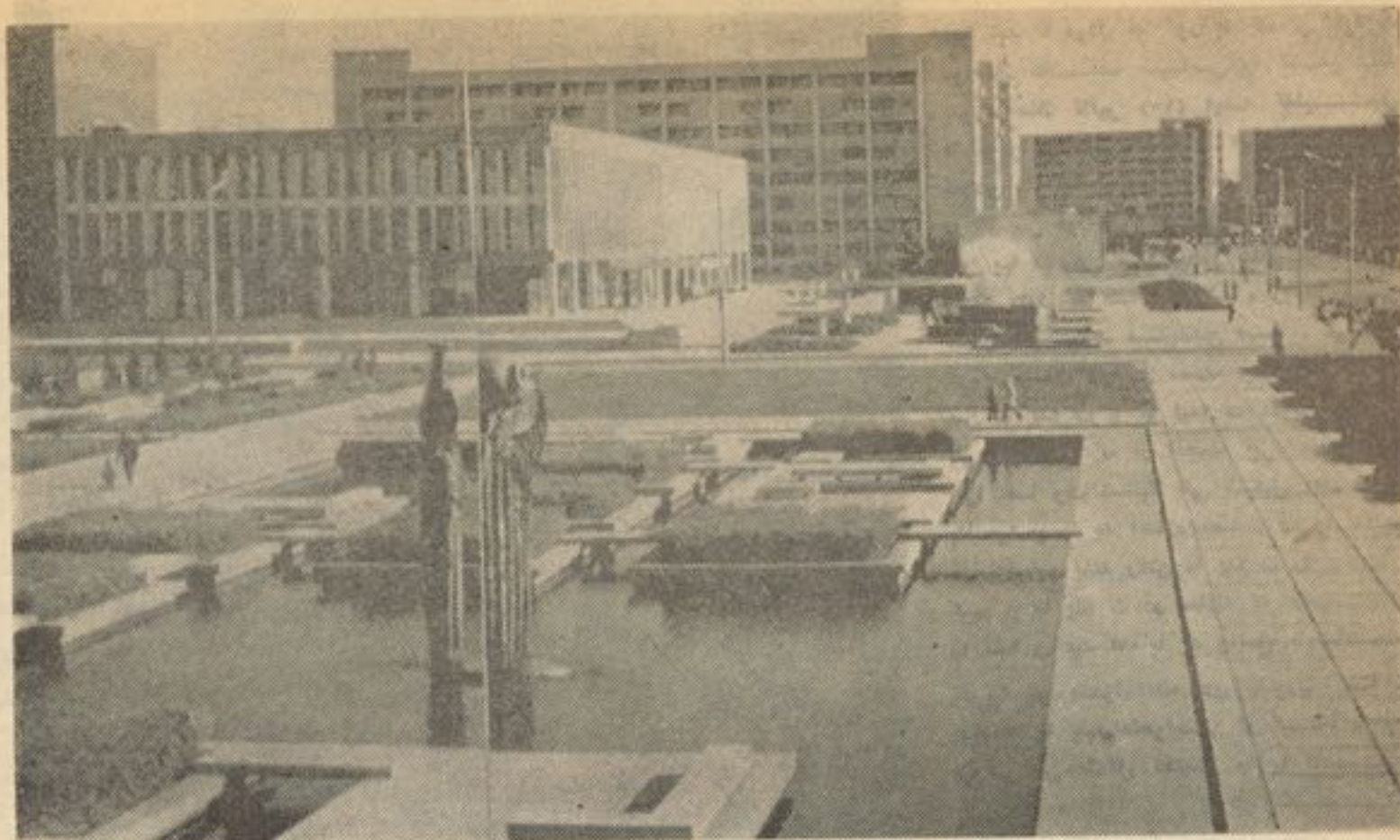
حالا امر علی شیر نوایی این شاعر معروف قرن ۱۵ و ۱۶ پای به‌شهر بگلنارد بافرهاد قبرمان مورد علاقه اش دیدار خواهد کرد.

بیکره این دل‌داده نامدار در وسط میدان قرار دارد. در الهانه‌ها آمده است که فرهاد بانیریواراده و باز ویش توانست که او را از سر راه رسیدن آب به شهر بر دارد و به انسان آب، این سرچشمه حیات را بیاورد.

سویلی بیکره فرهاد را در لحظه بی ساخته است که تمام نیروی جان و تنش به اوج سازندگی رسیده است. بازوهای یولاد یش به هم گره خورده و آب زلال و گوا را از سنگ سرخ خاوا بیرون آمده است. با آنکه قبرمان در اوج تلاشش قرار دارد ولی آرامش با زوی راستش نشان می‌دهد که او در لحظه با تن به هدفش قرار دارد.

چشمه، آب حیات بخش بیرون داده است این آب که بانور زندگی ساز خورشید تابان آسیا دیدار نموده است و با غرور تا ارتفاع ۳۰ متر قدمی افرازد و بر که را باروان زلالش بر می‌کند سه زن در حالیکه سه گوزه را که هر کدام نمادی از دریا های سه گانه از بکستان است به دوش می‌کشند این آب را که حاصل تلاش

طاققت فرسا و نبرد بی امان فرهاد در برابر طبیعت است به سوی زمین های لب تشنه می‌برند. این سه زن که در اساطیر کهن نمونه بی از باروری و حیات اند این هدیه را به کشتزار های آب گدیده می‌سی



میدان بزرگ شهر نوایی

ترجمه کاو شکر

از: سبو تنیک

کلیک‌های هنر آفرینی

که شهر را می‌آراید

حالا این شهر یکی از بزرگترین شهر های صنعتی ازبکستان است. در آن ساختمان‌های چند دارد. اسکوبه، با تفریحگاه ها، باغ ها و بوستان آرایش و تزئین میدان بزرگ شهر قریحه



بیکره «فرهاد» که جوی شیر را روان می‌سازد

بیکره های که میدان شهر زیبای نوایی را زیبایی خاصی بخشیده است حاصل کار انگشت های هنر آفرین بوریس سویلی است که خودش اهل لیننگراد میباشد و تیکه آدم به یکی از این مجسمه‌ها نگاه میکند فکر مینماید که یک انسان با تمام صفای باطنی و روانیش در حالیکه نور دانش و آگاهی از سیمایش ساطع است و جدل وی را در برابر سیاهی هادر درازی سده هانشان میدهد، قرار دارد.

جای دیگر نزدیک برکه کوچک چشم انسان به اژدهایی می‌افتد که دهان باز کرده است و به جای شعله های آتش آب کوارا و مست اژدهانش بیرون می‌آید. این اژدها نمادی از نبرد گذشتگان انسانی در برابر نیروهای اهریمنی طبیعت بود که سعی میکرد در گم‌نردام انسان نیفتد گردنش به اسپ های بیابانی و دمش به شکل حلقه بی که سمبول جاویدانگی است دور خورده است. در الهانه های کهن اژدها به بزرگی کوه های بلند تصور می‌شد. در کارگاه های سفال سازی ازبکستان این سمبول هنوز هم بر پشت ظروف نقش می‌یابد و جاویدانگی این اسطوره هارا نشان می‌دهد.

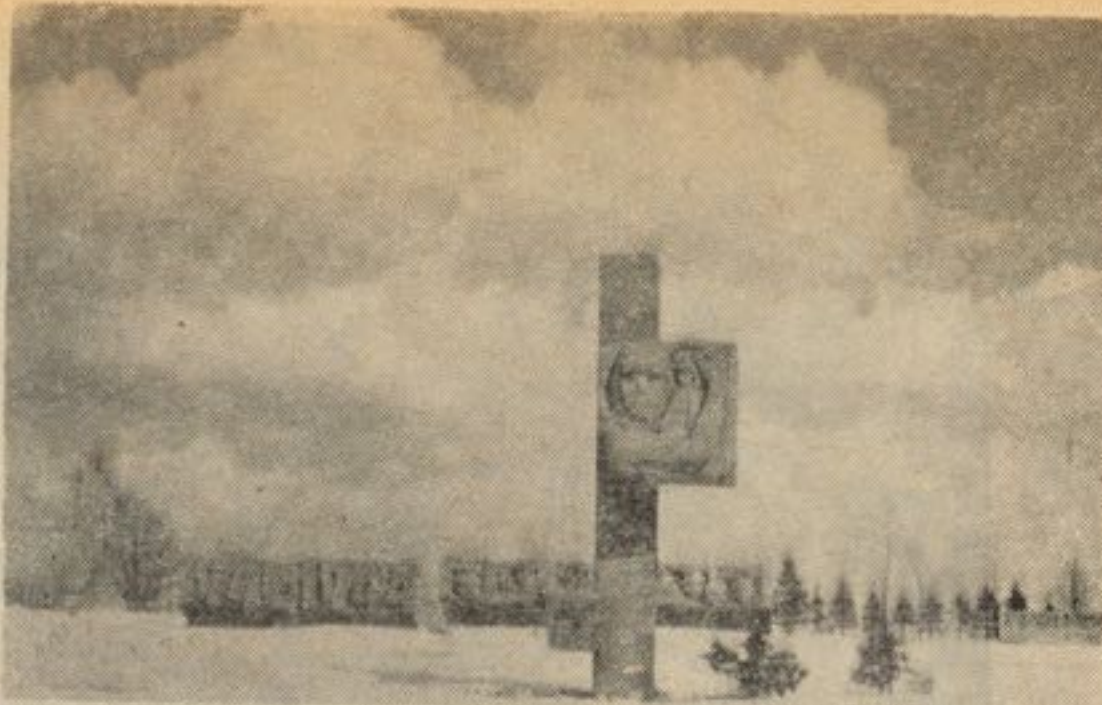
تابه همین تازگی هاشما نمیتوانستید شهری را به نام «نوایی» در روی نقشه بیابید. و لی

شا هکار آثار هنری سو یسی را میتوان
بیکره یاد گاری «ار قنا غات لیمبو لو»
دانست. این بیکره هابه خاطر جا و دان
سا ختن نام آنالی برپا شده است کسه
در راه دفاع از میهن جان به کف گرفته
اند. اینان عدا فغان شهر محاصره شده
لینگراد اند.

در چهره های بر اژنگ این عدا فغان
خطرات ملایم آرامش را نمیتوان دید سر ها
شا نه ها و با زوان شان چون صخره های
اند که بر زمین هوار قرار گرفته با شد
نام مجوسی این قهر ما نان «خلیق»
است.

بیکر تراش میگوید: «برخی میگویند
که مجسمه احساس سنگ و صامت است
من با این زبان خاموش سعی کرده ام تا
بهترین عناصر احساس که در وجود
انسان چون: دلیری، زیبایی و عاطفه
قرار دارد بنمایانم».

به نظر سو یسی در شهرهای عصری
و نو که بیشتر بناها رنگ خشک را می
گیرد نقش آرايش بادست آورد های هنری
مهمتر از پیش بر اهمیت میگردد. یاد گارها
بیکره ها، مجسمه ها، پرکه ها، آبنماها
فواره ها و رنگ های روشن چون
رنگ سبز محیطی را خلق میکند که به
زادگاه او لی انسان یعنی طبیعت نزدیک
می باشد.



بخشد. از دهان کوزه های آنها آب زلال
وزندگی بخش می ریزد.

سو یسی می گوید: «برای من درو نمایه
های اساطیری شکوه دارند زیرا جا ودانه
اند. این جاودانگی پیوند نا گسستی
به امروز دارد».

در پرکه بو ستان دیگر نیروی سر-
توان پشت يك گلو گر که این خودمبول
نیرو و کار است سر از آب بیرون کرده
است. بر پشت آن دختر نازک اندامی
به نام یورو پسه نشسته است چهره شرفی
این دختر رادهان کوچک و لبان گوست
الود زیبایی خاص می بخشد. ولی اگر
از تیرخ به آن نگاه کنیم زیبایی های
دختران یونانی در برابر چشم های آدم
تصویر می شود.

بیکر تراش در مورد چنین نظر دارد:
«المانه کهن در باره زیوس و یورو پوه
به من توانایی آن راداد قادر مورد دو سر
چشمه فنا نا پذیر زندگی یعنی زن و مرد
آثاری بیافرینیم. زندگی را حساس است
این خود يك نیروی جا ودانی برای زندگی
است. در این بیکره زیوس نمادی از
عناصر مردانه دارد که همه آنها را با تمام
روشنی و بی پردگی ابرا زمیدارد».

زیوس چون عناصر طبیعت است مانند
موجی که میتوان جلوان را گرفت و لی
نیتوان از آن فرار کرد. نیروی مجسمه دیگر
در نقطه مقابل زیوس قرار دارد ابوظرافتهای
زنانه و زیبایی آن را در خود نهفته
دارد».

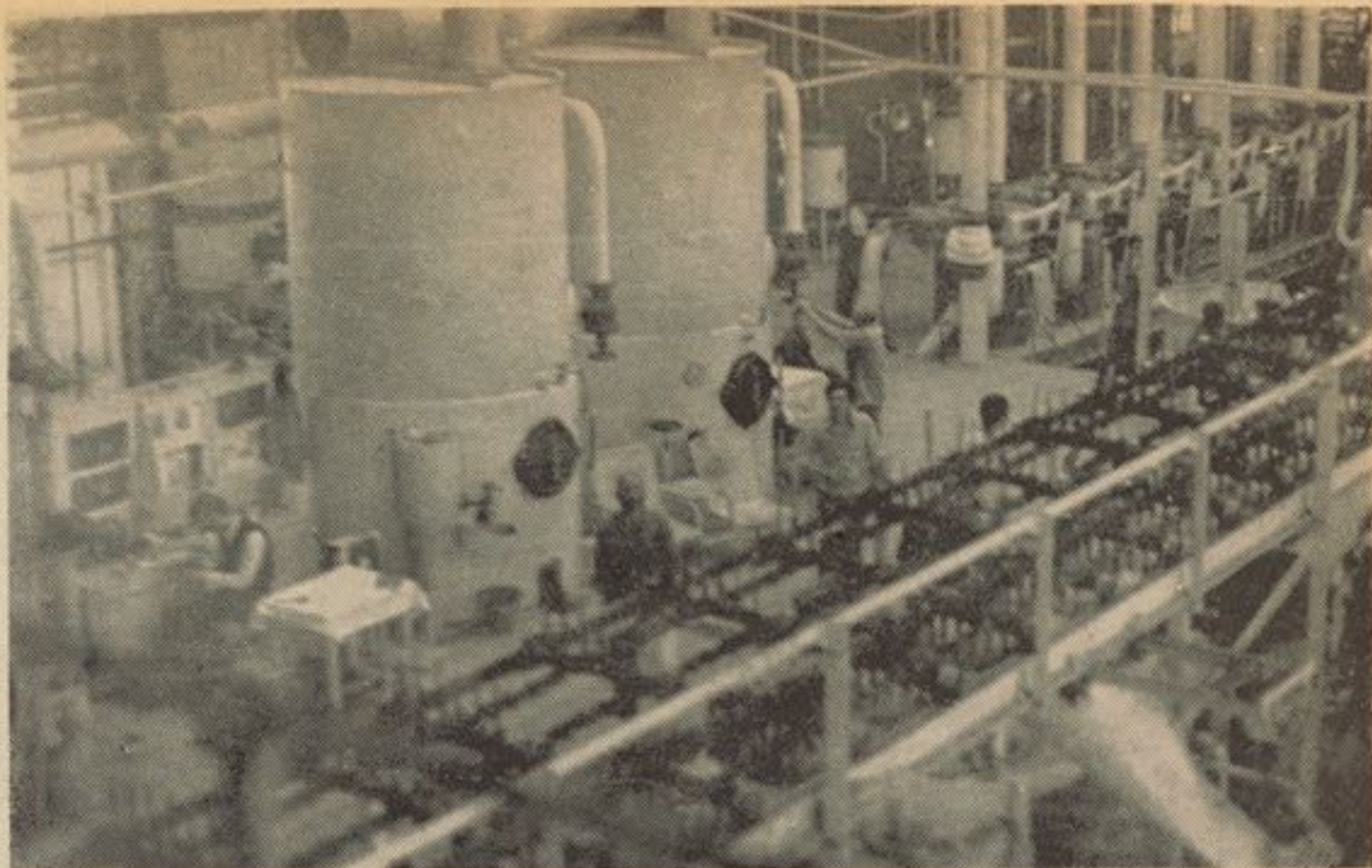
از بالا به پائین: بیکره های ار قنا غات لیمبو لو «
بیکره «ازدها» در کنار پرکه بزرگ



بیکره «دایره توازن» اثر سو یسی بیکره لوانی



سو یسی بیکر تراش در کارگاهش



گوشه‌یی از فابریکه قند بغلان که کارگران را بداخل فابریکه در حال فعالیت نشان میدهد گزارش از: م. زین

با تاسیس فابریکه تو سعوی در جوار فابریکه قند بغلان ظرفیت تولیدی آن سه برابر خواهد شد.

تحويل فابریکه نمایند. فابریکه جهت مساعدت به دهقانان پول پیشگی بنام قنای یا قرصه به آنها میدهد که البته سی فیصد آنرا بعد از قرار داد بنام خیشاوه پولی دریافت می دارند. همچنان فابریکه، کود کیمیاوی را خریداری نموده و به دهقانان قسم قرصه توزیع مینماید. بهمین قسم تفاله و میلاس لبلبو به دهقانان به قیمت نازل مساعدت میگردد که مواد متذکره بهترین غذا برای حیوانات شان می باشد.

موصوف همچنان اضافه می کند که: ساحه کنت لبلبو در حدود ۱۸۰۰۰ جریب زمین را احتوا می نماید و قرار داد با دهقانان به اساس فیصدی مواد قندی لبلبو صورت می گیرد به عباره دیگر فی تن لبلبو به قیمت ۱۰۲۰ افغانی از دهقانان خریداری میشود.

انجنیر عبدالقدیر راجع به تعداد کارگران فابریکه شکر بغلان اظهار داشت که:

درین فابریکه در حدود هشتاد نفر کارگر ماهر فنی، هشتاد نفر کارگر عادی و ۸۰۰ نفر کارگر موقتی کار می کنند البته کارگران دائمی به اساس لوایح و مقررات کارگری ماهوار معاش دریافت میدارند و مزد کارگران موقتی قسم روز مزد تعیین میگردد که از ۲۵ تا ۳۰ افغانی به اضافه سه وقت نان میباشد.

حقوق و امتیازات کارگران فنی مطابق حقوق و امتیازات مامورین محاسبه می گردد بعد از انقلاب شکوهمند ثور به حقوق کارگران توجه زیادی مبذول گردیده است که حق بیمه صحت کارگران رامیتوان طور مثال تذکر داد. انجنیر عبدالقدیر رئیس فابریکه قند بغلان فعالیت تولیدی فابریکه را بعد از انقلاب شکوهمند ثور به مقایسه سالهای قبل از انقلاب مثبت و امیدوار کننده خوانده و گفت که:

یک افزایش قابل ملاحظه فی در تولیدات فابریکه بعد از انقلاب شکوهمند ثور و رونما گردیده است، همچنان در بسا موارد در امور اجتماعی و عمرانی ولایت بغلان بصورت دایرهبیانه سهم گرفته و ازین مدرک مبالغ هنگفتی بدولت عاید گردیده است. موصوف فعالیت فابریکه را بعد از انقلاب شکوهمند ثور (در سال ۱۳۵۷) با یکسال قبل از آن یعنی سال ۱۳۵۶ طور مختصر چنین مقایسه نمود:

در سال ۱۳۵۷ مقدار ۷۳۱۹۱ تن لبلبو برای فابریکه خریداری شده و لبلبوی مذکور را در مدت ۹۸ روز کمپاین (فعالیت) خود استهلاك نموده و از آن مقدار ۹۱۸۸ تن شکر سفید و پنجاه هزار کیلو گرام شکر زرد تولید نموده است در حالیکه در سال ۱۳۵۶ از جمله ۷۲۳۸۷ تن لبلبو در مدت یکصد روز فعالیت خود مقدار ۸۷۰۰ تن شکر سفید و ۳۴۳۰۰ کیلو گرام شکر زرد تولید کرده است.

که اگر ارقام مذکور باهم مقایسه گردد مقدار لبلبو در هر دو سال تقریباً مساوی بوده و فابریکه در سال ۱۳۵۶ مقدار ۷۲۳۸۷ تن لبلبو را در مدت یکصد روز کار کرده است در حالیکه در سال ۱۳۵۷ همان مقدار لبلبو را در مدت ۹۸ روز استهلاك نموده و مقدار ۴۸۸ تن شکر نیز بیشتر تولید گردیده است که به این اساس از مصرف دو روزه کمپاین فابریکه جلوگیری شده و مبلغ هنگفتی ازین

موجود فابریکه گنجایش پنج هزار تن لبلبو را دارد که باقیمانده یعنی در حدود شصت و پنج هزار تن لبلبوی دیگر برای فعالیت چند ماه فابریکه در میدان و هوای آزاد روی هم انباشته می شود که تا اوایل ماه حمل امکان سالم ماندن آن موجود است. بنابر آن علت فعالیت نکردن سال تمام فابریکه از یکطرف مشکل ذخیره نشدن مواد خام برای مدت زیاد و از جانب دیگر ظرفیت کم تولیدی خود فابریکه می باشد، برای رفع این مشکل و بالا رفتن ظرفیت تولیدی فابریکه اخیراً وزارت معادن و صنایع به ابتکار جدیدی دست زد و آن عبارت از تاسیس فابریکه توسعوی در جوار همین فابریکه می باشد که کار ساختمان آن شروع گردیده است و در آینده نزدیک به اتمام رسیده و فعالیت شروع خواهد کرد.

موصوف افزود که ظرفیت تولیدی دستگاه جدید در حدود سه برابر ظرفیت فابریکه سابق است رئیس فابریکه شکر بغلان در مورد جگوتگی تهیه مواد خام فابریکه یعنی لبلبو روشنی انداخته اظهار داشت که لبلبو از فارم های دولتی و از دهقانان به اساس قرار داد خریداری می شود. به اساس این قرار داد دهقانان همه ساله باید بتجم قسمت زمین شانرا لبلبو بکارند. تخم لبلبو را دهقانان مجانی دریافت میدارند و در صورتیکه مطابق قرار داد نتوانند لبلبو را به فابریکه تحويل بدهند فقط پول تخم لبلبو را قسم جریمه باید

با وجودیکه مدت فعالیت فابریکه خیلی کم (از سه و نیم الی چهار ماه در سال) می باشد با آن هم دوازده فیصد احتیاجات داخل کشور را از نگاه شکر مرفوع ساخته می تواند. انجنیر عبدالقدیر رئیس فابریکه قند بغلان در مقابل این سوال که چرا فابریکه نمیتواند در طول سال فعالیت نماید گفت که چون مواد خام (لبلبو) را برای مدت زیاد نمی توان حفاظت کرد مخصوصاً در موسم گرما که سیلو ها و مراکز ذخیره لبلبو به تعداد کفاسی و گنجایشی زیاد وجود نداشته و بنا بر آن لبلبو خراب و گندیده می شود فابریکه نمیتواند سال تمام فعالیت خود ادامه بدهد. سیلو های

فابریکه قند بغلان در سال ۱۳۱۷ به همکاری و مساعدت کشور دوست چکوسلواکیا تاسیس گردیده و بشکل یک تصدی (۹۶ فیصد سرمایه گذاری بانک ملی و ۴ فیصد سرمایه خصوصی در سال ۱۳۱۹ فعالیت خود شروع کرد، در ابتدا ظرفیت تولیدی فابریکه به ۶۰۰۰۰ تن لبلبو میرسید که بعداً در سال ۱۳۴۹ با نصب کوره بخار جدید، ماننین فلتر و غیره دستگاه های جدید ظرفیت تولیدی فابریکه به هشتاد هزار تن در سال بالا رفت. اصلاً ظرفیت تولیدی فابریکه هشتاد هزار تن است مگر در صورتیکه مواد خام اضافه باشد تا یکصد هزار تن را می تواند استهلاك نماید



محل که تفاله لبلبو قسم مواد اضافی از داخل فابریکه خارج گردیده و بسدستر س دهقانان قرار داده میشود

توپیر غوښتونکی رژیمونه

د ځنگدن په حال کې



د زمبا بوی ، رود یشیا د وطنپالویو مبارز

تر بشپړې نا بودی بوری به خپلی وسلې پر مخکه کښیږی دی .

که څه هم د رودیشیا په پولوکی نورد (رود یشیا ته ښه را غلاست) لوحی نه لیدل کیږی ، چی سپین پو ستکو د پاره دغه هیوادته د راتگ بلنه ور کړی ، مگر سپین پوستکو دا خانله ښه بولی چی د خپلو غنیمتو نو سره یو ځای له رود یشیا څخه وتښتی .

په پای کې باید وویل شی چی اوس اپار تاید دخپل مړینی وروستی سلگی وهی .

نظامی او اقتصادی مرستی کیږی چی د دغی خبری د اثبات یوڅرکند مثال د انگلو رود یشیا د ټولنی شته والی ده چی د هغه د غړوبه ډله کی د رودیشیا د پار لمان محافظه کارو غړو او د رود یشیاد عدلیی د وزیر زوی شامل دی . او د هغه د ریاست ویاړ د سا لژیبری واکمن ته ورکړ شوی . همدا رنگه ځینی نوری ټولنی هم شته چی د امپر یا لیستی ټولنو او د رودیشیا د توپیر غو ښتو نکو تر منځ دنږدی اړیکو شته والی ثابتوی لکه په بریتانیه کی د رودیشیاد پر مختک شورا ، د رود یشیا د سکا تلیندی ملگرو ټولنه او یو شمیر نور هغه ټولنی چی په رود یشیاکی توپیر غو ښتو نکي رژیم د بقا د تامین د پاره د اجیر شوو عسکرو پسه را برابر لو او د هغه د لگښتو نو په منلو سره هر راز مرستو ته چمتو دی . د سکور بیون ټولنه

په رود یشیا کی چی اوس د زمبابوی ، رود یشیا په نا مه یادپیری دابل موزور یوا گوډ اکی رژیم ته واک ورکړ شوی ، چی پدغه هیوادکی د چاروواگی په لاس کی واخلسی . لاتر اوسه پوری پدغه هیواد کی د توپیر غو ښتنی پر ضد دوطنپالو نهضت د پخوا په شان پیاوړی دی . دغه هیواد چی اوس د جگری په یوه ډگر او ښتی ، د هغه د کرنی دمخکو په نپه لسمه پر څه کی هیڅ کر نه نه کیږی او هم د دغه هیواد له بودجی څخه دورخی ۱۶۱ ملیونه امر یکایی ډالره د جکرو لگښت ته اختصاص منو ند لی . مگر باید وویل شی چی دغه ملا ماتونکی بیخایه لگښت د رود یشیا پر بودجه باندی له دی کبله تحمیلیږی چی پدغه هیواد کی دوه سوه زره تنه سپین پو ستکو د دغه هیواد پسر ۶۸ ملیو نه تنه اصلی اوسیدونکو یعنی نور یو ستکو باندی لکه د تیرو وختو نو په شان دوا کمنانو پسه توگه پاتی شی . یا په بله ژبه دغه بیخایه لگښت د توپیر غو ښتونکی رژیم د واکمن ساتلو ورځنی خرڅ ده .

دایوه ښکاره او څرگند حقیقت دی چی په رود یشیاکی د توپیر غو ښتو نکي رژیم د بقا د تامین په مقصد له بمر نیو امپریا لستی او از تجاعی ټولنو څخه د دغه انسانی ضد رژیم سره بی پایانه



یو ملاک له خپلی ښځی سره د خپل زره پوښ تر څنگ ولاړ دی

ترجمه از عباس

احیای مجدد کشتی های بادباندار و صرفه جوئی در انرژی



کشتی آزمایشی جدید بادباندار

کار میدهد . اما بهترین شرایط برای کشتی بادباندار وقتی است که باد بزویه یکصدو بیست درجه از عقب کشتی بوزد که تحت این شرایط کشتی دارای سرعت ۴۰۸ کونت میباشد (کونت واحد سرعت کشتی میباشد) در حالیکه یک کشتی مجهز بانجن تحت همین شرایط دارای سرعت ۴۰۲ کونت میباشد . نتایج تجارب بالای این کشتی جدیدشودو غوغایی درکمیتهای کشتی سازی جهان برپا نموده است . اگر چه یگانه نقص این کشتی هماناقت کراف آن میباشد که اگر یک کشتی بادباندار بسه ظرفیت ۲۰۰۰۰ تن بسا زیند قیمت آن در حدود یکصد و پنجاه ملیون ین جاپانی تمام خواهدشد .

یک سلسله تحقیقاتیکه توسط انجیران مرکز کشتی سازی نیپان کو کن جاپان از یک سال باینظرف صورت گرفته است . به اثبات رسیده که نصب بادباندار کشتی های باربری و تجارتي ، صرفه جویی خیلی مفید برای انرژی میباشد . از نیروامکانات بسیار موجود است که این نوع کشتی ها در آینده قریب وارد صحنه عمل گردند . ساختمان این کشتی های بادبان دار توسط مرکز انکشاف کشتی سازی جاپان طرح و پی ریزی گردیده است . آنها تجارت خویش را در اسیرسل امسال ، درجهیل آ یسی واقع در ایالت ها نشو ، بالای یک کشتی آزمایشی بنام دایو انجام داده اند . این کشتی آزمایشی دارای ظرفیت ۸۳ تن میباشد و ۱ بر ۱۵ برابر کوچکتر از اصل

وضع سالخوردهگان در ایالات متحده امریکا

اکثریت قریب به اتفاق سالخوردهگان در سر زمین وسیع من، ایالات متحده امریکا در واقع با معضلات و مشکلات فراوان دست به گریبان اند. زیرا آنها کارگران و دهقانان دیروزی اند که امروز در تمام جیبه ها احساس بی امنیتی میکنند: آنها با عواید محدود خود چگونه میتوانند غذا، لباس و ادویسه تهیه نمایند و سقفی بالای سر خویش داشته باشند. وجه بر سر آنها خواهد آمد و فتنه دیگر نتواند از خود مواظبت نمایند. آنها توسط حقوق تقاعد تا چیز خود در شرایط انفلاسیون افسار گسیخته امروزی امرار معاش میکنند. بسیاری کار میخواهند ولی نمیتوانند به علت سن خود کاری برای خود دست و پا کنند. بسیاری بیمار و علیل و محتاج تدای اند. ولی قادر نیستند حتی از عهده پرداخت مصارف مراقبت صحیح متوسط برآیند.

بسیاری سالمندان ما برای خوراک خورد غذای سنگ میخرند. زیرا از غذای انسانها ارزاتر است. بسیاری مجبورند از سوپر مارکت ها غذا بخرند و غالباً دستگیر میشوند. زیرا در شغل دزدی فقط آنها تور هستند. بنا بر گفته دکتر رابرت بلر از انستیتوت ملی سالخوردهگان، در ایالات متحده امریکا یک ششم تمام مردم نسبتاً مسن در کلیه های زندگی میکنند که یابین نراز سطح رسمی فقر قرار دارند.

این سالخوردهگان گروه کوچکی را تشکیل نمیدهند: تعداد آنها بر ۲۳ ملیون بالا نراز شصت سالگی، یعنی تقریباً ده فیصد تمام نفوس، بالغ میگردد. وضع این گروه قابل ملاحظه ای از مردم در یکی از سرود های مشهور کار گری به وضاحت تصویر گردیده است:

«این ما بودیم که چمن زارها را نسیم زدیم،
سوره ها را برای تجارت آنها ما ختمیم،
معادن را کاویدیم، کارگاهها را ساختیم،
خط ریل را هزاران میل کار گذاشتیم،

ولی، اکنون، در میان اعجازی که کرده ایم
مردود، در بند و گرفتاریم...»

کلمات و مفاهیم این سرود در مورد سالمندان کشور من کاملاً صادق است. آنها، بعد
صفحه ۳۴

عزیزان، پس اندازها و بیمه ها را قیلا امضا و ارائه کرده باشد. در عوض، برای آنها غذا، مسکن و معالجه ای صحیح به اضافه حقوق ناچیزی برای مصارف آنها و در آنجمله مربوط به اصلاح سروریش و غیره، داده میشود. کمیته ملی بیمه صحیح اینها را بر حقیق «پرورشگاههای نیمه داخلی» باطله دانی های ملی سالخوردهگان، مینامند!

فیلسون کروگمنانگ رئیس شورای ملی اتباع سالمند، در سال ۱۹۷۶ در بیانیه ای چنین گفت:

«تاوقتی که صد ها هزار سالخوردهگان ایتار شده در پرورشگاه های «دام آتش» طسوری دست و پا بزنند که هیچ هدفی در زندگی برای شان باقی نمانده باشد به جز آنکه به نفس کشیدن ادامه دهند تا یکجده مسا لکین پرورشگاه ها میتوانند سود های حرام و نسا مقدس از وجود درد دیده آنها بدست آورند. انقلاب امریکا انجام ناسده باقی مینماید...» از سوی دیگر، جنایات فراوانی علیه سالخوردهگان انجام می یابد. ارقسام اداره پولیس شیکاگو گزارش میدهد که از ۱۸ اگست تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۷، تنها در شیکاگو ۱۴۸۰ مورد سوء قصد و راهزنی علیه اشخاص ۵۵ ساله و مسن تر صورت گرفته است. شخص پیری که دو بار در خانه اش مورد دستبرد قرار گرفته بود میگوید، «اولین بار آنها، تمام جواهرات، ساعت دیواری، وسایل زینتی نقره ای و چیز های کوچک دیگری با خود بردند. بار دوم، آنها تمام ضروریات برقی، رادیو، تلویزیون، ماشین تایپ، خلاصه هر چیز، به استثنای موبیل و فریجیفر، دزدیدند. زن ۸۲ ساله که در پروژه مسکونی اهالی سالمند زندگی میکرد، در روز روشن، یک پلاک شور تر از اپارتمان وی مورد دستبرد قرار گرفت. وی نخست در پیاده رو جلاده مورد ت و کوب سه جوان قرار گرفت و سپس چیز هاییکه باخود داشت از نزدش ربودند. این زن بیچاره، یعنی که بدنتش مجروح و پایش شکسته بود، چندین هفته را در شفاخانه سپری نمود.

چندی بعد که با او مصاحبه ای انجام دادم، چنین گفت، «وقتی به دفتر شاروالی شکایت کردم برایم گفتند که اشخاص مانند من باید همیشه باخود و پسل داشته باشند و چنینکه در خیابان با مشکلاتی مواجه میشوند باید آنها بصدا در آورند تا پولیس بداند حادثه ای

ازینکه کشور را باخون زندگی خویش غنی ساختند اکنون حتی از امنیت فریبده در آوان دوران سالخوردگی خویش محروم ساخته میشوند. لورتیا سمیونس، عضو شورای اتباع سالمندان پولندی امریکائی در شیکاگو، در سخنرانی خویش در یکی از اجتماعات عامه، درباره مسایل اتباع مسن چنین گفت: «... مادر میان دو جنگ جهانی، شکست بازار ذخایر مواد، ریکارد اقتصادی و کماد، کوریا، ویتنام، زندگی کرده ایم... مسا در بسیاری دوران های سخت آزمایش زندگی را تحمل کرده ایم. اکنون محکوم به مجازات هستیم، صرفاً به علتی که تحمل کرده ایم.» یک زن ۷۶ ساله میگوید، «من در «اردوی نجات» (سازمان خیریه مذهبی که در آن فقرا بطور مجانی تغذیه میشوند) غذا میخوریم و باقیمانده را با خود بخانه میآوریم.» زن ۶۷ ساله دیگری اضافه میکند که «من به ماهانه ۷۷ دلار حقوق تقاعد امرار معاش میکنم و از آن جمله ۴۸ دلار کرایه میپردازم.» نویسنده ۹۰ ساله، کورابیت لرد، کتاب دلچسپی بنام «لیمو» (فراهوش خانه) (فرهنگی که بحدی جایگاه غفلت یا فراهوشی تعریف گردیده است) در باره اقامت خود در پرستار خانه جهت تدای الفلج بدن خود مینویسد، و ناشران کتب از چاپ آن خود داری ورزیدند، زیرا آنها به صحت چشم دید های وحشت آوری باور نداشتند.

اعمال و حشیانه دیگری نیز وجود دارد و آن

عبارت از جدا کردن زن و شوهر هنگام ورود به پرستار خانه ها است، زیرا مقامات اداری هیچگونه «حقه بازی» یعنی مسایل جنسی را در موسم خود اجازه نمیدهند. پس از مبارزه طولانی، اینک یکجده موسسات به اجازه دادن برای زندگی یکجایی و بدست آوردن آنچه که آنها اتاقهای محرمیت مینامند آغاز نموده اند.

البته، برای سالخوردهگان تعداد زیاد آسایشگاه های متعلق به سرمایه داران انفرادی انحصارات سرمایه داری وجود دارد، ولی قیمت های آنها نفوس صعودی می یابند و اکنون به هفته سه صد دلار، صرف نظر از

مصارف مربوط به مراقبت و معالجه صحیح، ادویه و غیره، رسیده است. برای اینکه شخصی بتواند سبببندی شده حکومت به خانه برگردد، باید تمام اسنان مربوط به

رخ داده است. اداره پولیس میگوید اگر شما بخواهید متجاوزین را مورد تعقیب قرار دهید، وظیفه شماست که گزارش بدهید. هویت او را تشخیص بدهید و سپس در جریان محاکمه حضور بهم رسانید و آنوقت شما عد مجازات او گردید. شما خودتان فکر کنید که من چگونه میتوانم همیشه باخود و پسل داشته باشم؟ و چگونه میتوانم با پای شکسته و بدن نحیف خود جریانات محاکمه را تعقیب نمایم و تقریباً نیم وظایف پولیس را انجام دهم؟ چرا حکومت تعداد زیاد پولیس را در خیابان ها موظف نمیسازد؟ و از همه مهمتر اینکه چرا برای بچه های ولگرد کاری دست و پا نمیکند تا مجبور به چنین کار های ضد اجتماعی نشوند و زندگی خود را به دزدی و راهزنی سپری نکنند؟

هزاران زن و مرد سالخورده در خانه های زندگی میکنند که مجبورند برای آن تقریباً ۲۵ فیصد عواید خود را بپردازند و این چیزی هست که در ایالات متحده امریکا به اصطلاح کرایه امسی مینامند. بسیاری مریض، علیل، و ناتوان اند، ولی از ترس فرا رسیدن روز وحشتناک عاقبت نهایی، یعنی پرورشگاه سعد میکنند به وضع رقت بار خود سازش کنند از خود سخت جانی نشان دهند و از رفتن به پرورشگاه خوفناک خودداری ورزند.

از جمله تمام مسایل و مشکلاتیکه سالخوردهگان در زندگی روز مره خود به آن مواجهه اند، بزرگترین مساله عبارتست از مساله ای صحت، طبق آمار منتشره توسط کمیته ملی بیمه صحیح، ۸۵ فیصد مردم ۶۵ ساله و بالاتر از آن، که خارج از موسسات زندگی میکنند (در حدود پانزده ملیون نفر) حداقل به یکی از امراض مزمن عصاب میباشند مرض قلب، مرض شکر، الفلج، ارتریش و غیره در بهلوی مسایل مشکلات سمعی و بصری و غیره، که تمام بار مصارف معالجه آنها بردوش ناسا توان سالخوردهگان سنگینی میکند.

سنا توارد کیندی در مجمع عمومی شورای ملی سالخوردهگان منعقد در واشنگتن به تاریخ ۹ جون ۱۹۷۸، گفت: «سالخوردهگان بیشتر و متناوب تر از سایر نسوس برای مدت طولانی مریض میشوند و کمتر آمادگی دارند تا از عهده احتیاجات اساسی روز افزون خویش برای مراقبت صحیح برآیند، همچنین اکثر سالمندان فاقد بیمه صحیح و بقیه در صفحه ۶۴

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان

مترجم : «سرخ رودی»

فستیوال هنری کودکان در شهر «زبنیک»

بalkan آشنایی زیادی ندا شتند در خلال فستیوال يك تعداد فلم های تلویزیونی و سینمایی نیز در معرض نمایش قرار گرفت. در روز ششم فستیوال کودکان جمهوری دموکراتیک کوریا از شهر های زا گریپ ، زبنیک و بلگراد دیدن نموده يك سلسله پروگرام های اکرو با تیکی را نمایش دادند .

در فستیوال کودکان که بمناسبت تجلیل از سال بین المللی طفل در شهر (زبنیک) برگزار شد نمایند

بنا سبت سال بین المللی کودکان شش اسان نوشته ام آنها را به متخصیصین اخیرا يك فستیوال هنری بسه اشتراك كود كان بیش از پنجاه هزار كودك از سی و شش کشور جهان و شهر (زبنیک) واقع در کشور یوگو سلایا دایر گردید . فستیوال که به کمک یو نسکو از تاریخ بیست و سوم برج جون الی هفتم برج جولای (۱۹۷۹) دوام نمود به اشتراك کنندگان موقع آنرا فراهم نمود تا در سواحسل (اور یا تیک) پارچه های جالب،



گوشه ای از انسامبل آهنگهای فولکلوریک که توسط انسا مبل گروه کودکان کشور های آسیایی در شهر «زبنیک» اجرا گردید .

کان ارگان ها و سازمان های جوانان و زنان با کودکان کشور های اشتراك کننده در تماس شونده پیرامون تربیه و پرو بلم های اطفال در جهان معاصر مذاکره و تبادل افکار صورت گرفت .

طوریکه در راپور تذکار رفته درین فستیوال برای او لین مرتبه چهار سمپوزیوم و سه ورکشاپ تربیوی و معلوماتی نیز دایر گردید که طی آن کودکان کشورهای اشتراك کننده ، پیرامون تبادلات فرهنگی و تعلیمی بین جوانان و اطفال به بحث و مذاکره پرداختند .

قرار است در این اواخر سال بین المللی کودکان يك انسامبله بین المللی به اشتراك كود كان بیش از شصت و دو کشور جهان در شهر ثقافت یوگو سلایا و دول حوزه زا گریپ برگزار گردد .

مو سیقی ، رقص و آهنگ های فولکلوریک را اجرا نمایند طبق راپور یکه در ین مورد انتشار یافته در فستیوال پارچه های هنری سال كودكان کشور های پرتگال، چکو سلواکیا ، سویدن ، اتحاد شوروی ، جمهوری فد رالی المان و جمهوری دموکراتیک کوریا نیز اشتراك نموده بود . كود كان دول اشتراك کننده طبق پروگرام مرتبه در بیش از یکصد تیاتر و انسامبل رقص ، موسیقی و نمایشات اکرو با تیک نقش فعال گرفته خا طرات بس فراموش ناشدنی را از خود بیاد گزار گذاشتند . بمنظور فراهم آوری تسهیلات بیشتر برای آن عده از كود كان یکه با کلتور فرهنگ و ثقافت یوگو سلایا و دول حوزه

برگزار می شود می گیرد . یکی از عناصر اهم فعالیت فدراسیون عبارت از سهم گیری آن در جنبش خلقی های اروپایی به خاطر امنیت اروپا و تطبیق مصوبات کنفرانس هلنسکی می باشد . فدراسیون رول پر انرژی در مبارزه برای بهتر ساختن شرایط زندگی زنان، امحای فقر ، گرسنگی و بی سوادی آغاز نموده و همچنین سهم آن در مبارزه برای رفاه زندگی اطفال ، تحصیل زنان، تعلیمات حرفوی و حق کار قابل تذکر است .

مبارزه فدراسیون به ماباه يك قهرمان خستگی ناپذیر حقوق انسانی برای استقلال ملی ، ضدیت با استعمار و ایستادگی از طرف زنان تمام کشور ها حمایت میشود . فدراسیون در طول فعالیت های خود رول مبارز را در جریان ۱۹۷۵ بازی نمود ، زیرا این سال از طرف ملل متحد ، سال بین المللی زن توام با شعار «مساوات، ترقی و صلح» اعلام شد . در ین سال که مجمع عمده نیز کنفرانس جهانی ملل متحد منعقد شد شش مکزیکو مرکب از نمایندگان ۱۳۳ کشور و بیش از صد سازمان غیر حکومتی و کانگرس جهانی منعقد برلین مرکب از دو هزار نماینده از ۱۴۱ کشور و هشتاد سازمان بین المللی برگزار گردیده و فدراسیون در هر دو مجمع سهم فعال گرفت . مصوبه های مربوطه ین مجمع، سفارش های مفید به سازمان های حکومتی ، بین المللی و اجتماعی در مورد امحای عدم تساوی زنان با مردان و سهمگیری هرچه بیشتر شان در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقدیم نمود و وظایف مشخص را به منظور تا مین مساوات واقعی زنان در دو سال یعنی بین سالهای ۷۶-۸۵ تعیین نمود .

سی و سومین مجمع عمومی ملل متحد این سالها را «دهه زنان» اعلام نمود و هدف آن تأمین (پلان جهانی عملی) مصوبه کنفرانس مکزیکو و سایر اسناد مهم که در جریان سال زن به تصویب رسیده بود تعیین شد . کمیته زنان شوروی به حیث يك سازمان ملی فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در تمام فعالیت های آن حصه می گیرد . در ماه می ۱۹۷۸، مسکو محل جلسات شورا و یورو این فدراسیون بود . فدراسیون يك تشریه سه ماهه تحت عنوان «زنان تمامجهان» به السنه انگلیسی، فرانسوی، عربی، اسپانوی جرمنی و سویسی و ردیولیتن اطلاعاتی به السنه انگلیسی، اسپانوی ، جرمنی و فرانسوی انتشار میدهد . منابع مالی فدراسیون از سهم سازمان های عضو و هدایا تشکیل می گردد . اسان های رسمی فدراسیون عبارت از انگلیسی ، روسی، اسپانوی، آلمانی و فرانسوی بسوده و سکرتریت فدراسیون در برن (آلمان شرقی) موقعیت دارد .

این فدراسیون در اول دسامبر ۱۹۴۵ به تعیب اجلاس کانگرس جهانی زنان مشکل از نمایندگان هشتاد ملیون زن از چهل و يك کشور در پاریس تاسیس شد .

در میان موسس این فدراسیون، کمیته ضد فاشیستی زنان سویدی را در سال ۱۹۵۶ به کمیته زنان شوروی مسما شد قرار داشت . در حال حاضر این فدراسیون به يك سازمان وسیع بین المللی تبدیل شده که در صنوف خود یکصدویست و نه سازمان زنان را از یکصد و چهارده کشور جهان متحد می سازد . اهداف عمده آن مبارزه به خاطر تأمین حقوق مساوی زنان در جامعه، حمایت حقوق طفل و مادر، دفاع حق زندگی ، تعلیم و رفاه اطفال و هم چنین مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی همه خلق ها تعیین شده است .

ارگان عالی فدراسیون عبارت از کانگرس آن می باشد که هر پنجسال يك مرتبه اجلاس می کند . کانگرس، رئیس فدراسیون را انتخاب نموده، پروگرام و سایر دستورالعمل هارا برای فعالیت فدراسیون به تصویب می رساند . کانگرس ، شورای رابه خاطر اداره امور در فواصل دو کانگرس انتخاب نموده ، که این شورا به نوبه خود هر دو سال تشکیل جلسه میداد .

تصمیم کانگرس و شورای توسط يك بیورو (دفتر اجرایی) تعمیل می گردد. این بیورو مشکل از رئیس و هشت مرستیال سکرترجنرال و اعضاء که همه توسط شورای انتخاب میشوند می باشد. هیات اجرایی فدراسیون يك دارالانشا که متشکل از سکرتر جنرال ، سکرتر ها و خزانه دار می باشد تشکیل میدهد و در حال حاضر رئیس فدراسیون فریده برون (آرلیای) و سکرترجنرال آن مرچام ویوتومین (فنلاندی) می باشند .

فدراسیون ، در اجرای امور مربوطه توجه خاص به حل مسائل حیاتی زنان و حل مسائل عمده جهانی مبذول می دارد . یکی از اهداف عمده آن تثبیت سهم زنان در جنبش به خاطر صلح و خلع سلاح عام و آام می باشد . فدراسیون در سال ۱۹۶۹ یکی از مسوولین کانگرس صلح جهانی که جنبش سرنامری رابه نفع صلح آغاز نموده و به جمع آوری امضا برای تقاضا های اول و دوم استاکهلم بادت و رزیده بود .

فدراسیون به طور قاطع علیه تجاوز امپریالیسم پرویتام مبارزه نموده و به اساس ابتکار وی (کمیته بین المللی همبستگی) باویتنام در سال ۱۹۶۴ تاسیس شد . فدراسیون و سازمان های ملی آن سهم فعال در کانگرس ها ، کنفرانس ها ، و مجامع مختلف که از طرف شورای صلح جهانی و سایر سازمان ها به خاطر خلع سلاح



دسپین غره په خو کی کبیری

چی بی ملا ټینگه ټرلی
هم شمله نیغه ټو مېلسی
تور بریتونه بی تاوکری
دبمنان بی پیسز ندلی
دوطن دمور ناموس نه
غفلو لسی ، غفلو لکی
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی

سری ، سری سترگی لمبی ، لمبی
دا بیا وپی قوی مټسی
داخوانی اودنگه ونه
جسی چار پری له وطنه
پښتنی مور زیسز ولی
دغیرت درس بی وړگری
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی
وسله لاس کی ښه پیدا دی
ددبمن سر ته گلار دی
په کته وباندی نظر دی
دیر بی شانه زپور دی
پروت په بریو او پاڼو دی
داسی خوی دستو زمرودی
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی

د دفاع وسله په لاس کی
ندی هیخ هم په سواس کی
نه غولیری په والسر و
نه غولیری په خپرو
یوآزاد مرغه په اشانه
الوال کیری په وژ رو
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی
دوطن و آبادی ته
د انسان و آزادی ته
د راتلونکی کیری فکروله
په تینگ هوم نری تکلونه
لنه وی اوژده مسز نونه
ور کوی پاتی غمو ته
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی

شبی اوو رخی په سنگر کی
یاروان وی په لښکر کی
په سرو اوپه تودوکی
کله سمو کله غرو کیسی
پر غلگروته په خاروی
په آزاد وسر دوو کی
دا افغان دی ، دا افغان دی
داریا زوی قهرمان دی
چی په خوله می ویلگشی
په قلم می لیکل نه شی
هو مره زیاتی کارنامی دی
دپتمنو انسانسی دی
خودبه ویلوم ، خو دبه ویلوم
چی مردانسان پرگنی دی
بل عولا نسدی دا افغان دی
دازیا زوی قهرمان دی
درمحمد افغانبار

بسوی فردای روشن

یاکتی شکسته بد ریا ستاقتیم
سوی سپیده در دل شبا ستاقتیم
از موجهای سرکش توفان خشمگین
زی آسمان آری فرودا ستاقتیم
چون برق از حرارت خود سوختیم لیک
بیا درد ورنج و آفت تبها ستاقتیم
تا خنده بر لبان غمین بشکند چو گل

در راه بر مصیبت غمها ستاقتیم
حقا که ما فدای ای راه مجتیم
تا تنگنای معرکه تبها ستاقتیم
بیداد رهنمان نشود مانع و مال
با بال عشق تا به لر یا ستاقتیم
خوش سوختیم و شکوه بردیم پیش غر
پروانه سان لگرکه چه زیبا ستاقتیم
۱۳۵۸/۸/۲۴

بلجیخی
«سلیمان لایق»

مرثیه شکوه شهادت

ای ساکنان شهر شهادت !
ای خیل بر گناه مهاجر !
امروز رزمنا مه آزادی -
با شعر خون تان شده جاوید .
هر یاد تان حماسه خشمی است .
آتششان کینه نسلی است .
شطی است سوی چشمه خورشید .

هان ای کبوتران مسافر !
در شهر سرخ خنجر و خون و خاک -
فریاد کودکان برهنه ،
برخاش مادران گرمه .
اندوه همسران علیل تان -
رهوشه های هجرت تان باد .
مرثیه های ملت اندوهگین تان -
نذر ره شهادت تان باد .

در گور های کوچک گمنا م
در لحظه های پاک نجابت ،
این خواب نقره بین شهادت -

آنکس که دستهای سپاهش را ،
با خون گرم تان به چنابست ،
افتاده است لاشه سنگینش -
در برتگاه فقرت و فقرین .
گندیده روی زانوی غریت شب تنش .
خون هزار رستم دستان به گردنش .
لطیف ناظمی

خواب شقایق است
دیدار در نهایت میعاد است .
هر قطره خون تان به دل خاک ،
بانگی بر از ترانه مرجان است
آلاه های وحشی فرداست -
فواره های آتش و فریاد است .

خلک او هیواد

دهیواد په سردرو کښی
 یدی سمویدی غرو کښی
 دیکتیا په زرینو غرو کښی
 دهلمند په لوړو غرو کښی
 دهلمند د سیند خپو کښی
 دپامیر په لوړه خوکه
 داسمار ټولو درو کښی
 دشمشاد په لوړه تړه
 ددی سپین غره په اوږدو کښی
 پرگنی او ولسونه
 داخواړه واره قومونه
 یدی سموادی غرو کښی
 داسی وایی په نارو کښی
 چی هیواددی تل آزاد وی
 دهیواد دښمن بریادوی
 داسی وایی زموږ خلک
 دلته خلک میرنی دی
 اولسونه همی دی
 ننگیالی دی غیرتی دی
 دلته خلک افغانان دی
 په بودین اویو ایمان دی
 جنگیالی او ننگیالی دی
 دوی زمریان دی با تور ان دی
 دهیواد په دښمنانو
 تندرونه داسمان دی

دهیواد آبادی غواپی
 ددښمن بریادی غواپی
 داوطن افغانستان دی
 دغه تاج دایشیا ده
 دغیرت او ننگ له خواڼه
 پیژندلی ټول دنیا ده
 دا هیواد افغانستان دی
 داهیواد دهر افغان دی
 ټول جهان یدی یوه سوی
 دلته ژوند دنور و گران دی
 داوطن، وطن دخلکو
 داملشن ملشن دخلکو
 انقلاب دلته کامیاب سو
 نوره ورکه ظالمان شول
 دبز گر ژوندون سمیری
 خکه مخو فیودالان شول
 داهیواد به وی دخلکو
 دغه خلک به دهیواد وی
 شی به یوموئی دادواړه
 له وحدت ځنی به ښاد وی

(لاروق جریقی)



خاک خورشید

ستاره های شب من در آسمان دلم
 - رقص می کنند و هنوز
 - صدای شرفه‌ی عصیان شان بگوشم هست
 میان قلب من و آفتاب راهی است
 - که با درخشش خود چشم غیر را سوخته
 من از پناه شبی آمدم به غربت روز
 و در فروغ زمان راه خویش می جویم
 به مشتم خاک خورشید است
 - که می گتم در چشم
 بشیر سخاوورز

مکن رنجه

چون تیغ بدست آری مردم نتوان کنت
 نزدیک خداوند بلی نیست فراموش
 این تیغ نه از بهر ستمگاران کردند
 انگور نه از بهر لیب است بچر خنت
 عیسی بر هسی دید یکی کشته فتاه
 حیران شد و بگرفت بدندان سرائگنت
 گفتا که کرا کنش تا کشته شدی زار
 تا باز که او را بکشد آنگه ترا کنت
 انگنت مکن رنجه بدر کو فن کس
 تا کس نکند رنجه بدر کوفنت مشت
 «حکیم ناصر خسرو قبادیالی»

آزادی

خنجری داده مرا بر دست
 و مرا گفته ست :
 «پرو از جاده به دشت ،
 و به شهر از دشت
 و بکنس هر که دلش گشته زمین برافتنس
 و به هر خانه در آی ،
 و بگو مرد وزن و کودک هر خانه شهر ،
 ز سحر گاهان ،
 همه تا کوچ زمان با مهر ،
 نام بر نور مرا
 به زبان رانند
 و مرا سجده کنند ؟
 همه با قلب و زبان

دیده و دست

همه شب

در همه منزل

همه شهر

خنجری داده مرا بر دست

و مرا گفته ست :

رو به میدان وسیع شهر

دل سیرتک هر آنکس را

که در آن نیست زمین سودا

بدر آ

وینداز به سوی باد

و به بادی که گذر دارد از آفاق بلند

نعره زن سخت ، بگو :

«ببرش تا ظلمات !»

خنجری داده مرا بر دست

و من از جاده به دشت آمده ام

و به شهر از دشت

می گتم هر که دلش گشته زاو برافتنس

«رضا پراهنی»

در ایالات متحده امریکا نیز در مکاتب، پو هنجی ها و پوهنتون ها دو کتوران و متخصصین زیادی مشغول تحقیقات را جمع با طفل و مسایل مربوط با آنها است متخصصین اطفال در کشور های مختلف طور عمده راجع با این مساله نگرانند که اطفال شان چه میخواهند و چگونه برو- گرام های فلم و تلویزیونی به آنها تهیه و ارائه میشود. متخصصین مخالفت شان را علیه هرگونه مساعی مبنی بر استخدام ادبیات طفل پروگرام های فلمی و تلویزیونی خود سالان برای اهداف کلان سالان و غایه سیاسی ابراز نموده و تا کید می نماشد که اهداف سیاسی با ید از جبهان اطفال بکلی محو گردد چه با ید مرحله مغولت را با اطفال بگذاریم تا آنها بخوشی و آرامی سپری کنند، دوره طفولیت بحدی کوتاه و در عین حال مهم است که گنجایش آنها ندارد که ما آنها با مسایل بزرگ و پیچیده اغشته سازیم. البته با ید اطفال برای معامله موثر با یرا بلم های که معلوم می شود از طرف کلان سالان ایجاد می گردد آماده باشند ولی این معنی آنها ندارد که ما به یکبارگی آن چه از کلان سالان توقع داریم از خود سالان نیز توقع داشته باشیم کذا در تهیه ادبیات فلم و تیاتر خاصی اطفال مسایل بخصوصی خورد سالان مد نظر گرفته شود. در سن صورت ما با اطفال نیرومیزد حسی معنوی و فکری میبخشیم تا قادر باشند هنگام مواجه شدن با مسایل با آنها برخورد درست و موثر بنمایند.

در چوکات سال بین المللی طفل و با در نظر داشت اعلامیه ملل متحد در مورد حقوق طفل که بیست سال از آن می گذرد لازم است تا اقدامات بیشتری از طرف جمیع کشور ها برای مصوون نگه داشتن اطفال از هر نوع تشدد مخصوصا تشدیدات جنسی بعمل آید.

کالینا بشکود او امدیر نشریه (ادبیات طفل) در مسکو معتقد است که ادبیات طفل باید نخست راجع به گروه خود ما و ماحول سخن گوید راجع به خوشی ها و نگرانی های خلق ها راجع به صلح و حفاظت محیط



رسول یوسفزی

ترجمه و نگارش

اطفال را از دهشت و تشدد به هر شکلی که باشد حفاظت باید کرد

ایجاد محیط سالم و مصوون شرط اساسی برای رشد درست خرد سالان است.

اخیرا بنام سبت سال بین المللی طفل محفلی در خانه دوستی در مسکو دایر شده که در آن بر جنبه های مختلف رشد سالان اطفال و مراقبت های لازمه محیطی از خرد سالان تا کید بعمل آمده.

جمیز فرا سر رئیس انستیتوت تحقیقاتی بین المللی برای اطفال و ادبیات خرد سالان در جمله شرکت کنندگان این جلسه بود که در آن طور مفصل راجع با اطفال و آینده سیاره ما از این رهگذر بحث شد جمیز فراسر درین جلسه تا کید کرد او با اطفال رات اناتولی الکسین نویسنده بر جبهه اتحاد شوروی را جمع با اطفال درین فکر هم عقیده است که با ید حفظ محیط اخلاقی و فکری اطفال مانند حفظ محیط طبیعی از آلودگی توجه نهایی بعمل آید. همه کشور ها در تحقق این هدف که سلامت آینده جامعه بشری در آن مضمحل است مسوولیت بزرگ دارند.

در موسسه تحقیقات بین المللی در مورد اطفال و ادبیات خرد سالان که در سال ۱۹۷۰ در فرا نکلورت تا سیس شد (۲۰۰ شرکت کننده محقق از ۳۲ کشور بشمول اتحاد شوروی راجع به مسایل مربوط با اطفال فعالیت دارند. ایکورا مانتا شوف منقد ادبی اتحاد شوروی سمت معا و نیت ایسن

موسسه را دارد. این موسسه وظیفه تبادل اطلاعات و تحقیقات در مساله ادبیات طفل را بعهده دارد. مفیدیت کار این موسسه نزد همگان واضح است زیرا علی الرغم موجودیت اختلاف در ادبیات طفل در کشور های گوناگون برین نکته تا کید می شود که با ید همه کتب اطفال صرف نظر از کشور و ملیت چنان جبهانی را پیش چشم اطفال بگشاید که بتواند بهتر یسن او صاف انسانی را در آنها تولید نموده و آن ها را از جمیع انواع ظلم و شکنجه های روحی نجات بخشد و آن ها را از جمیع انواع تشدد دور نگهدارد.

متخصصین امور اطفال طی تحلیل های که در مورد چگونگی رشد سالم اطفال بعمل میاورند برین نکته تا کید می نمایند که باید کتب اطفال وظیفه معوله را که تربیه سالم و انکشاف سریع ذهن خورد سالان است به بهترین وجه انجام دهد. چه هر گونه اعمال راجع به تهیه کتب درست و آموزنده برای اطفال اثرات ناگواری بر سلامت روحی و جسمی اطفال خواهد داشت در کشور های مختلف کتب و نوشته های خصوصی موافق به ذوق و فکر اطفال چاپ و تهیه می شود. اتحاد شوروی یکی از کشور

وموضوعات روز - موصوف گفت ما اداراتی برای تراجم کتب اطفال از السنه های مختلف داریم و بهترین آثار را در مورد ادبیات طفل بدست می آوریم . ما همچنان فستوال های نمایش کتب اطفال را وقتاً فوقتاً داریم سازمان و در جمیع فستوال های بین المللی کتب اطفال با علاقمندی تمام شرکت میکنیم . در یکی از فستوال های اخیر نمایش کتب برای اطفال که در مسکو دایر شد (۱۲۰) موسسه طبع کتب از (۲۲۵) کشور مختلف شرکت جستند . اتحاد شوروی از زمره شرکت کنندگان دایمی در مسابقات نمایش اطفال میباشد . دلایل زیادی برای دلچسپی خا رجی ها با ادبیات اطفال اتحاد شوروی موجود است زیرا در کتب مخصوص اطفال چگونگی ذوق و درشد سالم استعداد های خرد سالان و نوباوگان در نظر گرفته شده است . با در نظر داشت این امرامکانات تو سعه همکاری با کشور های مختلف در زمینه تبادل کتب اطفال موجود است . نکته مهم در مورد کتب اطفال این است که این کتب علاوه بر مساله رشد ذهنی طفل باید داعیه های عالی بشری چون صلح مبین پرستی انسان دو سنی و خدمت به خلق را در اطفال تقویه و پرورش دهد و آنها را آینده روشن امید را بر گرداند .

شکنج اطفال باید متوقف گردد:

یکی از موضوعات تیکه در سال جاری که سال بین المللی طفل نیز میباشد جلب توجه کرده است موضوع تو چه بحال اطفال در کشور های عقب مانده و جوامعی است که هنوز تسلط استعماری از آن جوامع کاملاً بر جیده نشده است موجود است بحران های اقتصادی و اجتماعی عدم تسهیلات مناسب تعلیمی و صحتی برچگونگی رشد جسمی و ذهنی خرد سالان اثرات ناگواری می گذارد .

جسرا اطفال شکنج و آزار آنها و گمانستن اطفال به کار های شاقه و ثقیل جرم صریح علیه وجدان بشریت پنداشته می شود همچنان جدایی اطفال از والدین در سنین اولی مستقیماً بر حیات اطفال تاثیر سئو می کند .

این يك حقیقت روشن است که در يك عده کشور ها اطفال در نتیجه سراسر استبدادی نظام های استعماری تحت فشار شکنج و تبعیض های گوناگونی قرار دارند که ميتوان و وضع اطفال را در کشور های چون رودیشیا افریقای جنوبی وینزویلا و غیره یاد کرد . در همچو کشور ها که در آنها رژیم های ضد خلقی و استبدادی حکمفرما است اطفال صرف نظر از محدودیت های غذایی و صحتی تحت انواع مختلف شکنج های روحی و جسمی نیز آزار می گیرند . نکته دیگر در مورد اطفال نجسبات آن ها از فقر است اطفال با بد به حدامتان به بهترین چیز های مورد نیاز دسترسى داشته باشند و لی کشور های موجود است که اطفال این کشور ها حتی از حداقل خوشی محروم بوده مسایل سئو تغذیه بی سوادی و فقدان کمک های طبی آن هارا

رنج میدعد . در چنین کشور عا سطح زندگی طور روز افزون به نفع طبقات استثمارگر حاکمه بالا میرود و فاسیل های بی بضاعت نمیتوانند طور در ست از عهده سرپرستی اطفال سالان بد آیند .

کشور وینزویلا یکی از کشور های است که شرایط دشواری برای اطفال ووالدین در آن موجود است کارهای ثقیل پشت اطفال را درین کشور خم میکند و اثرات ناگواری بر رشد ذهنی و جسمی آن ها میگذارد درین کشور فقط از هر (۱۰۰) طفل (۳۰) طفل دارای سن اند که ميتوانند در مکاتب ابتدائی شامل گردند و قادر به تکمیل تعلیم می باشند . جوانان و شاگردانیکه از نعمت تعلیم و تربیه درین گونه کشور ها محروم می گردند براه های خرابی سوق داده شده واز آن ها دزدان قاتلان معتادین مواد مخدره و افراد بار دوش جا معه بار می آید در همچو کشور های دارای رژیم های منحنط موسسات تربیه مجدد و دارالتا دیب ها بنا میباشند و کاری را از پیش نمی برند .

کذا در چنین کشور ها اطفال خیلی بی امراض مبتلا می گردند و مریضی اطفال خا نواده های بی بضاعت را که بسوء تغذیه مواجه است زود از پای در میاورد . در همچو کشور ها اکثر يك طفل چهار ساله از لحاظ انکشاف ذهنی مانند طفل (۱۲) ماهه معلوم می شود بدون شك همچو اطفال نمیتوانند طوردوست دروس مکتب را فرا گیرند چه قدرت اخذ مطالب و مفاهم را ندارند .

تنظیم خراب خدمات صحتی برسوزن طبی و تربیوی و تسهیلات غیر مکفی ادویه وشفابخانه از مسایل رنج دهکننده برای

اطفال درین قبیل کشور هاست . مسئله محبت برای اطفال :

یکی از مسایل مهم در مورد اطفال موضوع محبت و ایجاد صمیمیت با این طبقه است چه از طریق محبت با اطفال ميتوان بانها يك محیط خوش و مصونتی ایجاد کرد . يك معلم يك پدر و مادر باید علاوه بر نیاز محبت و صمیمیت با طفل خود از اوصاف نیک برخوردار بوده شخصی مهربان با عاطفه با خوصله قابل اعتماد و مجرب به دانش امروزی باشد چه در بر تو فضای محبت و صمیمیت ميتوان يك تفاهم خوب را بین طفل و محیط زیست او ایجاد کرد و همکاری او را باعث شد اطفال که هرگز کینه بدل نمی گیرند با صمیمیت خاص از محبت والدین مر بیون وکلان سالان استقبال می کنند . محبت با اطفال در تربیه روحی و جسمی طفل و ایجاد يك ما حول خوش مسعود و مطمئن برای او تا ثیر بزرگ دارد .

خشونت ورو به ناهنجار در برابر اطفال وعدم یا سخ درست به سوالات آن ها عکس العمل های نا مساعد و بعضاً عقده های را نزد اطفال با رمی آورد که ایمن امر بذات خود در محیط آموزشی و پرورش طفل تا ثیر خراب وارد میکند . موجودیت کودکستان ها و شیرخوار

گاه ها برای تربیه اطفال و خورد سالان اهمیت کودکستان ها و شیرخوارگاه در جمیع کشور ها دارای اهمیت بسزای است . یکی از کشور های که در آن کودکستان های فراوان و تسهیلات خوبی برای اطفال و خرد سالان موجود است کشور اتحاد شوروی میباشد . ویرا نظروف مدیر یکی از کودکستان های مسکو اخیراً گفت در کودکستان مر بو با او در صد طفل يك تا هفت ساله موجود است

این اطفال مر بو با به کارگران ، ماموران الجنیوران و تکنیشن ها و غیره افتخار زحمات کش میباشد .

این کودکستان از خود معلمان تسریسوی موزیک منیجر دوی و نگهبان دارد .

اطفال از ساعت ۷- الی ۸-۳۰ هر صبح به کودکستان آورده می شوند و بعد از اینکه همه اطفال آمدند نمر بنات صبح آغاز می گردد بعد از نمر بنات ناشتای اطفال داده می شود . لست غذای اطفال در کودکستان مذکور شامل غذا های متنوع از لحاظ مفاد پر مکفی کالوری پروتین ویتامین های ضروری برای رشد بدن میباشد اطفال بعد از صرف نان چاست فعالیت های ورزشی و نوست و خوان و کشیدن رسم را انجام میدهند . فعالیت های اطفال در خارج اتاق های کودکستان طبق موسم و هوای مساعد تنظیم می گردد .

کذا بمنظور رشد استعداد ذهنی اطفال وقتاً فوقتاً تستیوال های نمایش فیلم کتب مربوط با اطفال دایر گردیده و پروگرام های جالب و دیدنی برای سرگرمی مزید اطفال عملی می شود تا آن ها از هر حیث احساس آرامش اطمینان و مصونیت نمایند و با یئو سیله جوانان با درک و با احساس برای جامعه خویش بار آمده در عمران جامعه و خدمت به خلق و مین خوشی سهم عملی و مؤثر گیرند .



اطفال در کودکستان ها از تربیه و پرورش خاص برخوردار میگردند

سیرى در جهان هنر

از مجله پو لنده

ترجمه ی « زهدی »

شور جاز در پولند

تاریخ جاز در پو لنده از سال ۱۹۵۶ که نخستین فستیوال جاز در « فو پورت » برگزار گردید آغاز شد . امروز مردم پو لنده تنها به شنیدن و موسیقی جاز علاقه دارند بلکه جاز را بحیثیت موسیقی ای میثنا مند که در آن شور و هیجان نهفته است . در چند سال محدود جاز در پو لنده تکامل و پیشرفت چشمگیری نموده حتی در امریکا محبوبیت پیدا کرده است چنانچه ما لها قبل « پولیس کاتو و او » که بحیثیت بنیان گذار « ساز امریکایی » شناخته شده ، چندین کنسرت خوب جاز پو لنده را در شهر وارما شنیدیم و سه پروگرام مکمل را که هر یک آن چهل و پنج دقیقه را در بر میگرفت ترتیب نمود و روی پروگرام های مذکور جاز اروپائی نام گذاشت و به هنر دوستان شناسانید . پروگرام های وی قدری مورد علاقه مردم واقع گردید که اکثریت مردم با رها آفرایش شدند . در فستیوال جاز ۱۹۵۹ که در « فو پورت » برگزار گردید نام سین زو بلو سکسی سکسون نواز پولندی ، سکسون نواخت و به شهرت عالمگردست یافت . « پرو بلو سکسی » اکنون از کمپوزرهای معروف گیتی محسوب میگردد . وی



دو سیزده هنرمندی از پو لنده

کنسرت های « کومیدا » در کلب عمومی جاز فرانسه در سال ۱۹۶۰ چنان وقت هارا نصیب او گردانید که وی را بر وی برده قلوب یونیون در خاند و به شهرت جهانی رساند . یکسال بعد (اندرز کور یلو یس) این هنرمند معروف پو لنده با رقصای خویش در کلب جاز پاریس و آلمان غربی کنسرت ها را داد که باعث شهرت و محبوبیت بیش از پیش وی گردید . موسیقیدانهای جاز پولندی (گسروه هنری ستا نیلا کاتو نیسز کسسی) با رها در هنگری و جمهوری دموکراتیک آلمان ، کنسرت دادند و هر بار به پیروزی ها و موفقیت های چشمگیری رسیدند . امروز آرکسترهای زیاد جاز در پولند فعالیت دارد و جاز عصری از جاز سابق بیشتر عموماً میت پیدا نموده است . با این هم بعضی گروه ها ، جاز مرو جی نیسز میوازند که این جاز از جاز اوسط اروپائی نامیندگی میکنند .



یکی از رهبران آرکستر جاز پولند در حال ایراد بیانیه .



کلوپ جاز «کراکو» که در آن ملاقات ها و مناقشه های زیادی پیرامون ، موسیقی ، نقاشی و آثار ادبی صورت میگیرد .

آن کشور همیشه چیز های بگرو مهم و آمیخته عمارت باستانی قرار دارد و در آن در همه احساس نوگرایی و پشتکار و زحماتش آنهاست . ساعتان روز فعالیت های هنری صورت می پذیرد . مینوازند که این معرف استعداد های سرشار . این کلوپ با مکتب موسیقی بولند نیز از سال ۱۹۵۹ با نظر غفیده به جاز در همکاری دارد . همچنان درین کلوپ گاه گاهی بولند فرق کرده است . در آغاز مردم بولند جاز را یک چیز بیگانه و زشت میدانستند (حتی مادران دختران شان را اجازه نمیدادند که بکنسرت های جاز بروند) اما امروز نه تنها جاز را بهیچیک هنر ممتاز میشناسند بلکه اکثریت مردم به شنیدن آن علاقمند میباشند این عقیده تازه زاده این حقیقت است که نواهای موسیقی جاز راه اش را روز بروز بیش از پیش در میان مردم باز مینماید . پس باید اظهار نمود که جاز امروز در بولند از چند سال باین طرف بر علاوه ای که سوری را بر پا نموده و فکر جوانی را بوجود در هر شهر بولند کنسرت های متواتر داده آورده است . چنانچه اداره بولند و برخی از میشود توسط آموزش موسیقی جاز در پروگرام های مکاتب نیز شامل گردیده که گروه های هنری مکاتب توسط ارکستر ای فیل هار مونیک بولند رهنمایی و اداره میشوند . اگر موسیقی و جاز نوازان ها بهیمن سرعت ترقی کنند و پیشروند بهترین و معروف ترین کلوپ جاز بولند در طرف چند سال آینده در راس جاز کلوپ جاز «کراکو» است این سالون در یک جهان قرار خواهند گرفت .

تماسهای جاز بولند با جاز سایر ممالک تنها بافر ستادن جاز نوازان محدود نمیمانند بلکه با تبادل آهنگها و آهنگهای مشترک نیز توأم میباشد . درستیوال دوم «نیوت» در سال ۱۹۵۷ بولندی هابحیث میزان برای نوازندگان چکی ، ایتالوی و امریکایی چون «البرت نیکولاس» ، «بیک بیل رمزی» و «چکی فرونت کونیت» کنسرت هایی دادند که مورد پسند آنها واقع گردید . کمپنی «آر.سی.ای» ریکاردهایی از موسیقیدانان جاز بولندی ثبت نمود که مدتها بازار گرم داشتند و شنوندگان فراوان . نخستین گروه های معروف جاز نواز بولند در سپتمبر سال ۱۹۵۸ در وار سا جلسه نمودند . گروهی «هیچولیمس» که یکی از گروه های جاز نوازان در فستیوال دوم «ستوری ویلا» شهرت و محبوبیت پیدا نموده امروز آهنگهای تقدیم شنوندگان جاز بولند مینماید که شور و هلبله فراوانی را برآه مینمادد . امروز موسیقی جاز و جاز نوازان بولند در اوج شورو شهرت قرار دارند موسیقی نوازان



رهبر ارکستر جاز بولند در حال رهبری .

داوخت خوانی بنځي د هلك سترگي شونډي، مخ او ننده بڼكل كړل، يا شكاهك اريان پاته شوي ووځكه داشيان يې نه اور يدلي وو، نه ليدلي. دا ټول شيان ور نه نوي وو او دده پر مخ يې احساسانو ديوي نوي نړي ورونه ور خلاصول بنځه ولاړه، يا شكاهك په خيالونو كې ډوب شو او نهه ورځي يې په دي خوږو خيالونو كې تيري كړي. په دغو نهو ورځو كې يا شكاهك نه خلي روغتون ته را غله او يا شكاهك په دي نهو ورځو كې له داسي ناپيژند لسو احساساتو سره لاس او گر يو ان وچي ډټول بدن رك رك پړ لسه خوبسي څخه ډك كړي وو.

خوانه بنځه به چي كله روغتون ته راغله، ياشكاهك يې دروغبسي د نشي كلمي پر ځاي بڼكل كړ، بيا به خپل ورور ته ور غله او هلته به ډكټر پر داسي ځاي كښينا سته چي ياشكاهك به يې هم ليدلي شوای.

ياشكاهك به خو شا له سو، په خبره به يې ځواني بنځي ته وكتل، ځواني بنځي به هم ور نه وكتل. يا شكاهك د ځواني بنځي دورور به وړاندې سخت حسا دت پيدا كړي وو. غو بڼتل يې چي زرمشي او خوانه بنځه يوازي دده د پو - بڼتني له پاره روغتون ته راشي.

دخوان بریتور ناروغ زگيرو يسو به يا شكاهك خو شاله كاوه:

لکه چي مري، كاشكي چي مړ شي!

ياشكاهك سره دوه خبري هم نه وي كړي، له خپلي خور سره يې هم دوني خبري نه كولي. كله به چي هغه خوانه بنځه له روغتون څخه ولاړه يا شكاهك به غو بڼتل چي ورور ته يې بڼي سپكي سپوري كښاوي وكړي او خپل زړه پري تش كړي، زړه به يې وخور يد او په سترگو كې به يې او بڼكي راپيدا شول. ياشكاهك نهه ور ځي په داسي له خور او نيكمر غسي څخه به ډكو شيبو كې تيري كړي. يوه ورځ سهار كله چي يا شكاهك له خوبه را يا خيد متوجه شو چي اوږ د بر يتور ناروغ پر يوه تډ كره ږدي زړ يې له يوي پر ستار ي څخه بو بڼته و كړه:

- چيري يې وړي؟
- به تا يې څه؟ .. مه وپر پيره، ناهلته نه وړي، خو ورځي ورو سته رخصتيري او خپل كور ته به لاړ شي، ته دلته ډير شيطان شوي!

يا شكاهك بيا يو بڼتنه وكړه:
- مړ سوي دي؟

كړي. يا شكاهك د ځوان ناروغ په مړينه څكه خو شا له شوي وو چي نور نو هغي ځواني بنځي ورور نه درلود او دا ډبل چا به كټ نه كينا سته. كله به چي دا خبري ياشكاهك ته ور يادي شوي په ټول وجود كې به يې ديوي خو ند وري خو بڼي خپي خبري شوي ...

هغه به هرو مرو دلته را شي او زما څنگ ته به كيني، يا شكاهك ډاډه ووچي هغه خوانه بنځه به رو غتون كې بل څوك نه لري ...

خو هغه را نغله او يا شكاهك د ا مو ضوع په ډيره خوا شيني داسي تفسير كړه:

- بڼايي چي هغه ناروغ يسي د عمليات له پاره وي، هو، كه داسي وي نو بير ته را ځي او دلته به زما سره چاي څښي او كتاب به راته لولي ... هرو مرو. خو هغه رانغله يوه ورځ، دوه ورځي، خو ورځي تيري سوي خو هغه رانغله ... اوياشكاهك په هغو پنځلس ور ځو كې

د ماگسيم گور كې ليكنه ژباړونكي: احسان آرينزي

ياشكاهك

دوهمه برخه

خو ځوان بر يتور ناروغ نه مړ كيدي او يا شكاهك به تل غمجن وو. يا شكاهك په خپل ټول ژوند كې دلو مړي ځل له پاره له داسي نيكمر غي سره مخا منځ شوي ووځو بریتور اوږده ناروغ دده دنیکمر غي په لاره كې ډبري اچولي. خوانه بنځه به تل دخپل ورور پر كټ كينا سته او كله نا كله بڼه يې يا شكاهك ته هم وكتل. يا شكاهك به ځواني بنځي لاس راوښووه او له زار يو څخه په ډكو سترگو به يې ور ته وكتل، په دغه ټوله مو ده كې به يا شكاهك خبري نه كولي او خوانه بنځه به يې ورو، ورو خپلي خوا ته را كښله، بنځي به وروخپل لاس د يا شكاهك له ډنكرو منگړو لسو څخه خلاص كړ او بير ته به خپل لومړني ځاي ته ستنه شوه. دځواني بنځي ورور تر دغه وخته لا له

هو ... ژوندي سړي خو به تذكره باندي نه باروي!
- مړ سوي دي، هه؟؟
يا شكاهك دغو بڼي له دغي بي حركته او ډار وو نكي مجموعي څخه لر وډا ر شو ټوله شپه يې ځوان بر يتور ناروغ، دهغه زگير وي او ټوخي به خوب ليدل ... يا شكاهك يوه شپه مخكي ډاډه شوي وو چي د ناروغ د ژوند د ډيوه غوږ تمام شوي دي ... خو لږ څند ورو سته خوشاله شو او دروازي ته يې وكتل چي كله به خوانه بنځه دده ډيو بڼتني له پاره رو غتون ته راځي.

يا شكاهك كولا ي شول چي: لكښي په مرسته له خپله ځايه پاڅيري وپه خو نه كې قدم ووهي، خو خوب بري زورور شو او پخپلو رويا يې خپو كې يې لاهو كړ. ياشكاهك ډاډه و چي هغه به راشي او بڼكل به يسي

كې چي په رو غتون كې يا تسي وو هغه ونه لیده ...

كله چي ياشكاهك له روغتون څخه ووت په ټول ښار كې يې د هغي دپيداكولو لټون پيل كړ. يا شكاهك تصميم نيولي وو چي دخپل ژوندانه له هر څه نه تير سي خو (هغه) پيد كړي. هره يکشنه اوكله ناكله به نوري ورځي د ښار د اعيانو په برخه كې گزیده او هغه به يسي لټو له. خو مځكه چا و دلي او هغه بري ننو تلي وه ... ډيري (هغي) ته ورته وي، هري يوي به ياشكاهك تير و خوږو خاطر و كې ډوب كړ، يا شكاهك به په هر شي او هره خوا كې دا شيان محسو سول: يو بڼكلي سپين نازك مخ، دوه غټي توري هو سناكي سترگي، نر مي او سري شوندي تر تور نازك ټوكر لاندې سپين اندامونه نه توره بڼكلي خولي او ...

دي بڼكلا و به ورځ په ورځ د يا - شكاهك د تنكي زړه تسخير و لو تسه ادامه ور كولو خو دا ور كه وه او يوازي د يا شكاهك په زړه كې ليدل كيدا ي شوای.

دا مهال غمجن يا شكاهك په زړغو نو سترگو او غوږو خپير نو چا مو د مطبعي د كار گرانو له پاره لږ بيگانه او غير عادي غو ندي ښكار يدي، خپل ټول پخواني عاد - تونه، مستي، ټوكي ټكالي اوځندا - وي يې له لاسه ور كړي وي، درو - غتون د نهو خيالي ورځو ژوند دده د ژوند ټوله خوښي او مستي پخپلو لمبو كې لاهو كړه او ايري يې ترينه جوړي كړي.

اور يدلي مي دي چي وا يسي تقدير دا نسان پر سر نو شت لوبې كوي، دا با لكل سمه ده، همدا وجه وه چي ياشكاهك بيا هم (هغه) وليده ... يا شكاهك له خپلو ملگروسره له ښار څخه وتلي يوه بڼ ته تللي وو په غبرگون كې يې د گڼو ونو له مينځ څخه په يوه گاډي كې وليده. كه څه هم چي دروغتون دديدن څخه دوه كاله تير سوي وو خو دي هيڅ تو پير نه وو كړي او همغسي جذابه او په زړه پوري وه. دري آسيزي گاډي له لاري څخه در ندي خاوري دوړي پور ته كولي، دهغي څنگ ته يو بل نفر ناست وو چي بوخي چا مي ي اغو ستي وي.

ياشكاهك ډاډه وو چي دا (هغه) ده ... ياشكاهك خو شيبې غلي او ار يان ودرید، بياباي چيغه كړه او په گاډي پسې يې منډه واخسته، ده هم چيغي وهلي او هم منډي، د گاډي دټايرونو په شور ماشوراود گاډي په دوړو كې د يا شكاهك منډو اوچيغو دچا پام نه سواي ور جلبو لاي، تر ډيرو منډو او ډيرو چيغو ورو سته پرځمكه ولويد اود خپلي ما تسي او مايو سي په وياړ يې ښه ډير وژړل.

وروسته، بياهم دهغي په لټه كې شو، په در يمه ورځ يې يوه گاډي ونيو اود (هغي) دگاډي په خط السير روان شو، په لاره كې به يې له خلكو څخه پو بڼتنه كو نه چي دري ورځي مخكي يوه خوا نه بنځه له يوه بوخي ما مور سره له دي ځايه څخه تيره شوه، تا سو ته معلومه نه ده چي چي چي - پاتي به ۵۸ مخ كې

متن بیانیه بپرک کارمل

کمک های محدود نظامی اتحاد شوروی که بخاطر جلو گیری از تجاوزات بی هم دشمنان خارجی افغانستان از خارج سرحدات بخاطر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی افغانستان تقاضا گردیده است بصورت قطع مطابق به منشور ملل متحد و حقوق بین المللی بوده و تخلف از اصول عدم تعهد بوده نمیتواند .

مطابق بقره ماده ۵۱ منشور ملل متحد هر کشور حق دارد در صورت لزوم از دولت دوست خود کمک در خواست نماید هر وقتیکه حکومت و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواسته باشد و تجاوزات خارجی بر قلمرو کشور مان افغانستان از میان برود ، صلح و امنیت منطقه تضمین گردد ، قطعات محدود و کوچک اتحاد شوروی با رضایت خاطر خاک افغانستان را ترک میدهند . ما بنابر عشق آتشی که به شرف و ناموس خاک وطن خود داریم با بانگ رسا و بی هراس به

جهانیان اعلام میداریم که هرگاه دشمنان خارجی افغانستان دست از تحریکات و تجاوزات در ساحه قلمرو ملی ما نبر دارند ما بر اساس اراده مردم افغانستان کمک های بیشتری از اتحاد شوروی و دیگر کشور های صلحدوست جهان بخاطر دفاع از دست آورد های انقلاب کبیر نور بخاطر دفاع از استقلال و حاکمیت ملی و ساحه خاک مقدس خود چون روش ویتنام قهرمان ، کیوبای قهرمان حبشه و انگولای قهرمان ، ملل قهرمان اعراب و عرب فلسطین و غیره در خواست خواهیم کرد . باز هم با صدای بلند اعلام میداریم که بزرگ ترین افتخار و غرور ملی مردم آزاده و صلحدوست افغانستان ازینجا ناشی می شود که سیا هترین محافل امپریالیستی و ارتجاعی علیه یورش انقلاب به کاخهای استبداد و ارتجاع استعمار و امپریالیزم ، دریک جنبه نامقدس سیاه بمثابه خصم آشتی ناپذیر خلق قهرمان

افغانستان قرار گرفته اند ، در هر حال مردم افغانستان در وجود یک جنبه وسیع ملی و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بطور پیگیر و بی امان دلیرانه بخاطر به پیروزی رساندن نهایی انقلاب دموکراتیک و ملی ضد امپریالیزم و ضد امپریالیسم برای یک افغانستان آزاد مستقل علیه دشمنان داخلی و خارجی شجاعانه به پیش میروند و یک گام به عقب نخواهد رفت .

رفقا! سرو صدای زیان آمیز و خاینانه دشمنان باین معنی است که دیگر دشمنان ما شکست خورده و خلق ما پیروز شده اند ، خلق کشور ما تا اکنون به تبحر به خود در یافته اند که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مدافع پیگیر و سر سخت منافع واقعی ملی مردم افغانستان بوده و دارای پیوند های عمیق خلقی است . به سعادت و سر نوشت حال و آینده ، به آزادی ، سربلندی رفاه و ترقی خلقهای ساکن این سر زمین دلبستگی عمیق

دارد ، دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت ملی کشور را وظیفه مقدس خود می شمرد . باین جهت اعتقاد عمیق حزب ما به بین المللیت از ماهیت طبقه ای ، جنبه نینتی و خصلت عمیق وطنپرستانه آن ناشی میشود ، وطنپرستی و بین المللیت حزب ما با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند .

در پا نزد همین سالگی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر خلق ، طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تجدید پیمان میکنیم که پرچم مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع و در راه آزادی ، دموکراسی ، استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور را همواره بر افراشته نگهداریم . زنده باد حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان . زنده باد آزادی و دموکراسی برای مردم افغانستان .

زنده باد مردم زحمتکش افغانستان . به پیش در راه حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و وطن پر افتخار مان افغانستان عزیز . (ب)

پیام هیات رئیسه شورای انقلابی

تحسین مینمایند زیرا بخوبی ملتفت شده اند که چه کسی در کنار توده های وسیع خلق مسلمان کشور ما و مسلمانان جهان ، مسلمانان عرب و علیه صهیونیسم و امپریالیسم قرار دارند .

امپریالیسم امریکا و متحدین گوناگون ارتجاعی اش در تلاش بودند که ذریعه جاسوس خون آشام خود حفیظ الله امین پلان برده ساختن خلقهای مسلمان افغانستان را عملی کنند ، ولی بپیروزی مرحله نوین انقلاب نور این نقشه های شوم خنثی گردید و این خود باعث دیوانگی امپریالیستها میگردد .

بپیروزی مرحله نوین انقلاب خلقهای مسلمان و برادر افغانستان ، ایران و پاکستان دریک

صف واحد بر علیه دشمن مشترک و غدار قرار دارند ، امپریالیستها انقلاب افغانستان و انقلاب ایران و نهضت پاکستان را تهدید به خفه ساختن مینمایند و در کوشش هستند این سه کشور آزاد و مسلمان را از جهان اسلام و کشور های روبانکشاف تجرید نمایند ولی کوشش های امپریالیستها ، شوونیست ها و مرتجعینی که لباس مدافعین اسلام را در بر میکنند و بنام اسلام علیه اسلام و علیه منافع بنیادی مشترک عینی مسلمانان توطئه چینی و خیانت میکنند به مو فقیت نخواهد انجامید ، وحدت خلق های ما که بر اساس دین مقدس اسلام استوار است شکست ناپذیر میباشد .

ما یقین کامل داریم آنها نیکه بوسیله تبلیغات امپریالیستی و چینی فریب خورده اند به اشتباه خود پی برده از مسلمانان افغانستان که درین مرحله آگنده از شور و هیجان پروسه انقلابی رابسوی تکامل آن میبرند پشتیبانی خواهند کرد .

ما از برادران مسلمان خویش از حکومت های کشور های اسلامی می طلبیم که بدشمنان اسلام ، به امپریالیستها و در راس آن امپریالیزم جهان نخواستار امریکا به یاران صهیونیستها این دشمنان آوارگان بیگناه فلسطینی ، باین دشمنان خلقهای انقلابی تمام جهان اجازه ندهید که شمارا فریب بدهند ، از انقلاب ملی و دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما پشتیبانی نمایند . پلانهای امپریالیستهای

امریکایی و هژمونیستهای پیکر آن سان که اکنون در ایران خنثی میشوند در افغانستان نیز در هم خواهند شکست ، تهدید ، توسل بزور ، بکار بردن تحریکات ، دروغ و افتراء نسبت به خلقهای مسلمان افغانستان و ایران به امپریالیستها کمک نخواهد کرد ، چنانکه آیت الله امام خمینی رهبر جلیل القدر ایران اظهار داشته است . «بگذار ایالات متحده امریکا سعی و کوشش کند که ما را با اقدامات نظامی و اقتصادی بترساند ولی ما یک قدم به عقب نخواهیم رفت» امر حق مسلمانان پیروز خواهد شد .

ما همه مسلمانان جهان را بدفاع از انقلاب های افغانستان و ایران برضد امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع بدفاع از امر حق و عدالت فرا میخوانیم .



دوستان عزیز!
بامکاتبه نانیه
شعر، داستان و مطالب وچپ
وخواندنی بفرستید

قسم است

مرا به آبله دست کار گر قسم است
مرا به اشکم خالی رنجبر قسم است
مرا به کودک بیچاره یتیم که او
زلفش علم و کمال است بیخبر قسم است
مرا به کوچی بی سر پناه و بی مسکن
که هر زمان، به جانی کند سفر قسم است
به دست و پنجه پر زور د هقان وطن
که کار می کند از شام تا صبح قسم است
مرا به آنکه شب و روز چوب می شکند
به دست و پایش پودر خم صدفی قسم است
مرا به آنکه شبانی کند به دره و کوه
زوضع زندگی شهر بی خیر قسم است
مرا به بیوه زنائیکه چرخ و دوک بدست
زبهر لقمه نانند در بدر قسم است
مرا به با به پیری که بار غایله را
دهد جواب به اشکی، چنان گهر قسم است
که دژ کهنه غدار سر نگون ساخت
بسوی عالم نو کتم نظر قسم است
زخون اهل ستم نهر آستیا ب سازم
بدی بطریق نمازم اگر «سحر» قسم است
یعقوب «سحر» رستا فی محصل صنف
سوم پوهنشی طب کابل

صلح میخو اهیم

بهر خلق نو خرو شان نویسن
نو جوان و پر توان تابنده باد
الفت و پیوند مر دان قمر
غیرت شو ریده کو هسار ما
نال شور جوانی مید هد
بر فضای اینجهان بالا شده
بهر تحقیق رهو ز اینجهان
جان باین دنیا و پهنا می ز نیم
عالی و مقبل تر وزینده تر
از رهبر صلح جو با دا کلام
(کلیوال)

صلح میخو هم بانتمان زمین
شادمان و قهرمان پاینده باد
وحدت دنیای خلقان بشر
آرزوی زنده سر شار ما
خود نو یسد جا و دانی مید هد
شعر هستی ساز من دنیا شده
پیشه کار و نبرد امتحان
دست به دریا و صحرا می ز نیم
تا که دنیا یم شود رخشنده تر
بر شما خلق زمین با دا سلام

وطن

وطن امید و همتی زمانم
تویی یگانه بستان جهانم
فدای سنگ و خاک و کوه و دشتت
کنم گل خاره ات را تا توام
تویی ای میهنم روح و روانم
نوی سنگرت در جسم و جانم
توزادگاه مترگ شیر مردان
به آزادی و حفظت خون فنا نم
بسرزید از نهیت سقف گیتی
بجنبد کوه اگر وصف تو خوانم
قیام خلق توورد زبالت
تعالی و شکوه در بیالم
هه پرورده دامان مهرت
بود هواره نامت پر زبالم
نخواهم جز تو معشوق و پر یوش
جو عشق توست دایم در نهالم
نیم هرزم در زمت همیشه
وطن آرام جانم مهربانم
یوسف هرزم

دم ، غرگندوی لیکنه

یوبام او دوهو ا

دغه وخت کی د (زوی او زوم خاونده) گوری
چی زوی او تگور بی سره لیدی پرا تـ
دی او لور او زوم بی سره لری ، زوی او تگور
ته وایی : «داخه کوری سره لری شـ
گر می ده ا «دبام په هغه بل گوت کی زوم او لور
ته وایی :
«بچیانو سره لیدی شی چی سـ
دی !» .
خوی غریب سر را پورته کوی وایی چی
مور جانی عجیبه ده چی :
(یو بام او دوهو) ، په یوه بام کـ
خنگه د مروه تو پیر شته چی خوک سره لری
کوی او نورو ته وایی چی سره لـ
شی ، دا خویی فولکلور یک اېخ وچی په
تکلونو او کورنیو چارو کی د بیلگی په
بول بی یادونه کیدله .

وی نودا خو دسوسیولوژی علم هم
تابته کوی ، خنکه چی خوانی فکر کوی چی
تگور به په کور کی ددی خای و ایسی یاپه
بل پول دهغی دکور خا ونده به شـ
او لور بی دبل دکور میرمنه کییری نو دخپلی
لور په خاطر هم دزوم لور لحاظ کوی دا چی
پخپل کور کی دزوی میر من (تگور) خپل
سیال گنی نو دومره پیرزو ینه او مینه هم
پری نه کوی .
نوخکه وایی چی : داوړی شپې ورخی وی
دبام په یوه گوت کی «زوی او تگوره او په
بل گوت کی بی لور او زوم» ویده و په

پری د تعبیر او تفسیر خبری اتری کولسی ،
په فولکلور ویک اېخ لیدی خرگند و نی کیدلی
او لور وخت به بی د فولکلوری یو هو په
رناکی اصل هدف او معنی ته خیرولکی
ور لیدی کیدل .
ریشیا هم چی د فو لکلور علم خود (خلکو)
درو ایا تو ، نظر یاتو ، او خر گندو نو
پر بنسټ کلسک ولاړدی او دتولنودکړو، ووو
له تل خنکه بی سر چینه نیولی ده ، هغوی
په ویل چی خبره خو داده چی :
که مو فکر کوی وی : «خوانی نسل په
زوم لور مېر بانه وی» دلور په نسبت
بی ، د (تگور) سره چندان جوړه نه

نه پوهیرم چی خنگه بی ووايم او ولیکم .
خولنده اوکنده بی داجی ، درنو لوستو لکو
له لیدی مودی راپه دینخوا پور تنی خبری
زما پاملرنه خانه گر خولوه، له هر جا به
می چی دا خبره اوریدله چی : (یو بام او دوهو
هوا) په رنگا رنگ فکر و نو کی به د و ب
پاتی شوم ، دچا خبره کله به یو خه او کله
به بل خه راته مخی ته کیدل .
کله به می چی دچاله خو لی پور تنسی
(اصطلاح) و اورید له نو بیا به می د حسان
دیو هید لو له پاره تر ینه یو بنسټه کولـ
چی: یاره ! اصله معنی او هدف یسی خه
دی ؟
خو هر چا به دخپل ذوق او توان په اندازه

پو هو ولاېدی نو هرو مرو اصلی رېښه او هو، داچي فولکلور دخلکو پر تېر بو او سر چينه يی هم علمی او خونه لری ، هره خبره يی دخلکو له تېر بو او کرو ورو څخه را پورته شوی وی . دخلکو خبری تل طبقاتی اېخ لری نو دپورته اساسی ټکی منبع او سر چينه هم دپو کلک طبقاتی اېخ درلودونکی دی .

که دلو ستو نکو خو ښه وی نو د پورته اصطلاح پر طبقا تي اېخ به څه ناڅه ووايو، په هغه هیواد کی چی ټولنه يی په داسی دوه هو او کی ژوند و کړی چی د چا په کی سا په او دچا په کی گر می کړی ، په داسی ټولنه کی چی یو یی له لو خوا لی او برېښه توب څخه دژمی یخنی اوساږه ژامی ورکړی پوی او غم لری کړی سا تر ښه پورته کړی ، بل یی داسی لوړ قیمته ، وړین او ډېل کالی اغوستی وی چی په هماغه یخنی کسی پری د عیاشی او مستی خو لی را روانی وی .

په داسی یوه ټولنه کی چی دیو ترغورد ډوډی آواز وی، یوته دی وچ او سوږ جواوی او روڼی (ورښینه ډوډی) نه رسیری ، د بل دی له ښو نعمتونو او خورا کو نو څخه زړه را سکړی ، هغه دښتو ژبی متل دی چی «موږدوږی په حال څه خبر دی» .

په داسی یوه ټولنه کی چی د چا زړه د پلي تلو اوستو ما نیو څخه چاود وی ، پر شا یی دزخمو نو او پولیو شمیر نه وی معلوم ، غو ډونه یی د شتمنی طبقی دموټرو خاوندانو په غر هار اوهار نښو ورکا ټی کړی وی ډیر یی وژلی یی دخپلی بی هوشی په وخت کی پر خپلو موټرو زخمی کړی او وژلی ، دایي لاکه کړی چی نور څو دښتو خاوند دموټر وله موندو نو څخه هم ستو مانه شوی وی او دا خبره چی : «سپوږد پلي په حال څه خبر دی» .

آه ، چی له یاده می ونه وځی یوه ورځ می په یوه کتاب کی ولیدل چی لیکلی یی و . په یوه روغتون کی دوه تنه دڅنگندن (مړم کیدلو) په حالت کی وه هغه څنگه هغه داسی :

یوله ډیری مستی او عیاشی څخه دوینی دفتار دپو رته کیده له امله او بل یسی دکم خو نی او بی وژلی له لاسه .

نوکه سترگی پټی نه کړو اوله وا قعیت څخه تیر نه شو په یوه ټولنه کی چی داپورته لنډ ټکی وویل شول مو جو دو ی نو ایا دغه ټولنه به دیو با م او دوه هواو

خاوند نه وی ؟ **آیا په هاسی یوه ټولنه** به دغه ډول نور تو پیرو نه وی او که رښتیا ووايو د (یویام او دوه هوا) داصطلاح طبقا تي اېخ به موپه رښتیا سره پیژ ند لی

نه وی ؟ زه خو فکر کوم چی د همدی خبری طبقا تي اېخ دڅر گندولو له پا ره به همدغه پورته بیلگی بسنه و کړی .

راځی نو در ټولو ستو نکو چی او سر په رښتیا نی ډول هغه با م ته پا ملر نه وکړو چی هلته په کی یوه هوا وی ، یعنی داچي ساږه او گر می یی په هر گوټ کسی سره تو پیرو نلری ، نو داسی یو با م به کله او چیرته و میندل ښی او څوک به یی منځ ته راوړی ؟

آینه اعمال

نام توامین بود حقیقت بودی خانی
از خون شهیدان همه دشت و دهن را
این لاله که برخاسته است رمز نگاهش
این فطرت پست توازل بودنه امروز
کردی همه را در بدر و خاک بسر هم
هیچ خانه نی بر گریه و افغان ندیدم
خوبی ز توهیچکس ندیده است بکارت
این لکه ننگین که برخاک گذاشتی
آئینه نی اعمال تو این بود که دیدیم

(کیوان) تو مکن ناله و فریاد گریس
عالم همه گردید ز افغان تو غمگین

بیتو

بیتو هرگز نروډیای به کاشانه من
پیوجودتو همیشه سرد بودخانه من
گر نبا شی تو ، بود کلبه من چون شب تار
که تویی مشعل رخشان جا و دانه من
تو همچو شمع فرو زان مجلس آرا نی
مشو بعید خدا را ز آستانه من
چنان کینانه بود قلب من ز تیرفسون
مبادز تیر محبت تهی کنا نه من
خروش بلبل طبعم زنگهت توبود
تویی الهام شعر و گرمی ترانه من
تا نبا شد گل روی تو در آئینه دل
بر نخیزددمی گلبا نک عا شقا نه من
ز لوح روی من برد رنگ زرد «شفق»
چو صبح روی تو تابد بر آشیا نه من

شعر از : میر حبیب الله «شفق»

زما شعره

مادزپه حالو نه چا ته
پدی ژبه می ویلی
ما دخلکو دا دردونه
په څه رنگه را پییلی
دکاغذ پرمخ به څنگه
په ژړا ژړا لیکلی
که ته نه وای ا که ته نه وای
زما شعره - زما شعره
ته زما دمینی راز نی
ته زما دزپه همراز نی
ته دخلکو یو آواز نی
ته زما د ژ وندون ساز نی
زه به چاسره په راز وای
یا به چاسره همراز وای
که ته نه وای
که ته نه وای
زما شعره - زما شعره
ما دخلکو د غربت نه
دکلو کلو فرقت نه
پدی خپل کور او کاله کی
دهرڅه له محرو میت نه
ددوی تیت پرک ژوندون نه
ددوی هرډول مشقت نه
ما به څه شی وای لیکلی
یا می څرنگه لیکلی
که ته نه وای
که ته نه وای
زما شعره - زما شعره
نن چی خلکو کی اوسپیږم
یا چی ساه لرم خو څپیږم
دا چی څه منځ په وړاندی
نه تمپیږم - نه تمپیږم
دا چی هر وخت اوهر ځای کی
زه دخلکو نه چارپیږم
دا به نه وای
که ته نه وای
زما شعره - زما شعره
ای زما سره تل مله
ته زما دلاس اسانی
ته زما شمع یی بله

وی . نور اخی چی په کلک عزم ، ټینګه ارده ، ډاډمزه غښتلو گامو نو او پوره میرانه دخپلی بی وژلی ټولنی دسو کالی او آرامی په خاطر دخپلو وطنیالو وروڼو سره څنگ په څنگ دافغانستان دخلکو ددموکراتیک واحد گوند په هلو ځلو کیږی یوی آرامی او سو کالی ټولنی خا وندا ن شوچی هلته دسپری څخه دسپری استعمار نه وی .

هو ، رښتیا هم موږ دهمدا سی با م په جو ډولو بوخت یو چی سر تر سره به دیوی هوا در لو دو نکي وی ، ددی با م زموږ د خلکو درښتینی بچیانو دخلکو ددموکراتیک گوند تر مشری لاندی اودنوردو غورزده او نه ماتید ونکی انقلاب د بنسټ دتورپه شانته تلونکی انقلاب وړانګو کی په په شا نه تلو نکي انقلاب وړانګو کی په خلیدو نکي ډول د بشپړ ید لو په لور روان

که پا ملر نه و شی اوس موږ د یو داسی ټولنی خا وندا ن گرځو چی هلته یی با م یوه هوا لری ، هیڅ لوډ تیا او طبقا تي تو پیږه پکی لوږه اوښکته طبقه نه وی ، هلته په پکی لوږه او ښکته طبقه نه وی ، هلته به د کار گر ، بزگر او مز دور د لاس په ټاګو څو لکه به دوینو دفتار په ناروغی اخته نشی ، هلته به دزیا ر گا لو نکو د لاس محصول څوک نه شی استعمار ولی .

هغوی پي ژوندی دی

ژان لافایت

(تیر پسی)

زموږ دوست (داکتر پارابلوم) هم ددوی په منځ کې دی. دخپلو ۱۰ اردوگاه (زموږ اردو گاههغه برخه چې دقرنطین لاندی نهوه دخپلواک اردوگاهه په نامه یادوه او دایوههوهگه وه) ملگری داسی ترتیبات نیولی دی چې دوی ته هره ورځ خودانی ډوډی او یوه کاسه ښوروا ورکړی، ځکه چې ددوی د خواړه برخه (سهمیه) سره له دی چې ډیرزیات کارکوی دنوروپه پرتله لږ ده. برسیره پردی دوی دهغوپهودی بندیانو پاتی برخه دی کوم چې دیوههوسی ساری وژلو په ترڅ کې له مینځه تللی وو پدغه وژلو کې پنځلس یاشل زره پهوډیان قربانی شوی و.

یو فرانسوی چې (نیوا) نومیری مو ږ سره په کار گاه کې کار کوی دی په پنځسم نمبر بلوک کې پهوډیانو سره یوځای ژوند کوی او دهغوی خبرو نه راوړی. پدی وروستیو وختوکې دهغوی یو تن بلژیکی چې کمونیست هم دی ژول ته یو پیغام استولی وو چې نور مقاومت نشی کولی او زیاته کړی وه چې د (کاپو) دورځ په ورځ زیانیدونکی وهلو او ټکو. لوڅه معلومیري چې ماوژنی خوزه ددی لپاره چې خان بی غمه کړم غواړم چې اغزی لرونکی مزی باندي خان واچوم. ژول ورته وویل: یو کمونیست حق نلری چې خود گشي وکړی دغه پهوډی ملگری خو شیبی سوچ کړی وو

او وروسته یی بیازول ته ویلی وو چې دهغه خبره رښتیا ده او پس له دی نه به دهری پیښی په وړاندي مقاومت وکړی. دغه تصمیم دهغه په گټه وه داځکه چې خو ورځی وروسته دپنځم نمبر بلوک رئیس اعلان وکړ چې نور به کلیمان (پهوډیان) ونه وژل شی، دغه خبره په پیره په ټوله اردوگاه کېښی خپور شواو هر څوک دهغه په شاو خواکی غږیری، موږ دغه خبری ته ډیر خوشبین نه یو ځکه چې دا لومړی ځل ندی چې دغه خبره دجلادانو دخولی نه اوږو. خوله تردید څخه یی پرته باید ومنو چې ددغه خبر څخه پس څه ناڅه زموږ دملگروپه وړاندي دداردوگاه دار بابانو چال چلند بدل شوی دی. دهغوی کومانډو، اردوگاه ته دشکوپه وړلو

راوړ لو گمارل شوی دی او دا کارندی ساعت تیری ده. موږ یوه ورځ ماسپین هغوی ولیدل چې ډیر آرام یی کار گاهه او کابوهم هغوی

ته څه نه ویل. چې چی عقیده در لوده چی: دتیکم رغی نښه نښانه ده. اوس انکار نشی کیدلی چی آلمانیان خپل وروستی ورځی تیروی. زموږ دملگر و او دوستانو په زړونوکی نوی هیلی ژوندی شوی، (داکتر پارابلوم) چې تل به یی موږ ته وایه: (ما یواځنی هیله داده چې ددسا میر ترمیاشت پوری ژوندی پاتی شو) کله چې دلری نه موږ گوری وایی هلکانو سلام او دغه سلام له ډاډ او هیلی څخه ډک وی. یوه سبایی (نیوا) په غمجنه بڼه راغی او موږ ته یی وویل:

من به دوه کسه پهوډی بندیان چاڼواری کړی. بیگانه یی هغوی ته دغه خبر ورکړی ترسبا پوری موخوب ونه کړی. ماښام چې دکار نه بیرته راستنیدو دحاضری په ډگرکی مو هغوی ولیدل. دهغوی پیژندنه دژبې مثلث دعلامی له مخی چې برکالیو باندي یی یومیلی دی، کوم گران کار نمدی دوی یواځی شل کسه وو. وروسته له هغه نه یی یوآرام ژوند تیر کړ. اوبیایی یوه ورځ دهغوی دری کسه دمخکینی اطلاع څخه پرته ووژل. دغه کار دساتونکی له خوا اشتبا ها سر ته رسیدلی و؟! داځکه چې نوی دستور هغه ته نه وه رسیدلی.

بیاهم تکرار ول چې باید پهوډیان ونه وژل شی. وروسته بیایوه ورځ زموږ دوست داکتر پارابلوم دحاضری په وخت کې تری تم و، وروسته بیایواځی شپاړلس کسه پاتی شول، بیا یواځی دوولس کسه، بیا یواځی اته کسه وروسته بیا پنځه کسه، نو هیڅ هیله نده پاتی.

نن سهار موږ دغه ځنگل څخه چې اردوگاه ته خیر مه واقع شوی ده ددوډوژوږ واوړید ماښام چې دکار څخه بیرته راتلو دواپ په مخ کې مویوه سپینه دایره ولیدله. دمخکې په یوه نقطه کې یی د جونې خاوری شیندلی وی اوسبا بیاکله چې کارته تلو دحاضری په ډگر کې اود

پهوډیانو په مخصوص ځای کې هیڅ یو پهوډی نه وو. دهغوی وروستی سړی یواولس کلن ځوان و چې سهار مړ شوی دی، سر یی په هغه واپ کې چې دځنگله له څنډی څخه تیریری

دیون سره ټکولی وو او همدا اوس په هغه نقطه کې دجونې گردد خټو اووینو سره یوځای پراته دی.

• • •

اوت - بیدیا خومره ښکلی ده. زه شارلو او یو تن هسپانوی دکارگاه څخه بهر په کارگمارل شوی یو موږ ته دستور را کړ شوی وچسې دگاوندی کار گاه څخه یوه زینه راوړلو. دیونری واپ څخه تیریږو ددغه واپ په څپوکی ډیری ونی ا وښته، ښنی شوی دی زموږ په سترگوکی هر شی ښکلی او پر تمین ښکاری هڅه کوو چې تر ممکنه حده پوری تازه هوائتس کړو موږ

ته داسی ښکاری چې سل فرسخه دکارگاه څخه لیری شوی یو، پر له بیری څخه په یو لیک کې او بودبل پسی لار وهو زه په منځ کې یی موږ پسی یوز وډ اس - اس دخپل سپک ماشین کې سره را روان دی دنجیبو خلکو بڼه لری او موږ باندي بیرنه کوی نا څایه موستر کی یوناک باندي چې دواپ په څنډه کې زموږ په دوه قدم کې پروت دی، لوی پری اسپانوی دساتونکی خواته ځی او د نیمگړی آلمانې ژبی سره اجازه

غواړی چې هغه ناک دمخکې څخه پورته کړی اوو خوری ساتونکی خاندي، داسی ښکاری چې

موافقه لری اسپانوی دناک خواته ټوپ وهی خوپه هماغه شیبه کې موږ ته خیره دډوژوږ پورته کیدی او اسپانوی پرمخ پرمخکه لوی پری لاس یی لار اوسه دناک خواته اوږ ددی خو هغه به ناک ته ونه رسیدی دلاسونو گوټی یی دتشنج په حال کې مخکه شوکاری کوی. دژوږ چمپیر به مخ کې یی دوینو رنگ ښکاری. هلی، هلی ژر، ژر لار و وهی.

اس - اس موږ ټیل وهی دماشین گڼ دمیلی دخولی څخه یی لوگی پورته کیری.

همدا اوس به یو صاحب منصب راشی او عکاسی به وکړی.

دا (نورمال کومانډو) (معمولی کومانډو) ده.

• • •

سپتامبر - دانکور وډ ټولو لو میاشت. نن په کار گاه کې دماسپینین دتفریح وخت اوږدیری. هغه نمایش چې تراوسه می نسه ولیدلی زما دستر گوپه وړاندي روان دی. دیکور

یوه ستره تیره ده دپنځوسو مترو په چکوالی چې دڅاه په څنډه کې پرته ده. داهغه تیره ده چې تیرکال په زرگونو پهوډیان دهغه له سره لاندی اچول شوی و. ددغه دتیری نه جوړ شوی دیوال په منځنی برخه کې ددووسوړیو په منځ کسې یوه ونه شته شویده او ځینی وختو نه هغو کسا نو چې ددغی تیری له سره به لاندی گدار کیدل ځانونه به یی دغی ونی سره نښلول او وروسته بیا به همالته دمرد کو باران وړباندي اوړیده تر څو چې دوروستی ژغورنی دوسیلی څخه لاس واخلي خواوس په دغه کار څوک لاس نه پوری کوی.

دشیپو تنو په شاوخواکی بندیان دهمدغی تیری تر لاندی تک راتگ کولی. دشوروی

بوخ به خبر یو نیغو رموه یی اغوستی دی.

دیو نیغوم شاکي د (اس-او) نښه لیکل شوی دی. ډیر ورو ورو کار کوی.

موږ په ډیر حیرانتیا سره گورو چې دوی یوه ټوټه پنځه کیلوی تیره په زنبیل کسې اچوی او په څلور کسيزه توگه یی وری جرمی بوټونه په پښوکی لری. دپنځو څخه یی روغتیا او خوشحالی اوړی. دهغو پتلیوپر مخ چې دباری واگونونو لپاره جوړ شوی دی یوه اواره باروړونکی واگون ښویږی او پر هغه باندي دفلم اخستلو یوه کمره اود ستگاه ایښودل شوی ده، او یوسړی دکار گاه دبیلو بیلو برخو څخه فلم نیسی. ددی لپاره چې دپند یانو حقیقی ژوند! په ښه توگه وښی، هر یوه به یی یوه دانه سگرې هم ورکړی دی چې دکار کو لو په ترڅ کې یی وڅکوی دادی یو تبلیغاتی تصویر دنړی دیوی وحشتاکی څنډی څخه د(گوبلز) نوکران دهری پیښی نه گټه اخلی.

(دخوشحالی شیبی)

کله چې ځوان هلک وم، دهغه زندانی کسه می لوستلی وه کوم چې پخپله بند یغانه کې یی یواځی ژوند کاوه. دغه بندی داوردو کلونو په ترڅ کې پرته دخپل ساتونکی دخبری څخه بل هیڅ شی نه لیده او بیرته له هغه نه به یی له هیڅ چا سره لید نه کتنه نشوای کولای، او هغه چی هیڅ نه غږیده په نړی کې یی وژل او یواځی پاته شوی و. دجیل خانې دپنجرودشانه به یی یوستر دیوال هم لیدلی شو. خود دغه دیوال دشته والی له کبله به ده آسمان نشو لید لای. یوه ورځ معلومه نده چې څرنگه یوه وړه گیاه دیوی تیری له درز څخه شته شوه ددی لپاره چې دغه گیاه دده اړیکې ډیرنی نړی سره ټینګول له هغه سره لکه چې دیوه حیوان سره مخامخ وی آموخته شو. په ډیره مینه سره به یی دهغی وډی اولاشته کیدلوته کتل او دهغی دلید لوڅه به یی ډیر خوند اخیست یوه ورځ ساتونکی دغه گیاه ولیده او هغه یی وشکاوه دهغه دا کار دبی وژلی بندی زړه وشکاوه.

زه هره شپه دحاضري به وختکي پداسي
حال کي چي هغه بانچي ته چي بلولاته خبرمه
واقف شوي ده ، گورم نو ددغي کيسي په ياد
لوېږم په دغه بانچه کي سپري راز رازنگونه
ليدلي شي اوزه دغه رنگونه پخپل ياد کي لرم
اودهغه دليد لونه يوه بي پايه او دښتتي
خوشحالي راپه برخه کيږي اودسپار له مخي
کله چي گلان لاغويږدلي نه وي زه دهغي لمخي
انتظار باسښ چي گلان وغويږي پيري او ددغه
وحشتناک چاپير يال په منځ وځاندي . هغه
شيبه چي سپري ديوه گل دښکلاپه شاو خواکي
سوچ کوي ، دژوند دښو شيبو څخه شميرل
کيږي .

هرسپار په کار گاه کي دننه يوه غمجنه
چوپه چوپتيا خپريږي . په منظمو ليکونو کي
يوژوو پنځه سوه بنديان بي حرکت انتظار باسي
تر خوچي (کومانډو فوهرر) راشي او بنديان
وشميري . دغه کار يواځي څو ثاني اوږديږي
خوداسي چوپه چوپتياوي چي سپري کولي شي
دمجانو وژوو غږ واوري . هره ورځ په همدغه
شيبه هغه مرغه چي دتيريو په سرکي بي خاله
جوړه کړيده په نغو پيل کوي ، دغه مرغه
دلمر دهر کلي لپاره سنډري وايي .
ماهيڅکله ددغه مرغه دغږ په غير خوږه
نغمه نهوه اوريدلي ، څومره خوږه ده کله چي
سپري ديوه مرغه غږ ويږي .

دنور وور څو په خيريوه ورځ ده دکناڅاتو
ديرلو نود وړلود شافه کار څخه بيرته راځو .
مخکي له دي نه چي دروغتون خواته بيرته لاړ
شود غرمي دډوډي لپاره يوڅه تم کيږي . هغه
اسپانوي (کاپو) چي واسره دي مون ته اجازه
راکوي چي دلته دواډ په خنده کي لږ څه يم
شو . زه دهغه چمن دلته نږدي ده يوه دسته
گلان ټولوم اڼده اوشا رلو پرته له دي نه چي
څه ووايي همدغه ار کارکوي ، نور فرانسويان به
لومړي سرکي مون ته غير غير گوري هو
وروسته بيا هغوي هم مون نه تقليد کوي .
مون په دير تاتر سره دفرانسوي دري ونکه
بيرق ته گورو . نن دژونيه خوار لسمه نيټه
ده . دوه کاله مخکي دژوبيه څوارلسمي نيټي په
شا وخواکي کله چي په پاريس کي وم ، سوچ
کوم . دريو ځوانو نچو نو کالي چي څنگ تر
څنگ رواني وي . دفرانسي دبيريک ښکارندوي
دي . دپاريس په هکله سوچ کوم چي د(پوشانو)
تر نظر لاندې دفرانسي له رنگونو سره بي ځان
ښکلي کول او هرومرو نږه هم همداسي وي
مون هم دخپل ځان لپاره يو بيرغ جوړ کړي
دي .

څنگه ده چي دغه گلان پخپلو ټټر ونو وټوبو
څنگه ده ملگرو ؟
هغه شيبه څومره خونده وروسته شيبه ده چي سپري
ديو سمبول په ارزښت باندې پوه شي .

د مني يو ما زديگر آسمان چي
دوربخو دخو ټوټو څخه پته شوي ده سورونگ
سوي دي .
مون همدا اوس دهغو وحشتناکو زينو څخه
ښکته شوي يو ، زمون په وړاندې ددانوپ دښته
ديوه ستر سمندر په څير خپور شوي ده او هلته
ډير لري دالپ غرونه . لمر دهمري شوي سکروټو
په غير هلته ډوبيري . غرونه مون ته ډير
ستر ښکاري . غرونو څو کي دسپينوزو په
غير برليسي . داسي ښکاري چي ورځي او آسمان
دسرو زرو په اورکي سوزيږي ما هيڅکله په
طبيعت کي دو مړه ښکلي منظره نهوه ليدلي
ورو ورو او په يوه ځانگړي حالت ددغه فوق العاده
ښکلاپه وړاندې چي لمر وول . په کال کي دوه
ځلي ليدونکوته وړاندې کوي . لاروهم . پدغه

شيبه کي دري زره گسه بنديان خپل ټول غمونه
ددغي منظرې په ليدوسره له ياده باسي يوستري
يو فوق العاده احساس چي توصيف يي گران
دي دلامار تين يوشمير راپه يادوي : «ديونارغ
په بسترگوي ، لمر څومره ښکلي دي .»
او اوس کوچني شيان . کله چي دکروونکو او
گرانو کارو نونه وروسته ، دډوډ واو سر په
منځ کي ، لمر زمون خواته ځاندي . کله چي
سيوري دستري تيري خواته ځي ، کله چي
درنايي دمنبعي لومړيو ډوډ انگو دسپري بدن نوازش
کوي ، داسي دنیکرغي او آزادي احساس مون
کي پيدا کيږي چي ته به وايي دژوند عصاره
زمون ځانونو کي تزريق کوي . دغه احساس
ډير نه اوږد ديږي څومره څه چي ده د خوشحالي
شيبې دي .
دورځي په نيمايي کي . کله چي دوه يادري
گسه دتير واويا واگونونو تر شاسره ټولپيرو ،
کله چي په واسره يو سکرت څکوي ، کله
چي ډير لږ لوگي موسر و ته تيروو سروته

موجود ليري ، يو دگرختي حالت لاس راگوي
چي دڅو ثانيو لپاره مويوي بلي دنيا ته بياني
ډير لږ شي دي څو هر څه چي ده زمون په
کړيدلي ژوندکي دخوښي شيبې دي .
دشپي کله چي اردوگاه ته راستنيدو ، کله
چي حاضر ي تماميږي او سخت کارونه سر ته
رسيري او مون يوه گوله ډوډي په لاس کي
لرو او کولي شوچي دکوټي په منځ کي کشينو
کله چي دغه ډوډي غوڅوو اودهغه وړي ژوي
هم ټولوو ، کله چي دغه توره ډوډي څولي ته
اچوو او په ډيره اشتها سره هغه خوړو کله
چي کولي شوو وايو : (هيڅ شي دومره خونده
وره نده) دغه شيبې هم زمون دگر او څخه
ډک ژوندکي دخوشي لمخي دي .
خوددي نه هم هغه شيبه خونده وړده کله
چي دغرمي دډوډي په هکله سوچ کوو .
څو خپل کار پسې ، منځ کي له دي چي بلوک
نه حرکت وکړو خپل بلزکي ملگري ارزست

هوگي ټوله نړي پدغه مساله پوه شوي دي

گورو . هغه رسمي ژبي سره بلد تيالري او
هره ورځ زيار باسي «ولکشيرينو باختريه» (دنازي
دگوند ورځپاڼه) چي يواځي آلمانيان کولي شي
هغه ولولي ، لولي اودهغلي له مخي نوي خبرونه
مورته راوړي . کله چي دارد وگاهه دروازي څخه
وځو بنديان به منځ وييل کوي فرانسويان
سره ټوليري ، دهميشني عادت سره سم
«سريره وايي :
خبر شوي يي ؟
هوگي وضعه ښه ده څارکوف خپلواک
شوي دي .

هلکانو څار کوف آزاد شوي ، هلکانو!
دغه خبر خوله په خوله گرځي ، کاپوکولي
شي چي مون باندې چيني ووغي ، اس ساس
کولي شي چي پوره وکړي څو څار کوف خپلواک
شوي دي .
شار لوېوښته کوي :
«بيايي چي (اورل) هم خپلواکه شوي وي ؟
«هر ورو خپلواکه شوي ده . اوس نوڅنډ
له مخي نه لري شوي دي اوده «دنيپر» لاره
هم خلاصه شوي ده .
«د څار کوف» نه تر (کيف) پوري څو کيلو
متره و آڼ ده !
دلته دسيمون واردې چي ډير ژر ځواب
ورکړي :
«اټکلا دري سوه او پنځوس کيلو متره .
سيمون دتل په څير داعداد واو ارقامو سره
سرو کار لري . هغه پوهيري چي په شمال
کي سور پوخ دلتوا ني په پنځوس کيلو متري
کي دي او سيمون دجسبي ټولي گرښي پخپله
حافظه کي لري اودجگړي نقش دهغه په ياد
کي ده .

«آيا دآلمان خبررسونکي آژانس دڅار کوف
سقوط تايد کړي گانه ؟
«هوگي دپرون نه راهيسي يي دغه خبر تايد
کړي ده .
«په نورو جيبو کي څنگه ؟
«زه پدي هکله نور څه نه پوهيڼم .
يو بل بندي پوښتنه کوي :
«دلويديځي جيبې ته څه خبرده ؟
سيمون دهغه خبره غوڅوي اووايي :
«په لويديځ کي گومه جيبه نشته .
«وبخښي ايټاليا څنگه ؟
«ايټاليا ؟ پدي هکله غواړي چي په څه
باندې پوه شي ؟ سوچ کوي چي که ايټاليا
تسليم شي دجگړي سر نوشت به بدل شي .
منځ کي له دي نه چي متلقين (ډبربر) يا (آن)
څخه تير شي روسان به له (ويستول) څخه
تير شي . ترهغه وخته پوري چي آلمانيان
دروسي په خاوره کي وي ، لويديځه جيبه
به جوړه نشي .

هوگي ټوله نړي پدغه مساله پوه شوي دي

دروسي په هکله هر څوک چي هر راز نظريه
ولري پدغه مسله کي متفق الراي دي چي
اوس يواځي شوروي اتحاد پدغه جگړه کي
غوڅ دريځ لري برسیره پردي دآلماني ورځپاڼو
خبرونه يواځي دختيځي جيبې په هکله دي .
له همدې کبله ددي ځاي بنديان داتلانتيک او
يامد يتراني دجگړو په سوچ کي ندي ډوي
يواځي د(دنيپر) دجگړې په هکله غږ يري .
زيتونه رسپرو . يو (گوليسټ) ملگري ژما
څخه پوښتنه کوي :

«داد څار کوف کيسه رښتيا ده ؟
«هوگي رښتيا ده .
«پدي اساس نور په انگليسان پلي شي
دو همه جيبه پرانستل کيږي ؟
«زه لاتر اوسه پوره باور نلرم .
نويدي اساس داسي وايي چي جگړه به
هيڅکله پای نهونه رسيري ؟
«اوس پدي هکله څه نشم ويلای .
«هوگي خودا جگړه ډيره اوږده شوي ده
ډيره اوږده
پتي لويي چي تر اوسه پوري يي زمون
خبروته غوږ ايښي ويو ځلي په قهر کيږي او
وايي :

«سوچ کوي دهغو کسانو لپاره چي جنگيري
دغه جگړه اوږده شوي نه ده ؟
تاسي دخبرو نو دتر لاسه کولو په هکله
دومره بيړه لري چي سپري ته څنډاورځي که يوه
ورځ تاسوته خبرونه ونه رسيري وارخطا کيږي
ماته هيڅ شي مهم ندي پرته له دي نه چي
دآلمان ماتې حتمي بولم . آلمانيان به ماتې
وځوري .
«مون هم همدا سي پتي لويي جاننه اوکه
دغه ډاډ هره ورځ تکرار شي کوم ضرر به
ونلري .

په بيړه دژينو نه ښکته کيږو کله چي دڅاه
وروستي برخي ته رسيدو ددي لپاره چي
دکاوين څخه بير ته پاتي نشو په منځه پيل
کوو خود قيقي وروسته به په کار پيل کوو . مون
تراوسه پوري هيڅ شي ندي خوړلي خودسپار
دخوند وروخبرونو څخه مونوي انرزي پيدا کړي
دي . مون پوهيږي و چي هلته په ډيره ليري سيمه
کي سر ښندونکي بوځيان منځ په وړاندې زمون
خواته راځي مون ته هم ښايي چي مقاومت وکړو
زمون برياليتوب زمون په مقاومت کي دي .
هغه شيبه څومره خونده وړده چي يوڅير
زمون قوت نوي کوي . همداسي شيبې داردوگاه
سختي ورځي زغم وپورځ گرځوي . څو
خوښي که لويه وي اويا کوچني ديوي شيبې
نه زيات نه اوږد ديږي .
دهماغه اسانوي بندي په څير چي ساتونکي
يي دهغي هيلي او ارژو گاني له مينځه وړي
اودهغه اړيکي له بهر سره غوڅوي زمون هيلي
هم به يوي نړي مزي پوري تړلي شوي دي .
(نورينا)



از : سپو تنيك

ترجمه از : احمد شاه

من و گروه من قطعه تفریحی از زبان يك حيوان (سگ)

چندی قبل توجه چار نفر را به خود جلب کردم : اینها صاحبم خا نمش ، پسر و دخترش هستند. اینها اشخاص خوب هستند ، فقط نقص آنها این بود که سر گروه یعنی مرا به خود نه پیوسته بودند حال من از آنها واری می کنم. شما فکر نکنید که این کار ساده است مردم را قسمی باید تسخیر کرد که آنها ازین نکته آگاه نشوند و فکر کنند که آنها ترا تسخیر میکنند . قبل از همه ضرور بود تا از صورت ظاهری آنها پر ستاری کنم ، زیرا آنها به گردش و تفریح و پیاده گردی ضرورت داشتند . قبل ازین پیاده گردی را فرا موش کرده بودند . همه وقت با موتر شهری ، تکسی در شهر گردش میکردند اما هوای آزاد رابه یاد فراموشی سپرده بودند .

به این ترتیب به گردش شروع کردیم . این کار بسیار مشکل بود و بسیار مقاومت بخرچ میدادند زیرا در انسانها غریزه حفاظه بدن وجود ندارد . اینجامست که ماسکها به کمک آنها شتا فتم . هر روز

انجام میدادم مرا به خانه می کشا نیدند چندی بعد آنها رافریب داده و وقت را طویل میسا ختم و آنها را هر چه بیشتر از خانه دور میسا ختم . بتدریج خود را از جلو رها میکردم تا آنها نیز بتوانند با اشخاصی که در همین اوقات باسکهای خود به تفریح می آمدند ، ملاقات نمایند .

به این ترتیب به گردش عصر نیز آغاز کردند و مرحله دوم کار هایم شروع شد .

در خانه اینها هیچ وقت نشان تیار نمی شد و با هم یکجا طعام صرف نمیکردند یکی در طعام خانه دومی در رستوران و سومی در جای دیگر صرف طعام میکردند . آنروز یکی از بهترین روزها در زندگی ام میبود که خاتم صاحبه کمی گوشت و یا پنیر برایم میخرید ، اما از اتفاق بد ، پسر و یا دختر آنرا صرف میکردند . فکر کردم به این ترتیب اگر ادامه یابد مشکل میشود و به عملیات جدی آغاز کردم . از خوردن پنیر ، گوشت و حتی کانسرو امتناع می ورزیدم و خود را قسمی نشان میدادم که ازین خورا که ها خوشم نمی آید اما از دهنم افراشات جاری میبود و به یک پارچه استخوان اکتفا میکرد . وقتیکه برای اولین بار خانم صاحبه مرغ پخت من تا آن اندازه خوشی برپا کردم که حتی آنهاشک می ریختند . اما اگر راست بگویم ما سگها استخوان های مرغ را چندان دوست نداریم زیرا ممکن است در گلویمان گیر بماند .

مگر با ریسک صحت وجود خود آنرا میخوردم . بعد از همین قبیل نمایشات غرض پخت و پز سوپ شیر برنج و حتی گاهو که نمی خواهم آنرا ببینم برپا کردم . به



این ترتیب بدون اینکه آنها به این نکته متوجه شوند هر روز باهم جمعا نان صرف میکردند . اما در مقابلم پرابلم های دیگر نیز وجود داشت .

همینکه شام فرا می رسیدصاحبم نزد رفقای خودمیرفت و به شطرنج بازی میپرداخت ، خانم صاحبه نزد همسایه میرفت و با آنها به گفتگو شروع میکرد ، پسر در پارک بسا رفقایش گیتار مینواخت و دختر ازینکه محصل بود هر روز به کدام محفل خوشی باهم صنفان خود میرفت . خلاصه هر يك به سوی

کار خودمیرفت و ادامه این کار برایم مشکل تمام میشد . در آنوقت از خود حر کاتی نشان داده و بسیار خود را عصبانی نشان میدادم . وقتیکه یکی از آنها از خانه خارج میشد ، عف می کردم بسوی دروازه مید و یسم و لباس آنها را میگرفتم . آنها به بسیار دلسوزی میگفتند : ببین چقدر بخاطر ما از خود ناراحتی نشان میدهد و به این ترتیب به خانه دوباره باز میگشتند .

رفقای خود را بخانه دعوت میکردند و از من تو صیف میکردند و می گفتند : «ببینید حال یکی از ما بالا پوش را بتن کرده و نشان میدهم که میخواهم بیرون روم و سک ما از خود نا راحتی نشان میدهد» .

من با خود میگفتم خیر به عسر صورت اگر مرا دلک میسا زند فرقی ندارد هدف یکی است و آن اینکه اینها عادت کنند تا از خانه وقت و بی وقت خارج نشوند به عف زدن شروع میکردم و آنها خود را خو شبخت احساس می کردند .

بتدریج آنها در خانه می نشستند جای باهم می نوشیدند و مسایل ذی علاقه خو را مطرح میکردند . من در نزدیکی آنها بالای قالین نشسته و به طرف ساعت دیواری نگاه میکردم . همینکه عقرب ساعت به یازده نزدیک میشد به عف شروع میکردم و به طرف چراغ مید یسم و قسمی نشان میدادم که میخواهم بخوابم اما چراغ اخلال میکند . در آنوقت چراغ را خاموش کرده و همه بخواب میرفتند . چندی نگذشته بود که به این رژیم عادت کردند . اما بعد چه ؟

بقیه در صفحه ۶۴

مگر دهغو پر خلاب غیر مشبوع شحمي مواد چې په لبا تاو لکه جوارې ، لوبيا ، نخسود دلمر گلي د گل په دانو او نور کې پيدا کېږي يينه تبه کوي چې دروندلېږو پروټينونه چې دزړه دنارو غيو دله منځه وړ لو دپاره خوږا گټوردي توليد کړي ، نوډ پودتنيو خرگسندو نو پراساس دذباتي خوږوخښه استفاده دروغتيا ساتي د پاره ډير گټور دي ، نو له همدې کبله بايد د نباتي موادو څخه د استفادې سا حې ته پر اختيا ور کړ شي .

پنځم - دمنظم سپورتي پرو گرام لامل او دگټورو سپورتي ما نورو اجرا کول :

د يو لړ علمي تجربو دتر سره کيدو په نتيجه کې را په لاسه شوي چې په هغوخلکو کې چې په منځني تو گه جسمي فعاليتو نه لري د هغو خلکو په پر تله چې لږ جسمي فعاليتونه لري ، د زړه دنارو غيوډيښيدو چانس لږ دي له همدې امله هر ډول سپورتي تمرينات او په هر وخت کې د سپورتي تمريناتو اجرا کول ، گټور بلل شوي ، مگر که ځيني تمرينات لکه بايسکل خفلول ، خفاسته ، لامبو وهل ، رسي کتول ، واليبال ، فوټبال ، پلسي - تنگ او نور که په منظم تو گه تر يو ټاکلي پرو گرام لاندې عملي شي ، ډير گټور نابتيري .

هغو خلکو چې قل په د ماغي کارو نو بوخت وي او دخو کلو نو په موده کې هيڅ ډول سپورتي تمرينات او جسمي فعاليتونه نه وي کړي ، که په ډيره چټکتيا تر يو ټاکلي پروگرام لاندې ، په سپورتي تمريناتو پيل لکړي ، امکان لري د ځينو روغتيايي ستونزو سره چې په سر کې يې په د زړه ناروغي وي مخا مخ شي . پر سيره پر دې که څوک غواړي چې په منظمه توگه سپورتي تمرينات پيل کړي او د سپورت په يوځانگړي څانگه برياليتوبونه هم تر لاسه کړي ، لازمه بريښي چې د تمريناتو د پيل څخه مخکې ، لومړي په نوموړي سپورتي څانگه کې خپل استعداد او توان معلوم او بيا دداکتر د دقيقې معاينې او مشورې څخه وروسته په تمريناتو پيل کړي .

د طب ډاکټر او د ټولو تمريناتو په پر تله ، پلي تنگ ، روغتيا ته گټور بولي ، داځکه په پلي تگ سره د بدن کالووري داشتيا دزياتوالي نه پرته په مصرف رسيري .

که څوک د زياتې مودې د پاره نه کوم سپورتي تمرين اجرا کوي او نه جسمي فعاليت کوي د هغه د بدن پوتانشيم (چې د زړه د منظم ريډو د پاره يوه ضروري ماده او په سلو کې اوه لوي يې د بدن د حجراتو په جوړښت او په سلو کې دوي برخه يې په دوراني وينه کې شامل دي) افزا له پاتې په ٦٥ مخ کې

بيړ و په نتيجه ناروغ ته ځيني صدري در دو نه چې دزړه ددريد لو خر گسندنه مقدمه بلل شوي ، پيدا کيږي .

درېم - د بدن دچا غيدو څخه مخنيوي وشي :

زيا ته وينه د وينې د فشار د لوړ پيدو سبب گرځي او د فشار په لوړ وا لسي سره دزړه ددله درندډيري چې دوظايفو په زياتيدو سره زړه لويږي مگر زړه د خپل دغه عکس العمل سره سره چې لويږي بيا هم نشي کولای چې زيا ته وينه زير مه کړي ، له دې امله چې زړه لوي شوي ، بايد د هغه د عضلاتو دپاره په کافي او زيا ته اندازه وينه او اکسيجن ور سيږي ، مگر له دې کبله چې دهغه دشریانو لو په جدارونو ځيني پټا لوزيک تحولات رامنځ ته شوي ، دزړه عضلاتو کافي وينه او اکسيجن نه رسيري او په نتيجه کې زړه ډاکسيجن دلږ والسي سره مخا مخ کيږي . او پدې توگه ناروغ ته صدري دو دونه پيدا کيږي .

څلورم - دغو موادو دزيات خوړلو څخه ډډه وشي :

دطب د پوهاو په عقیده که دکو سترول مقدار چې يوه شحمي ماده ده د وينې په سل مليتره سيروم کې له يو سلو پنځوس ملي گرامو څخه ، دوه سوه او پنځوس ملي گرامو ته لوړ شي ، دزړه دريدو احتمال دري چنده کوي ، مگر سره له دې د دکو سترول ټاکلي مقدار په وينه کې نه دزړه دناروغي باعث نه گرځي .

د کو سترول ټاکلي مقدار په وينه کې نه يواځې زيان نه لري بلکې زموږ د پاره حياتي ارزښت هم لري . دا ځکه چې پر سيره دهغو نورو اړتيا وونه چې دغه مادې ته ليدل کيږي ، زموږ د بدن زيا تره هور مو نو نه دهغي څخه جوړ يږي .

دزړه دنارو غيو په وخت کې يواځې د ري ډوله لېږو پرو ټينو نه د وينې په جر يان کې د کو سترول د انتقال دنده سر ته رسوي .

په لومړي گروپ کې هغه لېږو پروټينونه شامل دي چې ډير سپک وي او شحمي مواد نه څرگر څخه هغه وخت ټول بدن ته رسوي چې زيات قند لرونکي خواړه اخيستل شوي وي . دوهه ډله سپک لېږو پرو ټينو نه دي چې له څرگر (بينه) څخه ټولو غږ وټه دکو سترول دانتقال دنده سر ته رسوي او بالاخره درو ډل لېږو پرو ټينو نه دي چې غير ضروري کو سترول له ټول بدن څخه ټول او بيني ته راوړي .

هر هغه خواړه چې په زياته پيمانه مشبوع شحمي (غوږ) موادو لري لکه هغه خواړه چې له حيواني منابعو څخه لاس ته راځي او شحمي مواد لري ، يينه تبه کوي ، تر څو سپک او ډير سپک لېږو پروټينو نه چې د زړه دنارو غيو چالسي زياتوي ، توليد کوي .

گاز شته ، نو دستگري په ځکولو سره ، دغه گاز د اکسيجن ځای په وينه کې نيسي ، اوله بريږدي چې اکسيجن په آسانه توگه او په کافي اندازه دويني دهموگلوبين سره تعامل وکړي ، چې پدې توگه د بدن غږ و نه په کافي اندازه او اکسيجن نه رسيري . پر سيره پر دې لیکو ټين د شر يا نو نو مجرا هم تنگوي او پدې توگه د وينې فشار د لسو څخه ترسلو درجو پورې لوړ وي . زړه د دغه پيښې سره د تطابق او د بدن ټولو غږو ته د هغو اړتيا وړ او اکسيجن او وينې د رسولو په مقصد د خپل پمپولو په شدت کې زياتوالي راوړي ، چې دغه بد لو ن پخپله په زړه کې د ځينو نورو ناروغيو بد لو نو او ستونزو درامنځ ته کيدو سبب گرځي .

همدا رنگه لیکو ټين په وينه کې شحمي تير او يو نو د آزاد پدو او پدې توگه دويني دسر بيننا که کيدو باعث گرځي او په وينه کې ددغه بد لو ن د رامنځ ته کيدو په صورت کې دويني په جريان کې د وينې د کروياتو د يو ځای کيدو څخه ځيني گالي جوړ يږي چې نو پدې دگا ټو په نامه ياد يږي . کله چې ددغو گا ټو څخه بويو

لکه چې ټولوته خرگنده ده دزړه دريدل يوه ناوړه پيښه ده چې هر کال په لږي کې يو زيات شمير خلک د دغه ناوړه پيښې له امله خپل خون زوند له لاسه ورکوي او هم دغه ناروغي په آني توگه او له پخواني کومې نېښې نه پر ته په لوري توگه د انسان زوند ته خاتمه ورکوي ، با پد وويل شي چې ددغه ناوړه ناروغي زياتره پيښې په هغو خلکو کې ليدل کيږي چې د زړه په ناروغي اخته وي .

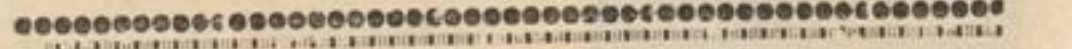
د زړه د ناروغي خورا مهم فکتور و نه له سگرت ځکول ، دويني دلوړ فشارددرلودلو او په وينه کې دکو سترول موادو دزياتوالي څخه عبارت دي .

د يو شمير هغو احصايو له مخې چې د لږي په بيلا بيلو هيوادو نو کې تر سره شوي ، دغه حقيقت تر لاسه شوي چې په سلو کې خلو بينت تنه هغه خوا نا ن چې له د يار لسو څخه تر نه لسو کالو پورې عمر و نه لري ، پخپلو کې دغه فکتورونه لري .

دطب پوهانو د زړه دناروغي دپيښيدو او ددغه حياتي غږي دريدو څخه د مخنيوي

له ساينس دايجست څخه د بريالي علي زاد ژباړه

د زړه د دريدو څخه دمخنيوي ځيني لازمي لاري چاري



خو دانې يې دو پيښې د گر خيلوبه نتيجه کې د کوم شر يان تنگي برخې ته ورسيري ، شر يان بندوي او پدې توگه په شر يان کې د وينې دجريان او د هغه غږي دوظايفو خنډ گرځي ، چې نو هورې شر يان ور ته وينه رسوي ، کيدای شي دزړه د شر يا نونو په را بندو لو سره دهغه وظايف اخلاخل او په ځينو مواردو کې دهغو ددريد لو باعث وگرځي .

دوهم - دويني د فشار دلوړيدو څخه مخنيوي وشي :

دويني ډير لوړ فشار د شريالونو چسندا روله تخر يوي ، چې په نتيجه کې لسي دشر يا نونو جدا روله تنگيږي ، ددې دپاره چې وينه پد غو تخر يږي شو و شريالونو کې جريان و مومي ، دو پيښې فشار لالو ډيري که څه هم پدغه وخت کې زړه بيه کوي چې فشار کنترول اودهغه د لوړيدو مخه ونيسي مگر نشي کولای او ددغو

په خاطر د لاندې ټکو مراعات حتمي گڼي :

لږي دستگرت ځکولو څخه بايد به کلکه ډډه وشي :

هغه خلک چې سگرت ځکوي ، د زړه له ناروغيو د اخته کيدو او د زړه د دريدو چانس يې دهغو خلکو په پرتله چې سگرت نه ځکوي ، دوه چنده دي . نيکوټين چې د تنباکو يوه اساسي ماده ده ، داورينا لږين د هور مون افراز تبه کوي چه دغه اضافي او رينا لين چې د نيکوټين د تبه په اثر په وينه کې زيات شوي ، د زړه د ضربان (ريډو) شمير زياتوي يعنې دزړه ضربان چې په نور مال حالت په يوه دقيقه کې او يا ده ، لوي ته لوړيږي . او حتمی ده چې د زړه د ضربان په زياتيدو سره د انسان اړتيا اکسيجن ته هم لوړيږي .

لکه څنگه چې د سگرتو په لوگي کې په زياته پيمانه د کلرين دای او کما پد

سرگرمی‌ها و مسابقات



تئیه و تنظیم از صالح محمد کهنسا ز

برای ما بنویسید ؟

به این تا بلو نگاه کنید ما اسم آنرا نگاه گذاشته ایم ، حالا شما هم تحت عنوان نگاه برای این تا بلو مضمون ، شعر ، اسم تهیه داشته و برای ما ارسال دارید و ما هم آنرا بنام خود شما چاپ مینماییم .

جدول کلمات متقاطع

افتی :-

- ۱- این جدول را به آن منسوب سازید، یکی از کشور های جهان ۲- به پشتو آنرا نوبت هم میگویند، یکی از ماه های سال عیسوی، آغاز یاری ۳- نوعی از باد نجان است ، تل خون، اول آغاز، ۴- پایان دری، آغاز لیل، نصف رگم، ۵- حرف بعد از کاف، د ر بین مهر ، اول اسد می آید، ۶- شروع النبا، در بین دار، نصف در ۷- بدون حرف اول یکی از فلم های هندی به اشتراک سیاره بانو و ذلیب گمار، یکی از براعظم های جهان ۸- روشن نیست، اوم اول، خودم ۹- یکی از ولایان کوهستانی کشور ما ، از آن طرف از کشور های جهان ۱۰- رستم مغشوش ۱۱- ضمیر اشاره، آغاز نام ۱۲- درستون دوازدهم عودی هم میباشد ۱۳- یکی از کشورهای پرتغوس جهان، از حروف مکتب انتخاب کنید، وظیفه دروگر ، ۱۴- پایان لیل، دروازه ۱۵- آغاز میم ، آغاز شرته ، آغاز انجام ۱۷- اول این ، ضمیر اشاره ۱۸- شروع تمام ، یکی از لغات های رسمی کشور ما -



طرح کننده :- شرمیلا (ویسی)

عمومی :-

- ۱- در بین کتب ، منظم آن به پشتو از خود میشود ۲- لوده بود سرش بجا ماند ، نوعی از فلم خودکار ۳- در بین بوم، تیر شکسته ۴- در بین تیر ، خودش رهی است ۵- پایان روز ، آخر النبا ، در بین جام ۶- با علاوه (رین) اولین فضا نورد جهان میشود ۷- از حروف النبا ، در بین دور ۸- ضد سخت است، در بین اول ۹- اول يك ، هابین لیل



این ستاره سینما کیست ؟

اوبه عنوان زیباترین ستاره سینمای غرب در سر تا سر جهان معروف میباشد و در شبکاگو چشم به جهان گشود در خوردی



این خاتمه را که مهمات جنگی را سر گذاشته و آنرا برای اینکه برای برادران مبارز خود برساند هر لحظه و ثانیه او را خطر مرگ نیز تهدید میکند و لی باز هم از راه مبارزه بر نمیگردد خوب شما از روی قیافه وی و همچنان معلوماتی که در باره مبارزات آزادیخواهی ملل جهان دارید بگوئید که این خاتمه از کدام کشور جهان میباشد .



مانند سو فی اورن زشت بود اما از چهار سالگی به بعد زیبا تر شد . آن چنان زیبایی او زیاد بود که متخصصین زیبایی به این عقیده بودند که سینما هرگز به زیبایی او نخواهد داشت . او زمانی به عنوان ملکه زیبایی نیز انتخاب گردید بود و بعدا به سینما راه یافت و در فلم های زیادی رول های مهم را بازی نمود . ما از شما اسم او را میخواهیم حل آنرا برای ما ارسال دارید .

معلومات صحی تانرا آزمائش نمائید

معلومات صحی تانرا آزمائش نمائید

خوانند گان ارجمند!

ہا برای ایکہ در بلند بردن سوہہ دانش صحی شما کمک نموده باشیم تصمیم گرفتیم تا یک بخش از سوالات صحی را برایتان مطرح نموده و برای تشویق بیشتر شما خوانندگان ارجمند بہ کسانیکہ جوابات درست یا بلند ترین پاینت را تصاحب کنند بہ حکم قرعہ بہسہ نفر از حل کنندگان یک یک شماره از لیف لیت ویپامفلیت بقسم تحفہ بہ شما تقدیم میداریم

امید کہ حل جوابات تانرا ہر چہ زود تر با این آدرس بما بفرستید: مدیریت مجلہ ژوندون مقابل ریاست مطابع دولتی
ہمچنان باید تذکر داد کہ آسمای پرتندگان را در شماره آیتدہ بہ نشر میسپاریم
باید یاد اور شویم کہ خوانندگان محترم از چار جواب صرف یک جواب صحیح را انتخاب نمایند

سوال اول - کدام یک از منرال های ذیل در نگهداری دندان رول بیشتر دارد?

- الف - فاسفورس
- ب- کلسیم
- ج- فلورین
- د- ویتامین آ

سوال دوم - کدام یک از ویتامین های ذیل در سیوس گندم موجود است?

- الف - ویتامین بی
- ب- ویتامین سی
- ج- ویتامین دی
- د - ویتامین ک

سوال سوم - جز عمدہ ترکیب خون کدام چیز ذیل خواهد بود?

- الف - شکر
- ب- فولاد
- ج- آهن
- د- ویتامین

سوال چهارم - کمبود کدام مادہ سبب بوجود آمدن جاغور می شود?

- الف - آهن
- ب - فلورین
- ج- سودیم
- د- ایودین

سوال پنجم - اوژا نترین و محفوظ ترین غذای انرژی دہ کدام است?

- الف - نمکیات
- ب- غلہ جات
- ج- گوشت
- د- لبنیات

سوال ششم - کدام عضو وجود زیاد تر بہ توپر کلوز مصاب میشود?

- الف - شش ها
- ب- گردہ
- ج- استخوان
- د- دماغ

سوال ہفتم - کدام یک از امراض ذیل خیلی ساری است?

- الف - جزام
- ب- تیتانوس
- ج- فلج اطفال
- د - توپر کلوز

سوال ہشتم - واکسین ضد امراض خطر ناک (دفتری، سیاه سرفہ و تیتانوس) کدام است?

- الف- پی تی دی
- ب- دی تی پی
- ج- دی پی تی
- د- تی دی پی

سوال نهم - فشار خون نارمل یک جوان چند خواهد بود?

- الف - ۱۲۰ بر ۸۰
- ب- ۱۴۵ بر ۲۰
- ج - ۱۰۰ بر ۵۰
- د- ۱۷۵ بر ۷۰

سوال دہم - درجہ نارمل حرارت وجود انسان چند درجہ سانتی گرید خواهد بود?

- الف - سی درجہ سانتی گرید
- ب - ۴۰ درجہ سانتی گرید
- ج - ۳۷ درجہ سانتی گرید
- د - ۵۰ درجہ سانتی گرید

سوال یازدہم - سازقت یا کمبود کدام ویتامین در وجود شبکوری بوجود می آید?

- الف - ویتامین دی
- ب- ویتامین ب
- ج- ویتامین ک
- د- ویتامین آ

سوال دواہم - غذا ہانکہ در ساختمان و ترمیم انساج بدن بکار میروند عبارت انداز

- الف - قندھا
- ب- پروتین
- ج- شحمیات
- د- منرال ها

سوال سیزدہم - یک گرام قند چہ مقدار کالوری تولید می کند?

- الف- ۴
- ب- ۶
- ج- ۱۰
- د- ۹

سوال چہاردهم - واکسین بی سی جی ضد کدام مرض ذیل میباشد?

- الف- سییاه سرفہ
- ب- تیتانوس
- ج- دفتری
- د- توپر کلوز

سوال پانزدہم - در وجود انسان چند لیتر خون موجود است?

- الف - ۹ لیتر
- ب- ۵ لیتر
- ج- ۲ لیتر

د- ۲۰ لیتر
سوال شانزدهم - اطفال در کدام سن باید اولین دندان شیری خود را بکشند?

- الف- ۱۲ - ۱۴ ماہگی
- ب- ۳ - ۴ ماہگی
- ج- ۱ - ۴ ماہگی
- د- ۸ - ۱۰ ماہگی

سوال ہفدهم - زردک کدام ویتامین را بیشتر در خود دارد?

- الف- ویتامین آ
- ج - ویتامین ک
- ب- ویتامین سی
- د- هیچکدام

سوال ہجدهم - مرض سرخگان بیشتر دو کدام سن دیده میشود?

- الف- کہولت

ب- جوانی
ج- طفولیت
د- هیچکدام
سوال نوزدهم - مرض پیس یا ویلگو چہ است?

- الف- ساری است
- ب- ساری نیست
- ج- ہردو
- د- هیچکدام

سوال بیستم - اگر طفل تب داشته باشد وقت تطبیق واکسین او ہم باشد آیا شما او را بہ واکسین نمودن میبرید?

- الف - بلی
- ب- نی
- ج- دیگر او را هیچ واکسین نمی کنید
- د- هیچکدام

حل کنندہ گان جدول این ہفتہ



عبدالسلام خالقی



محمد قاسم



اللہ محمد خالقی



عبدالحمید نائینی



محمد تریف



عبدالرسول

ادبیات باستانی را میگرد . در سال پنجم دوباره به موسیقی رو آورده و شراب میخواست . کسانیکه ناظر حال او بودند میگفتند که در طول این مدت وی خورده ، نوشیده و در بستر استراحت نموده . اکثر خمیازه کشیده و یا خود در مجادله و گفتگو بوده کتاب مطالعه نموده . بعضا چیزی مینوشت و بعدا آنرا پاره نموده و دور می انداخت .

در نیمه دوم سال ششم محبوس مشتاقانه به مطالعه ادبیات ، فلسفه و تاریخ آغاز نمود . وی آنقدر در این موضوعات دلچسپی پیدا نموده که برای بانکدار تهیه کتب مورد ضرورت وی مشکلات بار آورده بود . در مدت چار سال قریب شش صد جلد کتاب به اثر تقاضای محبوس خریداری شده بود .

درین وقت بود که بانکدار مکتوب آتی را از محبوس دریافت کرد :

دوست عزیزم ! این خطوط را به شش لسان نوشته ام . آنها را به متخصصین نشان دهید تا آنها بخوانند . هر گاه آنها هیچ نوع غلطی در آن پیدا نکردند در آنصورت خواهانم به رسم اطمینان فیری در گوشه باغ انجام دهی تا من بدانم کوشش هایم به هدنر فرشته است

باعث این شرط گردیده . بانکدار جریانات عقد قرار داد را بخاطر آورد . طبق قرار داد فیصله شده بود که قانون دان حبس خود را در یک گوشه باغ خانه بانکدار تحت نظارت شدید بگذرانند و موافقه شده بود که محبوس نمیتواند از سلول خارج شود ، با مردم ملاقات نماید ، آواز انسان ها را بشنود و مکتوب یا روزنامه از مردم اخذ نماید .

به اساس قرار داد موافقه شده بود که محبوس از روزنه کوچکی که به همین منظور ساخته شده بود با مردم خاموشانه گفت و شنود نماید و اشیای مورد ضرورت از قبیل کتاب ، آلات موسیقی ، شراب و غیره را به هر اندازه که ضرورت داشته بانوشتن یا دداشت و سپردن آن از راه همان روزنه به نفر مسوول را ، تقاضا نماید .

تمام جزئیات دیگر نیز شامل قرار داد بوده محبوس با بند از ساعت ۱۲ مور خه ۱۴ نوامبر سال ۱۸۷۰ تا ساعت ۱۲ مور خه ۱۴ نوامبر سال ۱۸۸۵ در زندان با شد و هر عملی از طرف وی که مغایر متن قرار داد باشد باعث فسخ قرار

من با شما در مقابل دو میلیون شرط می بندم که نتوانید پنج سال را در سلول زندان سپری نمایید .

قانون دان گفت : اگر در این گفته خود جدی باشید من شرط می بندم که از عوض پنج سال ، پانزده سال را بگذرانم .

بانکدار فریاد زد : پانزده سال ! آقا من دو میلیون را به شرط گذاشتم .

قانون دان گفت : موافقم . شما دو میلیون و من پانزده سال زندگی ام را به شرط می گذارم این شرط احمقانه و لغتی صورت گرفت بانکدار که بر آن زمان بسیار متمول بود دو میلیون به نظرش هیچ اهمیتی نداشت . در وقت صرف طعام شب ، بانکدار بطور مسخره آمیزی قانون دان را مخاطب قرار داده و گفت :

قبل از اینکه وقت بگذرد باز هم بالای تصمیم تان دوباره غور نمایید دو میلیون برای من هیچ پولی نیست ولی شما سه و یا چهار سال زندگی پر بهای تان را میبازید . سه و یا چهار سال را به خاطر میبازید که شما نمیتوانید زیاد تر از آن

شب تاریک و خزانی بود . بانکدار که من سال از این طرف به آن طرف اطلاق ملا لعه قدم میزد و خاطره محفل پانزده سال قبل را بخاطر می آورد . در آن شب اشخاص بانفوذ و تحصیل کرده ای گرد هم جمع شده و مباحثه دلچسپی به راه انداخته بودند . از جمله موضوعات مورد بحث یکی هم موضوع مجازات اقتصادی بود . تعداد زیادی از مدعویین مجازات اقتصادی را تقبیح نموده و آنرا بدتر از هر مجازاتی می شمردند و معتقد بودند که این عمل یک عمل غیر اخلاقی میباشد . بعضی از آنها عقیده داشتند که مجازات اقتصادی قبیح تر از حبس است . در این اثنا میزبان یعنی بانکدار داخل صحبت شده و گفت :

من باین نظر مخالفم . گرچه بنده هیچ کدام آنها را ندیده ام اما اگر آزادانه قضاوت گردد عقیده من مجازات اقتصادی بیتر و انسانی تر از حبس است .

میباشد . اعدام مرگ لحظوی ولی حبس ابد مرگ تدریجی میباشد . کدام قاتل مهربان تر است ؟ این یکی که عمل قتل را در ظرف چند ثانیه انجام میدهد و یا آن یکی که زندگی را در طول چند سال از انسان میگیرد .

یکی دیگر از مدعویین تبصره نموده و

ترجمه زلمی ذاهب

اثر آنتون چخوف

شرط

انسان های روی زمین به السنه مختلفی مکالمه می نمایند و لی منظور آنها عین چیز بوده و عبارت تقسیم و بیان مطلب است . ای کاش شما خوشی من را درک نمیتوانستید . چقدر محظوظم از اینکه لسان آنها را میدانم .

خواهش محبوس بر آورده شده و دو فیر از طرف بانکدار در گوشه باغ انجام شد .

بعد از سال دهم محبوس دایما پهلوی میز خود نشسته به مطالعه مد هب عیسویت پرداخت .

بانکدار در تعجب افتیده بود که این شخص در طول چار سال شش صد جلد کتاب را مطالعه نموده در حالیکه مطالعه یک جلد آن یک سال وقت کار دارد تا عمیقاً مطالعه گردیده و کاملاً تحلیل و تفسیر گردد چندی بعد مطالعه مد هب عیسویت جای خود را به تاریخ ادیان و عقاید عوض

داد میگرد حتی اگر عمل ترک یکدیقه بیشتر زندان از وقت معینه آن باشد بانکدار از پرداخت دو میلیون معاف خواهد شد .

در سال اول حبس ، تاجائیکه از لای بلای یادداشت های قانون دان فهمیده میشد ، وی از تنهایی و خستگی شدیداً رنج میکشید . از سلول وی شب و روز آواز پیانو شنیده میشد . شراب و دخانیات را بکلی رد میکرد و مینوشت :

شراب باعث بروز خواهشات نفسانی گردیده و این خواهشات بدترین چیزی برای یک محبوس میباشد .

استعمال دخانیات باعث خرابی هوای اطلاق میگردد .

در این مدت وی تقاضای کتابهای عشقی ، کومیدی ، جنائی ، فانتری و غیره را مینمود .

در سال دوم آواز پیانو شنیده نشد و وی خواستار کتابهای در باره علوم

زندگی نماید و هم نباید فراموش کرد که حبس داو طلبانه مشکل تر از حبس مجبوری می باشد . نعمت آزادی بهترین نعمت بوده و در هر لحظه عدم موجودیت آن حکم زهر را برای انسان دارد .

حال که پانزده سال از آن شرط گذشته وقت آزاد شدن قانون دان و باخت بانکدار نزدیک شده است ، با تکدار صورت مباحثه و خاطرات آن زمان را به یاد می آورد و در حالیکه به اطراف اطلاق به قدم زند پرداخته از خود می پرسد : چرا آن شرط لعنتی را بستم ؟ چه فایده ای برای من دارد ؟ قانون دان پانزده سال عمر خود را باخته و من دو میلیون را ، آیا این شرط مردم را قانع خواهد ساخت که مجازات اقتصادی بهتر یا بدتر از حبس ابد میباشد ؟ خیر ، به هیچ صورت . تنها ضایع و بیبوهه ، بوالهوس و خوشگرمی من و حرص پولدار شدن قانون دان

چنین اظهار عقیده نمود :

به نظر من هر دوی آنها به یک سو به غیر انسانی است . زیرا هدف یکی است و آن ختم زندگی . هیچکدام آنها زندگی را واپس مسترد نمیکنند .

در جمله مدعویین یک قانون دان هم حضور داشت . وقتی از وی خواسته شده در این باره اظهار عقیده نماید گفت :

مجازات اقتصادی و حبس ابد هر دو یک عمل غیر انسانی است ولی اگر حق انتخاب بمن داده شود حبس ابد را بهتر از مجازات اقتصادی میدانم زیرا من زنده ماندن را نسبت به زنده ماندن تر جیح میدهم .

مباحثه ادامه پیدا کرد . بانکدار که در آن وقت جوان و خونگرم بود حوصله اش را از دست داده در حالیکه مشت هاش را با لای میز گوید قانون دان را مخاطب قرار داده و فریاد زد این دروغ است

در مدت دو سال اخیر جس ، سرعت مطالعه محبوس بسیار زیاد شده و شدت یافته بود . به مطالعه علوم طبیعی پرداخت و سپس آثار شکسپیر و بایرون را مطالعه میکرد درین زمان محبوس تقاضای کتب کیمیا ، ادویه سازی ، ناول ، و بعضی آثار فلسفی و عقاید را مینمود . سرعت مطالعه وی مانند کسی بود که در بحری غوطه ور گردیده و جهت رهایی خویش به عقب توتنه های شکسته کشتی به این طرف و آن طرف سعی و تلاش میوزد . تمام این خاطرات در رمز با تکداری مرور نموده و فکر کرد :

فردا ساعت دوازده وی آزاد می گردد . به اساس موافقتنامه من مکلف به پرداخت دو میلیون می باشم . در صورت پرداخت این مبلغ همه دارایی ام تمام شده و ورشکست خواهم شد .

پانزده سال قبل بانکدار خیلی ها پولدار بود ولی فعلا به این فکر بود که سرمایه اش زیاد است و یا قر صداری وی . قمار ، تبادل بیمورد اسعار ، و غیره بوالهوسی ها تجارت وی را تضعیف نموده و مثل سابق یک با تکداری با نفوذ نبوده بلکه یک بانکدار معمولی گردیده بود . بانکدار در حالیکه سر خود را میان دو دستش قرار داده بود یا خود زمزمه کنان میگفت :

آن شرط لعنتی ! چرا این مرد نمرده؟ وی فعلا صرف چهل ساله بوده و پول وافری را از من می گیرد ، عروسی میکند ، از زندگی لذت میبرد ، پول تبادل میکند و من مثل یک گدا از وی تقاضای معاونت خواهم کرد . برایم خواهد گفت : زندگی من مدیون شما است . ترا کمک می کنم . نه

این غیر ممکن است . تنها راه نجات از این فلاکت و ورشکستگی این است که محبوس را مخفیانه به قتل برسانم . ساعت سه شب را اعلام نمود . سکوت همه جا را فرا گرفته بود و تنها آوازی که

شنیده میشد ، زوزه درختان یخ زده بود . تمام ساکنین خانه به خواب عمیق فرو رفته بودند . تنها بانکدار بیدار بود و به اطراف اطلاق قدم میزد . وی خاموشانه و با احتیاط زیاد به طرف سیف پول رفته و کلید اطاقی را برداشت که در مدت پانزده سال برای یکدفعه هم باز نشده بود . بالا پوش خود را پوشیده و از اطاق خارج گردید . باد مرطوب و شدید

میوزید و درختان یخ زده باغ را به استراحت نمی گذاشت . با وجودیکه چشمان خود را تیز نمود ولی نسبت تاریکی زیاد هیچ چیزی را ندیده نمی توانست نهدرخت ، نه زمین و نه هم مجسمه سفیدی را که در کنج باغ قرار داشت . به گوشه باغ رسید ، محافظ را صدا کرد اما جوابی نشنید زیرا محافظ برای نجات خود از سردی هوا به گوشه پناه برده و به خواب فرو رفته بود . بانکدار با خود فکر کرد .

هرگاه نقشه ام عملی شود مورد سوء ظن قرار نخواهم گرفت و بدرجه اول محافظ مسؤول واقعه خواهد شد .

در تاریکی شب با احتیاط تمام به طرف سلول محبوس به حرکت افتاد . به راهرو سلول رسید .

درواهرو گوگردی را روشن نموده و راه خود را به دروازه سلول پیدا نمود هیچ ذبوحی در آنجا نبود . چیرکت محافظ در

نزدیکی در ورودی سلول زندان قرار داشت ولی خود محافظ در آن نبود . بخاری آهنی در گوشه دیگری راهرو واقع گردیده ولی حرارتی از آن انتشار نمی کرد .

مهرولاک دروازه محبوس دست نخورده باقی مانده بود . در این اثنا گوگرد خاموش شده و در حالیکه دستان بانکدار از اضطراب و آشفتگی به لرزه افتاده بود کلکین اطاق را تک تک کرد .

در اطاق محبوس یک شمع کم نور و ضعیفی روشن بوده و در پهلوی میزش قرار داشت .

بشت محبوس به طرف کلکین واقع بوده و مو های بشت سر و دستانش معلوم میشد . کتابهای باز به این طرف و آن طرف میز پراکنده بود .

بنج دقیقه گذشت ولی محبوس هیچ حرکتی ننمود . با تکداری فکر کرد پانزده سال حبس وی را از حرکت باز مسافه است . دو باره کلکین را به انگشت زده ولی باز هم هیچ حرکتی از محبوس ندید . سپس با احتیاط تام کلید را در قفل گذاشت

از دوران کلید در داخل قفل زنگ زده صدای دلخراشی بر خاست . بانکدار منتظر شنیدن ناله وزاری و صدای پا بود . سه دقیقه گذشت ولی در داخل اطاق خاموشی قلبی بر قرار بود . بانکدار مصمم به ورود در داخل اطاق گردید .

دربیشروی میز مردمی قرار داشت بر خلاف انسان های دیگر ، یک اسکلیت خالی ، بشت خشکیده ، مو های هراز و -

البوه ، و ریش در هم و بر هم ، و تک چهره اش زرد ، گونه هایش فرو رفته ، نه باریک و دراز ، و دستان نحیف که حکایت از رنج و محنت زیاد می کرد . مو های خاکستری و رنگ مانند کما نیکه دوره پیری و نفا هت را سپری نمایند . در روی میزش صفحه کاغذی که چیزی بالایش نوشته بود قرار داشت . بانکدار با خود فکر کرد .

بیچاره خوابش برده و ممکن میلیون ها راه خواب ببیند . اما من این نقش نیمه جان را بالای بستر گذاشته و با با لشت آنرا خفه خواهم کرد و این عمل را آنقدر محتاطانه انجام خواهم داد تا هیچ اثری بر جا نگذارم و تماما فکر کنند که وی به مرگ طبیعی خود مرده است اما اول باید این صفحه کاغذ را بخوانم که چه نوشته است .

ورق کاغذ از میز بر داشته و چنین خواهد .

فردا ساعت دوازده آزاد خواهم شد و حق خواهم داشت با مردم بینم اما قبل از اینکه این سلول را ترک نموده و مشرف به دیدن آفتاب گرم لازم میدانم چند نکته ای به شما بگویم . به خداوند که مرا می بیند و به وجدان پاکم اعتراف میکنم که من از زندگی ، آزادی ، صحت و تمام چیز ها یککه کتابها آنرا نعمت میخوانند بیزارم در مدت پانزده سال ، با جد و جهد ، زندگی روی زمین را دیده ام و نه مردم را . اما در لایلی کتابهای شما شرابهای معطر و خوشبو را نوشیده ، آواز خواننده آهوان و حشی

و پرندگان مقبول را شکار کرده ، با زنها عشق ورزیده ، زنها مقبول و افسانوی که شعر را در وصف زیبایی آنها شعر ها سروده اند به شبها با من ملاقات کرده و داستان های عاشقانه برایم زمزمه نموده اند . به قله های البرز و مونت بلان صعود نموده و ز آنجا طلوع و غروب و خورشید را تماشا نمودم کوه ها و اوجها را با رنگ های بنفش و زردین آنها در طلوع و غروب ، شکافتن ابرها را توسط رعد و برقی ، جنگل ها ، مزرعه های سبز ، دریا ها ، شهر ها ، جبهیل هاو مناظر زیبای طبیعت را نظاره نموده ام صدای خوشنوی مرغان صحرائی را شنیده ام .

از مطالعه کتابهای شما در گودال بی- پابان معجزه ها فرو رفته ام ، شهر ها را سوخته اند و به خاک کشانیده ام مذاهب جدیدی را پیروی کرده و فاتح

ممالک بشماری شده ام . کتابهای شما برایم معرفت و بصیرت بخشید . تمام افکار خستگی نا پذیری که طی قرون متمادی به وجود آمده با هم یکجا جمع و داخل جعبه سر ام گردیده . من میدانم که نسبت به شما هشیار تر هستم ، من از کتابهای شما بیزارم . بیزارم از آن نعمات و بصیرت های خیالی . همه اشیا بیبوده ، فانی ، رویایی ، و فریبنده ما تند سراب است گرچه شما هشیار ، مقبول ، مستول ، و مغرور باشید باز هم مرگ آلتار شما را از روی زمین خواهد شست .

شما راه غلطی را تعقیب می نمایید ، غلطی ها را اصلاح و زشتی ها را زیبایی میندازید . تعجب نخواهید کرد اگر در درخت سیب و نارنج دفعتا به دستگت بروید و گل بجای پوی معطر و خوشبوی عرق مانند بدهد . بهمین ترتیب من هم به شما تعجب می کنم که جنت را به زمین عوض می کنید من نمیخواهم شما را ترک کنم .

من نغمه را در عمل نشان میدهم من از آن دو میلیونی که یک زمان آنرا بهشت می خواندم ، منصرف و از آن بیزارم . من خود را از حق خودم محروم مینمایم و پنج دقیقه بیشتر از وقت موعود از این سلول خارج میشوم تا از ماده موافقتنامه خلاف رفتاری نموده و شما را سند معافیت داده باشم .

و قتی با تکداری کاغذ را تا آخر خوانده و دو باره بالای میز گذاشت بوسه از سراین مرد عجیب برداشته و به سر یه آغاز نمود . از سلول خارج شد هیچگاهی حتی در وقت باخت معامله گزافی خود را تا این اندازه خوار و حقیر حس نکرده بود . به خاله آمد و در بستر افتد اما اضطراب و جریان اشکهایش برای مدت زیادی وی را از خواب باز داشت . فردای همان شب محافظ به عجله وارد اطاق بانکدار شده و اطلاع داد مردی که در سلول زندگی می کرد از راه کلکین به پائین آمده و فرار نموده است . بانکدار و محافظ فوراً به سلول رفته و راه فرار را ملاحظه نمودند . برای اینکه از هر گونه سوء ظن و شایعه برحذر باشند سند ترک دنیا را از میز برداشته و آنرا در سیف پول خود قفل نمود .



برنده زیباییکه برای جوجه هایش غذا میدهد

چگونه پرندگان شکل و خاصیت شانرا تغییر میدهند

تمام فعالیت های این پرندگان ، تحت تاثیر آشیانه ها شان ، درآب میباشد. هیچ نوع برنده ، گرسید گر گریبی ، در زندگی بروی آب موفق نمیشاند . اما باید بدانیم که این برنده در نواحی که برگزیده و آشیانه ساخته ، به روی آب پیروز مندانه و به خوشی زندگی کرده میتواند و اگر آنها از محل مذکور دور سازیم و به جای دیگر ، ولو که جای مذکور شباهت زیادی به محل اولی داشته باشد انتقال بدهیم موفقیت و خورسندی خویش را از دست میدهند .

اگرما گریبی را با یک نوع برنده ای که روی شاخچه های درختان می نشیند و آشیانه میسازد مقایسه نمایم باین نتیجه میرسیم که برنده گریبی ، نسبت به آن برنده دیگر وقت زیاد برای استراحت بالای آب دارد زیرا در عین زمان غذایش را نیز بدست آورده میتواند در حالیکه پرندگان که بروی شاخچه های درختان آشیانه میسازند مدت از اوان استراحت شان را در بدست آوردن غذا از دست میدهند .

همچنان برنده ای که به روی درختان زندگی میکند به مشکل میتواند روزانه (۱۶) ساعت یا بیشتر از آن ، در پرواز باشد و در عین زمان غذای خود را هم حاصل نماید .

گریبی به هر اندازه ای که قناعت داشته باشد که درآب حیات به سر برد به همان اندازه ضرورت بکار انداختن پاهای گردش و بال برای پرواز ندارد زیرا این اعضا مذکور برای زندگی آبی آن ، بدر د ش مانندش ، با گردن سفید و نقره نی و بالها و نمیخورند .

بره های زیبایش در میان آب دیده شود برنده شناسان عقیده دارند که تقریباً

بعضی بارک هائیز دیده اند که در آب های حوض ها شنای نمایند .

برنده گریبی زیبایی خاصی دارد و قشنگی او وقتی حیرت انگیز میباشد که جسم زورق مانندش ، با گردن سفید و نقره نی و بالها و نمیخورند .

بره های زیبایش در میان آب دیده شود برنده شناسان عقیده دارند که تقریباً

موتر و عمده دارد و پرندگان خود را ، با محیطی که درآن سکونت اختیار مینمایند انطباق میدهند و حتی احتمال میرود که در شکل و ظاهر آنها نیز تغییری رونما گردد .

ما همین اکنون ، دردنیای خود ، یک تعداد زیاد انواع پرندگان را داریم که در مقابل چشمان ما ، به مستمره ساختن بعضی حصص روی زمین پرداخته اند مطالعه زندگی و انکشاف فکر آنها خیلی دلچسپ میباشد . یکی از جمله انواع پرندگان مذکور ، گرسید گریبی نام دارد و طرز زندگی آن خیلی جالب میباشد . تعداد این نوع برنده ها تا همین چند سال قبل خیلی محدود بود اما اکنون روز به روز به سرعت اضافه شده میرود برنده گرسید گریبی بروی قطعات بزرگ آب آشیانه میسازد ، آن هم در نقاطیکه ، ده سال قبل ، برنده ای در آنجا برنمی زد .

از آن روزگار که اجداد ما ، برای نخستین بار زندگی را ، بروی زمین آغاز نمودند بعضی پرندگان نیز در جهان ما به مرور زمان شکل و خاصیت شان را تغییر داده اند امروز نیز ما میتوانیم این دیگر گونه های را در شکل و خاصیت نسل های بعدی همان برنده ها بتکسیریم و به حقیقت تنازع بقا در طبیعت ، بیش از پیش ملتفت گردیم . اکنون این حقیقت از راه علم و تجربه برای بشر روشن گردیده که پرندگانی که در زمان حیات نیاکان ما ، تعداد شان خیلی کم بوده و یا بدین اصل آنها را ندیده و نمی شناختند به کثرت وجود دارند و به قدری تکثر کرده اند که با وجود مفید بودن ، بعضی از آنها مضر هم گردیده اند . مانند بوم کوچک و گنجشک های مهاجر و غیره . بعضی انواع دیگر پرندگان ، مانند جیجی ها تقریباً یک قرن قبل ، درجهان خیلی زیاد بودند و امروز تعداد شان محدود گردیده است البته نباید تصور کرد که این عمل یا اثر آزار رسانیدن انسانها به آنها بوده است ، زیرا علت اصلی آن خیلی مرموزات و ممکن ارتباط مستقیم به تغییر جوی ، عادت و شکل آنها داشته باشد .

تحقیق کنندگان دیده اند که بعضی این برنده ها حتی روز ها و هفته ها (هشت هفته) به روی آب توقف کرده و برخی دیگر شان در عین زمان یعنی از ماه مارچ تا ماه اپریل ، به روی آب به شناوری مصروف بوده و سایر پرندگان را ، به نزدیک محلی که برای خود انتخاب نموده نگذاشته اند .

این موضوع صورت گرفته به وضاحت نشان میدهد که مسکن اصلی پرندگان نقش خیلی



شاخچه های درختان برای بعضی از این پرندگان بهترین آشیانه بشمار میرود ژوندون



بعضی از پرندگان با محیط ششان سازگاری نداشته به جای دیگری مهاجرت میکنند.

وجودیت این بسوم ها در جا های که جوجه گیری مرتها صورت میگردد، پاسداری جدی بکار دارد. می دهند اما بلاقه زیادی برای خوردن آنها بقیه در صفحه ۵۹



پرندۀ بزرگ برای جوجه هایش آشیانه مطمئنی میسازند.

ضرر دیگری که این پرندگان برای دهقانان بار می آورند، عبارت از آن است که در سوراخ های اشجار آشیانه میسازند و جای سایر پرندگان را که حشره های مفره را از بین می برند، میگیرند. اگر قریبی به میان آید که گنجشک ها عادت آشیانه ساختن خود را تغییر بدهند کار بسیار جالبی صورت خواهد گرفت. نخستین جفت این پرندۀ هر گاه در جایی آشیانه بسازند که شکاف درخت نباشد شاید به روزمان یک نوع گنجشک دیگری را بوجود آورند که خوی و عادت و شکل اجساد و نیاکان خود را نخواهد داشت. مشروط بر اینکه برای آنها غذای کافی پیدا شود و انسانها آنها را آزار ندهند. درین مورد نیز پرندۀ شناسان تجاربی نموده اند و دیده اند که برخی از جوره های گنجشک ها در سوراخ سنگ ها برای خرد آشیانه ساخته اند.

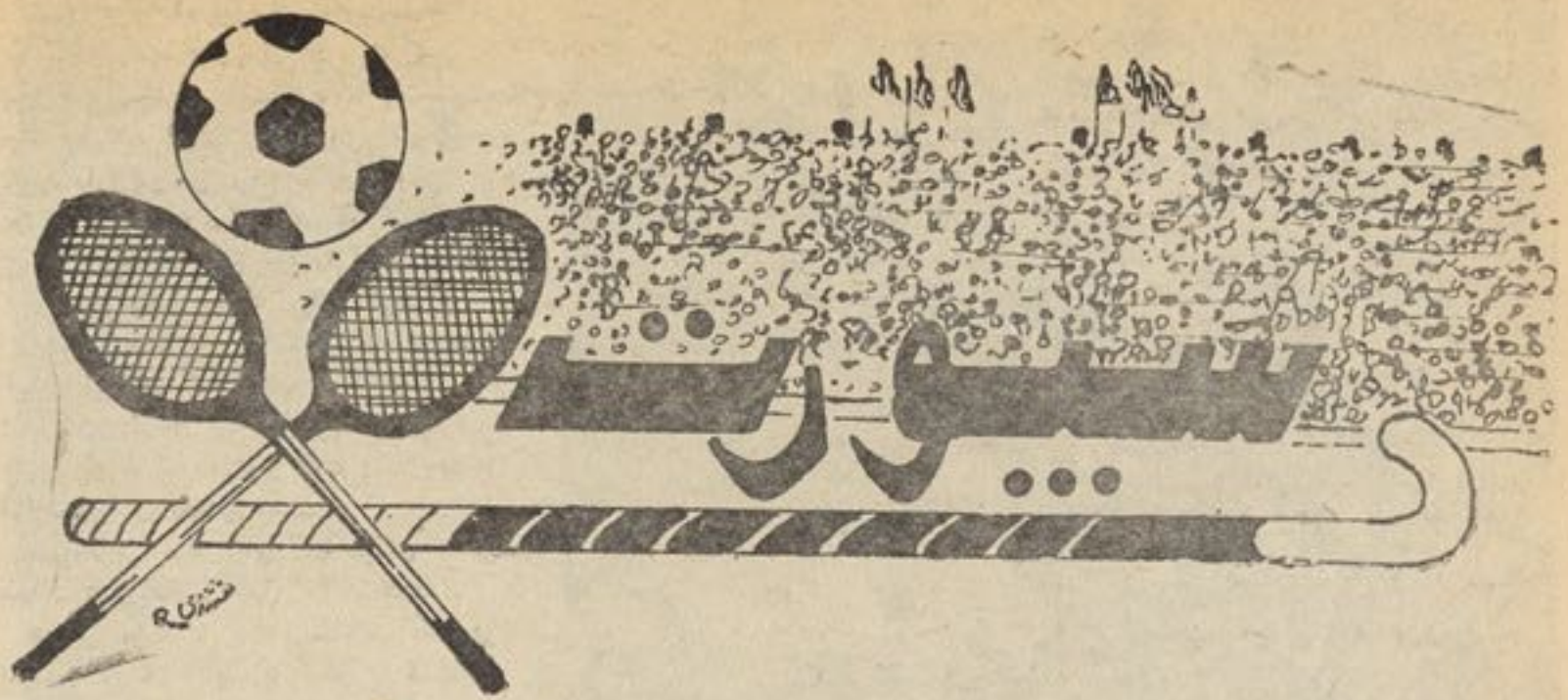
فضایی دشمنان در بین آب غوطه برند و خودش را از سرانها نجات بدهد. اما دشمنان آبی پرندۀ موصوف خیلی خطرناک هستند و حفظ و نگهداری هر گریبی، از سر دشمنان آبی آن، وابسته به بزرگی و نیرو مندی جسم آن می باشد. اختیار نمودن سیستم نگهداری جوجه ها خارج از آب برای گریبی ارزش و اهمیت فراوان دارد و گریبی این عمل را نازمانی انجام میدهد که جوجه های آن، شناوران قوی و ماهر گردند. همچنان، گریبی برای حفاظت تخم های خود، ضرورت زیادی به ساختن آشیانه بزرگ درخارج آب دارد. روی همین منظور است که گریبی مانند مرغابی، تخم ها را در آب می پوشاند. جوجه های گریبی همینکه از تخم جدا شوند میتوانند، شناوری کنند چون وجود جوجه های مذکور از موی و پر پوشیده



پرندۀ هادر حالت دفاع از خود دیده میشوند

تکثر این نوع گنجشک ها، تقریباً در طرف پنجاه، شصت سال قبل صورت گرفته و اکنون آنها را میتوان در هر نقطه جهان پیدا کرد. جوجو کردن ویا سرانیدن این پرندگان، بگوش پرندۀ شناسان، خیلی خوش آیند میباشد علاوه برآن این پرندگان برای خواندن و سرانیدن خود به جای مخصوص ضرورت ندارند بلکه در تمام نقاط داخل شهر ها گرفته تا سواحل ابحار آواز آنها شنیده میشود. باید اظهار داشت که تعداد گنجشک های مذکور تا قبل از پنجاه شصت سال خیلی محدود بود اما امروز تعداد آنها بقدری در جهان زیاد است که مقام اول را دارد. همچنان امروز بوم های کوچک در جهان خیلی با موفقیت زندگی می نمایند و از مدت چهل، پنجاه سال باینطرف تعداد شان زیاد گردیده است. این نوع بوم هادر از بین بردن موشها و قانقوزک ها، عمل خیلی ارزشمندی را انجام میدهند. بر علاوه خیلی زیاد دیده شده که بوم ها به شکار کردن پرندۀ های کوچک نیز میپردازند. لذا

میتواند لذا آب به وجودش نفوذ نموده نمیتواند. البته جای تردید وجود ندارد که در سابق مردم به پرندگان آزادی بیشتر میدادند و امروز نیز که انجمن های دفاع از پرندگان در بعضی کشور ها فعالیت دارند با زحم پرندگان قادر شده اند که برای شان محل دلخواهی پیدا کنند و در آنجا سکونت اختیار نمایند. گنجشک های مهاجر از جمله پرندگان موفق محسوب میشوند ما در بهار و خزان دسته های بزرگ آنها، دسته های از آنها را که تعداد شان حتی به یک میلیون میرسد می بینیم که به پرواز درمی آیند و در حال پرواز از یک افق تا افق دیگر، میروند. این پرندۀ ها اگر تعداد شان متناسب باشد، رفیق و مددگار قوی و خوبی برای دهقانان میباشد. ما دسته های بزرگ آن، خیلی خطرناک میباشند. زیرا آنها هنگامیکه در جستجوی یافتن کرم های موشو در نیا تا ناسازک و نور شدرا، خراب میکنند. گذشته از آن مواد غذایی یک تعداد زیاد پرندگان را که خیلی مفید میباشند، از میان می بردند.



ترجمه و نگارش .

عبد الله (محب حیرت)

نگرشی بر سوابق تربیت بدنی و تحولات ورزشی در اتحاد شوروی

(قسمت دوم)

امریکایی بعین بازیها و تاریخهای مذکور مجموعاً شدند . همچنان در المپیای ملبورن استرالیا (۲۱۳) مدال را حاصل کرده بودند ، ولسی روم ، توکیو ، انسیروک و غیره ، ورزشکاران شوروی از خود مهارتها و شطرنجهای خارق- ۱۹۵۲ اوسلو پایتخت ناروی سهمی نگرفتند . العاده را نشان دادند و برنده مدالهای زیادی شدند در بازیهای المپیای سال ۱۹۶۸ مکزیکو ورزشکاران مثلاً : در بازیهای المپیای ۱۹۶۴ توکیو- شوروی نیز پیروزیهای چشمگیری را نصیب ورزشکاران شوروی مجموعاً برنده نود و شش

(نوویکوف) در بازیهای اتلیک المپیای هلستکی (پایتخت فنلند) پیروزیهای را بدست آورد و سال ۱۹۵۳ موصوف در رشته بتاتلون اتلیک بحث نخستین فرمان اتحاد شوروی شناخته شد و در بازیهای سویدن ، استرالیا ، برتانیه ، مکزیکو ، روم و توکیو به اخذ مدالهای ورزشی نایل آمد . با تراشتراک وی در بازیهای (لدرشات) و ا قس برتانیه که از خود مهارتهای سیورنی را بخرچ داد ، مردم ورزش دوست آنجا به افتخارش یک کلوب سیورنی را به اسم او تحت عنوان (نوویکوف سیورنی کلوب) مسهمی افتتاح کردند . همچنان وی یک کلوب عصری بتاتلون اتلیک رادر (ایرمان) مرکز جمهورییت سوسیالیستی ارمنستان تاسیس نموده است .



صحنه جالبی از مسابقه فوتبال

مدال شدند که از آنجمله تنها سی مدال آن (مدال طلا) بود و با تر حصول شصت و هشت پاینت ، تیم اضلاع متحده امریکا را که برنده پنجد و هشتاد و یک پاینت (امتیاز) بود ، شکست داد . المپیای توکیو در حقیقت چهارمین المپیای جهانی بود که اتحاد شوروی در آن سهم گرفت و قبلاً در بازیهای المپیای هلستکی ، ملبورن ، روم و ورزشکاران شوروی خوب درخشیدند و اکثر رکورد های المینک و جهان را شکستند و در بازی های المپیای هلستکی هفتاد و یک مدال را حاصل کردند که از آنجمله بیست و دو عدد آن مدال طلائی بود . خاصه در جمناسٹیک ، کشتی آزاد ، کشتی رومن ، نشانزنی و وزنه برداری جایزه اول تیم را بدست آوردند . در بازیهای ملبورن که همه ورزشکاران شوروی مهارتهای راز خود بروز دادند ، در آلمان (ولادیمیر کوتس) خوبتر در خشتید و بنام عیرو یا فرمان بازیهای المینک مورد شناخت و قدردانی قرار گرفت .

بدین ترتیب ورزشکاران شوروی بتعداد نود و هشت مدال راز ملبورن به میهن خویش ارفغان آوردند که از آنجمله سی و هفت عدد آن مدال طلا بود ، بتجویه (۶۲۳۵) پاینت رادر برابر (۴۹۷) پاینت تیم امریکا موفقانه حاصل کردند در حالیکه تیمهای ورزشی اضلاع متحده امریکا تا آنوقت (در مورد شصت سال) بازیهای خود طی المپیا های مختلف غالباً سرآمد ورزشکاران جهان شناخته میشد ، لذاشکست شان گسار آسانی نبود . همچنان موفقت های ورزشکاران اتحاد شوروی در المپیای ۱۹۶۰ روم بسیار جلب توجه کرد ، بطوریکه شمیرت پیروزمندانه آنان در حلقه های ورزشی جهان زبانزد همگان گردید . چنانچه در سال ۱۹۶۲ مقارن تجلیل و بزرگداشت از دهمین سالگرد المینک شوروی

روزنامه فرانسوی موسوم به (ل . یو منیت) موفقتهای ورزشکاران اتحاد شوروی رادر قطار سایر ورزشکاران جهان منجمله اضلاع متحده امریکا بیمثال خواند و تصریح داشت که سه با درخششی ورزشکاران اتحاد شوروی در بازیهای بین المللی وانکشاف سیورنی در کشور شان اتحاد شوروی در اکثر موارد سیورنی خود نسبت به امریکا پیشی جسته و کامیابیهای خارق العاده را همیشه و بیسهم حاصل میدارد . بطور مثال : جدول آتی بیانگر یکسلسله حقایق در مورد پیروزیهای ورزشکاران شوروی و روشنگر بسط و گسترش انواع سیورنی طی دوازده سال در بازیهای المینک جهانی میباشد که از روی آن معیار کامیابیهای ورزشکاران اتحاد شوروی به تناسب اضلاع متحده امریکا بخوبی معلوم میتواند شد .

چند سال بعد یعنی در ۱۹۶۰ بتعداد (۳۹۹) هیات سیورنی بخارج رفت و با مقابل (۴۰۷) هیات ورزشی از خارج وارد اتحاد شوروی شد . در سال ۱۹۶۱ این معیار متقابل به (۴۰۰) و (۴۹۰) رسید . در سال ۱۹۶۲ این رقم رفت و آمد هیاتهای ورزشی به (۴۱۱) و (۴۳۰) ، در سال ۱۹۶۳ به (۴۰۹) و (۴۵۸) ، سال ۱۹۶۴ به (۱۴۰۵) و (۳۱۸) مشخص شد . اتحاد شوروی برای اولین بار به سال ۱۹۵۲ در المپیای هلستکی وارد گردید و از آنجا برنده بیست و دو مدال طلا شد ، در حالیکه اضلاع متحده امریکا از همان المپیا چهل مدال طلا گرفت ، در چهار بازی و مسابقه المینک تابستانی سالهای ۱۹۵۲-۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ جهانی ، ورزشکاران شوروی (۳۶۸) مدال را بدست آوردند که شامل ۱۳۲ مدال طلا بود . در حالیکه ورزشکاران

اتحاد شوروی درین بازیها پنجاه و هفت مدال طلا، چهل و سه نقره و بیست و پنج مدال برنز را بدست آوردند. در حالیکه ورزشکاران امریکایی هفت مدال طلا، پانزده مدال نقره و شانزده مدال برنز را حاصل کردند. در ۱۹۶۲ یوری-تیتوف قهرمان جهانی دوازده بر داری شد، در بازیهای بلغراد (یوگوسلاویا) و استاکهولم (سوئد) تیم اتحاد شوروی به اخذ سیزده مدال طلا، شش مدال نقره و ده مدال برنز موفق شدند. در بازیهای هلستری (فنلند)، یوری تیوکالوف شامبیون شد و یوایسلاویانوف در دیدن ورزشکاران ممتاز قرار گرفته و در بازیهای ملیورن، روم و توکیو غالباً برنده مدالهای طلا شده است.

در سال ۱۹۶۲ تنها ورزشکاران اتحاد شوروی درجه اول و پنج مسابقه قهرمانی و تورنمنت اروپایی جهانی اشتراک کردند که از آنجمله در ۲۶ مسابقه آن برنده شدند و در بیش از هفت مسابقه دیگر آن مقامهای برانزده و چشمگیری را بدست آوردند. همچنان در سال ۱۹۶۳ ورزشکاران شوروی بیست و سه مقام قهرمانی جهانی و سی و هشت مسابقه قهرمانی اروپا را در تمام بازیهای المپیک حاصل کرده توانستند در سال ۱۹۶۳ که با بازیهای قهرمانی و شامپیو نشیب در ماسکو برگزار شدند: لیک گریگوروف خوب درختید و سپس در ۱۹۰ لقب قهرمانی اروپا را در بوکسنگ بدست آورد. ولادیمیر یگوریا قهرمان معروف است. زنی المپیک و گمراشت شاکریان قهرمان جمناسٹیک المپیک اتحاد شوروی و جهان و یکتور زخارینکو شاکردنوریکوف برنده مدال طلا در حلقهای سپورتی اتحاد شوروی و ممالک ذی علاقه شهرت زیادی داشته و دارند.

مراد نیا زاوی اهل عشق آباد ترکمنستان شوروی قهرمان درینه نشانی و تیراندازی سال ۱۹۵۸ ضمن مسابقه قهرمانی جهان منعقد ماسکو برنده سه مدال طلا و دو مدال نقره شده و در بازیهای المپیک روم مقام دوم را احراز کرد. همچنان سال ۱۹۶۲ ضمن اجرای مسابقات قهرمانی گیتی در قاهره دو مدال طلا و دو مدال نقره را بدست آورد. از جمله شاگردان وی نشانی ولادیمیر لوف، محمد رضایف و نیکولای گورودنی مقام استادی را در رشته خود احراز کردند. جانشین لوسی نیزه انداز جوان وقت قهرمان اروپا شد که شطرنجهای وی در بازیهای بلغراد مورد توجه زیادی واقع گردید و وی بسا ۸۲۴ متر نیزه اش را بر تاق کرد. وی یک مدال برنز را از بازیهای توکیو حاصل کرد و در سال ۱۹۶۶ بار دیگر قهرمان اروپا شد.



یکی از ورزشکاران اتحاد شوروی حین اجرای خیز از مانع.

مملکت	سال	مجموع مدالها	نوع مدالها			مقامها و موقعیتها			پاینتها (امتیازات)
			نقره	طله	برونز	۶	۵	۴	
اتحاد شوروی	۱۹۵۲	۷۱	۲۲	۳۰	۱۹	۲۵	۱۴	۱۳	۴۹۴
	۱۹۵۶	۹۸	۳۷	۲۹	۳۲	۱۹	۱۹	۱۳	۶۲۲٫۵
	۱۹۶۰	۱۰۳	۴۳	۲۹	۳۱	۲۰	۲۳	۱۳	۶۸۴٫۵
	۱۹۶۴	۹۹	۳۰	۳۱	۳۸	۱۶	۲۴	۱۰	۶۸۳٫۵
رومانی	۱۹۵۲	۷۸	۴۰	۱۹	۱۷	۱۳	۴	۷	۴۹۳
	۱۹۵۶	۷۳	۲۲	۲۵	۱۷	۲۱	۹	۷	۴۹۷
	۱۹۶۰	۷۱	۳۴	۲۱	۱۶	۱۰	۹	۶	۴۴۲٫۵
	۱۹۶۴	۹۰	۳۴	۲۴	۳۲	۳۰	۱۰	۱۴	۵۸۱٫۸

این ورزشکاران و رزیمه غالباً در بازیهای المپیک، مسابقات جهانی و قاره اروپا از زمره برنده مدال طلا از المپیک توکیو (ارکادی اورویوف، قهرمانان و شامبیونهای معروف بر شمرده شده اند که اسمای شان در مقام عالی و موفق قهرمانی قرار داشته است به تفصیل آتی: والری برومل، ایگور تر اوالنسیان، نیکولای اوزولین، ولادیمیر دیاچکوف، انا تولسی میخایلوف، ولادیمیر کوتسولیک، مونچارتکه، تیوتربلو، تیتکوف، رینگه، تیوتربلو، تیتکوف، یوری و لاسوف، الکسندر کوریتوف و یکتور چاکا رینگ الکساندر میدوید (برنده مدال طلا از المپیک توکیو)، ارکادی رورویوف، لیو نید زها، بو تیسکی، واسیلی کوزنیتسوف، رومیوالد کالیم (قهرمان بازی هام در المپیک توکیو)، والری یونچنکو، ناول کولچین، ویکتور الیکسوف، اندری خیمچ، سنیان او سچیکوف، ویا چلا و یووف انا تولی گورینین، ولادیمیر موروزوف، نیکولای چزهیکوف، یوری شباروف، هر-من سوشنکوف، یوری سیمسین، ویکتور دالوویچ، یاکوف رولسکی، عمرمولخانوف، مارک راکیتا، یوریس میلنیکوف، ایگنی کوند راتیوف، الکسندر شیبایوف، الکسندر شاریوف، نیکولای کزیتسوف، یاکوف میلنیکوف و یکدهه زیاد دیگران که ذکر اسمای همه شان سخن را بدرازا میکشاند. در اتحاد شوروی پدها میلیون نفر در رشتههای مختلف سپورتی مصروف اند.

یک رقم دستداشته مستند بطور مثال از سال ۱۹۳۶ بعد یک تفاوت قابل ملاحظه رقمی را در افزایش تعداد ورزشکاران تا سال ۱۹۶۴ یعنی در ظرف سالهای متعدد طوری نشان میدهد که بحیث مشت نمونه خروار طی آن مدت تعداد ورزشکاران را هشت برابر کرده است:

سال	شمار ورزشکاران اتلتیک
۱۹۳۶	۳۰۰۰
۱۹۴۰	۳۳۲۰۰
۱۹۴۸	۷۹۱۰۰
۱۹۵۲	۸۳۳۰۰
۱۹۵۶	۵۶۸۰۰
۱۹۶۰	۷۲۲۰۰
۱۹۶۴	۸۲۸۰۰

بعد از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸ تعداد ورزشکاران شوروی نه تنها در رشته اتلتیک، بلکه در سایر شقوق سپورتی به تناسب افزایش نفوس کلی کشور چندین بار و چندین برابر دیگر افزایش نموده، بطوریکه انواع سپورتها و ورزشهای ملی و بین المللی میان ملتیهای مختلف اتحاد شوروی جز و مصروفیتهای عادی و سرگرمیهای محیطی باشندگان آن سرزمین قرار گرفته است و برای فراهم آوری وسایط و تسهیلات بیشتر سپورتی بحیث طرق توسعه و موثر تدابیر و اقدامات پیگیر و سودمندی اتخاذ شده است. مثلاً: کنفرانس علمی بین المللی درباره مسایل و پروبلیمهای آموزشی سپورتی که سال ۱۹۶۲ در مسکو دایر شد، روشهای جدیدی را در آموارد پیریزی کرد. از اثر تجاویز موثر در راه بسط و انکشاف مزید ورزش در ظرف سال ۱۹۶۲ مجملات انستیتوت تربیت بدنی بدریافت سه صد جایزه از رهگذر موفقیتهای ورزشی نایل گردیدند. علاوه سال ۱۹۶۲ به شتاب کلید سال پیروزیهای مطلوبی برای ورزشکاران شوروی شناخته شد و این در حقیقت حد فاصل و نوبه راهی را بین المپیک ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴ مشخص ساخت که با موفقیتهای قهرمانان اروپایی و جهانی توأم بوده و در آن جهل و پنج قهرمان اروپایی و جهانی تنها در سال ۱۹۶۲ اشتراک ورزیدند. ورزشکاران

امین و کام امین

کشتار دسته جمعی، بزنجیر کشیدن و دریغ نمی ورزد ، نایب اینگونه عناصر باز دوبند های خانانه ی که با ارتجاع و امپریالیزم جهانی برای حوام سلطه ی خود برقرار می نمایند در ردیف وطن فروشان نامدار تاریخ قرار می گیرند . چنانچه بعد از آنکه امین فاسد و اجنت به اراده ی مردم واردوی آزادیبخش ما معدوم و نا بود شد اولین آواز و ندبه از آن طرف اوقیانوس ها از جایکه در آن علیه خلق قهرمانیتنام دمیسه و توطئه و پلان جنگ طرح می شد از جایکه طرح توطئه علیه خلق فلسطین و سایر خلق های آزاده ی عرب صورت میگیرد آری قصر سفید و آقای جینی کارتر از او دفاع کرد و همه ماشین تبلیغاتی خود را بکار انداخته تا بازهم خلق ما و سایر خلق های زحمتکش را فریب دهد ولی باید اذعان بداریم که امپریالیزم امریکا و شوونیزم یکنگت درین معامله نیز می یازد زیرا آنها از آدم کتس حرفه ای و ناموری که بیاد آوردن اسمش انسان را به گراحت و نفرین و می دارد، دفاع و پشتیبانی کرده و می کنند . چنانچه بازهم درین مورد می توان سخنان موجز ویر مفهوم و واقعی بیک کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی حزب واحد موکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان را ذکر کرد ایشان در ادامه ی جواب شان به سوال خبرنگار آزانی باختر درین مورد چنین فرمودند : «... او شرف و ناموس هزار ها خانوادگی مردم کشور را غارت کرد جای بسیار تعجب است که آقای کارتر اساس شعار پلاتفورم خود را هیومن رایت یعنی حقوق بشر قرار داده ولی در مقابل تمام این فجایع که از طرف ایجنت وی صورت می گرفت ، مهر سکوت بر لب داشت، لیکن امروز که چلو صافش به اصطلاح وطنی ما از آب بیرون می آید ، دچار یک روح هستریک گردیده است ...»

امین و دارودسته فاسد وی علی الرغم ندبه ها و دروغ پراگنی های امپریالیزم معدوم گشته و یوزکشیش به خاک مرگ مالیده شده است ، دیگر وطن ما مردم ما از شر این وحشی خناش خون خوار و ددمنش نجات و رهایی یافته اند ، دیگر مردم، زحمتکشان ، آزادیخواهان، انقلابیون، وطن پرستان و خلاصه قاطبه ی مردم شریف وطن واحد و پر افتخار مان افغانستان از شنیدن نام امین و «کام» اس-اس مانند او و از چهره ی خونخوار و سفاک او و بالاخره از موجودیت او بخود نمی لرزند . دیگر آن امین میرغضب که هر خواست معقول و وطن پرستانه، هر عمل آزاد بخوا هانه و مترقی را بسا گلو له و غل و زنجیر و توهین جواب می داد تا بسود گشته است . دیگر آن «کام» کامی که برای کامگار ساختن امین و دارودسته ی فاسد و سیاهش در تکاپو بود و سایه وار و ظنبرستان و آزادیخواهان را تعقیب می کرد، در هم شکسته است و با امین یکجا به کام نیستی و مرگ سپرده شده است .

د ۴۲ مخ پاتی

یاشکا

ولایه ؟ خلکوبه دده پرپو بمتنه کت کت ، و خندل ، بالاخره په یوه لیری کلی کی دمچول الهو په او بسی تند کری پر دیسی په نامه و نیول شو او بیرته خپل بنار ته و استول شو .

یاشکا پخپل بنار کی بیامطبعی تهلاره ، تل به غمجن بنکاریده ، تابه ویل چی کوم شی یی ورک کسری دی ، او دژوندانه په ټولو برخو کی خپل ونورو ملگرو ته ورته شوی و . دهغوی په شان به یی و د کا خپل ، د هغوی په شان به دد کاره پنخو کورو ته ورته او دیری پیسی به یی په قمار کی بایلی تر دی وروسته نو یا شکاد همدی کار ونو له پاره پر له پسې کار کساره

با این تسلیم بازهم صمیمانه ورود کشور ، جامعه و دولت را به مرحله ی متکا مل انقلاب شکوهمند لورکه مسیر اصولی و مترقی این انقلاب است و راهی است بسوی روشنایی ها ، بهروزی ها ، بهزیستی ها و بالاخره رها از هر نوع ظلم و ستم و استبداد اعم از معنوی و معنوی ، از تهی دل تبریک و تنبیت می گوئیم خلق آزاده بلا کشیده و استبداد دیده افغان- نستان مژده ، چشم های رنج دیده ی نسان روشن و تابناک باد که امین این جاسوس و آزاده .

بشر کی ترینه اوریدل . دا ستان یی چی خلاص کړ غلی شو او وی ویل :

پخپل ټول ژوند کی می همغه خو خوړی ورخی در لودی دیری لنیدی وی ... هو ، اوس مست یم اود هغو ورخو خاطره دیسه راته خوړه ده . یادول یی ماته په زپه پوری دی . که (دا) نه وی ... هه ... که (دا) می نه وی لیدل ز ماژوند به هرو مرو بله بنه در لو دای او ینی فکر کوی چی یاشکا یو پنخوس خیری خیری او خیرنی جامی اغوندی . سترگری خپل پخوانی حالت له لاسه ورکړی او تل پر سید لی وی .

خو په هغه ورخ چی دوازه په میخانه کی ناست وو او ما د ده د ژوند دی دا ستان ته غورنیولی وو سترگی یی خلیدی او د خو بنسی

خو اوس چی (هغه) سته ، داسی شی هم شته چی انسان یی وریاد کړی . (پای)

صداها

به خاله اش پرود . پیر زن گفت : هه ؟ ... خط دروغی بود ؟ پدرش نا جور نیست ؟ ای شما ! ... از سراسیمگی می خواست کما سه شیرش را پس ببرد . شیرمحمد گفت : مادر ، لحاظ خدا ، شیر را بُر ! پیر زن که نمیدانست گریه کند یا خنده گفت : بیسی بریده ها جوان را چگرخون کردید . من همرای تان کار دارم خانه تان پر گندم . و چیز های نامفومی گفته از جایش پرخواست . حلیم گفت : مادر قهر نشو . اگر خانه نمیرفت آن تب لعنتی او را می کشت . ما هم راه دیگری نیافتیم . اما زن کسپ کسپ به راه افتاد . میرفت و گوشه چادرش را بر زمین می کشید . شاید رفت که تمام ده را از آن کسپ خبر کند . -پایان-

مردم به ده باز گشتند . پیر زنی که هر روز غروب هنگام یک کاسه شیر برای مارزک می آورد مانند هر روز آمد و کاسه را به دهن دوازه خر گاه گذاشت و خود گوشه چادرش را به چشمانش گرفته گر به کرد . پیر زن گفت : مارزک پسرم بود ... مانند پسرم دوستش داشتم حیف که با دل غمگین از اینجا رفت . بیچاره پدرش شاید مرده باشد . از شما بوی مارزک می آید . یا داو به خبر ، شیر را برای شما آوردم . حلیم گفت : ما در غصه تکن پدر مارزک مریض نیست . پیرزن گفت : خط آمده که مریض است . خط که دروغ نمی گوید . حلیم گفت : خط ؟ آن خط از شهر نیامده بود . آرا من و شیر محمد نوشته به پوسته رسان دادیم که مارزک مجبور شود

بقیه صفحه ۱۸

چگونه پرندگان شکل و ...



عده ای از پرندگان در ساحل دیده می شوند .

ندارند . چنانچه يك نفر مرغدار كه از جهت این گونه بوم ها خیلی در تكلیف بود يك صد بوم را در يك فصل از بین برد و هنگامیکه شکمهای آنها را پاره کرد نگریست که اثری از گوشت مرغها ی او در شکم آنها وجود ندارد . بعداویك تعداد بوم های دیگر را مورد مشاهده قرار داد ، دید که بوم ها چوچه های مرغها را گرفته به طرف جوی آب میروند و آنها را در يك ردیف کنار هم می گذارند همچنان مرغدار مذکور مشاهده نمود که این بوم ها روز چند بار برای دیدن شکارهای خود می آیند اما از گوشت آنها هرگز نمی خورند ، بلکه از قا نفوزك ها استفاده میکنند . مرغدار با دیدن این صحنه نتیجه گرفت که جسد چوچه های شکار شده توسط بوم ها برای بوم ها ، حیثیت دایمی را دارند که قانغوزك ها را به چنگ آورند .

برنده مذکور را میتوان در ساحه های فراخ جنگلات بلوط پیدا کرد . زیرا امروز زندگانی این پرنده منسوط به میوه بلوط است که آنها در سوراخ درختان می گذارند اما اکثرا دیده شده که پرنده های موصوف دانه های بلوط را از آشیانه به سوراخ ها می برند و برای آینه شده شان ذخیره مینمایند .

همچنان مشاهده شده که این پرندگان نه اشجار خالی شده را تا ارتفاع بیست فوت از دانه های بلوط مملو کرده اند ، در حالیکه خود شان هرگز باین ذخیره گاه شان رسیده نمیتوانند امروز زندگانی این پرندگان با بیش از هر زمانی شکل اجتماعی را به خود گرفته و به صورت دسته جمعی به سر می برند .

این نیز روشن است که اگر این پرندگان تغییر عادت نمیدادند طبیعا شیوه زندگانی تازه و مخصوص آنها منجر به از بین رفتن شان می گردید .

مثال دیگر تنازع برای حیات که شاید منجر به آینده نا معلوم شود عبارت از دگرگونی است که در اسلوب زندگانی پرندگان برده پرنده ایکه میدود ، پدید آمده است . این پرنده امروز با های خویش را نسبت به بالهای خویش بیشتر استعمال میکند . همچنان دو نوع شتر مرغ نیز وجود دارند که در ردیف پرندگان برد قرار میگیرند . کار نگرفتن و یا ضایع کردن بالها برای این پرنده بخصوص برای شتر مرغ خیلی گران تمام شده است و در اکثر حصص استرالیا ، از بین رفته اند .

غچی شاید یکی از مشهورترین پرنده های باشد که تغییر عادت داده است . این پرنده در سال ۱۷۶۹ در بعضی کشورها به نام پرنده دودکش ها یاد میشد زیرا عموما در چنین جاها خانه میکرد . بر علاوه غچیها عادت داشتند که در اصطبل ها نیز خانه بسازند . تا امروز نیز این پرنده اگر دود و یا اصطبل را مناسب بداند در آن به خانه سازی می پردازد ، زیرا پرنده مذکور این عادت خود را تا امروز حفظ نموده است اما این پرنده مقبول اکنون برای پیدا کردن جای برای ساختن آشیانه به مشکلات زیادی روبرو گردیده ، از ینرو ، از آن جاکه اجداد این پرنده تغییر عادت داده اند . در زمان های قدیم دود کشی که در آن غچی خانه نکرده باشد خیلی به ندرت پیدا می شد اما امروز تعداد این پرنده نسبت به سابق خیلی کم گردیده است .

بهر صورت ، يك تغییر دگرگونی ناچیز در خواص پرنده ها ، فرق بزرگی را در بهبود نسل آن به میان می آورد . از جانب دیگر يك دگرگونی در شرایط ماحول زندگانی پرندگان ، مانند رونما گردیدن دوست و ویا دشمن ، به معنی زندگانی و یا از بین رفتن است . طوریکه ملاحظه شده بوم ها همیشه خواص شکار خود را تغییر میدهند بخصوص در مواقعی که تعداد زیادی از پرندگان کوچک را بنگرند و بداندند که آنها را به سهولت به چنگ آورده میتوانند ، عشق و میلان شدیدی ، برای گرفتن آنها در خویش احساس مینمایند و علاقه کمتری به شکار موشها میگیرند علاوه بر آن دلچسپی شدیدی برای شکار کردن در روز پیدا میکنند روی همین منظور است که خود بوم ها مورد شکار واقع میشوند و بدام می افتند .

جای تردید نیست که پرندگان درین او- اخر ، در پیدا کردن جای برای ساختن آشیانه به مشکلات شدیدی گرفتار گردیده اند . زیرا طوریکه دیده میشود روزبه روز سورها و خانه ها عصری و عصری تر شده میروند و جنگلات قطع وساحه با غها را مناطق تجارتي و عمارات بزرگ اشغال میکنند و جای مناسبی برای آشیان پرنده ها ، از بین می رود .

علمای پرنده شناسی می گویند که اگر پرندگان شیوه آشیانه سازی و خوی و عادت شان را تغییر ندهند خیلی خوب است . خوشبختانه پرندگان ، این موضوع را درک نموده و روز تا بسروز ، خصوصیات و عادات شان را دگرگون میسازند . چنانچه تغییر دگرگونی عجیبی در بعضی پرندگان جهان رویداده است که دگرگونی پرنده ای بنام «ودیکس» خیلی دلچسب و چشمگیر است . زیرا این پرنده با تجارب زیادی می خواهد بسوی زندگانی جدیدی پیش برود

تجزیه و تحلیل

درختان صورت می گرفت و از آوانی که عادت کردند روی سیم ها خود را محکم کنند مجبور شدند عادت سابق را ترک نمایند . امروز دهاتیان ، از قلت گنجشک ها ، در تشویش بسر می برند و علت آن را قوه مقناطیسی سیم های تیلون می دانند ، زیرا این قوه مانع مهاجرت آنها به سواحل می گردد . همچنان شاید سیم تلگراف در عادت این پرنده ها تغییری پدید آورده باشد .

توسط کبوتر خانگی نیز تجارتي صورت گرفته و این نتیجه بدست آمده که در جریان يك توفان آنها سمت پرواز شان را تغییر میدهند در تجربه نخست از يك کبوتر نامه رسان ، استفاده بعمل آمد . این کبوتر را از فاصله پنج میلی آشیانه اش در نزدیکی يك آتن رادیو که به امواج مختلف پرواز گامت می گردید ، رها کردند . این پرنده جز آنکه پرواز دورانی را انجام بدهد کاربرد دیگری

کرده توانست . زیرا سمت خانه اش را نسبت آتن رادیو از دست داده بود و به مجردی که استیشن رادیو از پرواز گامت باز ماند کبوتر مستقیما به طرف خانه خود در پرواز شد . در تجربه دیگر چند کبوتر ، از عقب استیشن و آتن رها شدند تا از بالای استیشن عبور کرده بخانه برسند . این بار هم کبوتر ها به پرواز دورانی شروع کردند . علمای که این تحقیقات و تجارب را بعمل آوردند چنین نتیجه گرفتند که تاثیر مقناطیسی امواج بالای اعضای مخصوص پرنده ها ، که در سر شان وجود دارد اثر گذاشته و آنها را به پرواز دورانی وا میدارد . سر انجام باید اظهار داشت که با وجودیکه عادت تحت تاثیر محیط زیست قرار بگیرد بیش از يك ملیون سال بکاراست تا ریشه عمیق يك غریزه را از بین برداشت .

تخنیک معاصر ...

در سالهای اخیر برای دشت ها و مزارع ، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر سو سیالیستی ماشین ها و مجتمع های مخصوص نظر به پلان همکاری جا معه ای بین المللی در اگر و ماش ، ساخته شده است . درین پلان همکاری بلغاریا ، هنگری ، آلمان دمو کراتیک ، پولند ، اتحاد شوروی و چکو سلواکیا سهیم دارند . این اجتماع بین المللی کشورها کامپلکس (مجتمع) های برای جمع آوری پیاز ، زردک ، مرچ ، سبزیجات وانگور نیز تولید نموده است . در نما یشگا هی که درین زمینه در اتحاد شوروی بر گزار شد در آن

بیش از سه صد نمونه از بیست و دو کشور جهان به معرض نمایش گذاشته شده بود این نمایشگاه صرف بخاطر نمایش تخنیک و تکنالوژی زراعتی نبوده بلکه تبادل نظر و استفاده از تجارب همدیگر نیز در نظر بوده است تا بین سازندگان ، علما و طراحان در مورد انجام یابد . فعلا در اتحاد شوروی نه تنها تخنیک زراعتی بلکه رشته های مختلف صنعت شوروی در کشور های دیگر سو سیالیستی در معرض نمایش قرار داده شده و هم چنان تخنیک در آینده ی قریب نیز نمایش داده می شود .

خاموش ډاکتر

یو ناروغ سړی په داسی حالاً کی چی د پاخه عمر خاوند وو په خپل ژوند کی د لومړی ځل له پاره دور پیښی شوی ناروغتیا د تشخیص په خاطر ډاکتر ته ولاړ .

کله چی ناروغ سړی ډاکتر ته ورغی نو ډاکتر پوښتنه ځنی وکړه :

ښه گرانه اته باید اوس ماته پسه رښتیا سره ووايه چی څه تکلیف لری ؟

ناروغ ځواب ور کړ : څرنګه

چی تاسی زیاته حق الزحمه اخلی

په دی لحاظ باید په ټولو شیانو باندی هم پخپله و پو هیږی نو زه

نه غواړم . چی د خپلی ناروغی په هکله څه درته و وایم .

ډاکتر لږ فکر وکړ او و ویل :

ښه اوس نو هغه څه چی لازم دی تاسی ته به یی در کړم .

پس له دی میز تر شا کښیناست او په لیکلو یی پیل وکړه .

په دی وخت کی ناروغ سړی پوښتنه وکړه : ماته دوا لیکي ؟

ډاکتر وویل : نه خیر ! دیوه خاموش ډاکتر ، آدرس درته لیکم .

ځکه چی هماغه خاموش ډاکتر یی له دی چی ناروغ د خپلی ناروغی په

هکله څه ورته ووايي ناروغی یی تشخیص کوی او سم دلاسه دوا ورته لیکي .



از بالا به پائین بدون شرح



بدون شرح



بدون شرح



يك اعلان فوق العاده

البر تو منسبس مدير عمومي شرکت هوا پيمایی پيرو متفکرانه عقب ميز تحرير خود نشستہ بود. بعد از اندیشه زياد ي بالا خوره گوشک تيلفون را پر داشت و به سکرتر خود گفت :

فورا آمر اعلانات را نزد من بفرستيد . دو دقيقه بعد هر دو رو بروی هم نشستہ بودند . منسبس گفت : من نميخواهم هم زياد حرف بزنم . قرار يکه ميدها نيدي شرکت هوايي ما در اين ماه هاي اخير يك وضعيت بحراني را مي گذراند و اگر طياره هاي ما چند ماه ديگر نيز تقريباً خالی همه جا پرواز کنند ديگر ور شکست خواهيم شد و مجبور هستيم شرکت را منحل نماييم . خلص اينکه من شما را خواستم تا در اين مورد مشوره بدهيد و بگوئيد که چه مي توانيم بکنيم تا به رقبای خود خايق آئيم ؟ آمر اعلانات گفت :

من ميدانم . بنابر آن يك فکرفوق العاده براي پخش اعلانات راجع به شرکت دارم .

مدير عمومي با عصبانيت دستش را بالای ميز زده گفت : ديگر اعلانات چا پي و داديو يی بس است . هيچ کسی آنها را نه مي خواند و نه مي شنود . ما يک فکر تازه و يك ابتکار تازه بکار داريم . يك چيزی که تا کنون قطعاً نشده باشد فهميديد ؟ آمر اعلانات فکری کرده گفت :

در اين صورت پيشنهاد مي کنم تا يك متحد المال به تمام تاجران موسسات و مديران شرکت های مختلف مملکت بفرستيم و در آن ذيلا تذکر بدهيم :

«اگر شما ميخواهيد در سفر تجارتي خود خانم تان را همراه ببريد ، آنوقت با طياره هاي ما پرواز کنيد ، ما بخانم شما يک پرواز ميد هيم تا او بتواند امتيا زات طياره مارا که در آينده شو عرش با آن پرواز می کند از نزديک مشا هده کرده و شخصاً شاهد راحتی هاي باشد که طياره ما تقديم می کند .

منسبس با شور و شعف دستا نش را بهم مالیده گفت : فوق العاده ! فوق العاده ، اين يك فکر خوبی است و فورا تائير خود را می کند .

حقيقتاً هم بعد از فر ستا دن اين مکتوب متحد المال ، تائير آن فوق اتعاده بوده و يك هجوم بی نظير بالای طياره هاي شرکت آمد . «منسبس» از خو شحالی در پيراهن نمی گنجيد . هنگام يکه لس ت اولين صد جوړه زن و شوهر مسافر راروی ميزش گذاشتند يك فکر تازه در مخيله اش پيدا شد و دستور داد تا به زنان اين صد نفر مسافر يك مکتوب صميمانه نوشته و ضمناً سوال نمايند که آيا از پرواز خوششان آمده است و سفر خوبی نموده اند ؟

دو روز بعد آن «منسبس» نودونه تيلگرام از زنان مسافرین حاصل کرد که در آن تحرير یافته بود :

«مقصد تان چيست ؟ کدام پرواز را می گوئيد ؟ بايد گفت که نو دو نه فيصد از مسافرین رفيقه هاي شانرا با خود برده بودند .



بدون شرح

مامور پر کار

زن- چرا امروز اینقدر دیر از دفتر آمدی ؟
مرد- برای اینکه رفقا یاد شان رفت موقع آمدن مرا از خواب بیدار کنند .



بدون شرح

جواب درست

ترافیک خطاب به راننده گفت :
- آقا مگر چراغ سرخ را ندیدی ؟
راننده با خونسردی جواب داد :
- چرا جناب ، چراغ سرخ را دیدم ولی شما را ندیدم .

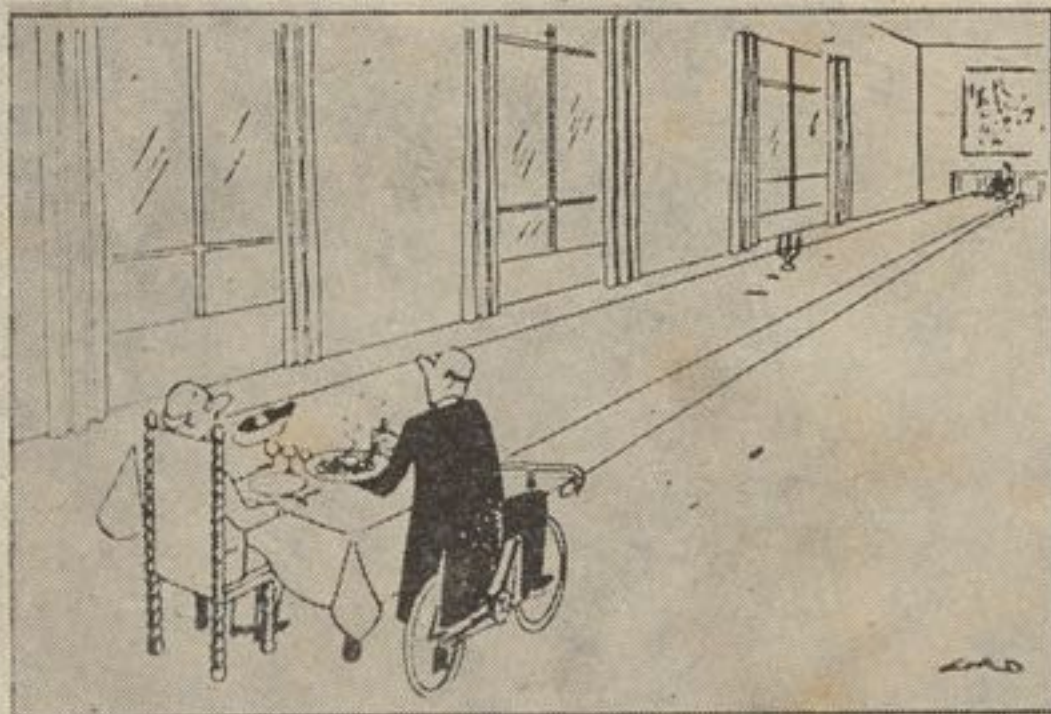
صاحب!

معلمی به شاگرد خود گفت:
- پایتخت عراق کجاست ؟
شاگرد- صاحب! لندن، نی صاحب شما نگویید
صاحب خودم میگویم صاحب صاحب برلین نی
صاحب صبر کنید صاحب میگویم ...
معلم کعبه اندازه کافی عصبانی شده بود
گفت .
اگر دیگر صاحب صاحب گفته بودی برت
نمره صفر خواهم داد .
شاگرد به چشم صاحب دیگر نمی گویم
صاحب .



دوروز در نقشه

شخصی گزاف گوئی نزد دوستان خود به
گزاف و لاف میپرداخت . میگفت :
المان رفتم سه هفته خوشگذرانی کردم
در سوئیس يك هفته بکلی سر گرم بودم که
معلوم نشد چطور این هفته گذشت در جاپان
مدت دو ماه چنین و چنان کردم
چون گفت این شخص خلاف خط لسیر طیاره
ها بود بناء دوستش گفت :
- چه میگوئی نقشه را دیده ای ؟
یکبار الافوک سخن را از ذهن دوستش فابید
و گفت :



بدون شرح

بلی ! نقشه را هم دیده ام دو روز در آنجا
به بسیار خوشی سپری نمودم .

خود تان نخورید

شخصی بسیار پسر خور و زنی با
رفقایش در خانه مهمان شد وقت صرف غذا همه
بعد از چند لحظه از سر میز طعام بلند شدند
اما وی هنوز مصروف خوردن غذا بود وهمچنان
که میخورد در جواب تعارف صاحب خانه میگفت:
خودتان بخورید ... خودتان بخورید ...
روز بعد رفقایش علت این حرف را از وی پرسیدند
او در جواب گفت :

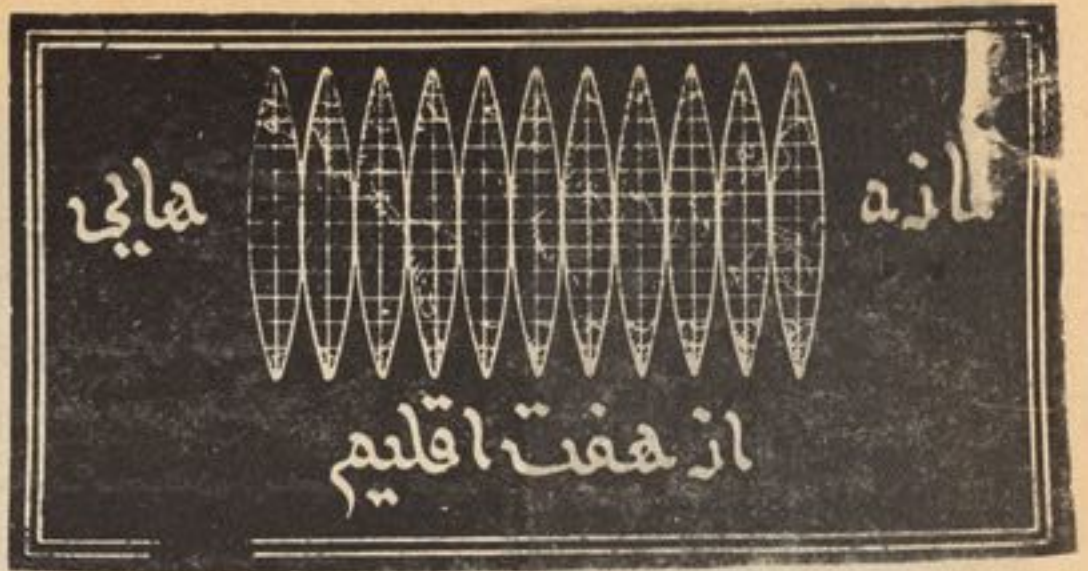
وقتی که غذا میخوردم . حتما صاحب خانه
دردل خود میگفت خاك را بخور زار را بخور
چقدر خوردی ومن هم به جوابش میگفتم خودتان
بخورید ... خود تان بخورید



برادر جان شما نباید همیشه کثافات خود را
بالای سرک بیندازید!



هر دفعه آدمک برفی ساختن بسیار کسل کننده بود این دفعه من زنک برفی ساختم .



تنظیم و ترجمه از : میرحسام الدین برومند

انکشاف سریع ساینس و تکنالوژی در ارتباط با انرژی آفتاب

مورد انرژی آفتاب از طریق معلومات های
تلگرافی ، تیلیفونی و انتقال از طریق شبکه

مطالعات کار متندان فضایی می و ساند
که انرژی مستحصله اشعه آفتاب (۵۰۰۰)
مرتبه بزرگتر از تمام انرژی های مولد
در زمین است . این منبع سرشار طوریکه

شاید و باید در تحت تسلط و بهره برداری
بیاید مشکلت امروز همین نور فرورزان
آفتابست که در بسیاری نقاط روی زمین
هسی و زندگی موجودات را تامین میکند

نقاطی در روی زمین است که آفتاب در
آنجا نمی تابد در حالیکه در صحرا های
افریقای جنوبی و آسیای مرکزی ساعات

تابش آفتاب روزانه بیشتر از ۱۲ ساعت
گزارش یافته . و این شکفت آور و تعجب
انگیز نیست که اینک بشر به کسب انرژی
آفتاب دست یافته و آنرا به انرژی برق

تبدیل مینماید و در منابع مورد استفاده
قرار میدهد . دانشمندان را عقیده براینست
که آفتاب طبیعتاً برای فیض رسانی به کائنات

بوجود آمده و تا کزیراست انرژی خود را وقف
زمین نماید . برای استفاده مطلوبتر از انرژی آفتاب
و تبدیل آن به انرژی الکتریکی متخصصین

اولیای امور پیگیرانه کار میکنند ممکنست
در آینده نزدیک کشتی های فضایی و اقمار
مخصوص بترتیبی تنظیم و عیار ساخته

شوند که خودشانرا در فضا نزدیک کره
آتشین آفتاب رسیده . انرژی را کسب
و خود بخود آنرا به انرژی الکتریکسی

تبدیل و به زمین بفرستند که اینکار
ایجاب از حساسات بسی یا نسی
را مینماید . مفکوره کسب انرژی از نزدیک

کره آفتاب و تحویل مجدد آن پس از یک
عملیه مغلق تر به زمین همزمان با اعمار
پایگاه فضایی «هوریتال» که توسط
متخصصین فضایی و ویدست گرفته شد .
ایجاد گردید . این پایگاه که به فاصله
(۳۵۸۰۰) کیلومتری زمین در فضا اعمار
گردیده و به طور مغلق در فضاء به منظور
عملیات فضایی ساخته شده فضا شنا -
سانی که با مسافرتین به فضا رفته اند ،
اخباری را در مورد چگونگی فضا ، به علاوه در

های فرستنده اقمار تلویزیونی از فواصل
بعید گزارش کرده اند . گفته شده که در هر
متر مکعب تصاویر یا فوتو گرافی ها بیکه

از فضا بسوی زمین گسیل می گردد مقدار نیم
کیلوانرژی بکار میرود که از انرژی آفتاب به انرژی
الکتریک به صورت اتوماتیک به ذریعه وسایل

تخنیکی که در فضا حرکت میکند مبدل
گردیده . مساله دیگر اینست که مقدار انرژی
که از طریق ماشین های مخصوص آنهم

در فضا به انرژی الکتریکی مبدل می گردد
ده چند کمتر از انرژی آفتابست بعباره دیگر
همینکه انرژی آفتاب به برق تبدیل

می گردد ده چند کمتر می گردد . در نظر
است (کارخانه تولید انرژی برق از
انرژی آفتاب در فضا) بتواند از فاصله
پنج کیلومتری پایگاه مزبور (۵۰۰۰) میکا-

وات انرژی برق استحصال بدارد . با تولید
انرژی برق در فضا قسمت عمده نیاز های

بفرستند در قدم اول (پیوتر کاپیزا) یکتن
از فزیکدانان اینک بدین مفکوره دست
یا فته که برای ترانسپورت انتقال انرژی برق

از کائنات میشود . پلی میان فضا و زمین
کشید اما این بستگی به کثافت هوا و غبار
و انقلابات هواست که آیا میشود این مفکوره

را در عمل پیاده کرد ؟
زیرا زمستان و تابستان و گرما و
سرما ، تولید شب و روز و غیره ممکنست

اشکالاتی را در زمینه اعمار پلی که فضا
را بزمین مرتبط سازد بار آورد . لاکن یک
مفکوره مغلق تر دیگر توسط یکتن دانشمندان

خبره طرح کرده و آن اینکه آنتن های
آخذ می تواند انرژی را بسان امواج
تلویزیونی و رادیویی ، امواج الکتریک

را کشف و در زمین ذخیره بدارد . روی این
ملحوظ یک آنتن آخذ که دارای (۱۰۰۰) متر قطر
میباشد نیز تدارک دیده شده است . هر چند

دستیابی به این پیروزی ها ظاهراً خواب
وخیال مینماید لاکن علماء خود معتقدند
که این یک فرضیه نیست بلکه واقعیتی

است که این یک ملگجته در فضا واقعیت
است که بزودی تحقق خواهد پذیرفت . در نظر
(۱۰۰۰۰) میگارات برق را خواهد داشت

و (۳۵۰۰۰) تن وزن کارخانه بشمول جنراتور
آن به (۱۰۰۰۰۰) تن بالغ خواهد گردید
رویدست گرفته شده و تداپیری حتی برای
دو تا از گرفته شده این کارخانه قراربرو -
گرام باید با وسایل خود کار در فضا
ساخته شود که بتواند خودش را در فضا
میکوشد .

بشر با وسایل تخنیکی مدرن خود برای انتقال انرژی الکتریکی از فضا بزمین سخت
میکوشد .

فضا نوردان در آینده بر آورده خواهد شد
انرژی آفتاب بوسیله شیشه های عدسی
میشود به بخار مبدل ساخته شود که

اینکار نیز توسط علمای فضا می عملی
گردیده . و همین بخار های مولده است
که توربین ها را به حرکت در می آورد ، توربین

های را که با جنراتور های برق و صل
گردیده که البته انتقال انرژی مذکور بسوی
زمین اشکالاتی را در خود دارد که مخصوصاً

غیر اقتصادی بودن این انرژی است . لاکن
مطالب ارزنده همانا چنین پیشرفت های
سر سام آور و غیر قابل باور بشر عصر

امروز است که قدرت یافتند که فضا را
تحت تسلط آورده و در فضا به کمک وسایل
تخنیکی ساخته شده بسیار ، خودش انرژی

طبیعی آفتاب را کسب و آنرا به انرژی برق
مبدل سازد که واقعا این معجزه است .
البته طرق جدیدی برای انتقال انرژی مزبور

فراهم دیده شده که برای تطبیق اشعه لایزر
وسایل مسایل مربوط به ما و راه
الطبیعت در کار است . همچنانیکه مقادیر

زیاد انرژی برقی برای اهداف بخصوص
و بگردش آوردن چیزهای صنعت از طریق
حفر کانال ها و شرابین زیر زمینی برای

کشف و انتقال نفت ، گاز و غیره صورت
میگیرد ، میشود در آینده دانشمندان فضایی
و سایر علماء به این موفقیت نیز دست یابند

که بسیار بسادگی انرژی مولده را رامسا
بزمین و یا یکی از اقمار و سیاره های دیگر
بفرستند در قدم اول (پیوتر کاپیزا) یکتن

از فزیکدانان اینک بدین مفکوره دست
یا فته که برای ترانسپورت انتقال انرژی برق
از کائنات میشود . پلی میان فضا و زمین

کشید اما این بستگی به کثافت هوا و غبار
و انقلابات هواست که آیا میشود این مفکوره
را در عمل پیاده کرد ؟

زیرا زمستان و تابستان و گرما و
سرما ، تولید شب و روز و غیره ممکنست
اشکالاتی را در زمینه اعمار پلی که فضا

را بزمین مرتبط سازد بار آورد . لاکن یک
مفکوره مغلق تر دیگر توسط یکتن دانشمندان
خبره طرح کرده و آن اینکه آنتن های

آخذ می تواند انرژی را بسان امواج
تلویزیونی و رادیویی ، امواج الکتریک
را کشف و در زمین ذخیره بدارد . روی این

ملحوظ یک آنتن آخذ که دارای (۱۰۰۰) متر قطر
میباشد نیز تدارک دیده شده است . هر چند
دستیابی به این پیروزی ها ظاهراً خواب
وخیال مینماید لاکن علماء خود معتقدند
که این یک فرضیه نیست بلکه واقعیتی
است که این یک ملگجته در فضا واقعیت
است که بزودی تحقق خواهد پذیرفت . در نظر
(۱۰۰۰۰) میگارات برق را خواهد داشت
و (۳۵۰۰۰) تن وزن کارخانه بشمول جنراتور
آن به (۱۰۰۰۰۰) تن بالغ خواهد گردید
رویدست گرفته شده و تداپیری حتی برای
دو تا از گرفته شده این کارخانه قراربرو -
گرام باید با وسایل خود کار در فضا
ساخته شود که بتواند خودش را در فضا
میکوشد .

نیالیزم و امپریالیسم مبارزه نماید تا اندازه ای که کانون بشریت کاملاً مسرات از همجوشی روش ها گردیده صلح عام و قام و یکرنگی و برابری در تمام جوامع بشری مسلط گردد. (الیو بلو ندین بین) وزیر خارجه ما را با اظهار سیاست از تلاشهای ثمر بخش اتحاد شوروی در زمینه تا مین صلح همگانی و جهانی و ریشه کن ساختن ابرتاید و راسیزم، گفت که وی برای آینده آفریقا زیاد نگرانست لکن مبارزه آشتی تا بند بر مردم آفریقا علیه راسیزم و تمامی اشکال آن روز تا روز در حال گسترش می باشد امروز آمده از کشور های جهان کسه چنین تا برابری ها و سیستم های نسیب بشریت متوجه ایشان بوده او شانرا در بند کشیده تصمیم گسسته اند علیه راسیزم پیگیرانه مجادله نموده و طریقی و میتود ها می را طرح و در دست اجرا بگیرند و قورم های جدید را برای حقوق بشر سراغ بدارند.

و ابرتاید مبارزه کرده است اشاره شده و تسریع گردیده بود که برای گسترش و انسجام یک زندگی بهتر و راهها می بسوی جوامع سوسیالیستی که آنجا هیچگونه استعمار و طبقات وجود نداشته باشد. اتحاد شوروی همیشه نقش موثر و فعالی را ایفاء داشته است. امروز حقوق دانان اتحاد شوروی با اتکاء با همکاری مردم شوروی مصممانه در جهت تساوی حقوق و قلمین صلح گام های سریع به جلو گذاشته و همیشه سعی شان بر آنست تا علیه ابرتاید، نژاد پرستی و حتی علیه بقایا و السرات کلونیالیزم و راسیزم در جهان مجادله نمایند. (آیادی ستومی) سکوتر حقوق دانان اتحاد شوروی در مورد وظایف بزرگه و سنگین حقوق دانان بخاطر تحقق یافتن دموکراسی مردم در جهان و مقابله علیه راسیزم و ابرتاید صحبت نموده و از حقوق دانان سبمگیرنده در کنفرانس خواست تا به طور آشکارا و علنی به طور مجدانه فعالیت و روی این اصل بزرگه فشار آورند که بشرناگزیر است علیه نژاد پرستی، ابرتاید کلسو-

سالیسی و تکنا لوزی بدان حد برسد که در فضا کارخانه تولید برق اعمار نماید انرژی آفتاب را به الکتریک تبدیل و یابکی از سیاره های دیگر گسیل دارد لکن از نظر پشتکار هیچ چیزی پوشیده نیست و بشر بزودی شاهد این پیروزی ها نیز خواهد بود.

لایتنای تکپدارد. این کارخانه در فاصله (۲۰۰-۳۰۰) کیلو متری زمین تو سطر انسان و انسان مصنوعی که به شکل خود کس و عیار و بداخل آن ماشین ها می فعالیت خواهد کرد وضع و تنظیم این امر را به عهده خواهد داشت، پیچیدگی و مفقونی این فعالیت بحسدیست که مشکلات باور کرد که

انزجار کتله های بشری در برابر نژاد پرستی و ابرتاید

لکد مال نموده و حتی ابتدایی ترین حقوق را با پیش گرفتن همچو روش ها سلب میدارند و آزادی ایشانرا روز تا روز قلیل میدهند (لیف زیمبر نونی) که جز سبمگیرندگان کنفرانس بود بیرامون تسایج کنفرانس جها نی علیه راسیزم و ابرتاید بحث بعمل آورده و پیاپی را از طرف حکومت اتحاد شوروی با خود همراه آورده بود در پیام در مورد اتحاد شوروی که همواره برای محور انواع تبعیض، نژاد پرستی

را سیزم و ابرتاید به منزله تنگی ترین سلوک در جهان امروز به حساب میرود که نیرو های مترقی کتله های بشریت یکی پس دیگر از آن فاصله میگیرند و بدین شلاق های وحشتناک قرن بیست و دوم آن نفرین بی پایان می فرستند یقیناً دیگر انسان پیشرو عصر کنونی درین قرن بیستم که دوران شگرفایی نهضت های مترقی در جها نیست، دیگر تحمل تضاد های طبقاتی و برتریت برنگه جلد و نژاد را ندارد. روی این اصل عمده در کنفرانس که در باکو پایتخت آذربایجان شوروی منعقد ماه سپتمبر از طرف حقوق دانان بسی از کشور ها که شمار کشور های شامله به ۳۶ کشور می رسیده، دایس گردیده بیرون بر طرفی نژاد پرستی و ابرتاید این بلای بزرگ آسایش و صلح بشریت بحث صورت گرفت. درین کنفرانس از نگاه حقوق دانان راجع به نژاد پرستی و ابرتاید در جها بحث صورت گرفته و بدی های آن بر شمرده شد. در افتتاح کنفرانس (لیف زیمبر نونی) رئیس اتحادیه حقوق دانان اتحاد شوروی و رئیس محاکم عالی آن کشور گفت: راسیزم با تمامی انواع آن و ابرتاید در بسیاری کشور های کاپیتالیستی به شکل حادثات مسلط است. این بازی مهلك باعث گردیده که بیشتر از پیش این سیستم، منفسور و ضد انسانی، میلیون ها انسانرا خاستا در آفریقای جنوبی، رودیشیا، ناسیبیا و غیره به مزلت و بد بختی سوق بدهد و رهبران سیاسی و حتی دکورین صیو- نیست اسرائیل و فلسطین غیر انسانی ترین شیوه را که بشریت از آن ننگ فراوان دارد بر خلق مذکور تحمیل نمائند و سیاست همچو کشور ها بیکه منحیت چتر راسیزم و ابرتاید در کره زمین نقش بازی میکنند. پیش از پیش نا آرامی و ظلم و ستم بر خلق ها را در جها دامن میزنند و رهوان این سیاست نه تنها حقوق انسانی را زنی پا می گذارند بلکه با حمایت خویش از رژیم هاییکه پایه های آن بر نژاد پرستی، تفرق رنگه و پوست و ابرتاید استوار میباشد، مدعی ترین حقوق بشر را



در آفریقای جنوبی سیاهپوستان هنوز از حقوق انسانی شان محروم اند.



صحنه بی از نمایشات تیاتر امروز .

چگونه تیاتر را هوش را...

را تعقیب نماید همان طوریکه در مکاتب و دانشگاه های دانش پژوهان مصروف تحقیق و مطالعه منکوره هاونظریات نوین اندو با آموزش نبوری های نو میخواهند دگرگونی های رادر ساحه زندگی بوجود آورند همین سان در تیاتر تقریبا باید صحنه انتقالی و عروجی از مدارج و پائین به مدارج عالیتر باشد در چنین تیاتر مردم عملا اندیشه های خوب رادر صحنه عمل نمایش نموده و از آن استنتاج نموده . یکی از متخصصین امور تیاتر عقیده دارد که تیاتر باید راهش رادر میان توده مردم باز نماید و کارکنان امور تیاتر باید باخواص و

خصوصیات بینندگان خویش آگاهی کافی داشته باشند در چنین صورت است که میتوانند در باید که چه اندیشه هایی را روی صحنه تیاتر به منظور تغییر سیمای روحیات مردم پیاده نمایند . کارگران و کارکنان تیاتر باید نهایت تلاش و زورندتا چنان صحنه ها را تمثیل نمایند که با پروتیب حادثات توافقی داشته و بینندگان حین تماشای صحنه خودرا از آن کاملا بطور

من و گروه من

دختر صبا حب خانه محصل بود و من برایش جوان بسیار خوش چهره را تحت نظر گرفتم . این جوان نیز با سنگ مشقت زن خود به آنجا می آمد . من با مشقت زن جوان مقبول به بازی می پر داختم به این ترتیب جوان با دختر صاحبم آشنا شد . اما از مشقت زن جوان چندان خوشم نمی آمد ، زیرا اول اینکه رنگ مو هایش مانند مو های پلنگ بود و دوم اینکه بسیار بی حیا بود و خود را نزدیک میساخت . اما من می دیدم که مالک او به دختر صاحبم نظر عمیق می انداخت و حوصله نمیکردم . حال تقریبا هر روز به خانه صاحبم می آید و همراهی ما جای مینوشد فکر میکنم درین روز ها

باهم عروسی خواهند کرد . حال کار هایم نسبتا کم شده است و وقت بیکار زیاد دارم . وقت آن رسیده تا در قسمت زندگی شخصی خود فکر کنم چوچه ها بدنیا بیاورم . آه راستی مشقت زن جوان آنقدر بی حیا نبود حتی میتوان گفت که جلب توجه میکند . بپر صورت نخواهیم دید .

اهداف عمده بدست آمد . گروه من حالا يك گروه بسیار متفوق و تسخیر شده است . همه اوامر مرا به بسیار زودی اجرا میکنند . من برای این نکته را بدون کدام مبالغه گفته میتوانم که اگر نمایش صبا حبان سنگ ها بر گزار نشود صبا حبا نم حتما مدال های طلایی را کسب میکنند .

وضع سالخورده گان در

مراقبت مجانی صحی میباشد . در ایالات متحده امریکا يك تبعه سالمند برای مصارف مراقبت صحی خویش بیشتر از میزان سال گذشته میپردازد .

دکتور رابرت پتلر از انستیتوت ملیسی سالخوردگان ، میگوید : «احتیاجات مربوط به مراقبت صحی افراد سالخورده ، ما تسد گذشته ، ارضا نا شده باقی میماند . باید گفت که از آنجاییکه هیچگونه خدمات ملی برای مراقبت صحی سالمندان وجود ندارد ، آنها با مشکلات صحی و طبی خود تا وقتی دست به گریبان باقی میمانند که به شفاخانه انتقال یابند .

یکی از سالخوردگان ، در ارتباط با مشکلات عدیده ای که افراد مسن در «طرز زندگی امریکایی» با آن مواجه اند ، چنین گفت : «سالمندان ، که تعداد ماب ۲۳ ملیون میرسد ، آفتد زیر بار سنگین زندگی روزمره خورد و خمیر شده ایم که وضع رفیقار زندگی خودرا تغییر ناپذیر وابدی تلقی مینماییم :

ماه پول کسانی احتیاج داریم تا بتوانیم آبرومندانه زندگی کنیم ، ماهه مسکین ضرورت داریم که در خانه ، در شفاخانه ، در آسایشگاه ها وغیره مورد احترام قرارگیریم وچانس حفظ حیثیت و عزت خود را داشته باشیم ! کسانی از ما که هنوز مستعد به کار اند ، به دریافت شغلی محتاج اند که از عهده انجام آن برآمده بتوانند ؛ ما ضرورت داریم که هنگام قدم زدن ، تفریح یا در خانه از احساس ترس و دلهره آزاد باشیم ! و مهمتر از همه ، ماهه مراقبت صحی وادویه مجانی محتاج هستیم ! قانون گذاران ملی ، که ماهه انتخاب آنان کمک کردیم ، از بهترین مراقبت صحی مجانی برخوردارند ، چرا ما نمی توانیم از آن بهره مند گردیم ! وهنگامیکه تمام این خواجج اساسی بشری مرفوع گردد ، ممکن دست سالخوردگان ما بتواند گامی از مزایای این کشور ، که به ساختمان و آبادی آن کمک نموده اند ، تا اندازه ای مستفید گردند .

باتا سیمس فابریکه

توسعه وی



دورنمای فابریکه قند بغلان که در پیش روی آن انبار لبلو بچشم می خورد .

مدرك بدولت قرار ذیل مفاد رسیده است :

- ۱- از درك صرفه جویی دو روزه معاشی و اضافه کاری ماهورین و کارگران و عملیاتی برقی کمپاین دو صد هزار افغانی .
- ۲- از درك صرفه جویی دو روزه زغال سنگ ، نیل دیزل ، سنگ چونه ، زغال کوكس و برق مبلغ ۲۴۷۲۰۰ افغانی .
- ۳- در سال ۱۳۵۷ (۲۰۲۰ فیصد) از ضایعات شکر دو تناله ، آب تناله چونه و میلاس (شریت لبلو که یکمقدار زیاد قند لبلو در آن بدون استفاده باقی میماند) نیز جلوگیری شد . که مقدار ۱۰۴ تن شکر از آن بدست آمده که قیمت تمام شد آن در حدود دو دو نیم ملیون افغانی می شود .
- ۴- روک تناله لبلو که مدت طولانی غیر فعال بود در سال ۱۳۵۷ دو باره فعال ساخته شد ، که نظر به ۹۸ روز کمپاین سال ۱۳۵۶ از درك فروش تناله جهت خوراک حیوانات مبلغ ۱۹۹۰۸۰ افغانی بدولت عاید گردیده است .
- ۵- از بابت کار سه جمعی کارگران و ماهورین موسسه در کاتریت ریزی ستف تعمیر سیستمی بغلان صنعتی مبلغ ۳۶۰۰۰۰ افغانی بدولت مفاد رسیده است .

همچنان ناگفته نباید گذاشت که علاوه از استهلاك لبلوی سال ۱۳۵۷ بیشتر از دو صد هزار بوجی شکر خاك مخلوط غیر قابل استفاده دولت که مربوط ریاست محترم به ملی افغان ریاست محترم انكشاف دهات و شکر چلال آباد بوده که بازر عدم توجه رژیم فستوت آل یحیی در ستك ها بخش و خاشاك مخلوط و غیر صحنی گردیده بود دو باره به فابریکه رفینری گردیده که مقدار (۱۱۰۶۷۸ کیلو شکر تصفیه شده را از قرار نرخ روز فی کیلو سی افغانی محاسبه نمائیم ازین مدرك مبلغ ۳۳۲۰۳۴۰ افغانی بدولت عاید گردیده که این هم بذات خود يك كمك بزرگ به سرمایه ملی دولت محسوب میشود .

۷- درك اجرت رفینری و تصفیه مقدار ۱۱۰۶۷۸ کیلو شکر فوق مبلغ ۵۷۲۲۰۰۰ افغانی به نفع دولت کار شد .

لهذا بصورت مجموعی کمپاین سال ۱۳۵۷ نظر به کمپاین سال ۱۳۵۶ مبلغ ۷۳۶۲۸۲۵۰۰۰ افغانی از مصارف جلو گیری و به نفع دولت کار شده است . فابریکه قند سازی بغلان این همه پیروزی ها و موفقیت ها را که نصیب مملکت عزیز گردیده مر هسون سعی و مجاهدت کار گران شریف و تجیب میداند که در راس آن حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار دارد .

بقیه ص (۱۴)

امپریالیزم و هزن

منجمله چنین گفته شده است :
«اینکه مو قف افغانستان در مورد چنین کنفرانس فوق العادهی کشور های اسلامی عین همان مو قف است که در مورد جلسه شورای امنیت و جلسه ی اضطراری مجمع عمومی اتخاذ کرد و آن اظهار اعتراض درین زمینه میا شد . زیرا بحث بر این موضوع دخالت در امور داخلی افغانستان است .»

لذا به صراحت اعلام می گردد که امپریالیزم و فدر قدم نخست امپریالیزم امریکا به همکاری و همتا می شو یوزم عظمت طلبانه ی پکن و نوکران زرخیز خویش سادات بیگین و سایر مر تجعین منطقه و جهان هر گز نخوا هند توانست خلق ما را و خلق های زحمتکش جهان منجمله مسلمانان شریف جهان را فریب دهد زیرا همه ی آنها تلخی زهر فریب و غداری امپریالیزم و مر تجعین را هنوز هم در کام خویش احساس می کند .

به پیش بسوی روشنائی ها نیکه چهره ی سیاه و واقعی دشمن اصلی اسلام یعنی امپریالیزم را آشکارتر و رسوا تر می سازد .

پیروزی از آن ما ست از آن خلق آزاده شجاع و مسلمانان افغانستان است . زنده باد انسان و احترام بقام شایع انسان . امپریالیزم هرگز دامان خون آلود بخون انسانها از جمله مسلمانان جهان را پنهان کرده نمی تواند .

تیر امپریالیزم بر خاك نا امیدی اصابت کرده است . مردم مسلمان افغانستان از دولت خوا ستی خود با همه و جود دفاع می کند و امپریالیزم امریکا ارا حیف به خطر افتادن اسلام ؟! و نجا و ز و غیره را زمره می کند . این ارا حیف ته ماله همان سرو صدا ها نیست که یکر ما ن (۱۹۱۹-۱۹۲۸) نیز از امپریالیزم انگریزی زمره شد یعنی امپریالیزم امریکایی حیت خلف امپریالیزم انگلیس تناله های این متاع بی بازار را نشخوار می کند .

خلق آزاده و مسلمانان افغانستان در شگفت اند که دستگاه های پرو پاگندی امپریالیستی ، ما تو نیستی و صیو نیستی به همکاری سادات معا مله گر راجع به کدام خطر حرف می زنند در افغانستان که کدام خطری متوجه اسلام نیست و بنا بر ضرب المثل معروف فلک و ر يك خلق ما که می گویند :

«در خاله ی عروس دهل و سرنا نواخته می شود در حالیکه در خاله ی داماد هیچ موضوعی نیست .»

و اما در برابر کنفرانس به اصطلاح ممالک اسلامی در مورد به اصطلاح واقعه افغانستان ، بحکم اراده ی خلق ما وزارت امور خارجه دولت جمهور ی دموکراتیک افغانستان مو قف دولت و خلق ما را قبلا روشن ساخته است . در اعلامیه ی

۴۹۵ مخ پاتی

دزده دریدو

الف : به یوه پاکلی وخت کی باید به یوشی او یا یوموضوع بانندی فکر وکر ونه داجی به یوه وخت کی خو مخلفو شیانو ته خیل دعاغ متوجه کرو چی بدغه عمل سره خان ته دعاغ ستربا پیدا کولو نه برسیره خیلی جاری هم به ینه توگه نشو تر سره کولای .

ب: کله چی استراحت کوو باید له بیغایه جرت وهلو خغه خان وساتو .

ج: بایدخانله داسی منظم تدریجی پروگرام جوو کرو چی و کولای شود هغی به تطبیق سره خیل پولی ستربا وی چی دور خنی کارونو به ترسره کولو سره به برخه شوی له منغه یوسو .

هدارتگه دتفریح به وخت کی دبی خایه فکر کولو خغه چی زموو دروحسی نارا میو سبب گرخی ، به کلکه ډه وکرو او بالاخره دورخی یوساعت پلی گرخیدل بیاهم دیدولو ورده خکه چی دشمار دلور یدو مخه نیسی اویدی توگه دانسان دباره آراهه اوبی ستونزی ژوند تاملتوی .

دینور گوخغه زیبا تیری ، او پدی توگه باک را رسره یوخای اطراح کیری . مگر به پدی خیلو سره نه یواخی دغه عارضه له منغه چی ، بلکی دبدن دحجر اتو خغه نور یوناشیم هم یوشی جریان ته دزده دحرکاتو دینه تنظیم به قصد داخلیری .

سینچم دتام استراحت دباره دیو پاکلی وخت :

دطلب یوهانو له ډیرو تجربو او خیرنوخغه روسته داخبره به ډاگه کری چی هغو خلکو چی به رقابتونو ، دبنشینو ، کینو او یولی روحی ستو نرو اخته دی ، دهغو خلکو به پرتله چی هغو ستو نرو خغه به امان کی دی ، دزده به ډو غیو زیات اخته کیری .

به پای کی دزده دنارو غیو خغه دحتمی خلاصه یون به خاطر دیور تینیو ټکو دبه نظر کی نیولو ډو غیو جوخت ، دلاندینو تکیو ته

سما لرنه وشي :

وشت
ندازه
داشته
تازمان
روچی
هم
بابرجا
نیم
سین
در
گیریه
اشته
کار
که از
برورت
خانه
وادی
ملی
سپترین
ما نمی
فامیکه
گردد
گاه
مان
ای

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ. اتصامیم ...

- ۲- اسد الله سرور، معاون شورای انقلاب
- ۳- سلطنا نعلی کشتمند معاون شورای انقلاب
- ۴- نور احمد نور
- ۵- برید جنرال عبدا لقادر
- ۶- دگرمن محمد اسلم وطنجار
- ۷- دگرمن گل آقا
- ۸- امتیاز حسن
- ۹- انا هیتا را تسب زاد، دو کتور
- ۱۰- ثریا
- ۱۱- جمیله پلو شه
- ۱۲- حبیب منگل، دو کتور
- ۱۳- خلیل الله، جگرن
- ۱۴- خلیل الله کوهستانی
- ۱۵- دو ست محمد، جگرن
- ۱۶- راز محمد پکتیمن، دو کتور
- ۱۷- سید اکرام پیکیر
- ۱۸- سید داود مصباح
- ۱۹- سید امیر شاه ذره، دو کتور
- ۲۰- سید طاهر شاه، پیکارگر
- ۲۱- سید محمد گلاب زوی
- ۲۲- سلیمان لایق
- ۲۳- شاه محمد دوست
- ۲۴- شیر جان مزدور یار، دگرمن
- ۲۵- صالح محمد زیری، دو کتور
- ۲۶- عبدالرشید آرین
- ۲۷- عبدالظهور رز مجو، انجنیر
- ۲۸- عبدالصمد اظهر
- ۲۹- عبدالقیوم نورزی
- ۳۰- عبدالمجید سر بلند
- ۳۱- عبدالوکیل
- ۳۲- عزیز الرحمن سعیدی
- ۳۳- غلام دستگیر پنجشیری
- ۳۴- غلام سرور پورش
- ۳۵- غلام فاروق، دو کتور
- ۳۶- فضل الرحیم مہمند
- ۳۷- فدا محمد دهنشین
- ۳۸- فیض محمد دگرمن
- ۳۹- گل آقا، دگرمن
- ۴۰- گل داد
- ۴۱- محمد ابراهیم عظیم، پوهاند
- ۴۲- محمد اسماعیل دانش، انجنیر
- ۴۳- محمد حسن بارق
- ۴۴- محمد حسن پیمان
- ۴۵- محمد خان جلالر
- ۴۶- محمد رفیع، دگرمن
- ۴۷- محمد عیان عیان
- ۴۸- محمد نبی عظیمی، دگرمن
- ۴۹- محمد هاشم، دگرمن
- ۵۰- مفتاح الدین صافی
- ۵۱- محمود بریالی
- ۵۲- نجم الدین اخگر کاویانی، انجنیر
- ۵۳- نجیب الله، دو کتور
- ۵۴- نظام الدین تهذیب
- ۵۵- نظر محمد، دگرمن
- ۵۶- نظر محمد، انجنیر
- ۵۷- نیاز محمد مہمند، دو کتور
- ۵۸- هنر غیرت

- ۲۱- فیض محمد، دگرمن
- ۲۲- گل آقا، دگرمن
- ۲۳- گل داد
- ۲۴- محمد اسلم وطنجار، دگرمن
- ۲۵- محمد اسماعیل دانش، انجنیر
- ۲۶- محمد حسن پیمان
- ۲۷- محمد رفیع، دگرمن
- ۲۸- محمد هاشم، دگرمن
- ۲۹- محمود بریالی
- ۳۰- نجم الدین اخگر کاویانی، انجنیر
- ۳۱- نجیب الله دو کتور
- ۳۲- نظام الدین تهذیب
- ۳۳- نظر محمد، دگرمن
- ۳۴- نظر محمد، انجنیر
- ۳۵- نور احمد نور
- ۳۶- نیاز محمد، دو کتور

اعضای علی البدل کمیته مرکزی

ح.د.خ. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- جمیله پلو شه
- ۲- دو ست محمد، جگرن
- ۳- سلیمان لایق
- ۴- سید امیر شاه ذره، دو کتور
- ۵- سید اکرام پیکیر
- ۶- سید طاهر شاه پیکارگر
- ۷- محمد حسن بارق
- ۸- هنر غیرت

شورای انقلابی جمهوری دمو کرا تیک افغانستان

هیات رئیسه شورای انقلابی

ج.د. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- بیک کارمل، رئیس شورای انقلابی
- ۲- اسد الله سرور، معاون شورای انقلابی
- ۳- سلطنا نعلی کشتمند معاون شورای انقلابی
- ۴- نور احمد نور
- ۵- جنرال عبدالقادر
- ۶- دگرمن محمد اسلم وطنجار
- ۷- دگرمن گل آقا

اعضای شورای انقلابی

ج.د. افغانستان

به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- بیک کارمل، رئیس شورای انقلابی جمهوری
- دمو کرا تیک افغانستان

پیشگویی...

ورتون که از نظر سیاست بسودجوی
رهنمائی شده استفاده میکند و دیگری عیانت
نظار بانک فدرالی امریکا است که در
ختم سال ۱۹۶۸ از آن درسیاست پولی
استفاده کرد.

تفسیر مجدد تیوری کینز:

کلاین که هنوز محصل فاکولته اقتصاد
یونیورسیتی کالیفورنیا بود وازان فاکولته
در ۱۹۴۲ فارغ شد به مودل سازی مسمی
پر داخت.
کلاین تیز سی دکتور رای خود را در
وقت بسیار کم یعنی در ظرف دو سال در
انستیتوت تکنالوژی ماساچوست زیر
نظریات ولسا متونیل سان تکمیل کرد
بدین وسیله تجربه تیوری کینز را که
در اثر کینز بنام تیوری عمومی استخدام،
ریچ، و پول در سال ۱۹۳۶ انتشار یافت
به عهده داشت و آنرا بصورت معادل
ریاضی در می آورد. کتاب کلاین تحت
عنوان «انقلاب کینز» که یازده سال بعد
از تحریر آن نشر شد متن درسی را در
اکثر فاکولته های آن وقت تسکبیل
میداد.

البته عالی ترین موجد مودل در سالهای
۱۹۳۰ اکانو متریک ها لیندی بنام جان
تینبرگن بود که جایزه نوبل ۱۹۶۹ را به
اثر تحقیقات در رشته اکانو متریک بدست
آورد.
کلاین اولین موجد مودل اکانو متریک
در ایالات متحده امریکا است.

اوبزودی پس از اخذ دکتورا (در آنوقت
کلاین ۲۴ سال عمر داشت) در یونیورسیتی
شیکاگو مودل ۲۰ معادله وی اقتصادایالات
متحده را ترتیب داد که در زمان بعد از
جنگ شہرت زیاد یافت.

مؤسسات حکومتی پیشگویی های
کلاین را جدی نگرفتند طوری که خودشان
اظهار میدادند.

«به آستین کپنه کسی توجه ندارد» اما
کلاین خود را واد شکسته فکر نکرد و در
سال ۱۹۵۱ که دانشمند یونیورسیتی میشیگان
بود به همراهی یکی از شاگردان که
کار دیپلوم خود را تکمیل میکرد مودل
را که از آن وقت به این طرف بنا مودل
کلاین گوئد برگریاد میشود بسوجود
آورد که بنام مودل اکانو متریک نمونه
نسل جدید شناخته شد.

پس از آنکه ازین مودل در اجرای یک
پیشگویی استفاده کرد کلاین برای چند
سال به آکسفورد رفت. سپس دو باره
به ایالات متحده برای اشغال کرسی پرو
فیسوری فاکولته تجارت یونیورسیتی
پنسلوانیا برگشت.

پروژه لینک:

از هفت سال به این طرف کلاین بر
آثار اکانو متریک معادل مختلف جهان
بهمانطور ایجاد یک مودل اکانو متریک جهانی
تحت عنوان لینک نظارت
نظارت دارد.

تجمع مودلهای منعکس کننده سیستم های مختلف
اقتصادی وظیفه دارد که مطالعات «میکا نیزم
انتقالی» را ممکن سازد. این سیستم ها
بر همدیگر موثر اند.

عناصر اساسی پروژه لینک:

(در مرا حل آخری فعالیت خود در حدود
۳۰۰۰ معادله را احتوا میکند) عبارت از
مودلهای اکانو متریک بزرگ و وسیع
برای جاپان و ۱۲ مملکت صنعتی غربی و
چهار مودل کوچک منطوقی برای ممالک
رو به انکشاف است.

پروژه لینک ضروریات وارداتی هر
مملکتی را مد نظر دارد و مبلغ معینی را
برای صادرات اموال به ممالک دیگر
یا حوزه های دیگر مطابق به نمونه های
موجود تخصیص میدهد.

مجموع تقاضاهائی که برای تولیدات
یک مملکت موجود است صادرات آن
مملکت را معین میسازد بنابراین به مقیاس
چهارم از روش صادرات با یکدیگر
از روش واردات باشد.

البته ابراز این حقیقت سبب تعجب خواهد
شد که معادلاتی که قدرت صادراتی
هر مملکت را بصورت جداگانه نشان
میدهد قوسی صعودی را می پیماید در
حالیکه معادلات بیان کننده احتیاج واردات
این ممالک قوس نزولی دارند.

تعداد آنهائی که به پیشگویی عسای
پروژه لینک ضرورت دارند زیاد است.

در دسامبر ۱۹۷۳ دیپارتمنت مالیه ایالات
متحده امریکا از کلاین خواست کرد
تا مودلی را جهت تحلیل فوری اندازه تاثیر

ذخایر پترول جهان بر اقتصاد هر یک
از ممالک بدست آنها بگذارد. مطابق
به پیشگویی لینک محدود ساختن ذخایر
پترول به تدریج باعث رشد اقتصادی را
کم میسازد.

اولین پیشگویی که به اساس پروژ
لینک (در اخیر سال ۱۹۷۴ منتشر شده
است)

عملی شد پیشبینی شده بود که در رشد
تولیدات ملی تمام ممالک جهان در سال
۱۹۷۵ حد اقل ۴ فیصد خواهد بود و در
سال ۱۹۷۶ در حدود ۶ فیصد و ضریب
انفلاسیون که در ۱۹۷۴ در حدود ۱۰ فیصد
بود در ۱۹۷۵ به ۷ فیصد و در ۱۹۷۶ به ۶
فیصد تنزیل کرد.

آثاری که بر پروژه لینک نوشته شده
بود زمینه خوبی را برای صادرات عالی
کلاین مساعد می دانید که به این ترتیب
هر شش ماه بعد به یکی از ممالک جهان
به ملاقاتهای بین المللی پرداخت که
مباحثات و مناقشات بر مودل فوق صورت
گرفت.

کلاین در ابتدا گمان می برد که این
مودل آنقدر بزرگ نخواهد شد و لی بر
عکس در این مودل پیش از ۸۰ معادله بکار
برده شد و دایما رو به ازدیاد است.

مطابق به پرستیز و شهرت تجارنی
که مودل اکانو متریک دارد لذا اندکترین
شکی در برتری آن بر میتودهای تاکتیکی
پیشگویی وجود ندارد.

پیشگویی که از اقتصاد ایالات متحده
در سال ۱۹۷۴ به اساس مودل اکانو متریک
تنظیم شده بود کمترین برتری ندارد و
هیچ وسیله وجود ندارد که بر نری آنرا
بر حدس های آتیه بینان که پیشگویی
شان بر مشاهدات شخصی استوار است ثابت

ساخت
البته کلاین به این ناگامی های خود
چندان ارضیا نیست. به نظر
کلاین هدف واقعی از تحقیقات مطالعات
پیشگویی کردن بهتر نیست بلکه تحلیل
ساختن سیستم ها است. با تداک
اینکه احصایه ها دقیق نیست میگوید:
اندازه تولیدات عمومی ملی را به دقت

ناچاییکه ممکن بود سنجیدیم.
چون از مودل مذکور در سکتور انفرادی
و سکتور دولتی استفاده میشود. این
کارها موجب شده تا تمام مودلها
را که قبلا در باره ان بصورت عمومی بحث
و مناقشه شده احتوا نماید.

با آنهم عجیب معلوم میشود که مطالعات
دقیق و ساختن سیستم ها موجب
پیشگویی بهتر نگردد. بصورت عمومی
چنین تصور میشود که شناخت بهتر شخصی
تیوری سیاست مملکت باید به قسم
یک پیشگویی با نتیجه ظاهر شود.

کمبود این نوع اتصال از عدم کلیت
تفاهم عمیق بین عناصر مشکله تعاملات
اقتصادی نمایندگان می کند. میتوان به
موضوع از نگاه خوشبینی دید. حتی
ضروری نیست که نسل آینده از نو بسند
پیشگویی اکانو متریک از نیمه سال
هشتم قرن بیستم منحیث یک مبتکر و
دانشمند عالی و روشنفکر یاد کند یا
اینکه مودلهای بزرگ و اصلاح شده در
آینده پیشگویی های واقعی تر را انجام
خواهد داد.

سختگیری های که امروز از طرف نویسندگان
بر اکانو متریک میست هائی که میخواهند
انکشاف اقتصادی را پیشگویی کنند وارد
میشود تا دقیق باشند آنها را و امید اردنا
بیشتر از متو ده های غنغونی استفاده کنند.



عده ای از زلدا نیان سیاسی که از طرفدار و دستة جنایتکار امین در زندان بلخجر محکوم به حبس بودند.

متن بیانیه ملی و تاریخی ...

صلح ، دوستی خدشه ناپذیر برادرانه خود را و خلج سلاح عام و تام از حقوق بشر و جنبش که منظر اراده استقلال طلبانه و وطن پرستانه مردم افغانستان ، طی شصت سال بعد از استقلال کشور بوده است و اکنون بیک اصل اساسی ستن شایسته و غنچه عالی ملی مابدیسل گردیده است با صداقت مطلق که ناشی از خصلت افغانی ، ملی و مترقی ماست در سطح عالیت و به طراز نوین و در تمام ابعاد گسترش میدهد .

دولت افغانستان در حالیکه انقلاب ملی و اسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی توده های عظیم خلفای برادر ایران را شادباش میگوید ، ابتکار نزدیکی و تحکیم دوستی میان دو کشور دوست راکه رشته های مشترک تاریخی بهم بسته دارند و در ماهیت امر کوچکترین اختلافی در بین نیست در دست خواهد گرفت .

ملل افغانستان و پاکستان با هم رشته های جدا ناپذیر برادری دارند . دولت افغانستان از طریق مذاکرات دوستانه با زمامداران مسوول پاکستان ، در راه رفع هرگونه اختلافات و سوء تفاهات ، صادقانه و برادرانه سعی و تلاش خواهد کرد .

از آنجاییکه مردم صحجوی افغانستان سیاست شالوده قدرت اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ناشی از مردم بوده و به مردم تعلق دارد و قدرت سیاسی آنرا بر اساس قانون اساسی تطبیقی و انسانی دموکراتیک و مترقی کشور که در زود ترین زمان ممکن تدوین خواهد گردید ، جرگه های نمایندگان گان مردم یعنی شورا های ملی و محلی تشکیل خواهد داد .

انتخاب اعضای جرگه نمایندگان گان مردم ، بر اساس حق انتخاب عمومی مساوی مستقیم ، آزاد و رای مخفی اعمال میگردد .

جمهوری دموکراتیک افغانستان از لحاظ سازمان دولتی بر پایه تساوی حقوق و اتحاد آزاد و داوطلبانه تمام ملیتها ، اقوام برادر که در وطن واحد و مشترک افغانستان ساکن اند ، بصورت جمهوری متحده افغانستان تاسیس خواهد گردید .

بصراحت و عزم راسخ و تزلزل ناپذیر اعلام میگردد که هدف نهایی مامور هر گونه استثمار فرد از فرد ، سرکوبی امان مقاومت مرتجعان ، ستمگران و استثمار گران ، استقرار جامعه

شالوده قدرت اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ناشی از مردم بوده و به مردم تعلق دارد

جنگ طلبانه و توسعه طلبانه ، مداخله جویانه و تحریک آمیز راهبرود اعلام میدارد ، از لحاظ بر تسیب ، این حق و اراده خود مردمان برادر پستون و بلوچ ماست که نسبت به سرنوشت و خوشبختی خود تصمیم میگیرند .

رشته های مستحکم ، سرنوشت مشترک و روابط دوستانه ، و برادرانه مردم ، افغانستان با خلج صلح دوست هند ، در اعماق تاریخ منطقه ماریشه های پر توان دارد لذا تاکید میگردد که توسعه و تحکیم بیشتر روابط افغان و هند یکی از عوامل جدی ثبات صلح و امنیت در منطقه بشمار میرود .

مردم افغانستان آرزو مند دوستی بسی شایبه با جمهوری توده ای چین یکی دیگر از کشور های همجوار ما میباشد .

جمهوری دموکراتیک افغانستان در حالیکه بر مبنای اصل صلح و دوستی ملل در روابط با تمام کشور های جهان دست نجیبانه و صافی صلح دوستی دراز میکند ، با کشور های غیر

نوین و مترقی در افغانستان است . هموطنان عزیز! معلوم است که طی ده سال تاکنون ، از دولت های جابر و بی کفایت افغانستان از زمامداران کاذب دودمان نادریها و امینی ها ، حرفهای عوامفریبانه و وعده های دروغین فراوان شنیده اید ولی بگذار با تواضع اعلام بداریم که «عمل ملاک حقیقت است» پس آنچه ما میگوییم ، در عمل زندگی تجربه کنید . ما بدین گفته شرافتمندانه و انسانی ، اعتقاد راسخ داریم که «در حقیقت آن سیاست مدارو زمامدار دولتی ، خوشبخت و سعادت مند است که همیشه بتواند چیزی بگوید که واقعا درباره آن میاند یشد چیزی را انجام میدهد ، که حقیقتا آنرا لازم و ضروری مینداند ، و برای هدفی کار و بیکار میکند که واقعا بدان معتقد است» .

سر بازان ، مردم زحمتکش و استثمار شونده افغانستان کارگران ، دهقانان ، محصلان جوانان

ترجمه : حفیظ الله عمادی

چگونه تغییرات در وضع جوی ایجاد میگردد

تاریخه های اواخر قرن بیستم تغییرات و تحولات وضع جوی و اقلیم کاملا از حیثه فعالیت اقتصادی آدمیزاد مستقل تصور میشد ناگهان تغییرات و تحولات سریع در املوب چنین تفکر بوجود آمد . اختراقات انواع مختلف گاز کاربن دای اوکساید در فضا با غلظت تغییرات وضع جوی در کره ارض می گردد . محققین و دانشمندان در کشور های مختلف جهان پیوسته تلاش می ورزند تا تاثیر مقدار گاز های کاربن دای اوکساید را در فعالیت های اجتماعی - اقتصادی آدمیزاد وهم چنان در سطوح مختلف کسره ارض دریابند . چنین به نظر می رسد در صورتیکه حجم این گازات اضافه گردد حرارت وسطی قسمت های پایین اتموسفر نیز تاسه درجه ازدیاد می یابد چنین آزمایشات کمک میکند که تغییرات وضع جوی را در روی کره ارض

روشنفکران و ماموران ! در هر جایکه هستید ، در بار کهای نظامی و سنگر های جهاد ملی ، در شهر ها و دهات در کارگاهها و مدارس ، در اداره ها و مشاغل آزاد ، در کوهها و دره ها ، در دشتها و غزدها ، در جاده ها و بازار ها آگاه باشید ! که دشمنان ملی و طبقاتی شما ،

میخواهند شما را بخاک و خون بکشند شمارا مختنق سازند ، حقوق و آزادیهای شما را پایمال نمایند و انقلاب رهایی بخش شما را سرکوب کنند . پس وظیفه مقدس شماست ، که دوش بدوش تحت شعار های (آزادی برای مردم کار برای بیکاران ! زمین برای دهقانان!) از جمهوری دموکراتیک تان ، از انقلاب رهایی بخش تان ، از دعات علاقه داری و شسیر های تان ، از شرف و ناموس وطن تان ، در مقابل دشمنان مرتجع و خرابکار در مقابل بقایای ارتجاع سلطنتی ، و جاگران انگشت شمار حفیظ الله امین این فاشیست سفاک و حیوان صفت فدا کارانه و متحذانه دفاع نمایند .

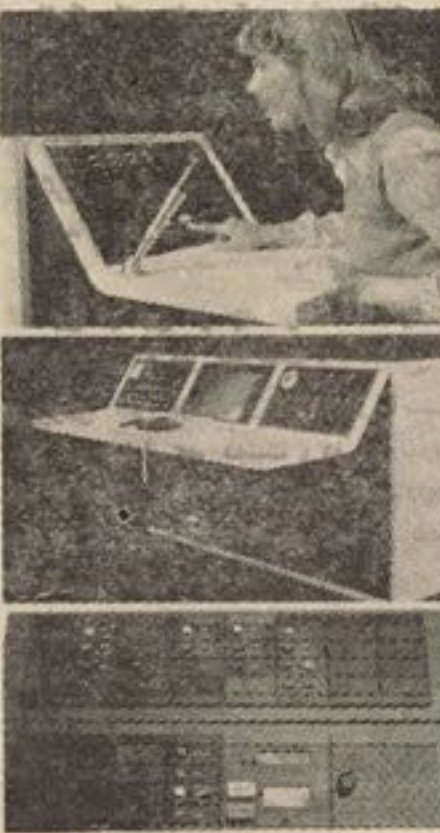
روحانیون و تندو ست ملیون کشور ، دموکراتها آزادیخواهان ، تحول طلبان ترفیخواهان و طنبر ستان ، جوانان ، روشنفکران خلقی های اصیل و حقیقی ، بیستازان طبقه کارگر و زحمتکشان افغانستان ! همه تحت پرچم صلح و آزادی ، استقلال و بیطرفی دموکراسی و ترقی برابری و برادری ، عدالت اقتصادی و اجتماعی در یک جبهه وسیع پدر وطن واحد مان ، افغانستان سر بلند و پرافتخار متحد شوید! و برای یک لحظه به شیدان ، به امینی ها ، به باندهای ارتجاع سیاه و سیاه به دشمنان داخلی و خارجی فرصت ندهید .

مبارزه ما مبارزه مشروع عادلانه و حقیقتا انقلابی است . اتحاد و وحدت ماضمان بیروزیست جمهوری دموکراتیک افغانستان بار و یساور و فادار مردم غلب دیده افغانستان است .

دوستان و رفقای جانباز! به پیش ، چون فولاد آبدیده ، فشرده و همبسته با هم ، به پیش ! دوستان و رفقا ! با تواضع و فروتنی انقلابی همه در راه شهیدان قهرمان ما ، در راه انقلاب در راه خدمت به خلق و وطن ، در راه آرمانهای والای زحمتکشان افغانستان به پیش !

بر افرشته باد درفش پر افتخار افغانستان متحد و ، مترقی ، آزاد و مستقل !

زنده باد مردم زحمتکش و قهرمان افغانستان زنده و پیروز باد مرحله نوین انقلاب کبیرتورا پیروزی نهایی از آن زحمتکشان افغانستان است !



لابراتوار های هواشناسی - بالات مودرن نخبیکی مجهز است -

به تحقیق دریافت نموده بتوانند . طبق احصایه و ارقام موجود گفته می شود که یخهای قطب شمال درجه حرارت قسمت های وسطی قطب را پنج درجه در تا پسان بیست درجه در زمستان کاهش می بخشد . وضعیت یخها نیز وابسته به شعاع آفتاب است که چگونه در فصول مختلف سال مستقیما انعکاس می یابد .

دانشمندان عقیده دارند که یخهای قطب شمال در صورتیکه درجه اتمو سفیر به دو درجه ازدیاد یابد ذوب میگردد و بنا بر همین احصایه و ارقام دست دانسته گفته می شود در سال های دو هزار کلبه یخهای قطبی در سال دوهزار و بیست و پنج ذوب خواهد شد ..

د آهنگو نو د جوړولو پیاوړی شخصیت واسیلی سلویوف

ورید ه او ور ته سلا کړې چې دمو سیکسی دتختیکم دآهنگ جوړولو په رشته کې باید زده کړه و کړی واسیلی دا خبره ومنله او از موینه یې په بریا لیتو بمره ورکړ.

په ۱۹۳۶ کال کې خپله زده کړه پای ته ورساوه او وروسته دسلفونو لې اړکشر وتو با ل ت ، او پرا او دفیلمو نو لپاره یې موسیقی لیکل . واسیلی پخپله او یسی دهغه وخت چې د خپل آهنگونو د جوړولو

فعالیت یې پیل کړ داسې آهنگو ته یې جوړکړ چې په نورو کتسر تونو کې اوریدل کیده مگر تر څو هغه پراوڼه نه وه رسیدلې چې خلک یې دملی سندری په شان زده کړی په ۱۹۴۱ کال کې د فسا شیمشا نو سره د شو روی دخلکو جگړه پیل شو . واسیلی او دلیننگراد ټول آهنگ لیکونکي هم خپل ونډه دجگړې شاته مخکې وړل دلیننگراد محاصره په وخت کې واسیلی دچلیا بیک بنا رته ولاړ او دهغه ځای څخه لار کتسر سره دجگړې چېسې ته تلل او هلته یې دمسکر او بار تیزانا نو لپاره کتسر تونو ور کول .

دجنگ دتفا میدو نه وروسته واسیلی سلویوف دپرو شا عراو سره همکار ی کوله او هغوی ته آهنگو نه جوړول واسیلی سلویوف وایي : « کله چې درانیو له څپو نه دمسکو دشا و خسواد ماینامونو» سندره اورم ما ته د هغه تاریخچه را په یا دیری ځکه چې لو مری دآهنگ دپو مستند فلم لپاره په ۱۹۵۶ کال کې لیکل شوی و ه کله چې دران یو نه څو ځلې خبره شوه ډیر ویاړلې نوم یسی وگاڼه او اوس ټول خلک دملی سندری په نامه بولي .

د واسیلی سلویوف په عقیده د آهنگ جوړولو تکر او نورو کسا نو تر منځ هېڅ کوم توپیر نشته ، دی وایي : « ما نه ډیری پو یستی کیری دهغوی دپو یستو نه دا احسا س کیری چې گویا د آهنگ جوړه ونکو او نور و تر منځ توپیر باید موجود وی او د هغوی پو یستی گرافي دنورو سره با یسد یو شان نه وی . مگر پیاوړی اکا د میسن او فر یولو جست پاو لوف ویل چې دآهنگ جوړونکو او نورو تر منځ هېڅ تنا و ت موجود ندی . مگر یو شی دی چې آهنگ جوړونکی د نورو څخه جلا کوی او هغه داچې آهنگ جوړو نکی دکار په وخت کې

یوازی وی هېڅ څوک ورسره مرسته نه کوی یوازی کو لای شی چې خپل نظریات ورته ووايي . مگر دامسلك بله خوا هم لری او هغه دا چې که داسې آهنگ جوړشو چې دخلکو خویش شی هغه وخت به په ملیونو خلک در سره وی او دا هغه وخت دی چې ته یوازی نه یی .

د (مسکو د شا و خوا د ما بنا مو نو سندره) چه اوس د شوروی اتحاد د موسیقی که به می څه ورته وویل خواب به یی دسمبول په نامه سره یادیر ی په خلکو کې د ملی سندری شهرت یې گټلی . مگر ددی سندری مو لف دشو روی اتحاد پیاوړی آهنگ جوړونکی واسیلی سلویوف سیدوی دی .

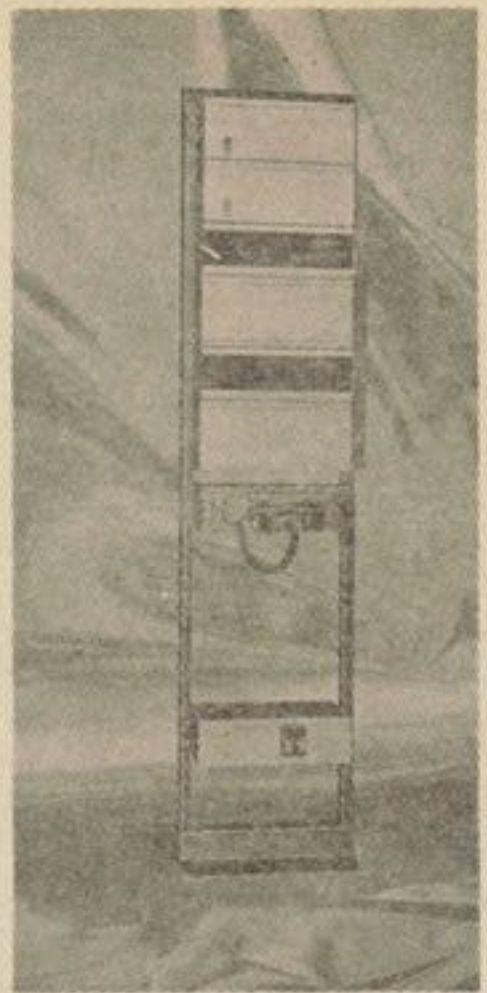
دا سړی دروسی ډیر بورگک په شمار کړی چې او س د لیننگراد په نامه سره یادیر ی زین ید لی دی .

پلار یې له کلي نه بنا رته دیو مری ډوډی دلای ته راوړلو له پاره راغی او په یسو ځای کې د کور و نو د پا کو لو څخه خپل دتیمگری ژوند اړتیا وی یې پوره کول کور یی د پنځو کسو یعنی پلار ، مور او دروکو- چلیا نو څخه جوړه شوی وه . دمو سیکسی سره د کو چلیو ا لی څخه یی زیا ته بلا قه در لوده . پلار یې په ډیر زیار سره گیتار ورته تر لاس کړ چې په هغه کې واسیلی په ډیر شوق د خپل گیتار سره دهغه وخت سندری ویل . په ښو نڅی کې د شو را سا نو د دولت په وخت کې شا مسل شو د شو روی حکومت په ټینگیډو سره ددوی ژوند هم ښه شو . دی په هغه ښوونځی کې درس ویل چې پخوا هلته خلک د یسو په بدل خپل هلکان یی په ښو و نڅی کې دا خلول . ټول هلکان او ددوی په منځ کې واسیلی هم دا ما توری دهنر سره یی ډیره مینه درلوده . ښو نڅی دمو سیکسی ستوری په هغه وخت کې واسیلی ملگری الکساندر باریسوف وو . هغه به سندری ویل او واسیلی دهغه سره ملگر تیا کول الکساندر باریسوف څو موده وروسته دسینما او تیا تر پیاوړی لو بغای شو او واسیلی دآهنگونو جوړونکی .

ډومی واسیلی غوښتل چې دپیریو د جوړولو انجنیر شی مگر د هغه دکا لکور به از مو ینه کې بریالی نشو .

پدی وخت کې واسیلی سلویوف دډیرو کور نیو ستو نرو سره مخامخ شو او مجبوره وه چې خپله کار و کړی او دټول د ژوند او تیا وی برابر کړی ځکه چې مو ر یی مړه شو ه او پلاری ډیر سخت ناروغ شو په او لوو وختو نو کې واسیلی دپیا نو په واسطه دفلمو نو ملگر تیا یی کول . دی په خپله وایي : «ډومی دا کار زما دو مړه ښو و نکی نه ښکاریده اما وروسته ناڅته شوه چې دا کار د آهنگو نو د جوړولو مړی فرسونه یی راته را کړ .

وختو نه تیر بدل او واسیلی نشو کو لای چې خپله اصلی لاره و پا کی مگر یو ه خبره ور ته ښکاره او څر گنده وه چې باید لو ست زده کړی نو دا چې د څه شی لو ست ورو سته بریکړ ه ورسره نه ورځو چې یوه ور ځ دمو سیکسی دښوونځی یوزی زد کو نکی دهغه آهنگو نه یی وا



آلات بررسی وضع جغرافیایی و اقلیمی جدید می سازد .

دانشمندان در مورد این که این همه تغییرات ناگهانی که در اوضاع جوی بوجود می آید چه تأثیرات را در امر رشد فعالیت های اقتصادی خواهد داشت کاهلایمهم و بیچید تصور نموده اینقدر میگویند که درجه حرما و شدت آن در امر رطوبت در روی زمین زیاد خواهد بود مناطق یخچالی منقبض شده به تدریج مناطق یخبندان ذوب خواهند شد ، بنابراین مناطق طبیعی دچار شکستگی های خواهد شد که به تدریج در امر فعالیت های اقتصادی زیان وارد خواهد نمود .

اما این امر مشکل به نظرمی رسد و آن عبارت ازین است که چگونه درجه حرارت تأثیر در سطح ابحار جهانی وارد خواهد نمود اما دانشمندان عقیده دارند که تنها ذوب شدن یخچال ها (در صورتیکه یخبندان های مناطق گرم نند ، وسایر مناطق قطبی ذوب نشوند) به تنهایی تأثیر در سطح جهانی ابحار نخواهند داشت .

عده دیگر از دانشمندان عقیده دارند که مناطق یخ بسته قطب شمال به تدریج در طول همین دهه های آخر ذوب نشده و سطح ابحار رابه تدریج تا حدود پنج متر بالا خواهد برد . این حقیقت است که تعداد زیاد دانشمندان به آن ایمان داشته و میگویند که تغییرات عیسق در وضع اقلیمی در جهان بوجود خواهد آمد .

در سال ۱۹۷۷ مقال بنام انرژی و اوضاع جوی در ایالات متحده به نشر رسید که درین مقاله گفته شده بود ازدیاد گازات کاربن-دای اکساید به ازدیاد درجه حرارت دروضع جوی تأثیر زیاد داشته و اظهار داشته که در اواخر قرن بیست و یکم تأثیرات آن درجهان کاملاً مشهود خواهد بود متخصصین عقیده دارند برای اینکه جلو چنین معضله گرفته شود لازم دیده میشود تا از موسسات که بر اساس احتراق فوسیل وقت استوارند تا حد لازم جلو گیری شدمودر عوض از برق وسایر اشکال انرژی استفاده بعمل آید .

در صورتیکه در چه حرارت مناطقی قطبی ازدیاد یابد گفته میشود که گرمی و حرارت در نقاط مختلف خطوط طول البلد و عرض البلد نیز همگون نخواهد بود . در صورتیکه در طول سالهای دو هزارو بیست و پنج درجه حد وسطی در نیم کره شمالی در ارتساع بلندتری به ۳-۲- درجه ازدیاد یابد بنابراین درجه حرارت در زمان تابستان به ۱۰-۷+ درجه سانتی گرید ازدیاد خواهد یافت و این رقم در زمستان به ۱۰- درجه سانتی گرید خواهد بود که این تغییرات تأثیرات عجیب در فعالیت اجتماعی - اقتصادی آدمیزاد در روی زمین وارد خواهد نمود .

اکنون این سوال طرح میشود که چگونه ذوب یخچال ها در طول قرن بیست و بیست و یکم صورت خواهد گرفت اما اینقدر گفته میشود که در ابتدا ذوب یخچال به تدریج صورت گرفته و بعد ۵ این مساله سریع تر خواهد شد .

در صورت که اگر شدت گرما و ذوب شدن آن منکی به حجم گاز های کاربونی خصوصاً کاربن دای اوکساید باشد پروسه ذوب یخچال ها نیز بطی خواهد بود .

دانشمندان عقیده دارند که تغییرات عمیق و کیفی در سالهای بعدی در وضع جوی رخ خواهد داد ، گرمی هوا منجر به تخییر شده و این امر باعث باریدن باران در روی زمین میگردد و گفته میشود که ازدیاد گازات کاربونی که منجمله گاز کاربن دای اوکساید در تخییر هوا و باریدن باران تأثیر مثبت و زیاد خواهد داشت .

متخصصین عقیده دارند که در صورت که پروسه ازدیاد حرارت سریعتر پیموده شود درجه حرارت در ارتفاعات بلند تر نسبت به ارتفاعات پست و پایین به مراتب زیاد خواهد بود . هم چنان عده برای نظر اند که اختلاف درجه حرارت در ارتفاعات پایین و بلند نیز تأحدی زیادی کاهش خواهد یافت .

درین جا این حقیقت را نیز باید ناگفته نگذاریم که در وحله های نخستین ازدیاد درجه حرارت مناطق که دارای اقلیم و رطوبت متغییرند و این مناطق مانند مناطق آسیای مرکزی - امریکای شمالی به خشکالی های بی مانند روبرو خواهند شد که ایس مصیبت ها ناگزیر به مناطق دیگر نیز سرایت خواهد کرد .

پیشگویی ها در مورد تغییرات وضع جوی مربوط به جمع آوری ارقام و احصایه ها است که به اساس تجارب عینی بدست آمده و پایه شناخت و قدرت پیش بینی آدمیزاد را تشکیل میدهد و بنابراین گفته این حقیقت که آینده عصر بدون یخ چگونه خواهد بود کاری است تا حدودی مشکل زیرا جهان پیوسته در حالت تغییر و تکامل قرار دارد .

دانشمندان اقلیم شناسی معتقدند که تغییرات وضع جوی دوران های ماقبل تاریخ از امروز همانا ازدیاد گازات کسار بونیک و کاربن دای اوکساید است چنانچه در گذشته و در دوران های نورو باستانی درجه حرارت در نیم کره شمالی سه تا چهار درجه از درجه حرارت امروزی زیاد تر بوده است که درجه پروت در آن زمانه ها از منفی پنج درجه پایین نبوده است که این رقم بزرگترین رقم را نسبت به درجه حرارت امروزی وانمود شماره ۳۹-۴۶



جواب به نامه ها کسما

همکاران عزیز سلام!

به امید سلامتی و صحتمندی شما می پردازیم بجواب نامه ها ، ولی دعا بدارید که جوابی بی پوهاند محمدفاضل ، تمام صفحه را بگیرد و حدیث حکایت ما و شما بجایش نماند ... بهر حال صفحه دیگری را نیز به جواب نامه ها اختصاص دادیم که آرزو میبریم در پایان ، به جواب نامه های شما پردازیم .. در غیر دست ما کوتاه دست شما برنخیزد!

به مجله محترم وزین وخواندنی ژولنون بجواب نامه بنیغلی عبدالمجید «ایشچی» منشی کمیته ولایتی و مدیر تعلیم و تربیه بامیان که در صفحه جواب به نامه ها در شماره ۲۸ مجله بچاپ رسیده است یادداشت ذیل را تقدیم میدارم . برای فهم بهتر موضوع یادداشت متذکره را به حصه تقسیم مینمایم :

- ۱- تمجید از عقیده راسخ انتقاد کننده .
- ۲- مقام علما در جهان و شخصیت بین المللی آنها .

۳- تحلیل تعریف روان شناسی و آلتاریک بر اساس آن انتقاد وارد شده است .

قبل از آنکه داخل اصل موضوع شوم بطور مقدمه باید تذکر دهم که سپاس گزارم نویسنده و انتقاد کننده محترم از مقام ارجمند استادی و معلمی به احترام یاد آور شده است و اسم مرا به اعزاز و اکرام یاد کرده است . ما از جوانان و فارغ التحصیلان معارف و پوهنتون ها همین توقع را داریم چه معلم و استاد است که

همچو تحرك ، تشبیه و ابتکار را بار آورد . از آنجا که انتقاد کننده محترم موضوع را به راجع مربوط ارسال کرده بسودند من هم با شعبه روان شناسی اکادمی تربیه معلم بتماس آمده بشوره آنها این جواب را تهیه دیده ام که در آن افکار متخصصان روان شناسی و تعلیم و تربیه شوروی و فارغ التحصیلان آن دیار شامل است .

۱- بر حسب پلان مطروحه ، نخست از عقیده راسخ انتقاد کننده محترم تمجید می کنیم . آنچه به نظر و احساس بر شور او تضاد باشد و حتی اگر بوی ضد است از آن شنیده شود باید عکس العمل از خود ابراز دارد اما دقت و نامسل آمیخته ،

چه زبان زد دیرینه ملی و تلافی ماست که صد بار بپندیش یکبار بینداز ، من ازین احسانات گرم و پر شور این جوان بحیث یک معلمیکه او و امثال او را چنان ببار آورده است بر خود میبالم . چه او و امثال او که با همچو ابتکار و نوآوری بار آمده اند محصول فکر من و امثال من هستند اما یککاش تا در قضا و ثباً و حکم ها عجله نکنند و شخصیت ها را بشناسند و بعد از آن تصمیم بگیرند که چه کنند ایککاش

تا این جوان هم مسلک من بصورت مستقیم در صنف سمت شاگردی مرا میداشتند تا خوبتر همدیگر را می شناختیم و به نظریات هم آشنا می بودیم آنگاه خود را به نوشتن این سوال و جواب زحمت نمیدادیم چه من خود را در تبارز تحولات مثبت شریک میدانم و افتخار سمت یکی از منشیان اتحادیه محصلان پوهنتون کابل رادروقت بیدادگری سلطنتی داشتم . از آنجا که عقیده راسخ هر چه باشد نزد من مقام ارجمند و خاصی دارد بران احترام می گذارم و آترا می ستایم .

۲- همچنان باید متذکر شد که در پهلوی عقیده محکم و راسخ حوصله جهان بینی علمی و حتی گاه حوصله شنیدن تضاد هارا جوان مبارز و حزبی داشته باشد . اسبق نظر و سبب و تحمل شنیدن نظریات ازهر قبیلیکه باشد کلید موفقیت را بدست نسل جوان میدهد .

عده کثیری از علما و نوایغ جز ازین ابتکار و تعمیم علم دیگر چه هدفی خواهند داشت . واقعا آنها زمینه های تنویر اذهان عامه و وسعت نظر ذهنیت های مثبت و مطلوب و آسایش خلق خدا را فراهم می آورند و برای علم در خدمت خلق و پیاده کردن آن در عمل و بیپود حیات کاله مردم مبارزه و مجادله می کنند . ما باید در پی آن نرویم که کی و از کدام سر زمین گفته است بلکه به بینیم که چه گفته است .

از آنجا است که پیشوای کارگران جهان می گوید آنکه کار می کند اشتباه می کند پس میتوان گفت که هر کار و عملی صد در صد درست نیست از آنجا است که علما در صدد جستجوی حقایق در هر کجای که باشند در تلاش و تپش اند و باهم روابط معنوی دارند .

و منحصر بیک سر زمین و احد ابداع و ابتکار آنها باقی نمی ماند بنابراین آنها شخصیت بین المللی دارند .

بر علاوه باید متذکر شد که عده زیادی از پیشوایان ، نویسندگان و علمای جهان مترقی محصول و هو لو د تضاد های محیط های امپریالیستی و بورژوازی اند . اگر از هر یک از آنها نام بگیریم و به شرح حیات هر کدام پردازیم سخن بدرزا می کشد و باید رساله یی نوشت . اما این

امر یک حقیقت انکار ناپذیر است که مثال های مشهود و مخصوص آن در سایر ممالک خورد و بزرگک دیده می شود .

غرض از تذکر این مدعا نفی عقیده ایست که محیط به تنهایی خود انسان مبتکر فعال ، متحرک و متشبث را تسبب اقتضا آت خود می سازد بلکه برای اثبات آن است که عنصر استعداد ذاتی و بیسوغ انسان هم نقش بزرگی را در تحقق شخصیت شخص و تحول محیطش دارد که نمی توان ازین حقیقت مبرم انکار کرد و انسان را چون بسرد گمان درین عصر آزادی

محض تسبب محیط دانست زیرا اگر چنان بپنداریم که انسان امروز بدون قید و شرط مقید بفرمان انقلابات بزرگ تکنالوژی و ماشینی با شد گویا از قدرت ابتکار و ابداع انسان انکار نموده ایم بلکه حقیقت او چنان است که به درجه اول انقلاب تکنالوژی و ماشینی زاده دماغ انسان مبتکر و مخترع است . به درجه دوم این اختراعات و اکتشافات برای پیسود و آسایش زندگی همه افراد و جوامع بشری و فراهم آوردن تسهیلات در راه انجام کار و زندگی انسان است تا انسان در راحت کند و فرصت مزید فکر کردن را بیابد و مصدر ابتکارات و اختراعات مزید بشود . پس اختراعات و تکنالوژی و ماشینی ها تابع اراده بشر و برای بهبود حیات و تأمین صلح و سلام مردم گیتی اند نه آنکه انسان تابع و غلام آن (محیط ماشینی خود) بدون قید و شرط بشود . بحث تأثیر محیط و استعداد از سالیان متصادی و عصر های دور و درازی بما میراث مانده است که با لاخره علمای شرق و غرب به نقش هر دو صلح کرده اند و به این حقیقت گراییده اند که هر دو ، هم محیط و هم استعداد اثری در تثبیت شخصیت فرد فرد انسان و بوجود آوردن ابتکارات و اختراعات و کشف حقایق و تعمیم آن نقش تعیین کننده دارند که نمیتوان یکی از آن را بر دیگری رجحان

داد . به این شکل بین مکتب پیروان اصالت محیط و وراثت صلح و آتشی برقرار شده است . از آنجا است که علمای جید و مبتکر جهان را نمی توان محض مربوط به کشور خاص و یک محیط بخصوص محدود دانست بلکه خدمت بزرگ و جهان شمول آنها به آنها شخصیت بین المللی داده است چنانکه شخصیت علمی یا لوف فزیولوژی دان معروف شوروی و فروید اطریشی و امثال آن محدود و منحصر بیک کشور خاص

نیست . به این شکل بین مکتب پیروان اصالت محیط و وراثت صلح و آتشی برقرار شده است . از آنجا است که علمای جید و مبتکر جهان را نمی توان محض مربوط به کشور خاص و یک محیط بخصوص محدود دانست بلکه خدمت بزرگ و جهان شمول آنها به آنها شخصیت بین المللی داده است چنانکه شخصیت علمی یا لوف فزیولوژی دان معروف شوروی و فروید اطریشی و امثال آن محدود و منحصر بیک کشور خاص

نمی ماند بلکه براساس جهان تعلق میگیرد چنانکه در کشور های بورژوازی از باولوف پیروی می کنند و نظریات او را وائسن و سیکز بحد اعلی آن اکتشاف داد .

همچنان جان دیوی در تعلیم و تربیه و روان شناسی یکی از شخصیت های برانزده است که پیرو اصالت تطبیق نظر در عمل است و روزگار انی علمای اتحاد شوروی نظریات او را و خاصتا آموزش از طریق عمل او را مورد تطبیق قرار داده و میدهند .

۳- اکنون می پردازیم به تحلیل تعریف روان شناسی و آلتاریک بر اساس آن مقالات من انتقاد شده است .

انتقاد کننده محترم اگر مقالات نگاه رنده

را که در شماره های (۱۶-۱۷ و ۱۷) مجله وزین ژولنون نشر شده است بغسور مطالعه می نمودند در می یافتند که محض در آن مقالات تعریف روان شناسی با کم و کیف آن در شرایط عینی و تجربی بحیث علم سلوک جا نداران و خاصتا بشر برای تنویر اذهان جوانان مترقی

و وطن خواه و خانواده های محترم معرفی گردیده است . من کجا از روان شناسی اجتماعسی و شعبات آن به تفصیل بحث کرده ام تا فرمایشات انتقاد کننده محترم مد نظر گرفته می شد . مرا با آنکه از افکار مترقی زیکنند فروید اطریشی بفتح یورژوازی استناده شده است چه کار و غرض است . من هم آترا به نوبه خود نادوست و ناشایست می پندارم که نظر عامی را بر اساس اغراض شوم و پلید خود بر غلط توجه کنند .

از آنجا که انتقاد کنند محترم مقاله مرا که تحت عنوان « روان شناسی از جا بحث می کند » انتقاد کرده نوشته اند . استاد محترم فاضل بدون آنکه این اصل و انحصار اقتصادی بانحصار علمی همراه شده هست ، آشتنگی اجتماعی به پریشانی جامعه شناسی (روان شناسی) کشیده است ... را مد نظر بگیرند و حتی

به مقام بسیار اعلای خطوط اساسی وظایف انقلابی ج.ا.د. استناد کرده اند و از ایجاد یک سیستم مترقی فرهنگ ملی و تجدید نظر بر کلیه پروگرام های درسی یاد آورنده و نوشته مرا ارتجاعی خوانده اند نخست گله مندم زیرا من خود را در نخست های کشور عزیز خود و در تربیت جوانان سالم و وطن دوست و بوجود آمدن فرهنگ ملی و ورود تحول در نظام تربیتی بر حسب احتیاج و نیاز مند یهای اطفال ، جوانان و وطن ماسیم میدانم و به کسی حق نمیدهم تا بر من همچو تهمت را وارد کنند .

دوم عبارات رنگین و پر کینگی که ناقد محترم جامعه شناسی را عین روان شناسی دانسته است نه من و نه آنکه روان شناسی می داند موافق خواهد بود . از همین جا است که تحلیل انتقاد کننده در باره مقالات من نا درست است . زیرا آنچه بر آن استناد شده و مسایل اقتصادی

1980 قوس ۱۳۵۹

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ جدی ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1981 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ دی ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1981 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ بهمن ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

سپتامبر ۱۳۵۹

هدیه ژوندون

۱ و ۸

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ میزان ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ مهر ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۱۳۵۹ اسفند

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ سنبله ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ اسفند ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ شهریور ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ جوزا ۱۳


شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

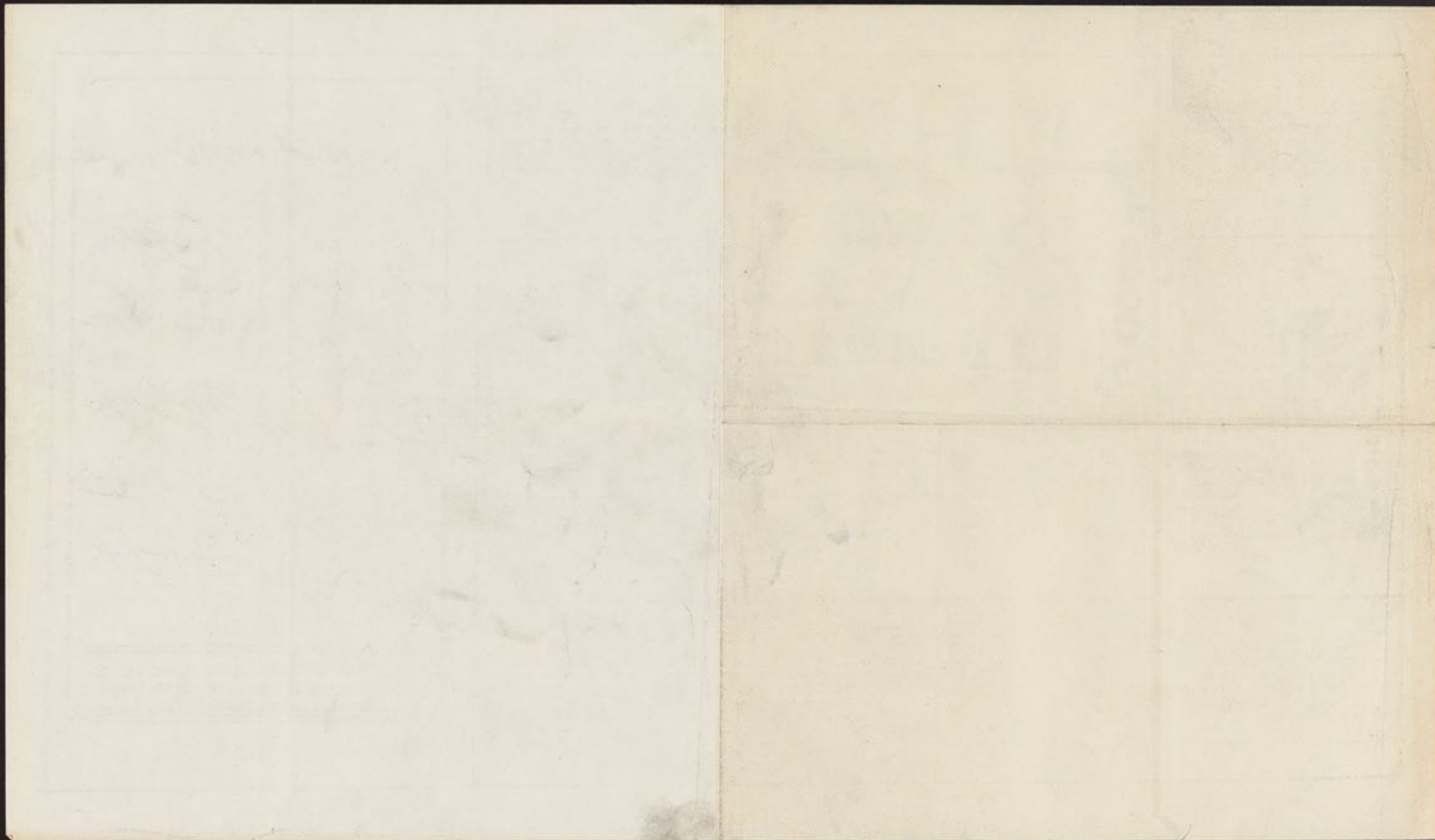
1980 ۱۴۰۱ هجری شمسی
۵۹ سرطان ۱۳

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰					

سال نو، بهار نو، بهار نو

بیابان خنک فرستاد ز کس
گلرگد در باغ را باز نسخ
درختان شگفتی بر طرف باغ
برافروخته هر گهر چون چرخ
راز آینه سیمگون سکه نو بهار
دم ریو نسخ بر لب جویبار
سهر سرور را بال بر شرفراخ
ز سیمار سبزه فرو شو کرد
که روشن بشستغ شوه لا جور







چند صحنه از مراسم عزاداری
 پدران، مادران، خواهران و
 برادران داغ دیده کشور ستمدیده
 ماله عزیزان خه رادر دور از دیار توری
 امین جلاد و باند جایتقاروی
 از دست داده و در روز
 غلام بلبله از طرف جمهوری
 دموکراتیک افغانستان
 اعلام کرده شرکت در زمینند.

Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English